

شهاب میراث

نشریه کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی،

شناسه پستی ۳۷۱۵۷

تلفن: ۸-۷۷۴۱۹۷۰-۷۷۴۳۶۳۷

اینترنت:

WWW.MarashiLibrary.com or net or org

پست الکترونیک:

SM-Marashi@MarashiLibrary.org

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: دکتر سید محمود مرعشی نجفی

سر دبیر: محمد اسفندیاری

ویراستار: محسن علی بیگی

حروفزنی و صفحه آرایی: محمد محمدی

● میراث شهاب، مشتمل بر اخبار کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) است

و در ضمن آن به مسایل ذیل می پردازد:

- معرفی نسخه های خطی کتابخانه.
- تصحیح رساله های خطی کتابخانه.
- معرفی کتابهای چاپی نفیس کتابخانه.
- معرفی انتشارات کتابخانه.
- گزارش سفرهای علمی محققان کتابخانه.
- مقالات ویژه کتاب پژوهی و نویسندگی.
- مقالات ویژه کتابداری و کتابشناسی.
- مقالات ویژه معرفی کتابخانه ها.

● هرگونه استفاده از مطالب میراث شهاب منوط به ذکر مأخذ است.

● مسؤولیت مطالب هر مقاله به عهده نویسنده آن است.

● مقالات رسیده، بازگردانده نمی شود.

● میراث شهاب در ویرایش مقالات آزاد است.

● میراث شهاب در پایان هر فصل منتشر می شود.

فهرست مطالب

آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره)	الرحلة الاصفهانية
تحقیق علی رفیعی علامرودشتی	نسخه‌های جدید کتابخانه
سید محمود مرعشی نجفی	مؤلف ربیع الشیعة
سید محمود مرعشی نجفی	شیفتگان کتاب
علی رفیعی علامرودشتی	کراسه
ایرج افشار	شناختنامه الذریعه
محمد اسفندیاری	نسخه‌های خطی کتابخانه عارف حکمت
سید محمود مرعشی نجفی	یاور انقلاب
محمدباقر بدوی	

یادگار نوشته‌های دانشوران در دیدار از کتابخانه آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی ۶۹

مکتوباتی به تولیت کتابخانه و مجله میراث شهاب ۷۳

اخبار و آمار کتابخانه در سال ۱۳۷۹ ۸۱

برخوردار است. اساس بنای آن به قرن‌ها پیش بازمی‌گردد. برخی نوشته‌اند که ریشه و اساس آن مربوط به دوره کیانیان است؛ مهندسان رومی، سنگ‌های زیرین مثلث خروجی را که برای کم نمودن قوه آب است، به کار برده و مانند کشتی‌های زیر جسر ساخته‌اند. به عهد هر سلطانی، در آن بنیانی افزوده و تعمیر شده، از آن جمله در دولت امیر خسن و فرمانروایی سلطان خلیل یا برادرش (سلطان یعقوب) و دیگر تراکمه آق‌قویونلو، تعمیراتی در آن انجام یافته است. در دوره صفویان و ایام زمامداری شاه عباس کبیر، طبقه دوم بالای پل ساخته شده و در زمان بیگلربیگی گری صدر اصفهانی، روی مرتبه فوقانی، بالاخانه‌ی به نام وی ساخته شد که در ۱۳۱۰ قمری، اجزای ظل‌السلطان، آن را خراب کردند. دو اتاق نقاشی محیرالعقول، بالای طبقه دوم نیز در زمان صفویه تزیین و تعمیر شده. در بالای پل خواجه، کاشی کارهای خوبی بود که بسیاری از رنود ربودند. در ۱۰۷۷ قمری، سال فوت شاه عباس دوم، تعمیر و بنایی روی این پل انجام گرفت: تاریخ اصفهان، جابری انصاری، ص ۱۰۷، ۱۲۱، ۱۲۲؛ الاصفهان، ص ۱۶، ۴۹، ۵۲، ۲۲۷.

۳. مدرسه مریم بیگم، واقع در محله حسن‌آباد اصفهان و در ابتدای محله خواجه و در بازارچه چهارسوق نقاشی که در آغاز، کاروان‌سرای مخرابه بود و مریم بیگم صفوی، آن را خریداری کرد و در جای آن مدرسه‌ای بنا نمود و آن مدرسه، به نام وی نامیده شد. طول و عرض این مدرسه ۶×۶۰ ذرع، و به قولی مساحت کل آن نزدیک به ۷۵۰ ذرع، و به قولی دیگر چهارجریب است. مریم بیگم، پس از ساخت آن، موقوفاتی برای آن تعیین کرد که این موقوفات در اصفهان، تبریز، بسطام، قزوین و برخی شهرهای دیگر بودند که برای تعمیرات و توسعه مدرسه و حقوق طلاب مدرسه، مصرف می‌شد، اما به دلایلی از جمله، شرایط سخت و مشکل وقتنامه و خرابی محله‌های حسن‌آباد و خواجه، این مدرسه نیز، خالی از سکنه و طلاب شد و به مرور زمان مخرابه گردید. در زمان رضاخان پهلوی، آن را خراب کردند و به جای آن، دبستانی جدید ساختند: تاریخ اصفهان، جابری، ص ۱۳۱، ۱۴۰؛ تاریخ علمی اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ۲۹۴/۳-۲۹۹؛ نصف جهان در تعریف اصفهان، ارباب، ص ۵۰، ۵۲، ۷۲؛ الاصفهان جناب، ص ۶۸؛ تاریخچه اوقاف اصفهان، ص ۲۹۸-۳۱۶؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان.

۴. مریم بیگم (زنده ۱۱۱۵ ق/ ۱۶۰۶ م) دختر شاه صفی و خواهر شاه سلطان حسین صفوی، از زنان مقتدر و نیکوکار آن روزگار. در برخی از منابع، وی را دختر شاه سلیمان صفوی نوشته‌اند که منظور همان شاه صفی است؛ (نک، منابع پیشین).

۵. در اصل ۱۰۱۵ است که به احتمال قوی اشتباه است؛ زیرا جابری انصاری در مورد آن چنین نوشته است: «... آن مدرسه قریب سه جریب و نیم، در چهارسوق نقاشی و سردر کاشی خط [ثلث علینقی امامی، مورخ به سال ۱۱۱۵ است]». و باز همو نوشته است: «مدرسه مریم بیگم در ۱۱۰۵ به شاهی سلطان حسین بناشده» به این ترتیب تاریخ کتیبه سردر مدرسه نمی‌تواند ۱۰۱۵ باشد، مگر اینکه کتیبه را مربوط به تاریخ بنای کاروان‌سرابدانیم که احتمال دارد در ۱۰۱۵ قمری ساخته شده باشد؛ (نک، تاریخ اصفهان، ص ۱۳۱، ۱۴۰).

۶. تاریخ وقف‌نامه‌های این مدرسه که در کتاب تاریخچه اوقاف اصفهان آمده به این شرح است:

الف. کتیبه سردر مدرسه مریم‌بیگم که اکنون در موزه ایران باستان، در تهران موجود است و به خط علینقی امامی است، مورخ ۱۱۱۵ قمری می‌باشد و به این ترتیب تاریخ ۱۰۱۵ قمری، درست به نظر نمی‌رسد.
ب. دو لوح سنگی به خط علینقی امامی، مورخ ۱۱۱۶ قمری را که نشان‌دهنده آن است که مدتی بعد از بنای مدرسه، نوشته شده است.

الرحلة الاصفهانية

آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره)

تحقیق علی رفیعی علامرودشتی

بخش سوم

لباب سیر [یوم السبت^۱] التاسع من ربيع الاول سنة ۱۳۵۰.
فی‌الایات عن تخته فولاد من طریق پل خواجه^۲.

[مدرسه مریم بیگم: ۳]

انها عمّرت بامر مریم بیگم بنت‌الشاه صفی الصفوی^۴.

[تاریخ] کتیبه سردر مدرسه، سنه ۵۱۱۱۵ هـ [هجری است].

[و تاریخ] کتیبه مدرسه مریم بیگم، سنه ۶۱۱۱۶ هـ [هجری است].

[الباباء السبعة:]

۱. در اصل: «لباب سیر شنبه»، که برای هماهنگی با دیگر سرفصل‌ها، «یوم السبت» آورده شد.
۲. پل خواجه، بر روی زاینده رود ساخته شده و از پیشینه تاریخی زیادی

مقبره بابا^۱ بدلا^۲، احدالباباء السبعة المدفونین باصبهان و هم: بابارکن الدین^۳ و بابا عبدالله سقلا^۴ و باباقاسم^۵ و بابا یحیی^۶ و بابا بدلاء، احدها بابا رکن الدین فی تخته فولاد.

مدرسه مرحوم ثقة الاسلام مسجدشاهی^۷، تاریخ اتمام، سنه ۱۳۱۷ [هجری] ۲۴ حجره و یک مدرس^۸ [دارد].

مسجد واقع قریب تلک المدرسة، بنی بامر اعتماد الدولة المیرزا محمدتقی^۹، من امراء الدولة السلطان الشاه عباس الصفوی الثانی، ابوالمظفر السلطان بن السلطان بن السلطان و تاریخ الاتمام، سنه

۷۱۶ق/ ۱۳۱۶م) معروف به «سقلا» که مخفف همان عسقلانی است. عارف، صوفی و زاهد که در مقبره منارجنبان مدفون است و در بخش اول به آن اشاره کردیم.

۵. ابوالقاسم محمد، معروف به «باباقاسم» (متوفی به سال ۷۴۰ق/ ۱۳۳۹م) از عارفان عامه که شرح حال وی ارجای خود خواهد آمد.

۶. بابا یحیی (متوفی به سال ۱۱۵۳ق/ ۱۷۴۰م) از عارفان مشهور اصفهان که شرح حال وی در شرح تکیه بابارکن الدین گذشت.

۷. شیخ علی بن محمد باقر بن محمدتقی بن عبدالرحیم رازی تهرانی اصفهانی (۱۲۷۱-۱۳۱۸ق/ ۱۸۵۴-۱۹۰۰م) معروف به «ثقة الاسلام» و «مسجد شاهی» قییه اصولی و از مجتهدان و مراجع معروف اصفهان. او در اصفهان دیده به جهان گشود و پس از فراگیری مقدمات علوم، نزد پدر خود و دیگران، به نجف اشرف عزیمت کرد؛ در آنجا نزد شیخ مهدی نجفی، میرزا حبیب الله رشتی، میرزا بزرگ شیرازی و شیخ راضی نجفی دانش آموخت و به مقام اجتهاد نائل شد. سپس به اصفهان بازگشت و در آنجا به تدریس، تألیف و اقامه جماعت و ارشاد مردم مشغول گردید. وی آثار خیریه‌ای از خود به جای گذاشت که از آن جمله، همین مدرسه علوم دینی است. سرانجام در روز سه شنبه چهارم شعبان ۱۳۱۸، دیده از جهان فرو بست و جنازه‌اش، به نجف اشرف انتقال یافت و در کنار قبر برادر خود، شیخ محمدحسین، به خاک سپرده شد. او دارای آثار و تألیفاتی است که از آن میان می‌توان به آثار زیر اشاره کرد: لسان الصدق (فارسی، در مواظب)، حاشیه مجمع المسائل؛ رساله فی الولایات و رسائل دیگری به فارسی در اصول دین، گناهان کبیره، مناسک، آداب نماز شب و جز اینها، که بیشترشان چاپ شده است؛ تاریخ اصفهان جابری، ص ۱۲۹، ۱۳۷، ۱۴۳؛ الاصفهان، ص ۶۸؛ طبقات اعلام الشیعه (قرن الرابع عشر)، ۱۳۴۸/۲؛ الذریعة، ۴/۱۱، ۸۷، ۳۰۱/۱۶، ۲۵۹/۱۷، ۲۶۷/۲۲، ۱۴۲/۲۵، ۲۱۹، تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۲۳-۲۲۴؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ۲۹۲/۳-۲۹۳.

۸. مدرسه ثقة الاسلام مسجد شاهی، واقع در محله حسن آباد که گویا در مکان این مدرسه، پیش از آن نیز، مدرسه‌ای بوده است که ساروتقی وزیر شاه صفی و شاه عباس دوم، در حدود نیمه دوم سده یازدهم هجری، ساخته بود، اما به مرور زمان خراب شده بود، تا اینکه مرحوم ثقة الاسلام، در سال ۱۳۱۷ قمری، آن را تجدید بنا کرد. مساحت این مدرسه، یک جریب و نیم، به طول و عرض چهل متر مربع با ۲۵ حجره که تعداد طلاب ساکن در آن نیز، در ۱۳۴۶ قمری، چهل نفر بوده‌اند. مدارس آن در سمت شمال مدرسه قرار داشت و در پیشانی مدرس، اشعاری از طغزل شاعر معروف آن زمان بر روی کاشی نوشته شده که ماده تاریخ بنای ساختمان، (سال ۱۳۱۷ قمری)، را نشان می‌دهد. این مدرسه در طرف جنوبی مسجد ساروتقی واقع شده است؛ تاریخ علمی اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ۲۹۲/۳-۲۹۳؛ تاریخ اصفهان جابری، ص ۱۳۹، ۱۴۳.

۹. میرزا محمدتقی بن میرزا هدایت الله تبریزی اصفهانی، ملقب به «اعتمادالدوله» و مشهور به «ساروتقی» (متوفی به سال ۱۰۵۵ق/ ۱۶۴۵م) وزیر شاه صفی و شاه عباس دوم صفوی، مردمی کاردان و باکفایت و دلیر بود و به علت رشادتش، وی را «ساروتقی» می‌گفتند؛ که به معنای شیرتقی می‌باشد. وی به دلیل همین رشادت و استعداد و کاردانی، به مقام صدارت رسید و خدمات بزرگی انجام داد و آثار خیریه‌ای بنا نهاد که از آن جمله، مسجد، مدرسه، بازار و کاروان سرا بود. او به دست جانی خان کشته شد. قبرش در محله خواجو در امامزاده سید علی قرار دارد؛ تاریخچه محله خواجو، ص ۶۶؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۲۱۶؛ تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۵۰-۲۵۱؛ تاریخ اصفهان، ص ۱۲۹.

۱. در سده‌های هفتم و هشتم هجری، در ایران و بویژه در اصفهان، گروهی از عارفان و بزرگان اهل تصوف به «بابا» شهرت داشته‌اند و برخی از آنان که در اصفهان، سکونت داشته و در آنجا درگذشته‌اند، عبارتند از: باباشیخ احمد در قریه سه‌رو و فرزندان از بلوک لنجان؛ بابا الهی در مقبره طوقچی؛ بابا الله در محله جویباره؛ بابا امیر که یکی از باغ‌های چهارباغ به او منسوب است؛ بابا بدلا که در مورد آن توضیح خواهیم داد؛ بابا بیات، مدفون در اواخر گورستان تخت فولاد که اکنون جزو فرودگاه اصفهان است؛ باباتوتا (توتاب) در محله جویباره؛ باب جوزا در نزدیکی شاه میرحمزه؛ بابا حسن در کوچه شله‌رنگ کن‌ها؛ باباشیخ حسین، نزدیک قریه بوده سمیرم؛ بابادنبه در پشت باغ نو؛ بابا رکن الدین؛ بابا سرخ؛ بابا سفید در اطراف اصفهان؛ بابا سلطان؛ بابا سنگی، پشت مسجد جامع؛ بابا شهاب الدین در قریه آزادان؛ بابا شیر در بازار حسن آباد؛ باباصلت در مقبره طوقچی؛ بابا عباس؛ بابا عبدالله در قریه خوزان سیده مارین؛ بابا عبدالله، پشت مسجد سلام؛ بابا عبدالله در لنجان؛ بابا عریان در مقبره طوقچی؛ بابا علمدار در محله الیاداران؛ باباشیخ علی در لنجان؛ باباقادر در مقبره طوقچی؛ باباقاسم؛ بابا لنگر در نزدیکی آلور در بلوک کرون؛ بابا لکات در تخت فولاد؛ بابا متکا؛ بابا محمود در لنجان؛ بابا ملا در قریه زیران رویدشت؛ بابانوش، نزدیک سنبلستان؛ بابا وحدی (اوحدی) در لنجان؛ بابا یحیی در تکیه بابا رکن الدین در تخت فولاد؛ باباشاه عراقی؛ بابا محمد علی و بابا قلندر. تمامی این باباها در اصفهان بوده‌اند و در همان‌جا نیز در گذشته‌اند. در زمان صفویان، کسانی که صاحب تکیه و خانقاه بوده‌اند نیز «بابا» خوانده می‌شده‌اند؛ مانند باباحسینی که مدتی در حیدری خانه بود و باباسلطان قلندر که شاه عباس، بابایی تکیه حیدر، واقع در چهارباغ اصفهان را به او داده بود. تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۵۲-۱۵۳؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۶۴؛ تذکره نصرآبادی، ص ۱۴۰، ۲۸۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۲۴.

۲. بدلاء، در اصل عنوانی است برای گروهی از اولیاءالله که در عالم فقط هفت تن بوده‌اند و آنان غیر از ابدال هستند که تعدادشان هفتاد نفر است و بابا بدلائی که در اینجا ذکر شده، یکی از باباهای هفتگانه معرفی شده و معلوم نیست که جزو بدلاء هفتگانه است یا خیر. به هر حال وی در محله دروازه حسن آباد اصفهان، دارای بقعه و بارگاه و مقبره است؛ لغت‌نامه دهخدا، ذیل کلمه «بدلاء»؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۶۴؛ تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۵۲.

۳. بابارکن الدین مسعود بن عبدالله انصاری جابری بیضوی فارسی (متوفی به سال ۷۶۹ق/ ۱۳۶۷م) عارف نامدار سده هشتم هجری که یکی از باباهای هفتگانه مدفون در اصفهان، در گورستان تخت فولاد است که شرح حال وی پیش از این در بخش نخستین این سفرنامه، به تفصیل ذکر شد.

۴. بابا عبدالله یا عمو عبدالله عسقلانی، فرزند محمد بن محمود (متوفی به سال

۱۰۵۳، [الهجرية] والكتيبة بخط الميرزا محمدتقی الامامی^۱.

[روضه الامامزاده احمد]:

[روضه] الامامزاده احمد^۲، تاریخ تعمیره زمن السلطان الشاه سلطان حسين الصفوی و تاریخه سنة ۱۱۱۵ [الهجرية] بخط احمد الحسينی و ينسب هذه الروضة^۳ الى احمد بن علي بن مولانا الباقر (ع) و عند قبر امامزاده حجر منقوش في اطرافه هذه العبارة: «آمين يا رب العالمين في تاريخ الخامس عشر من ربيع الاول سنة ثلاث و ستين و خمسمائة (۵۶۳)، حدثني الاستاذ فرج الله، أنه حجرجاء به سلطان محمود الغزنوی، من سومنات هند و كان علي هذا الحجر، صلصم كسره و كان عليه خطوط، كأنه موارد ضرب؛ قال الاستاذ فرج الله، أنها موارد ضرب سيوف المسلمين في سومنات و آلتهم لكسر الاصنام، والله العالم و تعمیر ضريحه من ظل السلطان بن ناصرالدين شاه قاجار.

و في بقعة امامزاده احمد، قبر الميرزا محمد الشاعر، المتخلص [ب] «خجسته» المتوفي سنة ۱۱۹۰ [الهجرية] و له ديوان شعر.

و في صحنة قبر آقاسليمان خواجه باشی، وفاته سنة ۱۲۰۲ [الهجرية]. مدرسة مشهورة بعبان^۵؛ عدد الحجر ۲۵، قريبه^۶ الى الخراب.

۱. مسجد ساروتقی، از مساجد دوره صفویه است و در محله حسن آباد، در نزدیکی مدرسه فعلی ثقة الاسلام مسجد شاهی و به محاذی ضريح امامزاده احمد قرار دارد. سردر آن به نام شاه عباس دوم است به سال ۱۰۵۳ قمری، و تذهیب سقف داخلی گنبد کار استادان بزرگ نامی است. مساحت آن بیش از یک جریب و در ۱۰۷۷ قمری نیز، تزیینی بر آن افزوده اند: تاریخ اصفهان جابری، ص ۱۲۹، ۱۴۳.

۲. احمد بن علی بن امام محمدباقر (ع) و یا سیداحمدبن سیدبن سیدمصوم معروف به «امامزاده احمد» از نوادگان امام پنجم (ع). سال تولد و مرگ وی دانسته نیست و از زندگی وی نیز اطلاع دقیقی در دست نیست. پدر وی علی بن امام محمدباقر (ع) از بزرگان راویان و محدثان بود و قبر وی در نزدیکی کاشان دارای گنبد و بارگاه است. امامزاده احمد، دارای مقام علم و تقوا بوده و در اصفهان دیده از جهان فرو بسته و در بقعه و بارگاهی که در محله دروازه حسن آباد است، به خاک سپرده شده است: تاریخ اصفهان، ص ۱۲۴-۱۲۵؛ رجال اصفهان، ص ۱۷۱؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ص ۱/۵۱۸-۵۱۰؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، مقدمه، ص ۱/۵۱۸-۵۱۰؛ ریاض العلماء، ۲/۸۰؛ بناهای آرامگاهی، ص ۹۵-۹۶.

۳. بقعه امامزاده احمد، در محله حسن آباد و در کوچه امامزاده احمد واقع است. وی به قولی به امام زین العابدین و به قولی دیگر به امام محمدباقر منسوب است. ساختمان امامزاده عبارت است از بقعه کوچکی با گنبدی محقر بدون کاشی کاری و در داخل حرم کتیبه‌های گچ بری شده وجود دارد که بر روی آن، سوره «صافات» و قسمتی از سوره «دهر» نوشته شده و مربوط به دوره صفویه است. قدیمی‌ترین تاریخ آن ۵۶۳ قمری، مصادف با زمان سلطان ارسلان بن ظفر و دوره وزارت جلال الدین بن قوام الدین است. مجموعه بنای امامزاده احمد، مشتمل بر یک بقعه و دو ایوان، یکی در شمال و دیگری در غرب است. بقعه مشرف به جاده است و صحن وسیعی دارد که عده‌ای از بزرگان از جمله‌های شیرازی در آن مدفون شده‌اند. خود آرامگاه به شکل مربع به اندازه چهار قدم از

زمین بلندتر است. قدیمی‌ترین اثری که در این عمارت وجود دارد، سنگ سیاه رنگی به درازی ۳ متر است که در آستانه امامزاده در پایین پنجره مشبک چوبی مشرف به جاده قرار دارد.

جابری انصاری، نوشته است که در گذشته، پشت به دیوار ضریح و رو به ارسی منظر این محل، قطعه سنگی دیگر بود که بر روی آن این عبارت نوشته شده بود: «تجدید عمارت مزار امامزاده سیداحمدبن سیدعلی بن سیدمصوم از اولاد امام محمدباقر (ع) کمترین خادمان: شاه قلی بن علی قلی بن علی برزین، به سال ۵۳۷ نمود با سال رحلت». سپس نوشته که بلندی آن سنگ منصوب سیاه به دیوار، عشری کمتر از یک متر و عرض آن نیم ذرع بود و آن را بعضی سنگ الماس سیاه می‌دانستند که در سال ۱۳۰۷ شمسی، شبانه آن را دزدیدند و فروختند و راهی اروپا شد. محدث قمی، به نقل از «ریاض العلماء» نوشته است که: سنگی در بقعه است به خط کوفی که بر آن چنین نوشته شده: «بسم الله الرحمن الرحيم كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ؛ هذا قبر احمد بن علي بن محمد الباقر - عليه السلام - و تجاوز عن سيئاته و الحقه بالصالحين».

ساختمان بقعه، اکنون یکی از آثار باستانی اصفهان است. تعداد هشت کتیبه در سردر، ایوان، بقعه، اطراف ضریح و سقاخانه آن موجود است که قدیمی‌ترین آنها دارای تاریخ ۱۱۱۵ قمری و جدیدترین آنها مربوط به سال ۱۳۲۱ قمری است: تاریخ اصفهان جابری، ص ۱۲۴-۱۲۵؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۷۱؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، مقدمه، ص ۱؛ تاریخ علمی اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ۱/۵۱۶-۵۱۸؛ ریاض العلماء، ۴/۲۱۷؛ منتهی الآمال، ۲/۸۰؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۶۷۳ به بعد؛ بناهای آرامگاهی، ص ۹۵-۹۶؛ آثار ملی اصفهان، ص ۷۴۲-۷۴۷؛ هنر ایران گذار، ۴/۲۱۶-۲۱۷؛ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان، نیکزاد، ص ۸۸-۸۹؛ آشنایی با شهر تاریخی اصفهان هنرفر، ص ۱۵۲.

۴. میرزا محمد متخلص به «خجسته» (متوفی ۱۱۹۰ ق/ ۱۷۷۶ م) ادیب و شاعر اصفهانی. از تاریخ تولد و زندگانی وی اطلاعی در دست نیست. گویا صاحب دیوان بوده است. وی در صحن امامزاده احمد، جنب مسجد شاه اصفهان مدفون است: رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۷۱؛ اللدريعة، ۱/۲۹۰؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۱؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «خجسته»؛ اثر آفرینان، ۲/۳۳۹.

۵. مدرسه عربان، واقع در محله حسن آباد، بالاتر از بقعه امامزاده احمد، یکی از مدارس قدیمی اصفهان است که تاریخ بنیان آن به پیش از دوره صفویه برمی‌گردد و چون در زمان صفویان، بیشتر طلاب آن را عرب زبانان، تشکیل می‌دادند، به این نام شهرت یافت. این مدرسه، هیچ‌گونه آثار تاریخی و امتیازی ندارد. طول و عرض آن به گفته جناب، هر کدام چهل ذلع است و تعدادی حجرهای آن ۲۰ عدد که در ۱۳۴۲ قمری دارای نه طلبه بوده است، اما شاردن نوشته است که این مدرسه دارای چهل اطاق است. آیت‌الله سید محمدرضا خراسانی آن را تجدید بنا کرد و میرزا حسن خان جابری انصاری درباره تاریخ تعمیر آن (۱۳۵۶ قمری)، دو بیت شعر سروده است:

چو تاریخ از جابری خواستند که باشد به تجدید بینان سزا
چو شد روشن از علم این مدرسه بگوشد «ز نور محمد، بنا»
در سال‌های اخیر که مدرسه را از محل خیریه علی همدانیان به کلی خراب و تجدید ساختمان کردند، اما کاشی‌های سردر مدرسه که نمودار تعمیرات آیت‌الله خراسانی بود، از بین رفت: تاریخ علمی اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ۲/۳۱۷-۲۹۲-۲۹۴؛ تاریخ اصفهان، ص ۱۳۹؛ الاصفهان، ص ۶۸؛ سفرنامه شاردن، ترجمه عریضی، ص ۲۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۶۳. ۶. کلمه «قریبه» یعنی نزدیک به بقعه امامزاده احمد است.

و مسجد^۱ بنت زمن الصفویة، قریبة من امامزاده احمد.

مقبرة المرحوم آقاجنقی^۲، تاریخ وفاته [۱۳۳[۲] الهجرية].

مدرسة الماسية^۳، استت بامر آقا الماس، زمن الصفویة و في محرابه لوح حجری، مشتمل علی موقوفات للحاج محمدکاظم، غلام خاصة شریفة، وقفها لهذه المدرسة، سنة ۱۱۲۱ [الهجرية]، عدد الحجر ۲۶ و مدرس فوقانی و مسجد.

لباب سير يوم السبت من ربيع الاول، بعد الورود من تخته فولاد:
قبرستان طوقچی^۴.

قبر علی بن سهل^۵ في خارج طوقچی في بقعة^۶ مخصوصة به و بجنبه قبر ملاابوالقاسم الذهبی الخراسانی^۷ العارف، وفاته

شعبان ۱۳۶۰، آیت الله حاج شیخ مهدی نجفی، اقدام در تصرف زمین مدرسه نمود و فوراً آن را تجدید بنا کرد و اکنون آباد و معمور است و عده‌ای از طلاب در آن به تحصیل مشغول هستند. این مدرسه در دو طبقه بنا شده و هیچگونه آثار تاریخی قابل ذکر ندارد، جز یک سنگ نوشته که در سال‌های اخیر مفقود شده است: تاریخ اصفهان، ص ۱۳۹-۱۴۰؛ تاریخ علمی اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ۲۹۱/۳-۲۹۲؛ الاصفهان، ص ۶۸.

۴. قبرستان طوقچی که گاهی به مزار علی بن سهل نیز نامیده شده، در مجاورت مصلاي قدیم اصفهان قرار داشته است. این قبرستان و یا محله که در روزگاران کهن «دریه» نام داشته و بعدها به عنوان «طوقچی» خوانده شده یکی از دو گورستان بزرگ قدیم اصفهان بوده که این گورستان، گویا به محله جوباره، تعلق داشته است و قبرستانی، چهار طبقه بوده است و به قولی در این گورستان که سابقه آن به پیش از اسلام می‌رسد، مردگان صابین نیز، دفن می‌شده‌اند. بخشی از این گورستان را میرزا باقرخان مشیرالملک فاطمی، تصرف کرد و باقی را شهرداری خراب و مسطح نمود و در آن کشتارگاه اصفهان ساخت؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ط از مقدمه و ص ۱۳۳ به بعد؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص ۱۶۹؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۲۷ به بعد.

۵. ابوالحسن علی بن سهل بن محمد بن زهر اصفهانی (متوفی به سال ۲۸۰ یا ۳۰۷ ق/ ۸۹۳ یا ۹۱۹ م) عارف بزرگ و نامور اصفهانی. تاریخ تولد وی دانسته نیست، اما نوشته‌اند که نزد جنید بغدادی، ابن معدان بناء اصفهانی و ابن حبیب دانش آموخته و کسانی مانند طبرانی، قشیری، همشاد دینوری، از او حدیث شنیده و دانش فرا گرفته‌اند: تذکرة الاولیاء، عطار، ۹۲/۲؛ طرائق الحقائق، ۱۷۹/۲؛ محاسن اصفهان، ص ۲۹ به بعد؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۳۸-۱۴۰؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۳۳-۴۳۴؛ تاریخ اصفهان، جابری، ص ۱۶۹، ۲۷۷؛ دائرة المعارف تشیع، ۳۵۲/۳؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، هنرفر، ص ۲۹۶-۲۹۷؛ سفرنامه ابن بطوطه، ص ۱۹۲؛ بناهای آرامگاهی، ص ۳۰۸؛ مجله یادگار، شماره ۸ «آثار ملی اصفهان» ص ۸۱۱-۸۱۳؛ کشکول شیخ بهائی، ص ۱۰۷.

۶. بقعة علی بن سهل در محله طوقچی واقع شده است. از قبه و ضریح علی بن سهل که از بزرگان عرفا بوده، با وجود موقوفات فراوان آن، اکنون اثری باقی نیست و آنچه در حال حاضر، برجای مانده، یک اتاق مختصر خشت و گلی و نوساز است. بنای قدیمی آن در تاریخ ۷۲۷ قمری از اهمیت فراوانی برخوردار بوده، چنانکه ابن بطوطه، جهانگرد معروف اندلسی، در سفر به اصفهان، به زیارت آن رفته و در آنجا مدتی منزل کرده است. وی در سفرنامه خویش نوشته است:

«در این شهر، در زاویه منسوب به شیخ علی بن سهل که شاگرد جنید بوده است، منزل کردم؛ این زاویه مورد احترام و زیارتگاه مردم اصفهان است و در آن، به مسافران غذا داده می‌شود و گرمابه‌ای عالی مفروش به رخام داد که دیوارهایش از کاشی است.»

این اتاق باقی مانده را یکی از مشایخ خاکساریه، در این سال‌های اخیر، به خائقه تبدیل کرده و در آن بساط ارشاد گسترده بود که اکنون از آن نیز، اثری جز یک اتاق مغروبه باقی نمانده که بعدها نوسازی شده است؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، هنرفر، ص ۲۹۶-۲۹۷؛ بناهای آرامگاهی، ص ۳۰۸؛ دائرة المعارف تشیع، ۳۷۲/۳؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۱.

۷. ملاابوالقاسم ذهبی خراسانی (متوفی ۱۲۰۳ ق/ ۱۸۸۵ م) عارف کامل و از مشایخ سلسله ذهبیه که در بقعة علی بن سهل مدفون است و از تاریخ تولد و زندگی وی اطلاعی در دست نیست؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۳۹؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۸۶.

۱. به احتمال زیاد، یکی از سه مسجدی است که میرزا محمد تقی ساورتقی، در محله حسن آباد بنا نهاد و این مسجد تقریباً نزدیک به محاذی ضریح امامزاده احمد است که در ۱۰۵۳ قمری بنا شده و در ۱۰۷۷ قمری نیز، تزییناتی بر آن افزودند؛ تاریخ اصفهان، ص ۱۲۹.

۲. شیخ محمدتقی بن شیخ محمدباقر بن محمدتقی بن عبدالرحیم تهرانی، معروف به «آقاجنقی» اصفهانی مسجد شاهی (۱۲۶۲-۱۳۳۲ ق/ ۱۸۴۶-۱۹۱۵ م) فقیه اصولی. وی در ۱۷ یا ۲۲ ربیع الثانی در اصفهان با به هستی نهاد و مقدمات علوم را در زادگاه خود، نزد پدران و دیگر آموخت و برای تکمیل معلومات و ادامه تحصیل، راهی نجف اشرف شد و در حوزه‌های درس میرزا محمد حسن شیرازی، شیخ راضی نجفی، حاج سید علی شوشتی، شیخ مهدی کاشف الغطاء و دیگران دانش آموخت و به مقام اجتهاد رسید. سپس به اصفهان مراجعت نمود و به تدریس، ارشاد و تألیف پرداخت و شاگردان بسیاری تربیت کرد و پیش از نود جلد کتاب تألیف نمود که سید مصلح‌الدین مهدوی، اسامی شاگردان و تألیفات وی را به تفصیل آورده است. ایشان روز یکشنبه یازدهم شعبان ۱۳۳۲، دیده از جهان فرو بست و در باغ صحن امامزاده احمد، در محله حسن آباد که در قدیم آن را محله باغات می‌خواندند، به خاک سپرده شد و بعدها جهت ایشان مقبره‌ای عالی با گنبد و بارگاه تهیه کرده‌اند؛ تاریخ علمی اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ۳۴۳/۱-۵۳۱؛ مکارم الآثار، ۱۶۶۲/۵-۱۶۶۵؛ معارف الرجال، ۲۱۶/۲؛ ریحانة الادب، ۵۷/۱-۵۸؛ اعیان الشیعة، ۱۹۶/۹؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن الرابع عشر)، ۲۴۸-۲۴۷/۱؛ مصفی المقال، ص ۹۵؛ الذریعة، ۲۱/۱، ۲۴، ۳۸۰، ۳۸۱، ۴۰، ۴۵، ۴۶، ۲۵۵، ۴۳۱، ۴۳۷، ۴۳۸، ۵۹/۱۹، ۳۳۲، ۷۴/۲۱؛ شرح حال رجال ایران، بامداد، ۳۲۶/۳-۳۲۷؛ علماء معاصرین، ص ۱۰۱-۱۰۲؛ فوائد الرضویه، ص ۴۳۸؛ الکنی و اللواب، ۶/۲؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی از ابن مشار، ۱۹۸/۲-۳۰۲؛ الاعلام زرکلی، ۲۸۸/۶؛ دانشنامه ایران و اسلام، ۱۱۹/۱؛ معجم المؤلفین، ۱۳۳/۹-۱۳۴؛ اثر آفرینان، ۵۷/۱؛ تاریخ اصفهان، ص ۱۲۵، ۱۳۷ و موارد دیگر؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۷۲-۱۷۵؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۶-۱۸.

۳. مدرسة الماسیه، واقع در بازار چهارسوق مقصود، از آثار دوره صفویه که به وسیله شخصی به نام حاج الماس، از غلامان خاصه پادشاهان صفوی، در تاریخ ۱۱۰۴ قمری و در زمان سلطنت شاه سلیمان صفوی، در دو طبقه بنا شده و طول آن ۲۰ و عرض آن ۳۰ ذرع و مساحت کلی ۶۰۰ ذرع و تعداد اطاق‌های آن ۲۰ که در مجموع در سال ۱۳۴۲ قمری، دارای ۱۴ طلبه بوده است، اما در سال ۱۳۵۵ قمری، اداره اوقاف اصفهان آن را خراب کرد و آجرهای آن را به شمن بخت فروخت و قصد داشت در آن عمارتی بسازد، اما پس از شهریور ۱۳۲۰ /

۱۳۰۳ [الهجرية].

و قريب منه في خارج البقعة، منار عظيم طويل، يسمّى عندهم بمنار «غبار سوخته»^۱ عتيق جداً، يوشك أن يكون من آثار سلطان سنجر.

ثم إذا وردت من باب طوقچی البلد، علی یمینک قبر صاحب بن عبّاد^۲، في بقعة^۳ مخصوصة به، و قريب علی يسارك بقعة فيه قبر يسمّى عندهم بـ «شاه مير اسد».

و قريب منه بقعة فيه قبر بابا قاسم^۴، احد الباءات المدفونين باصفهان و فوق بابها من الخارج كتيبة عبارتها انه عمر هذه البقعة، سليمان بن ابي الحسن طالوت الدامغاني في شهر سنة ۵۷۴۱ [الهجرية].

و بجنب هذه البقعة قبر الخطيب^۶ و منقوش علی حائط القبر:

سال وفات خطيب رفت چو هفتاد روز

طوقچی قرار داشته که در قدیم به نام «دریه» و یا «باب دریه» شهرت داشته است. در قدیم مقبره صاحب بن عباد نیز، به عنوان «قبه دریه» مشهور بوده است. این مقبره در واقع، در دالان خانه صاحب بن عباد که بسیار مجلل و عالی بوده، قرار داشته و او را بنا به وصیت خودش، در همانجا به خاک سپرده‌اند (نک: منابع پیشین).

۴. ابوالقاسم محمد، معروف به «بابا قاسم اصفهانی» (متوفی ۷۴۰ یا ۷۴۱ ق/ ۱۳۳۹-۱۳۴۰ م) یکی از هفت بابای معروف مدفون در اصفهان و از عارفان عامه و سنی مذهب که در اصفهان می‌زیسته و مدرسه‌ای نیز به نام او ساخته‌اند. تاریخ تولد وی دانسته نیست و از زندگانی وی نیز، اطلاعات اندکی در دست می‌باشد. وی در اصفهان روی در تقاب خاک کشید و پس از مرگش، شاگرد او سلیمان بن ابوالحسن شرف‌الدین طالوت دامغانی، بقعه و عمارتی شایسته بر مرقد او در ۷۴۱ قمری، بنا نهاد و در سال ۱۰۴۴ قمری، توسط آقاخان فرزند آقاجلال میوه فروش، مرمت شده است. آثار قبر بابا قاسم از بین رفته و در این بنا اکنون جز قبر پهلوان میرزا علی فرزند استاد حیدر، چیز دیگری مشاهده نمی‌شود، قبری محقر، تاریخ ۹۸۵ قمری برجاست: تاریخ اصفهان، ص ۱۱۹؛ تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۵۴؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۶۴ پاورقی و ص ۱۳۳-۱۳۴.

۵. بقعه بابا قاسم، واقع در طرف غرب خیابان هانف و حدود پانصد متر دورتر از مسجد جامع عتیق، در کوچه باباقاسم، یکی از ناب‌ترین گورهای هنر معماری ایران است که حفظ و صیانت آن برای تاریخ هنر ایران، از اهمیت والایی برخوردار است. در بقعه به طرف شمال است و دارای قطار بندی و کاشی‌کاری بسیار زیبایی است. داخل بقعه و خارج آن دارای تزئینات آجری و کاشی‌کاری است. گنبد آن هرمی شکل هشت ترک است که بر هر ترک آن یکی از اسماء‌الله نوشته شده است. بنای بقعه بر روی یک چهارضلعی قرار دارد و پوشش داخل یان به صورت گنبد نیم‌کروی است. کتیبه نواری شکل که بالای در ورودی بنا وجود دارد، به خط ثلث است که با کاشی معرق سفید بر زمینه آبی پررنگ ساخته شده است. عبارات این کتیبه که به مناسبت ساخت این بقعه نوشته شده به این شرح است: «بتوفیق الله الفرد بلاتانی و همة ولیه الربانی القطب الصمدانی، محمد بابا القاسم الاصفهانی، فی اتمام هذه المانی، تشرف العبد الجانی، سلیمان بن الحسن طالوت الدامغانی فی شهر سنة احدى و الاربعه [كذا] و سبعمأة» که در نوشته حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی و دیگران: «سنة احدى و الاربعین و سبعمأة» ثبت شده است که همین نیز، درست است.

دیوارهای این بنای هشت ضلعی نیز، با کتیبه‌های دیگری، تزئین شده که عبارتند از: اضلاع شمالی و جنوبی: «الله ربی»، اضلاع شرقی و غربی «اسلام دینی»، اضلاع شمال شرقی و جنوب غربی «محمد نبی»، اضلاع شمال غربی و جنوب شرقی: «علیاً امامی» و کتیبه‌های حاوی مطالبی درباره انجام تعمیرات بعدی در ۱۰۴۴ قمری، مبین تاریخی که این الحاقات و اضافات متعلق به افعال تشیع است به خط ثلث و به رنگ سفید، بر زمینه آبی تیره. در حاشیه بالای سردر بنا این عبارت نقل شده است: «توفیق یافت عزت... آقاخان بن آقاجلال میوه فروش، در تعمیر گنبد روضه... باباقاسم اصفهانی فی شهر رجب المرجب سنه ۱۰۴۴، کتبه محمدرضا الامامی»: آثار ایران، گذار، ۲۲۵/۴-۲۲۸؛ آثار ملی اصفهان، ص ۷۸۶-۷۸۹؛ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، مشکوتی، ص ۳۸؛ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان، ص ۱۲۳-۱۲۴؛ معماری ایران در عصر ایلخانیان: ص ۱۹۶؛ بناهای آرامگاهی (دایرة المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی)، ص ۲۵۵-۲۵۶ و منابع شرح حال بابا قاسم.

۶. در منابع و مصادری که در مورد اصفهان، در اختیار داشتیم، این بقعه و صاحب آن که به عنوان «خطیب» معرفی شده، شناخته نشد.

۱. در منابع تاریخ اصفهان که در اختیارم بود، مناره‌ای با این نام و نشان نیافتم، ولی جابری در فصل مربوط به محله طوقچی، نوشته است که در بیرون طوقچی (احتمالاً گورستان طوقچی) مناره‌ای به ارتفاع ۳۷ متر وجود دارد (تاریخ اصفهان، ص ۶) که احتمال دارد همین مناره باشد. مهدوی نیز، در ذیل «گورستان طوقچی»، اشاره‌ای دارد به مصلای قدیم اصفهان که در عهد سلاجقه، در مجاورت این گورستان بوده (محل فعلی مسجد صاحب‌الزمان)، سپس از مناره‌ای به نام «مناره باغ قوشخانه» نام می‌برد که در محل مصلی، قرار داشته و بعدها به صورت «مسجد باباسوخته» یا «قبا سوخته» در آمده است: تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، مقدمه، ص ۱۰۵؛ مساجد، دایرة المعارف بناهای تاریخ ایران در دوره اسلامی، ۲ ص ۵۵؛ آثار ایران، گذار، ۲۳۱/۴-۲۳۳.

۲. ابوالقاسم اسماعیل بن عبّاد بن عبّاس بن عباد بن احمد بن ادریس طالقانی، معروف به «صاحب» و «کافی الکفات» (۳۲۶-۳۸۵ ق/ ۹۳۷-۹۹۵ م) کاتب، ادیب و از وزران نامور آل بویه که در بسیاری از علوم چیره‌دست بوده و کتابخانه‌ای داشته است. وی در اصطخریا طالقان دیده به جهان گشود و مدتها از ابن عمید و دیگران دانش آموخت و چون تا آخر عمر ابن عمید مصاحب با او بود و یا چون تا آخر عمر مؤیدالدوله با وی مصاحب داشت و وزیر وی بود، به «صاحب» ملقب گردید. وی دارای آثار و تألیفاتی مهم در انواع علوم رایج آن روز می‌باشد. او در ۲۴ صفر ۳۸۵، در شهر ری دیده از جهان فرو بست و جنازه او را به اصفهان منتقل و در دالان منزلی در محله طوقچی به خاک سپرده شد: معجم الادباء، ۱۶۸/۶-۳۱۷؛ یتیمه الدهر، ۱۴۹/۳، ۲۱۵؛ نزهة الالباء، ص ۳۹۷؛ انباه الرواة، ۲۰۱/۱-۲۰۳؛ صاحب بن عباد، خلیل مردم‌بک؛ اعیان الشیعه، ۳۲۸/۳؛ تنقیح المقال، ۱۳۵/۱؛ روضات الجنات، ۱۹۷/۲-۴۳؛ طبقات اعلام الشیعه (قرن الرابع)، ص ۶۲-۶۳؛ معجم المؤلفین، ۲۷۴/۲-۲۷۵؛ تاریخ اصفهان، ص ۱۶ و موارد دیگر؛ تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۳۸-۱۳۹؛ آثار الوزراء عقیلی، ص ۱۹۷-۲۰۲؛ هدیه العباد، ادیب حبیب آبادی در شرح حال صاحب بن عباد؛ تاریخ قم، ص ۲۰۲ به بعد؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۳۴-۱۳۷؛ الکنی و الالقاب، ۳۶۵/۲؛ ریحانة الادب، ۸۹/۸-۹۶؛ اثر آفرینان، ۵/۴-۶.

۳. مقبره صاحب بن عباد، در محله طوقچی و به تعبیر درست‌تر در بیرون دروازه

هادی نام و نشان گفت خرد «یا غفور»^۱

و قریب منه فی الشارع، مسجد يعرف ب«مسجد شیشه گری»^۲؛ تاریخ تعمیره فی بعض کتابه سنة ۱۲۹۰ و فی بعضها سنة ۱۳۳۰ [الهجرية].

و فی وسط طوقچی قبر ملا شمس الدین محمد النصر آبادی^۳ و کانت علی لوح قبره هكذا: «العلامة الزاهد الحکیم المتوفی سنة ۱۱۵۰ [الهجرية].

و قریب منه قبر المیرزا عبدالله^۴ بن معز الدین محمد^۵ جد آل المعزی فی دزفول و اهواز و کاظمین و من هذه السلسلة، صاحب المقایس. و المیرزا عبدالله هذا: کان فقیهاً، عالماً، محدثاً و والده معز الدین، کان من علماء من الشاه طهماسب الاول.

لباب سیر یوم الاحد عاشر ربیع الاول سنة ۱۳۵۰.

وردنا صباح الاحد، الروضة الهاروتية^۶، بها قبر منسوب الی هارون بن مولانا موسی بن جعفر و اختلف فی حق هذه البقعة قبل انها لهارون بن موسی بن جعفر (ع)^۷ كما ذكرنا و قيل انها لهارون احد الرواة و قيل انه هارون بن مولانا الجواد (ع)^۸.

و حدثنی الاستاذ فرج الله عن شیخ معمر حدثه قبل عشرين سنة، انه کان یسمی «آرام ولایت» لانه قبل أن یدفن هذا الهاشمی، کانت الزلازل باصفهان متعاقبة و لما دفن سکنت تلك، فقيل هذا القبر: «آرام ولایت» و من كثرة الاستعمال، صار هارون ولایت و بالجملة شهادته مسلّمة و کان له صحن منقوش فوق باب صحنه کتیبية فیها تاریخ

معروف «مقایس الانوار» محمّد طاهر بن محسن بن اسماعیل دزفولی (۱۲۳۰-۱۳۱۵/ق) ۱۸۱۵-۱۸۹۷م) از بزرگان علمای خوزستان ساکن دزفول؛ محمّد رضا بن محمّد جواد بن محسن معزّی دزفولی متوفی ۱۳۵۲/ق ۱۹۳۳م) از مشایخ آیت الله العظمی مرعشی نجفی؛ شیخ اسماعیل معزّی معروف به «پشتی» (متوفی ۱۳۶۳/ق ۱۹۴۴م)، امام جماعت مسجد سلام در اصفهان را نام برد: رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۳۹.

۶. هاروتیه یا هارون ولایت واقع در محله میدان کهنه (میدان عتیق در برابر میدان شاه - میدان امام فعلی - که آن را میدان جدید می‌گفته‌اند) از مقابر تاریخی اصفهان که در عهد صفویه رونقی داشته و مدفن امامزاده هارون بن موسی بن جعفر (ع) و یا از اولاد امام علی تقی (ع) که ساختمان و گنبد و بارگاه وی از آثار باستانی اصفهانی به شمار می‌رود.

بنای تاریخی هارون ولایت یا هارون ولایت که بقعه و سردر کاشی آن از آثار دوره سلطنت شاه اسماعیل اول و مورخ به سال ۹۱۸ قمری است، از اماکن مقدس و زیارتگاههای عمده شهر اصفهان به شمار می‌رود که دارای بقعه، ضریح، رواق و یک گنبد کاشی‌کاری و دو صحن در شمال و مغرب بقعه است.

این بقعه از سمت مغرب به وسیله دری به محوطه کوچکی باز می‌شود که در اطراف آن حجراتی و جرزه‌ها و پشت و بغل‌های اطراف آن با تزیینات نفیس تزیین شده است. این محلی به وسیله سردر مجللی به صحن شمالی هارون ولایت مرتبط می‌شود. کتیبه این سردر به خط ثلث با کاشی سفید مرقق بر زمینه لاجوردی به این شرح است: «بذکره قد اتفقت عمارة دارالولاية مشهد قبله الاسلام بعیامن فیض بحر وجود جدّه العلیّ الذی فال التبی فی شأنه: انت منی بمنزلة هارون من موسی - علیهم السلام - فی ایام خلافة ولیّ الولاية فی الآفاق، مالک سریر الخلافة بالاستحقاق الفسای، المجاهد فی سبیل الله و بقاطع البرهان، ناصر المؤمنین ابی المظفر السلطان شاه اسماعیل بهادرخان، لازال ابواب تعمیم الخیرات و لطفه مفتوحة و اقطار الارض بابواب معدلته معصورة و الامصار بسی معمار احسانه معمورة و سعیه للحسنات کان مشکوراً و کتب فی اوایل شهر ربیع الاول من سنة ۹۱۸».

در اصلی ورودی بقعه هاروتیه به صحن شمالی باز می‌شود و گنبد رواق تجدید ساختمان شده و در اطراف قاعده آن اشعاری است به زبان فارسی، طی الواجی به خط نستعلیق سفید بر زمینه لاجوردی گچبری شده است و مضمون این اشعار گواه بر تعمیراتی است که در دوره فتحعلی شاه قاجار و حکمرانی محمد حسین خان صدر اصفهانی در بنا به عمل آمده است. ضلع شرقی بنا مشرف به جاده قدیم و روبه روی مسجد علی، شامل یک ایوان با ستون‌های سنگی و دیوان‌های کوچکی در اطراف است: آثار ایران، گدار، ۲۴۴-۲۵۰؛ آثار ملی اصفهان، ص ۷۸۴-۷۸۵؛ آثار تاریخی اصفهان، ص ۳۶۰-۳۶۹؛ بناهای آرامگاهی، ص ۲۷؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص یو - یز - مقدمه.

۷. در دستی روشن نیست که منظور از این هارون کیست، برخی گفته‌اند وی: هارون بن موسی بن جعفر (ع) است که دارای اعتقابی در مدینه، نیشابور و قم بوده است (نک: المحدی، ص ۱۰۷؛ الشجرة المبارکة، ص ۱۰۷؛ الفخری ص ۲۲) و بعضی نوشته‌اند که وی: هارون بن احمد بن جعفر بن هارون بن موسی الکاظم (ع) است که در زمان معتصم عباسی در اصفهان شهید شده است: جامع الانساب، ص ۶۱؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۹۲-۱۹۳؛ مشاهد العترة الطاهرة، کمونة الحسینی، ص ۲۱؛ بناهای آرامگاهی، ص ۲۱۷.

۸. در بعضی از منابع هم، وی را از نوادگان امام علی تقی (ع) به شمار آورده‌اند و به گفته جابری انصاری به نقل از آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی، در حاشیه کتاب «روضات الجنّات»: نبیره حضرت امام هادی (ع) است (نک: تاریخ اصفهان جابری، ص ۱۱۷؛ بناهای آرامگاهی، ص ۲۱۷).

۱. کلمه «یا غفور» به حروف ابجد، مساوی با عدد ۱۲۹۷ می‌باشد که سال مرگ خطیب است.

۲. مسجد شیشه گری، در نزدیکی بقعه باباقاسم قرار گرفته و نیم جریب مساحت آن است: تاریخ اصفهان، ص ۱۳۳.

۳. ملا شمس الدین محمّد نصرآبادی (متوفی به سال ۱۱۵۰/ق ۱۷۳۷ م) عالم، فاضل و حکیم متألّه کامل بوده است که قبر وی در وسط گورستان طوقچی قرار داشته و اکنون از بین رفته است. از وابستگان خاندان نصرآبادی می‌توان از: میرزا مؤمن نصرآبادی شاعر، ادیب و سیاق‌دان و آقا نجات علی نصرآبادی (متوفی ۱۲۸۶/ق ۱۸۶۹م) عارف کامل و فرزندش آقا عبدالجبار نصرآبادی (متوفی ۱۳۰۷/ق ۱۸۸۹م) عارف نام برد. تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۸۹؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۳۹؛ پاورقی.

۴. در منابع رجالی و تاریخ‌های مربوط به اصفهان، نام و نشانی از وی نیافتیم، ولی چنانکه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، در تعلیقات خویش بر تذکرة القبور آخوند گزری، اشاره کرده‌اند، وی فقیه، محدث، اصولی و وجه سلسله معزّی‌ها در دزفول، اهواز و کاظمین و اصفهان بوده است: رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۳۹.

۵. شیخ معز الدین محمد از عالمان و وزیران زمان شاه طهماسب صفوی اول و از بزرگان اصفهان که سال تولّد و مرگ وی دانسته نیست. از مشاهیر این خاندان می‌توان: شیخ اسدالله بن اسماعیل بن اسماعیل دزفولی کاظمی (۱۱۸۶-۱۲۳۴/ق ۱۷۷۲-۱۸۱۹م) از بزرگان فقهای شیعه در عصر خود و صاحب کتاب

تعمیر^۱ زمن الشاه اسماعیل ابوالمظفر بهادرخان سنة ۹۱۸
[الهجرية].

و بجنبه مدرسه^۲ عدد حجره عشره و لها مدرس و مسجد و في
داخل الروضة قبر صدر الاسلام^۳، تاريخ وفاته بالشعر هكذا:
سینا پی تاریخ وفاتش گفتا:
«شد قصر جنان مکان صدر الاسلام»

و يوجد فيها و في نواحيها الواح تاريخها يقرب من تسعمائة و في
داخل الروضة كتاب تاريخ اتمامها سنة ۱۰۶۷ [الهجرية] و فيها اسم
النواب الميرزا محمد مهدي^۴، بخط محمدرضا الامامي.
و قبر الميرزا محمد مهدي، في بقعة هارون و وفاته في حدود سنة
۱۰۶۸ [الهجرية].

و في قدام الروضة، صحن مشتمل على ۱۹ حجر و في وسطه
حوض و مسقى و على الروضة قبة خضراء كاشيه و في يمينها مدرسة
مشهورة بمدرسة حاج حسن و عدد حجره خمس و عشرون تقريباً
و فيه من المساجد ثلاثة و مدرس فوقاني.

و في تجاهها مسجد يسمي بـ «مسجد علي^۵» من ابنيه السلطان
سنجر المشهور و على رأس بابيه كتيبة باسم الشاه اسماعيل، بخط
شمس‌الدين التبريزي و تاريخ اتمام تلك الكتابات فوق تسعمائة
و يظهر منه أنه عمر في عصر الصفيوية^۶.

و في المسجد في احد ايواناته الثلاثة لوح حجري منقوش فيه بعض

۱. تعمیرات هارونیه، قسمتی از حسین خان، برادر دورمیش خان شامل در دوره
پادشاهی شاه اسماعیل و شاه طهماسب اول است در حدود سال‌های ۹۱۸ تا
۹۳۸ قمری... صحن هارونیه را تعمیراتی تازه‌تر است که از آن جمله می‌توان
حوض و سقاخانه را نام برد که ۲۵ سال پیش از تألیف تاریخ اصفهان جاری
است و به گفته وی سرشیرهای سنگی کنار حوض عمارت آینه‌خانه که هفت
دست بود شکستند و اهل خیر به صحن هارونیه آوردند: تاریخ اصفهان، ص
۱۱۷-۱۱۸.

۲. مدرسه هارونیه در جنب سمت راست هارونیه واقع شده و به گفته جابری، بنای
این مدرسه و خود هارونیه، بسی قبل از صفویه بوده است، زیرا سنگ بتی را که
سلطان محمود غزنوی از بتخانه سومنات به اصفهان آورده بود در آستانه همین
مدرسه، به رو به زمین انداخت و پس از ۵۳۰ سال، آن را دو نیمه کرده و نیمه
دیگر آن را در مدرسه میرزا شاه حسین وزیر شاه طهماسب، سنگاب ساختند،
گواه قدمت این مدرسه و بناها هارونیه است. در عهد شاه اسماعیل صفوی،
کاشی کاری سردر مدرسه هارونیه، بویژه دو طاووس بالای سردر آن، انجام
شده است: تاریخ اصفهان، ص ۱۱۷، ۲۲.

۳. میرزا نصیر ملا باشی معروف به «صدرالاسلام» (متوفی ۱۳۵۶/ق ۱۳۲۸/م)
عالم فاضل و با نفوذ اصفهان در زمان ظل‌السلطان که در اصفهان ریاستی داشته
است و پس از مرگش وی را در هارونیه به خاک سپرده و ماده تاریخ وفاتش را
شاعر اصفهانی متخلص به سینا در قطعه بیتی آورده است که جمله «شد قصر
جنان مکان صدر الاسلام» مطابق با تاریخ ۱۳۵۶ قمری است: رجال اصفهان یا
تذکره القبور، ص ۱۹۳؛ تذکره القبور یا دانشمندان بزرگ اصفهان، ص ۵۲۳؛
تاریخ اصفهان، ص ۳۲۲.

۴. نواب میرزا محمد مهدی حسینی (متوفی حدود ۱۰۶۸/ق ۱۰۶۸/م) عالم فاضل
که تاریخ تولد و زندگانی وی دانسته نیست و همین قدر روشن است که در
هارونیه، به خاک سپرده شده است: رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۹۳؛
تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۵۰۷.

۵. مسجد علی، از مساجد قدیمی و کهن و مهم اصفهان است و علت نامگذاری آن
را جابری، چنین شرح داده است که: در کتاب «روضات الجنات» آمده است که
مسجد جنب مسجد حکیم را به نام «جوه جوه» (به معنای سینۀ کشتی) از بناهای
صاحب بن عباد است و از شرحی که فروغی از آن مسجد و از منار جنب
مسجد، نوشته، احتمال می‌دهد که این همان مسجد مقابل هارونیه بوده است که
بعدها شخصی به نام علی‌شاه آن را تعمیر کرده و تغییر نام داده و به «مسجد علی»
شهرت یافته است.

این مسجد اکنون در یکی از خیابان‌های فرعی منشعب از خیابان هاتف، در نزدیکی
مسجد جامع و مجاور و مقابل مقبره و بقعه هارونیه یا هارون ولایت واقع شده
و به خاطر ویژگی‌های معماری و تزییناتی، از مساجد مهم اصفهان است. با توجه
به مناره‌ای که بازمانده از دوران سلجوقی است و این حقیقت که در دوره صفویه
آن را «مسجد سنجریه» می‌نامیدند، می‌توان یقین کرد که مسجدی در دوره
سلجوقیان و سلطان سنجر، در این محل، ساخته یا تعمیر شده و به همین علت آن
را «مسجد سنجری» می‌نامیده‌اند و پس از ویران شدن آن در ۹۲۹ قمری، در
زمان شاه اسماعیل صفوی، میرزا شاه حسین وزیر، مسجد کنونی را جایگزین
آن کرده است. در حال حاضر، غیر از مناره که در بطن مسجد علی قرار گرفته،
هیچ اثری دیگری از بناهای دوره سلجوقی به چشم نمی‌خورد.

پیتر و دلاواله و شاردن که در ۱۶۱۹ و ۱۶۶۶ میلادی، در اصفهان بوده‌اند،
این مناره را به مقبره هارونیه یا هارون ولایت منسوب داشته‌اند.

بنای کنونی مسجد با نقشه چهار ایوانی ساخته شده و دارای سردر، صحن،
ایوان، گنبدخانه، شبستان تابستانی و زمستانی که با تزیینات زیبای کاشی معرق
و مقرنس کاری و کتیبه‌های تاریخی مزین شده‌اند: تاریخ اصفهان، ص ۱۱۷؛
آثار ملی اصفهان، ص ۷۱۲-۷۱۶؛ تاریخ هنر معماری در ایران دوره
اسلامی کیانی، ص ۱۰۶-۱۰۷؛ آثار ایران، گذار، ۱۵۲/۴-۱۵۷، ۲۵۰-۲۵۵؛
گنجینه آثار تاریخی اصفهان، هنر فر، ص ۱۹۷-۱۹۹، ۳۶۹-۳۷۵؛ تاریخچه
ابنیه تاریخی اصفهان، نیکزاد امیرحسین، ص ۱۰۲-۱۰۴؛ مساجد، ص
۸۸-۸۹؛ جلوه‌های هنر در اصفهان، ص ۳۲۶.

۶. سردر ورودی مسجد علی، در ضلع غربی آن، دارای کاشی‌کاری معرق نفیس
و کتیبه تاریخی است. این کتیبه به خط ثلث با کاشی معرق سفید بر زمینه آبی
و به نام شاه اسماعیل صفوی و بانی ساختمان و سال اتمام آن ۹۲۹ قمری و به
خط شمس‌الدين تبریزی است. ردیف اول این کتیبه، قرآنی و به خط ثلث حنایی
رنگ است، بقیه سطوح سردر، با کاشی‌کاری معقلی و خطوط بنایی تزیین
و نماسازی شده است. در سال ۱۳۲۳ شمسی، این ورودی تعمیر و اشعاری به
خط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی لاجوردی بر آن نوشته شده است. صحن
مسجد، مربع مستطیل و در وسط دارای یک حوض و در چهار ضلع، چهار ایوان
است که ایوان جنوبی از دیگر ایوان‌ها وسیع‌تر است و در پشت آن، شبستان
گنبددار قرار گرفته است. گنبد این مسجد با ساقه بلند از بیرون با کاشی‌کاری
پوشش یافته و از درون دارای مقرنس‌های گچی است. سطوح داخلی گنبدخانه
با درگاهها و طاق‌هایی به صورت دو طبقه نماسازی شده که طاق‌های طبقه بالا
صورت مربع را به کثیرالاضلاع تبدیل کرده‌اند و گنبد بر آن قرار گرفته است. در
پا کار گنبد، کتیبه‌ای سرتاسری، متضمن آیات قرآنی و تاریخ ۹۲۹ قمری کاری
شده است: مساجد (دایرةالمعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی)

مذهبی است، کتیبه دوم نیز به خط بنایی گچی بر زمینه شطرنجی در مربع‌های بزرگ، حاوی عبارت: «هو الله الذی لا اله الا هو» است؛ کتیبه سوم، به خط کوفی با کاشی فیروزه‌ای مشتمل بر عبارت: «لا اله الا الله، محمد رسول الله؛ کتیبه چهارم در زیر تاج مناره، تکرار جمله: «الملك لله» و سرانجام کتیبه پنجم و فوقانی، به خط کوفی با کاشی فیروزه‌ای بر زمینه لاجوردی، جمله: «لا اله الا الله» است. با توجه به ویژگی‌های معماری مناره به نظر می‌رسد که مربوط به قرن ششم و به احتمال کمتر، قرن هفتم هجری است. مساجد (دایره المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی) ص ۸۸-۸۹، جابری نوشته: «با این که به مقدار سه ذرع از سر منار ریخته باز تقریباً بیست و شش ذرع و نیم ارتفاع دارد.» (نک: تاریخ اصفهان، ص ۱۱۷).

۵. سید نظام الدین محمد معصوم بن سید صفایی بن مرتضی حسینی بهکری ترمذی متخلص به «نامی» (۹۴۴-۱۰۱۹ ق/ ۱۵۳۷-۱۶۱۰ م) شاعر و ادیب در بهکری هند دیده به جهان گشود و در همانجا نیز دیده از جهان فرو بست. دیوان وی نزد سید نورعلی‌شاه معصومی وجود داشته، چنانکه در مقدمه کتاب خود او که به «تاریخ معصومی» یا «تاریخ سند» معروف است و در ۱۳۵۷ قمری، چاپ شده است. او ظاهراً از طرف پادشاه وقت هند به عنوان سفیر به دربار ایران آمده بود: مقالات الشعراء، ص ۷۹۷، طبقات الکبری، ۵۰۰/۲؛ شمع انجمن، ص ۴۶۶؛ تذکره روز روشن، ص ۶۷۹-۶۸۱؛ نتایج الافکار، ص ۷۱۰-۷۱۱؛ منتخب التواریخ یدایونی، ۳۶۴/۳-۳۷۵؛ نگارستان سخن، ص ۱۱۷؛ قاموس الاعلام، ۴۳۲۸/۶؛ صحف ابراهیم، برگ ۳۰۹، ریاض الشعراء والة داغستانی، برگ ۴۰۸؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ۲۵۷/۶؛ هفت آسمان، ص ۱۲۶-۱۲۷؛ الذریعة، ۲۰/۲، ۱۱۶۶/۴/۹، ۱۰۷۰، ۱۱۶۷، ۱۱۷/۱۲، ۱۰۶/۱۹، ۳۴۴/۲۱؛ مساجد (دایره المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی) ص ۸۸.

۶. میرزا محمد علی حسینی بهکری ترمذی (متوفی ۱۰۲۵ ق/ ۱۶۱۶ م) شاعر و ادیب و برادر میرزا محمد معصوم حسینی نامی. از تاریخ تولد و زندگانی وی اطلاعات بیشتری در دست نیست جز اینکه در اصفهان دیده از جهان فرو بسته و در بقعه هارونیه به خاک سپرده شده است. احتمال دارد وی به همراه برادرش که به عنوان سفارت از هند به نزد شاه عباس آمده بود و بعد وارد اصفهان شد، آمده باشد و در سفر اصفهان نیز همراه برادرش به اصفهان سفر کرده و در آنجا ماندگار شده باشد؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۹۳؛ تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۴۴.

۷. امامزاده اسماعیل بن زید بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب (ع). از تاریخ تولد، زندگانی و وفات وی در دست نیست و در کتابهای نسب‌شناسی نیز به نام فردی با این نسب برنخوردم، ولی در برخی منابع نوشته‌اند که او جد سادات طباطبایی می‌باشد و با امامزاده اسحاق که در اراضی پایین دروازه مدفون است، قرابت دارد و گویند جدشان در ری مدفون است و معروف به امامزاده حسن، ولی جابری نوشته است که این امامزاده حسن نباید حسن متنی باشد، زیرا وی در مدینه مدفون است و این امامزاده حسن نیز، یکی از بزرگان و نوادگان امام حسن مجتبی است. سپس می‌افزاید که احتمال دارد یکی یا دو واسطه در سلسله نسب نوشته شده در خط پنجره چوبی امامزاده اسماعیل، از قلم افتاده باشد. امامزاده اسماعیل پدر امامزاده ابراهیم جد سادات طباطبایی می‌باشد. برخی نسب وی را به صورت دیگری نوشته‌اند، اما آنچه مشهور است همین است که در بالا ذکر شد.

اسماعیل، یکی از بزرگان سادات حسینی و از راویان حدیث بوده است و مزار وی از دیرباز مورد احترام و زیارتگاه محبان و دوستداران اهل بیت (ع) ←

موقوفات المسجد و انه اوقفه الملك اصلان بیک بن رستم سلطان افشار سنة ۹۷۴^۱ [الهجرية] و جعل التولية بيد شيخ الاسلام علياً^۲ و تاريخ اتمام كتابة اللوح سنة ۹۷۷^۳ [الهجرية] بخط موسى.

و في المسجد منار طويل يعرف هو مع المسجد بـ «منار علي و مسجد علي» تارة و «منار استاد علي و مسجد استاد علي» [تارة] أخرى^۴.

و يقرب من الهارونية فسحة تسمى بـ «ميدان كهنه» مقابل «ميدان شاه».

و في المسجد قريب المنارة لوح حجري أيضاً منقوش عليه اشعار ناظمها محمد معصوم الحسيني النامي^۵ في عصر الشاه عباس سنة ۱۰۱۳ [الهجرية].

و في بقعة هارون قبر الميرزا علي الشاعر^۶، اخو الميرزا محمد معصوم المذكور توفي الميرزا محمد علي سنة ۱۰۲۵ [الهجرية].

بقية لباب سير الاحد، عاشر ربيع الاول سنة ۱۳۵۰.

ثم بعد تكميل المناسك بالهارونية ونواحيها، وردنا روضة امامزاده اسماعيل^۷ (ع) و كان لها صحن منقوش، فوق بابها، كتائب

۱. در زیر گنبد خانه و ایوان جنوبی، شبستان زمستانی مسجد، کمی پایین تر از سطح مسجد بنا شده و سبک ساختمان آن جالب است. در ابتدای شروع پلکانی که سطح مسجد را به شبستان زیرین متصل می‌کند، لوح سنگی نصب شده که به خط نستعلیق برجسته، اشعاری بر آن حجاری شده است. در ایوان شرقی مسجد نیز لوح سنگی نصب شده که کتیبه آن حاکی از اقدام ملک اصلان بیک افشار ارسلو، مبنی بر وقف آبی از شهر جرجی کان، به مسجد علی، به تاریخ ۹۷۴ قمری است.

در ضلع شمالی مسجد و بر جرز غربی ایوان، لوحی از سنگ مرمر نصب شده که بر آن به خط نستعلیق، اشعار و عباراتی نوشته‌اند که براساس متن عبارات، محمد معصوم حسینی نامی که از هند به رسالت نزد شاه عباس اول اعزام شده بود، پس از مرخص شدن از حضور شاه به اصفهان آمده و اشعاری را به تاریخ ۱۰۱۳ قمری، نقش کرده است: (منبع پیشین).

۲. در هیچ یک از منابع راجع به شیخ الاسلامی که تولیت اوقاف مسجد علی را به دست داشته، سخنی به میان نیامده است و جز آیت‌الله مرعشی که به نام وی به عنوان علی اشاره کرده، اثری از نام او در مصادر دیگر نیافتیم.

۳. این تاریخ را نیز، جز آیت‌الله مرعشی، کسی دیگر نقل نکرده است.

۴. مناره سلجوقی مسجد علی، به ارتفاع ۴۷/۸۵ متر، در کنار گنبد قرار گرفته و از شکل‌ترین مناره‌های دوره سلجوقی است که با تزئینات آجرکاری و کتیبه‌های متعدد مزین شده است. مدخل این منار در درون مسجد قرار گرفته است. در ارتفاع ۴۰/۳۵ متری، قرنیزی به صورت تاج بیرون زده و بعد از آن، بخش کوچکتر مناره قرار گرفته که در انتهای آن نیز، قرنیز دیگری قرار دارد. قطر خارجی منار در سطح زمین، حدود ۶ متر، ضخامت دیواره آن ۱/۴۵ متر و در انتهای طبقه اول - زیر قرنیز - ۲/۸۶ متر و ضخامت دیواره آن ۵۸٪ متر است که بدین صورت، قطر منار از پایین به بالا به تدریج و با تناسب زیبایی کاهش می‌یابد. در داخل مناره، ستون مرکزی قرار دارد که پلکان حول محور آن به طرف بالا می‌گردد. سطح منار از پایین به بالا به پنج کتیبه مزین است: کتیبه اول در سطح بام مسجد به خط بنایی از آجر برجسته بر زمینه گچی متضمن شعائر

تشمّل علی تعمیر شاه سلطان حسین الصفوی ایّاه و فیها أنّ المزار لاسماعیل بن زید بن الحسن المثنی بن الحسن - علیه السلام - و تاریخ اتمام الکتائب سنة ۱۱۵۰ [الهجرية] و هذا المزار واقع في محلة گلپهار، من محلات اصفهان و عدد حجر ذاک الصحن یقرب من اثنتی عشرة و فيه مدرس و مسجد.

ثمّ وردنا الرّوضة و كانت فوق باب رواقها کتائب باسم السلطان المزبور، تاریخ اتمامها سنة ۱۱۱۱ [الهجرية] و يظهر منها أنّه عمّرها. و في عتبة باب الرواق قبور من عصر الصفویة، منها قبر الميرزا ابراهيم المتخلص بـ «طوبی»^۱، و فاته سنة ۱۱۷۴ [الهجرية]. و في احد رواقاته و قريب الروضة قبر السيد العالم المير محمد بن الميرلوحی^۲، و فاته سنة ۱۱۱۳ [الهجرية] قريب قبر شعيا النبی (ع).

و قريب قبر شعيا النبی (ع) لوح حجری منصوب في الجد منقوش فيه انه قبر سلطان بیگم بنت الميرزا محمد صالح الحسينی الخليفة سلطانی،^۳ و فاتها سنة ۱۱۴۶ [الهجرية] ثالث ربيع الاول و او شاعرة، اديبة و محدثه بود.

ثمّ في وسط ذاک الرواق، قبر عليه صخرة مثمّنة علی ما بالبال، منقوش في احدی سطوحها هذه الكلمات: «في كتاب اصفاء، أنّ أوّل مسجد كبير بنی باصفهان، مسجد شعيا، بناه ابو عباس المفتي في زمن

→ بوده است. وی به اسماعیل دیباج نیز، شهرت دارد.

بقعه امامزاده اسماعیل در حاشیة شرقی خیابان هاتف اصفهانی، در محله گلپار (گلپهار) اصفهان و روبه روی امامزاده جعفر، واقع شده است. در منابع تاریخی نوشته اند که در زمان خلافت امیرمؤمنان (ع) در این محله، مسجدی بنا شد و پس از صد و اندی سال و در حدود نیمه قرن دوم هجری، حضرت امامزاده اسماعیل، در کنار این مسجد، به خاک سپرده شد. این مسجد که گویند مرقد شعیای پیغمبر در آن است، براساس کتیبه‌ای به خط نستعلیق، از دوره شاه سلطان حسین صفوی، نخستین مسجد بزرگ ساخته شده در اصفهان است و در این کتیبه آن را «مسجد شعیا» معرفی کرده است. در این کتیبه آمده است که ابوالعباس مفتی، در زمان خلافت علی (ع) آن را بنا نهاد و آل اربابان سلجوقی، آن را تعمیر کرد. متن کتیبه که به خط علی نقی امامی و مورخ به سال ۱۱۱۲ قمری است به این شرح است:

«وجدنا في كتاب اصفاء أنّ أوّل مسجد كبير بنی باصفهان، مسجد شعيا و بناه ابوالعباس المفتی في زمن علی - صلوات الله علیه - و عمرّه الب اربابان، بعد نیف و خمسمائة.

بعد ما علیها بقوه و قد امر بعمارتها في عام احد عشر و مائة و الف و بعبارة اخرى، هی مرقد شعيا النبی - علیه السلام - علی نقی الامامی، ۱۱۱۲».

به هر حال مجموعه‌ای نفیس از آثار و تزیینات عهد سلجوقی و صفوی در مقبره و بقعه امامزاده اسماعیل مسجد و یا مرقد شعیای نبی (ع) دیده می‌شود. رواق و سرور، صحن و گنبد بزرگ و زیبای امامزاده از نوع گنبدهای چاروسه‌ای اصفهان است، هر یک در زمان معینی ساخته شده‌اند. اساس تمام ساختمان‌های دیگر متصل به مرقد شعیا و چهارسو و تزیینات فراوان نقاش و کاشی‌کاری و گچبری عهد صفویه، همان مرقد و مقبره امامزاده اسماعیل است.

کتیبه اصلی سرور رواق بقعه به خط ثلث سفید با کاشی معرق، مورخ به سال ۱۰۴۱ قمری است و گواه شروع ساخت بنا در دوره شاه عباس کبیر صفوی و اتمام آن در دوره شاه صفی است. در زمان شاه سلطان حسین صفوی نیز، بنا تعمیر و تکمیل شده است و تزییناتی بر آن افزوده شده است کتیبه سردر رواق به خط محمدرضا امامی به این شرح است: «اتمام هذه العمارة في ایام دولة السلطان الاعظم و الخاقان الاکبر و مروج مذهب الائمة المعصومین، السلطان بن السلطان ابوالمظفر شاه صفی الموسوی الحسينی الصفوی بهادر خان - خلدالله ملکه و سلطانه و افاض علی كافة العالمین یرّه و عدله و احسانه - في شهر ذی‌قعدة الحرام في ۱۰۴۱، کتبه محمد رضا الامامی»: آثار ملی اصفهان، ص ۷۵۰-۷۶۲؛ فضاهای ورودی در معماری سنن ایران، سلطان زاده، ص ۱۸۷؛ آثار ایران، گذار، ۳۴۹/۲-۳۵۱؛ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان، نیکزاد امیر حسین، ص ۹۴-۹۹؛ گنجینه تاریخی اصفهان، هنر فر، ص ۵۲۳-۵۳۴؛ مجله یادگار (در تاریخ امامزاده اسماعیل اصفهان) شماره ۴ آذر ۱۳۲۳، ص ۷۷-۸۰؛ مجله معارف اسلامی (امام زاده اسماعیل - مجموعه‌ای از آثار تاریخی قرن اول تا قرن دوازدهم هجری) شماره ۸ سال ۱۳۴۸، ص ۹۳-۹۹؛ بناهای آرامگاهی، ص ۱۰۱؛ تاریخ اصفهان جابری، ص ۸، ۱۰۸، ۱۰۹؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۷۸-۱۷۹ و ۱۸۲ و در فائده چهارم در همین صفحه عنوان شده که: مجله گلپهار یا گلپار، منسوب است به جناب سید علی معروف به گلپار که هم عصر شاه رخ بوده او فرزند جلال‌الدین محمد بن حیدر بن شمس‌الدین ابی‌الحسن محمد بن شمس‌الدین ابی‌محمد حسن بن حسین بن قوام‌الشراف زین‌الدین علی بن شمس‌الدین محمد... بن حسن الاقطس بن علی الاصفهانی امام سجاد (ع) است؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱ مقدمه.

۱. میرزا ابراهیم، متخلص به «طوبی» (متوفی به سال ۱۱۷۴ ق / ۱۷۶۰ م) شاعر و ادیب اصفهانی، تاریخ تولد وی دانسته نیست و از زندگانی او نیز، اطلاع چندانی در دست نیست. نک: رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۷۹؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۳؛ ریحانة الادب، ۳۶/۳؛ الذریعة، ۶۵۱/۲/۹؛ فرهنگ سخنوران، ۵۹۲/۲؛ اثر آفرینان، ۱۱۱/۴.

۲. سید میرمحمد بن میرلوحی موسوی سبزواری (متوفی ۱۱۱۳ ق / ۱۷۰۱ م) عالم، عارف و محدث. تاریخ تولد وی به دست نیامد. وی دارای کتابی به نام «اوراء العاقلین» است که آقا بزرگ به آن اشاره کرده است. جمعی از اولاد میرلوحی سبزواری در اصفهان و دهات اطراف آن ساکن هستند که سه فامیل به نام او معروفند و آنان عبارتند از: سادات درچه، سادات نجف‌آباد و سادات اسفیرجان (اسفیدواجان) از دهات کرون. نک: رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۷۹؛ الذریعة، ۳۸۸/۱، ۴۲۷، ۲۰۰/۲، ۳۷۳، ۳۸۶/۶، ۲۳۱/۷، ۵۸/۸، ۱۱۸، ۱۴۳/۹، ۹۴۸، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۶۲، ۱۵۰/۴؛ طبقات اعلام الذریعة (قرن الحادی عشر) ص ۴۷۹؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان، ص ۱۸۹؛ فهرس اعلام الذریعة، ۱۹۴۵/۳.

از این خاندان و شاید برادر او: میر محمد هادی بن میرلوحی موسوی سبزواری است که از علمای مشهور زمان خود بوده و تألیفاتی داشته و آقا بزرگ به کتاب «اربعین» و «صاوال العقاید» وی اشاره کرده است. نک: رجال اصفهان یا تذکرة القبور، همان‌جا؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۸۹؛ طبقات اعیان الشیعه (قرن الثاني عشر) ص ۸۰۱؛ الذریعة، ۴۳۱/۱، ۱۹۸/۲. ۳. نوابه سلطان بیگم، دختر میرزا محمد صالح حسینی خلیفه سلطانی (متوفی به سال ۱۱۴۶ ق / ۱۷۳۳ م) از زنان نامور این خاندان که ادیبه، عالمه و شاعره بود و در سوم ربیع الاول ۱۱۴۶، دیده از جهان فرو بست. نک: رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۷۹؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۴.

که به نظر می‌رسد مربوط به دوره سلجوقی است. سطح پایین مناره بسیار ساده است و در بالا با نقوش آجرکاری تزیین شده است. در ارتفاع ۵/۳۰ متری، بعد از پایه، قطر مناره ۲/۶۵ متر است و بر بالای آن در دوره بعدی گلدستهای کاشی‌کاری افزوده‌اند. نک: آثار ایران گذار، ۱۴۸/۴، ۳۰۸-۳۱۷؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، هنر فر، ص ۵۴۷؛ آثار تاریخی جی، هنر فر، ص ۳۶؛ مساجد (دایرةالمعارف بناهای تاریخی در دوره اسلامی)، ص ۸۵-۸۶.

۲. صفی‌الدین میر محمدبن غیاث‌الدین علی زواره‌ای (متوفی به سال ۹۹۵ ق/ ۱۵۸۷ م) از بزرگان علمای زمان خویش که او را محمدبن عمدة القضاة نیز می‌خوانند و به «قاضی صفی» شهرت داشت. قبر وی در ایوان بیرون مقبره امامزاده اسماعیل است. نک: تاریخ اصفهان جابری، ص ۱۰۸؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۷۹؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۸۹-۴۹۰؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۵۳۴؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ۱/۵، ۶۰.

از آثار وی کتاب توقیعات کسری انوشیروان عادل است که از عربی به فارسی ترجمه کرده و بارها در هند، تبریز و تهران چاپ شده، و ترجمه انگلیسی آن در لندن در ۱۳۱۰ قمری، منتشر کرده است.

۳. بقعه جعفریه که مدفن امامزاده جعفر بن سید مرتضی بن سید شمس‌الدین حسن بن عمادالدین حسین بن محمدبن علی بن الحسینی است در حاشیه غربی خیابان هانف و مقابل کوچه امامزاده اسماعیل واقع شده است و برج گونه‌ای هشت ضلعی از داخل و خارج است. داخل بنا، دیوارهای آجری و تقسیمات نقول خارجی را منعکس می‌سازد. بر روی ضلع‌های شمالی و جنوبی و غربی، پنجره‌هایی قرار دارد. بر روی طرح هشت ضلعی، کاربندی شانزده ضلعی انجام شده که از شیوه دوران سلجوقی تقلید گردیده است و به نوبه خود بر این کاربندی هشت ضلعی، گنبد کم‌خیز آجری با آجرچینی دوایر متحد المركز استوار شده است، اما به نظر می‌رسد در ابتدا گنبد هرمی شکل داشته است. نمای خارجی بقعه نیز، آجری ساده است که در هر ضلع، طاقنمایی تیزه‌دار با تناسبی مطلوب ایجاد شده است. پشت بفل‌ها در اصل از آجر سفال بوده است. بر بالای طاقنماهای هشت گانه، کتیبه نخست گنبد به خط ثلث سفید معرق بر زمینه لاجوردی شامل آیه‌الکرسی است که در قسمت آخر آن، سال بنای بقعه چنین آمده است: «فی سنة خمس و عشرين و سبعمأة». در بالای کتیبه مزبور، کتیبه دیگری به خط ساده کوفی، بر زمینه فیروزه‌ای است که بعد از «بسم‌الله الرحمن الرحیم» آیه ۱۶۴ تا آخر آیه ۱۶۷ از سوره «آل عمران» نقش بسته است. در بالای ورودی بقعه، طاقنمایی است که رد آن محل، لوح‌های به خط ثلث بر زمینه لاجوردی شامل صلوات بر چهارده معصوم (ع) خوانده می‌شود که مربوط به تعمیرات سال‌های اخیر است. بنای بقعه امامزاده جعفر، در مقایسه با دیگر بناهای برجی همنوع خود، از ظرافت بیشتری برخوردار است. نک: آثار ایران، گذار، ۲۲۲/۴؛ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، مشکوتی، ص ۳۷؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، هنر فر، ص ۳۰۰-۳۰۲؛ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان، نیکزاد امیرحسین، ص ۹۳؛ معماری ایران در عصر ایلخانان، ویلبر، ص ۱۷۳-۱۷۴؛ آثار ملی اصفهان، رفیعی مهر آبادی، ص ۷۶۳-۷۶۵؛ جلوه‌های هنر در اصفهان، ده‌مشکی، ص ۳۲۹؛ دائره المعارف تشیع، ۲۱۶/۲-۲۱۷؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۸۱؛ تاریخ اصفهان، ص ۱۰۹-۱۱۰، ۱۷۰، ۴۱۸؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ید، مقدمه

۴. آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) در حاشیه نوشته است: «هكذا حصل لي الظن بعد الجدّ البلیغ في قرائة هذه الكلمة، مع جيل مع الاصحاب والله الهادي منه وعني عنه».

علی - صلوات‌الله علیه - و عمّره الب ارسلان بعد نیف و خمسأة و قد امر بعمارته في عام احد عشر و الف (سنة ۱۱۱۱) و بعبارة اخرى، هي مرقد شعيا النّبی - علیه‌السلام - كتبه علی نقی الامامی سنة ۱۱۱۲، انتهى^۱.

ما وجدناه من العباثر علی قبر شعيا و الظاهر أنّ اصفا، تاریخ لاصفا احد المؤرخين.

وفي خارج تلك الروضة قبر العالم الجليل المير محمد بن المير غياث الدين علی الزواری^۲، وفاته سنة ۹۹۵ [الهجرية].

ثم ارتحلنا من تلك الروضة البهية قاصدين بقعة تسمى بـ «الجعفرية»^۳، و كان في صحنه بقعتان، فدخلنا احدهما و كان عليها قبة خضراء مثمّنة و كان في طرف رأس القبر لوح حجري منقوش فيه هذه العباثر و قد نقلناها بعينها: «هذا قبر السيد المعظم الموقر الممكن المكرّم، صاحب السيف و القلم منبع الجود و الخلق و الكرم، المتحلّي بمحاسن الشيم، سيد الصدور و السادة، ينبوع السعادة و السيادة مفخر اولاد البتول، قدوة آل الرسول، نظام الطالبية، شمس العترة، جمال اهل بيت المصطفى، سلالة اعيان ابناء المرتضى، مالک اصحاب السخاء و الفتوة و معدن ارباب الشهامة و المروّة، بهلوان^۴ العراق، نبوی الشماثل و جميل الاخلاق، كريم الزمان علی الاطلاق، محرز المناصب بالاستحقاق، المرحوم المغفور، السيد الشهيد، تاج الملة و الدين، عماد الاسلام و المسلمین، اشرف ابناء الماء و الطين، جعفر بن السيد المعظم، المرتضى المكرّم الانور الازهر الاطهر الامجد، مفخر

۱. مسجد شعيا و یا مرقد و مقبره شعيا پیامبر، در جوار مجموعه بناهای امامزاده اسماعیل، واقع شده است و طبق مدارک موجود در معماری آن، مربوط به دوره سلجوقیان است. گویا به هنگام رواج اسلام در اصفهان ظاهراً در همین محل که به نام «خوشنان» شهرت داشته، مسجدی بنا شده بود که اکنون هیچ اثری از آن باقی نمانده است.

برخی نوشته‌اند که: «جامع خوشینان، نخستین مسجد بود که به اصفهان بنا کردند در اسلام و بنا آن ابوحنس مولى... عمر بن خطاب کرد، در خلافت علی بن ابی طالب - علیه‌السلام».

بر جانب مرقد شعيا نیز، کتیبه‌ای به خط نستعلیق علی نقی امامی مورخ ۱۱۱۲ ه. ق ثبت است که این مسجد را اولین مسجدی معرفی می‌کند که در اصفهان توسط ابوعباس مفتی در روزگار خلافت علی بن ابی طالب (ع) ساخته شده است.

مسجد فعلی شعيا، کوچک و بسیار ساده است و تنها در ضلع جنوبی آن، محرابی با تزیینات و کتیبه‌هایی کاشی‌کاری شده، مورخ ۱۱۰۰ قمری، به خط محسن امامی وجود دارد. در داخل این محراب، محراب کوچک‌تری از سنگ مرمر شفاف بسیار نفیس است و بر آن، شعایر مذهبی حجاری کرده‌اند. در ضلع شرقی مسجد، شبستان وجود دارد که در دوره اخیر تجدید ساختمان شده و بر طبق کتیبه گچبری محراب آن که به خط عبدالحمید اوهمی و مورخ ۱۱۱۵ قمری است. از مسجد قدیمی شعيا در شمال غربی امامزاده اسماعیل، چند باطاق قدیمی با طاق‌هایی که بعداً بر آنها نهاده شده و بقایا مناره‌ای بر جای مانده

آل طه و یس، نتیجه اولاد سید المرسلین، شمس الدین الحسن بن السید المغفور عمادالدین الحسین بن محمد بن علی بن الحسین^۱ - تغمده الله بغفرانه و اسکنه بجبوحه جنازه و ادام سعادتہ - توفی منتصف محرم من سنة خمس و عشرين و سبعمأة^۲ انتهى.

و كانت اطراف قبته المثمنة كئائب و تاريخها عشرين و سبعمأة. و في ذاك الصحن حجرة ثانية تجاه الحجرة المذكورة، قبر السید المرتضى الشهيد بن عماد الدين الحسن بن الحسين بن محمد بن علی بن الحسین^۲. انتهى. و اختلف في حقه، فقيل: أنه ابو السید جعفر المزبور و قيل: اخوه و علی رأس القبر لوح حجری مستور فی التراب^۳. و في صحن الجعفریة قبر آخوند ملاحسین الکااشی المتوفی سنة ۱۱۹۰ [الهجریة] و كان من الفقهاء و المحدثین.

۱. در کتاب بناهای آرامگاهی نوشته است: «بر اساس سنگ قبر امام زاده، نام صاحب مرقد، جعفر بن سید مرتضی است و نسبش به حسن بن حسین بن محمد بن علی بن حسین - علیه السلام - می‌رسد. در حالی که بر اساس قرائت آیت‌الله مرعشی نجفی که عین عبارت سنگ قبر را آورده، پس از نام حسین در پایان نسب «... علی بن الحسین» عبارت «تغمده الله بغفرانه...» آمده است و گرچه این عبارت به سید جعفر بازمی‌گردد، اما هیچگاه در بین شیعه رسم نیست که نام ائمه - علیهم السلام - برده یا نوشته شود و به دنبال نام آنان - علیه السلام - یا - علیهم السلام - نیاید. از اینجا معلوم می‌شود که منظور نام حسین در پایان نسب، نباید نام امام حسین (ع) باشد. اتفاقاً در «تاریخ اصفهان» مطلبی آمده است به این صورت که سید جعفر «با امام زاده احمد، از نژاد حضرت امام محمد باقر - علیه السلام - می‌باشد» و بر این مبنا وی از نوادگان امام باقر (ع) است نه امام سجاد (ع).

آیت‌الله مرعشی در حواشی بر کتاب «تذکره القبور» آخوند گزی نوشته است که: «متأسفانه به مناسبت جهالت و نادانی، مردم توجهی بدو ندارند و حال آنکه در آن دو بقعه می‌باشد که صاحبان آن از علمای زمان خود بوده و به مرتبه شهادت رسیده‌اند، یکی از آنها سید جعفر شهید می‌باشد که در پانزده رمضان ۷۲۸، کشته شده است و بقعه دیگر از پدر وی می‌باشد.» و از عبارات نوشته شده بر سنگ قبر مانند «الشهید» و «صاحب السیف و القلم» چنین استفاده می‌شود که سید جعفر عالمی بزرگوار و مجاهد فی سبیل الله بوده و دارای شمشیر و قلم و فردی شجاع و پهلوان و رشید. جابری نوشته است: «پدر و پسر هر دو را شهید می‌دانند و مقاماتی شامخ و القابی عالی، برای آنها رقم می‌نمایند و تاریخ سنگ ۷۲۵ است و آن سنگی کم‌نظیر و یگانه است. حال این سنگ و بنا را بعد نمود یا [در] همان [وقت] شهادتش، معین نیست، چون آن زمان، سلطان ابوسعید بهادرخان شیعه بود و امیر حسین چوپان، اسپهان را در حوزه امارت درشت، معلوم شود، شهادت آنها خیلی سالها پیش بوده، آنها نظر به تشیع، این بنا را کرده‌اند.

نکته دیگری که در اینجا قابل ذکر است آنکه سید مصلیح‌الدین مهدوی در تعلیقات حواشی، بر «تذکره القبور» آخوند گزی، نوشته است که: «و آنچه آقای نجفی حدس زده‌اند که برادر او می‌باشد بی‌مورد است!» گویا ایشان عبارت آیت‌الله مرعشی را درست ندیده‌اند، زیرا معظم‌له، حدس زده‌اند که مدفون در بقعه دوم برادر سید جعفر است، بلکه نوشته‌اند: «... و اختلف في حقه، فقيل: أنه ابوالسید جعفر المزبور و قيل: اخوه» که ایشان فقط به نقل قول دیگران پرداخته و خود حدسی زده و هر دو مسئله را بیان کرده‌اند: تاریخ اصفهان، جابری، ص ۱۰۹-۱۱۰؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۸۱؛ بناهای آرامگاهی، ص ۱۰۸.

۲. نک: تاریخ اصفهان، ص ۱۱۰؛ رجال اصفهان، ص ۱۸۱.

۳. نک: رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۸۱؛ تذکره القبور یا دانشمندان، ص ۲۷۹.



نسخه‌های جدید کتابخانه

(گزیده‌ای از نسخه‌های خطی کهن و نفیس تازه خریداری شده)

سید محمود مرعشی نجفی

مؤلف نسخه حاضر حدود سال ۷۴۵ در شهر یزد می‌زیسته و در نهایت به سال ۷۶۶ قمری در اصفهان در گذشته است. متأسفانه تعدادی از رجال‌شناسان و مورخان جد را با نوه که مؤلف نسخه مذکور (زایچه امیرزاده رستم) یکی دانسته و گفته‌اند وی از علمای سده دهم قمری بوده است. از جمله مؤلف کشف الظنون (ج ۲، ص ۱۷۶۴) و مرحوم آقابزرگ تهرانی در اعلام الشیعه و...؛ در صورتی که عمادبزرگ در سده هشتم قمری و نوه وی (عماد دوم) در سده نهم و یا اوایل دهم قمری می‌زیسته و تألیف دیگری به جز همین زایچه به وی نسبت داده نشده، و چون در اسم تشابه دارند، امر بر بسیاری مشتبه شده است.

البته ماهم یقین نداریم که مؤلف نسخه زایچه، نوه عماد اول باشد و دیگر آن که نمی‌توان ادعا کرد که وی فرزند عماد اول است؛ زیرا عماد اول در سال ۷۶۶ قمری در گذشته و عماد دوم این اثر را حدود سال ۸۷۳ نگاشته است، و نمی‌تواند فرزند عماد اول باشد؛ و به احتمال قریب به یقین نوه عماد اول است. به هر حال، نسخه حاضر بسیار نفیس و گرانبها و نایاب و در عصر مؤلف یعنی نیمه دوم سده نهم قمری کتابت شده و شاید نسخه اصلی باشد که به دستور مؤلف کتابت شده است.

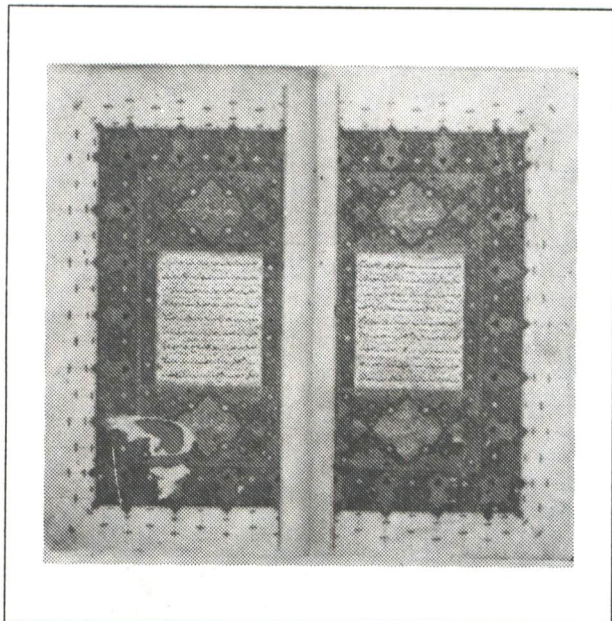
این گونه نسخه‌ها را معمولاً مؤلفان برای حکام و امیران پیشکش می‌کردند، خط نسخه ثلث بسیار خوش که یقیناً به خط یکی از استادان خوشنویس برجسته آن عصر کتابت شده است. عناوین با آب طلای ناب و لاجورد و شنگرف و دارای جداول و دوایر نجومی بسیار زیبا، برگ پایانی افتاده و دارای قطع رقیعی است. این نسخه

در زمستان سال جاری مجموعه‌ای از کتاب‌های نفیس خطی از افراد مختلف خریداری و یا به این کتابخانه اهدا شده است که به ذکر چند نمونه از آنها می‌پردازیم.

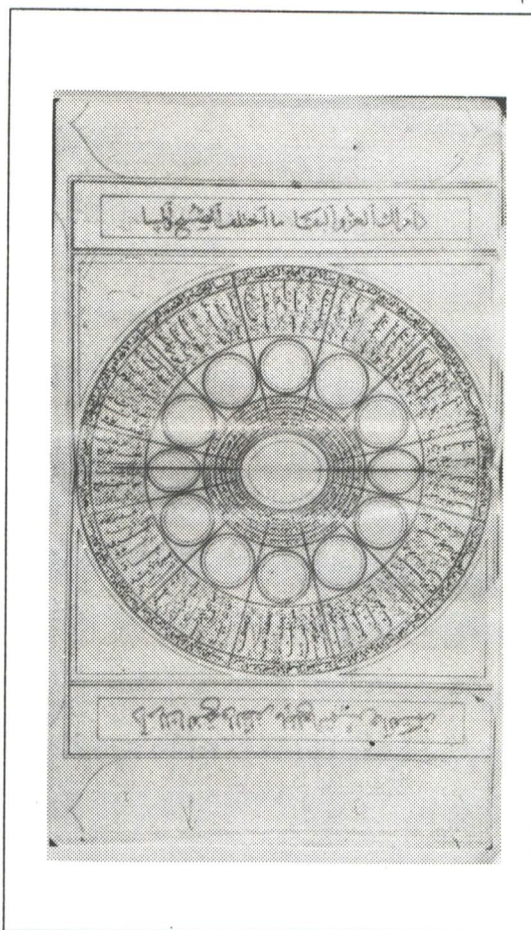
۱. زایچه طالع امیرزاده رستم بهادر فرزند امیرزاده عمر شیخ بهادر فرزند امیر تیمور گورکان، تألیف عماد بن یحیی منجم کاشی، وی این اثر را احتمالاً حدود سال ۸۷۳ ه. قمری به نام نوه امیر تیمور رستم نگاشته است، نسخه بسیار نفیس و نایاب و کهن و فوق‌العاده هنری. اینجانب به جز نسخه‌ای دیگر از این کتاب - که در کتابخانه مرحوم حسن نراقی کاشانی (مؤلف تاریخ اجتماعی کاشان) موجود بوده و اینک مشخص نیست که در کجا قرار دارد - نسخه دیگری از آن نیافتم. جد مؤلف نیز عمادالدین یحیی بن احمد کاشی، متوفی به سال ۷۶۶ ه. قمری، می‌باشد، که آثار بسیاری را نگاشته است؛ که از جمله می‌توان آثار زیر را برشمرد: کتاب مفتاح العلوم سکاکی، حاشیه بر کتاب آداب البعث سمرقندی، لباب الحساب - که در سال ۷۴۴ قمری به نام مجدالدین عبدالله بن محمد بن حسین کاشانی تألیف نموده - و نیز رساله «استخراج مجهولات عددیه»، کتاب ابضاح المقاصد در قواعد کلی حساب و هندسه و جبر که برای خواجه غیاث الدین محمد بن خواجه رشیدالدین فضل‌الله نگاشته است و نسخه‌ای از آن در کتابخانه انجمن آثار ملی کاشان قرار داشته و از کتب مرحوم آیت‌الله علوی بروجردی کاشانی بوده است. عمادالدین یحیی جد

بسیار ارزشمند و تاریخی است. برای بررسی بیشتر می‌توان از کتب تراجم و رجال بهره جست «شماره موقت: ۹۲۳۳».

در تملک وی قرار گرفته است. او کتابخانه نفیسی داشته و بیشترین نسخه‌های خطی آن را به تدریج از سی سال قبل تا کنون اینجانب برای این کتابخانه بزرگ خریداری نموده‌ام.



کیمیای سعادت، از غزالی، نسخه بسیار نفیس و مذهب هنری، سال ۹۰۷ هجری

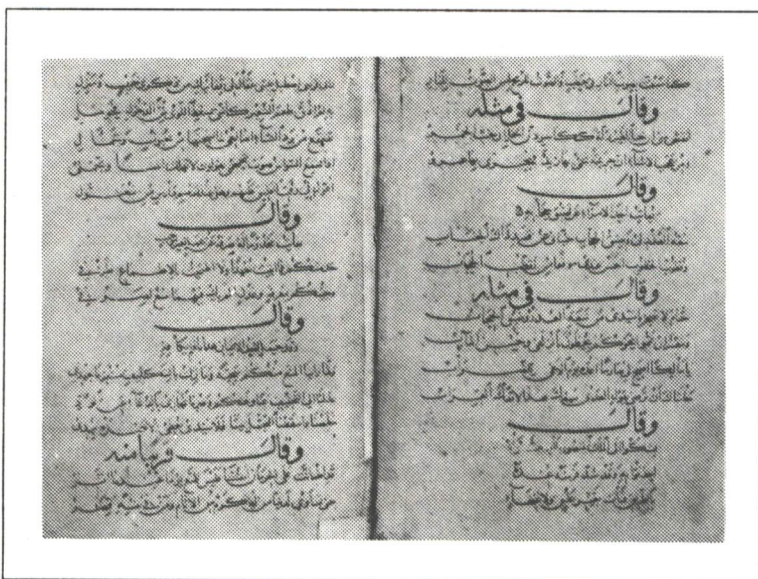


زایچه امیرزاده رستم بهادر، سده ۹ هجری

۲. کیمیای سعادت، امام محمد غزالی طوسی، نسخه بسیار نفیس و ارزشمند هنری و تزئینی در قطع وزیری، کتابت در دوم رجب سال

۳. دیوان اشعار صفی الدین عبدالعزیزین محاسنین سرایا الحلی الطائی، متولد ۶۷۷ و متوفی به سال ۷۵۰ یا ۷۵۲ قمری یا ۷۵۹؛ به زبان عربی، این نسخه، کهن‌ترین و نفیس‌ترین نسخه موجود این دیوان به شمار می‌آید. زیرا دقیقاً در اوائل سده ۸ ق در زمان حیات شاعر کتابت شده است، عناوین ثلث درشت مشکی، چند برگ از آغاز نسخه، نو نویسی شده، این نسخه از نظر قدمت کتابت فوق‌العاده اهمیت دارد، جلد تیماج ضربی فرسوده با ترنج و سرترنج، قطع رقی.

۹۰۷ قمری به خط نسخ ممتاز محمدبن محمدبن احمدالخیری الانصاری، دو صفحه آغازین، مرضع و مذهب ممتاز رنگین که تمامی دو صفحه را در برگرفته است. چنین تذهیب استادانه که در اوایل عصر صفوی ترسیم شده، در معدود نسخه‌ای یافت می‌شود. نیکوست اگر این دو صفحه به صورت رنگی بزرگ چاپ و منتشر گردد. همچنین در سه موضع دیگر نسخه سرلوح رنگین شبیه همان دو صفحات آغاز لیکن کوچک‌تر، عناوین با آب طلای ناب و شنگرف و لاجورد، برون جلد نیمه سوخت تیماج قهوه‌ای با ترنج و سرترنج زرین و لچک، درون تیماج کرمی با ترنج و لچک سخت نفیس. این نسخه ارزنده از جمله نسخه‌های کتابخانه حاج فرهاد میرزا معتمدالدوله (عموی ناصرالدین شاه قاجار)، مؤلف کتاب مقمقام و غیره بوده، که در سال ۱۳۰۰ قمری



دیوان صفی الدین حلی، نسخه کهن سده ۸ هجری

۴. **لَمَحُ الْمُلْحِ** و **مولى المُنْحِ** (عربی): از ابی المعالی سعد بن علی الخطیری، نسخه بسیار نفیس و مهم و ارزشمند، کتابت در نیمه نخست سده ۹ قمری به خط یکی از علمای اهل سنت بانام محمد بن احمد الانطاکی الحلبی که نسخه را به خط نسخ برای خودش کتابت کرده است، تا کنون در هیچ یک از فهراس موجود کتابخانه‌ها چنین کتابی معرفی نشده و احتمالاً منحصر به فرد باشد، مؤلف آن اطلاعات کامل و جامعی در خصوص علم حروف و سجع و قافیه داشته است، چند تملک در پشت برگ آغازین نسخه مشهود می‌باشد، عناوین شنگرف، جلد تیماج قهوه‌ای لولائی، قطع جیبی.



هیچ یک از فهراس موجود کتابخانه‌ها نیامده است، در کتاب کشف الظنون کاتب جلیبی در ج ۲ ص ۱۰۱۳ چاپ دارالفکر بیروت فقط نامی از این کتاب برده شده و از وجود نسخه‌ای خبر نداده است، کتابت این نسخه در روز یکشنبه ۷ رمضان سال ۷۹۴ قمری به خط نسخ ابی بکر بن عبدالله بن علی بن حسن بن محمد بن الغراب الحنفی، در برگ پایانی خط ابن الکیال شافعی دمشقی محدث در ذیحجه سال ۸۹۴ قمری آمده است، این نسخه به فاصله ۵۹ سال پس از مرگ مؤلف کتابت شده است، خط نسخ، عناوین شنگرف، این نسخه همان‌گونه که در برگ پایانی آمده در تملک برکات بن احمد بن محمد الشهیر باین الکیال در نیمه دوم سده ۹ ق بوده و در پشت برگ آغاز نسخه طریق روایتی خود تا مؤلف اصلی و نیز شارح آن که همین نسخه می‌باشد با خط خودش چنین آورده:

سیره الحافظ عبدالغنی بن عبدالواحد المقدسی من طریق شیخنا برهان الدین عن شیخه ابن بردیس البعلی عن ابی جعفر عمر بن امیلة عن ابوالحسن فخرالدین الشهیر بابن النجار المقدسی عن مؤلفها الحافظ عبدالغنی و الحمد لله و مالکه برکات بن احمد بن محمد الشهیر باین الکیال الشافعی المحدث لطف الله و بالمسلمین، و اروی عن مصنف هذا الشرح قطب الدین الحلبی من طریق شیخنا المذكور عن شیخه الحافظ محمد بن ناصر الدین عن شیخه ابی هریره ابن الحافظ شمس الدین الذهبی عن ابیه الحافظ الذهبی عن المؤلف قطب الدین. و من طریق شیخنا... ابن قاضی شهبه عن والده تقی الدین بن رافع السلامی عن شیخه قطب الدین عن طریق شیخنا العلامة

لَمَحُ الْمُلْحِ و مولى المُنْحِ، نسخه سده ۹ هجری

۵. **المورد العذب الهنی فی الکلام** علی السیره الحافظ عبدالغنی بن عبدالواحد المقدسی (عربی): از حافظ قطب الدین عبدالکریم بن عبدالنور بن عبدالکریم بن علی بن عمر بن عبدالغنی بن عبدالصمد، ساکن مصر و از حافظان حدیث، متوفی در اوائل رجب سال ۷۳۵ ق و مدفون در کنار قبر دابی خود شیخ نصر بن سلیمان المنجمی در قاهره، ولادت مؤلف نیز در ۲۶ رجب سال ۶۶۴ قمری، وی به جز این اثر کتاب دیگری در احادیث نبوی تألیف کرده است، نسخه حاضر منحصر به فرد و در



المورد العذب الهنی، سال ۷۹۴ هجری

به شمار می‌آید، این نسخه را اینجانب به مناسبت یکهزارمین سال تألیف این کتاب شریف، با مقدمه مختصری به صورت تصویری چاپ و منتشر ساختم.

۷. **اوضح المسالك الى الفية ابن مالك** (عربی): از شیخ ابی محمد عبدالله بن یوسف بن هشام الانصاری النحوی، نسخه بسیار نفیس و کهن و ارزشمند، کتابت در پنجشنبه ۱۴ جمادی الآخر سال ۸۵۵ قمری به خط نسخ یحیی بن داود که برای خود، آن را کتابت کرده است. تملکی در صفحه پایانی نسخه به خط نسخ چنین آمده است:

ان هذا الكتاب قد دخل في نوبة اقل العلماء والحاج محمد مهدي الاصفهاني ابن المرحوم المبرور اورع زمانه وازهد او انه العالم الجليل محمد كاظم الخوانساري ابن المرحوم الحاج ميرزا محمد بن محمد علي بن الحاج سمیع بن اسلام بیكا الخوانساري رحمهم الله في ايام اقامتي بدار السعادة زجان في شهر سنة سبع و تسعين بعد المائتين و الالف.

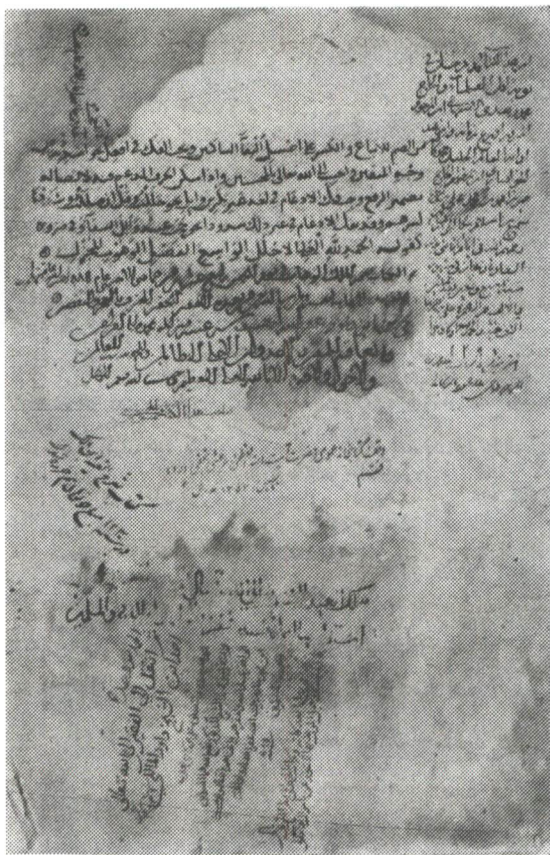
شهاب الدین ابی عبیة القلانسی عن شیخه تقی الدین بن قاضی شهبه بالسند المذكور، و من هذین الطریقین نروی عن ابی الفتح ابن سید الناس، یروی عنه ابن رافع المذكور. همچنین یک صفحه قبل از آغاز کتاب، قصیده‌ای عربی از شیخ تاج الدین ابی العباس احمد بن عبدالقادر بن احمد بن مکتوم القیسی در مدح این کتاب و مؤلف آن آمده است که آن نیز به خط کاتب نسخه می‌باشد، دو بیت نخست این قصیده چنین است:

هدینا إلى سُبُل المعارف بالقطب
و صرنا إلى المأمول منهّن عن قُرب
وَ جادّت لنا افكاره بفوايد
تَشِفُّ إذا نُصّت على اللؤلؤ الرطبِ

این نسخه بسیار ارزشمند و نفیس در قطع وزیری، عناوین شنگرف، با جلد تیماج قرمز می‌باشد.

۶. **نهج البلاغة**: از شریف رضی متوفی ۴۰۶ قمری، نسخه بسیار نفیس و کهن و ارزشمند، این نسخه را کاتب که ظاهراً از استادان و مشاهیر نسخ‌نویسان سده ۸ قمری بوده به خط نسخ معرب در سده ۸ قمری آن را کتابت کرده و به یکی از حکام و سلاطین عصر خود پیش کش نموده است، این نسخه در قطع سلطانی بوده و متأسفانه در پی صحافی پی‌درپی آن در طول قرون و اعصار گذشته لبه‌های آن را بریده و اندکی از حواشی نیز رفته است؛ یک سرلوح رنگین زیبا در صفحه آغازین نسخه در همان سده ترسیم گردیده است. ظاهراً در عصر صفوی این نسخه فرسوده بوده و به صورت متن و حاشیه ترمیم گردیده است به گونه‌ای که تشخیص آن برای افراد غیر کارشناس مشکل می‌باشد، بین متن و حاشیه با یک جدول زرین تزیین شده تا مشخص نشود که متن حاشیه شده، در اثر برش‌های متعدّد، خط‌کمند صفحات از میان رفته است، در صفحه اول و دوم در حاشیه در عصر صفوی گل و بوته زرین ترسیم گردیده و نیز در پشت برگ آغازین در داخل کادر، تصویر درخت و گل و بوته ترسیم گردیده و نام کتاب را با خط نسخ در آن نوشته‌اند.

در برگ پایانی نام کاتب و تاریخ کتابت بوده است که بر اثر مرور زمان محو شده و قابل خواندن نمی‌باشد، هر صفحه دارای ۱۲ سطر و گاه ۱۳ سطر نسخه مقابله و تصحیح شده؛ و هر جا که از متن افتاده بوده یا نیاز به توضیح داشته آن را در عصر صفوی بعد از متن و حاشیه آن را به حاشیه منتقل نموده‌اند. این نسخه در تملک «جلیل الحسینی» بوده است، این نسخه از نظر قدمت تاریخ کتابت و نوع خط و سبک نگارش آن بسیار ارزشمند می‌باشد، قطع رحلی، جلد تیماج مشکی. بحمدالله بیشترین نسخه‌های کهن و نفیس کتاب شریف نهج البلاغه در این کتابخانه بزرگ موجود می‌باشد که کهن‌ترین آن نسخه‌ای است که در سال ۴۶۹ قمری به خط نسخ کتابت شده و کهن‌ترین نسخه موجود



اوضح المسالك، سال ۸۵۵ هجری

چند تملک دیگر نیز در همین صفحه آمده از جمله محمود الحسینی ابن محمد خادم بیت‌الله سنة ۹۷۵ ه.ق، و تملک احمد بن الشیخ داود المالکی سنة ۹۴۹ ه.ق، و نیز چند تملک دیگر

در پشت برگ آغازین نسخه آمده از جمله: احمدبن الافندی، جعفر الرومی الحنفی الواعظ بالمسجد الحرام».

نسخه به خط نسخ خوش، دارای حواشی بسیار، عناوین شنگرف و مشکی درشت، جلد تیماج قهوه‌ای سوخته ضربی با ترنج از همان سده ۹ قمری قطع وزیری.

۸. خلاصه الاخبار فی بیان احوال الأخیار (فارسی): از غیاث‌الدین محمدبن همام‌الدین مدعو به خواند میر مؤلف تاریخ حبیب السیر، این کتاب راوی قبل از کتاب حبیب السیر تألیف نموده است و در اول کتاب حبیب السیر به این مطلب اشاره کرده است، این نسخه نفیس در نیمه نخست سده ۱۲ قمری به خط نستعلیق کتابت شده است. سه نسخه دیگر از این کتاب به شماره‌های «۴۳۶» و «۷۲۳» و «۱۱۹۷» در این کتابخانه بزرگ موجود می‌باشد، از دیگر خصوصیات این نسخه آن‌که کتابت «بهجة المباحج» به فارسی در تلخیص کتاب مباحج المهج فی مناهج الحج در فضائل نبی اکرم - صلی الله علیه و آله - و ائمه طاهرین - علیهم السلام - و معجزات آنان تألیف شیخ ابی سعید و یا ابی علی حسن بن حسین شیعی سبزواری بیهقی از دانشمندان سده هشتم قمری و از شاگردان علامه حلی در حاشیه این نسخه از آغاز آمده و به علت کمبود کاغذ کاتب نسخه، بخشی پایانی این اثر را چون در پایان نسخه به اتمام نرسیده مجدداً از نیمه نسخه به بعد آن را به پایان برده است. نسخه بسیار نفیس، قطع رحلی کوچک، نسخه فرسوده شده و نیاز به ترمیم دارد.

۹. عقائد الشیعة و فوائد الشریعة، در اصول دین (فارسی): از مولی علی اصغر بن علی اکبر بروجردی متولد سال ۱۲۳۱ قمری، این کتاب راوی در عصر محمدشاه قاجار ابن فتحعلی شاه به خواهش حاج میرزا آقاسی نگاشته است، خط نستعلیق، عناوین شنگرف، نسخه را محمد کاظم ولد علی اکبر خان نوری اسفندیاری در یکشنبه ۲۴ جمادی الآخر سال ۱۲۷۵ قمری در عصر مؤلف کتابت کرده است. خط نوه کاتب نسخه در برگ پایانی در محرم سال ۱۳۶۹ قمری آمده و نوشته است: «نسخه به خط جد بزرگوارم می‌باشد». از مؤلف این کتاب اثر دیگری به نام نور الانوار نیز موجود می‌باشد. قطع رقعی.

۱۰. رساله در خصوص شروط صلوة و ارکان و واجبات و مستحبات و مکروهات از علمای نیمه نخست سده سیزده قمری، نسخه نفیس و چاپ نشده، خط نسخ درشت، عناوین مشکی، کتابت در ۲۰ شوال ۱۲۶۴ قمری به خط حسین بن عبدالله بن ابراهیم بن سلیم التستری البحرانی که به دستور ملا محمد لاری سالن لنجه کتابت نموده است. متأسفانه برگ‌های نسخه فرسوده است، قطع جیبی.

۱۱. مجموعه ۱۳ رساله در یک جلد، بدین ترتیب:

۱. نبراس الضیاء و تسواء السواء فی شرح باب البلاء از میرداماد

محمدباقر حسینی مرعشی (عربی)، کتابت در سده سیزده قمری
 عناوین شنگرف. ۲. الفوائد المتفرقة المأخوذة من شرح کمال الدین محمدبن فخرین علی اللاری علی الرسالة الزوراء للمحقق الدوانی، خط نسخ، کتابت سده سیزده قمری عناوین شنگرف. ۳. مظهر الانوار از مولی محمدتقی استرآبادی ساکن مشهد مقدس، خط نستعلیق خوش، عناوین شنگرف، کتابت سده سیزده قمری ۴. آغاز و انجام (فارسی) از خواجه نصیرالدین طوسی، خط نستعلیق، عناوین شنگرف، کتابت پنجشنبه سال ۱۲۸۵ قمری ۵. تحفه حاتمی (فارسی) از شیخ بهاء‌الدین عاملی شامل ۷۰ باب، خط نستعلیق، عناوین شنگرف، کتابت سده سیزده قمری ۶. جاماسب‌نامه (فارسی) خط نستعلیق، عناوین شنگرف، کتابت سده سیزده قمری ۷. رساله در تحقیق علم به عربی از ملا حنفی، خط نسخ در سده سیزده قمری ۸. رساله در عدم مطابقه تصورات با تحقیق نقیض به عربی از ملا حنفی، خط نسخ، ۹. رساله در تحقیق نقیض به عربی از ملا حنفی، خط نسخ ۱۰. رساله محقق دوانی در تحقیق مطابقه تصورات به عربی، خط نسخ کتابت سده سیزده قمری ۱۱. شرح رساله نفس الامر به عربی از محقق دوانی ۱۲. شرح رساله نفیس الامر به عربی از ملا حنفی ۱۳. رساله در تحقیق کلیات به عربی از قطب الدین رازی، به خط نسخ در سده سیزده قمری، عناوین شنگرف، قطع مجموعه رقعی، جلد تیماج قهوه‌ای یک‌لا.

۱۲. مدارک الاحکام فی شرح عبارات شرایع الاسلام: از سید

محمدبن علی بن حسین موسوی عاملی فتونی متوفی ۱۰۰۹ قمری شامل کتاب طهارت و صلوة، خط نستعلیق، کتابت در سه‌شنبه ماه مبارک رمضان سال ۱۱۲۵ قمری به خط معصوم الجیلانی در مکه مکرمه که از روی نسخه اصل به خط مصنف کتابت شده، عناوین شنگرف، در پشت برگ آغاز خط سید کاظم موسوی زنجانی آمده است. جلد تیماج قهوه‌ای ضربی یا ترنج، عطف پارچه سفید.

۱۳. اساس الاصول (عربی)، در رد کتاب الفوائد المدنیة استرآبادی از سید دلدار علی بن محمد معین نقوی نصیرآبادی لکهنوی هندی، نسخه نفیس برگ آغاز و انجام افتاده، خط نستعلیق، عناوین شنگرف، جلد تیماج قهوه‌ای ضربی با ترنج و سرترنج و لچک.

۱۴. دیوان اشعار فارسی فیض کاشانی، نسخه نفیس، اینجانب با توجه به شناختی که در طول سالیان دراز در بررسی زندگی‌نامه خاندان فیض به دست آورده‌ام، می‌توانم بگویم این نسخه به خط یکی از فرزندان یا نوادگان فیض است؛ متأسفانه چند برگ پایانی نونویس شده، کتابت در نیمه نخست سده دوازده قمری، خط نسخ زیبا، صفحات مجدول زرین با لاجورد، برگ آغاز افتاده، قطع جیبی.

برای این کتابخانه بزرگ خریداری نموده‌ام. ان‌شاءالله اگر موفق شوم در مورد این کتابخانه و صاحبان آن گزارشی تهیه و در این فصلنامه خواهم آورد.

۱۷. جلد سوم کتاب مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام (عربی) از شیخ زین‌الدین علی‌بن‌احمد عاملی معروف به شهید دوم متوفی به سال ۹۶۶ قمری، نسخه نفیس، تمامی این نسخه به خط نسخ عالم بزرگوار ملاخلیل‌بن‌محمد زمان قزوینی است که در سال ۱۱۲۰ قمری آن را برای خود کتابت نموده است. این ملاخلیل غیر از ملاخلیل قزوینی صاحب شرح اصول کافی و کتاب‌های دیگر است، ملاخلیل کاتب این نسخه نیز از علمای برجسته سده دوازده قمری بوده، این نسخه نیز از جمله نسخه‌های کتابخانه سیدابوالقاسم موسوی زنجان‌ی بوده، دستخط وی در سال ۱۲۴۹ قمری در پشت برگ آغازین نسخه آمده است. همچنین خط فرزند وی ابوطالب محمدبن ابوالقاسم نیز به سال ۱۳۱۷ قمری در زیر خط پدرش مشهود می‌باشد. قطع وزیری. فاقد جلد.

۱۸. من لایحضره الفقیه از شیخ صدوق، نسخه نفیس و مصحح که به وسیله یکی از علمای عصر صفوی مقابله و تصحیح شده و عبارت «ثم بلغ قرأته و فقه‌الله تعالی» در بسیاری از مواضع نسخه آمده که شباهت زیادی به خطوط خاندان شهید دوم دارد، کتابت نسخه در سال ۱۰۸۵ قمری به خط نسخ علی‌اصغر بن حاج محمد شفیع سبزواری، عناوین شنگرف، در پشت برگ آغاز خط عبدالرحیم بن محمد سعید الحسینی در ذیحجه سال ۱۲۰۶ قمری با مهر بیضی وی آمده که نسخه را به فرزند خود میر هدایت‌الله هبه نموده است. قطع وزیری، جلد تیماج مشکلی.

۱۵. کتاب ربیع الشیعة (عربی): منسوب به سید بن طاووس حلی این کتاب همان اعلام الوری طبرسی است که با حذف دیباچه آن به نام ربیع‌الشیعه نام‌گذاری شده است. البته تاکنون کتابی به نام ربیع‌الشیعه چاپ نشده است و در خصوص آن مطالب بسیاری است. اینجانب در مورد انتساب آن به سید بن طاووس گزارشی نوشته‌ام که در همین شماره از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد. خط نسخ، عناوین شنگرف، کتابت ۱۲ جمادی الاول سال ۱۱۰۱ قمری به خط محمدصادق بن حاجی احمد تونی، پشت برگ آغاز چند تملک دیده می‌شود؛ از جمله: ابوالقاسم بن کاظم الموسوی الزنجانی سال ۱۲۵۵ قمری، و شرف‌الدین محمد مکی بن محمد ضیاء‌الدین من ذریة الشریف ابی‌عبدالله‌الشهید محمدبن مکی‌المطلبی الحارثی الخزرچی‌العاملی در سال ۱۱۶۹ قمری و نیز تملک علی بن محمد بن شمس‌الدین بن زین‌الدین من سلالة الشریف ابی‌عبدالله‌الشریف‌الشهید ابن مکی‌احمدبن محمدبن حامد‌المطلبی در سال ۱۱۵۷ قمری. جلد تیماج قهوه‌ای ضربی با ترنج زرین، قطع وزیری.

۱۶. مجموعه دو کتاب از یک مؤلف در یک جلد: ۱. کتاب مفتاح الشفاء در ادویه و ادعیه امراض، به فارسی از مولی فیض‌الله عصاره تستری «شوشتری» در ترجمه کتاب طب الائمه، شامل مقصد و ۵ باب و خاتمه که به امر نواب فتحعلی خان نگاشته است، کتابت در سده دوازده قمری، خط نسخ، عناوین شنگرف، برگ آغاز افتاده، دارای حواشی مختصر به خط سید شبر بن محمد الموسوی. ۲. رساله در ترجمه فارسی طب الرضا(ع) از همان مؤلف؛ رساله نخست این رساله را نیز در دو فصل به امر نواب فتحعلی خان نگاشته است، برگ پایانی افتاده، کتابت در سده دوازده قمری به خط همان کاتب. این نسخه از جمله کتب کتابخانه خاندان موسوی زنجان‌ی بوده است که از اوایل سال ۷۹ تا پاییز در چند فقره نسخه‌های خطی آن را



مؤلف ربیع الشیعة

سید محمود مرعشی نجفی

حال سید جلیل (علی بن موسی بن طاووس) پس از ذکر گفته‌های علامه مجلسی، مطلبی هم از حاشیه کتاب تکملة نقد الرجال کاظمینی نقل نموده که می‌گوید اعلام الوری و ربیع الشیعة را از آغاز تا پایان تطبیق نموده و آنها را بدون کم و زیاد، یکسان دیده است. سپس محدث نوری می‌گوید: «این کتاب (ربیع الشیعة) نه در فهرست آثار سید (ره) در کشف المحججه و نه در اجازات او و نه در جایی از کتب او - چنانکه عادت اوست که از سایر آثار خود نام ببرد - دیده نشده و این دو بزرگوار (مجلسی و عبدالنبی کاظمینی) با وجود اطلاع از یگانگی دو کتاب و اظهار تعجب، وجهی ذکر نکرده‌اند؛ و من با شیخ استاد (ره) در این باره گفتگو کردم، او با حدسی صائب گفت: «گویا نسخه‌ای از اعلام الوری که خطبه نداشته است به دست سید رسیده و این نسخه که تحسین او را برانگیخته؛ و «سید»، که کتاب را نمی‌شناخته، آن را با خط خود نوشته؛ پس از درگذشت او، از آثار سید تلقی شده و خطبه‌ای به روش سید بر آن افزوده‌اند. و چه نیکو گفته است.»

۳- سید محمد باقر خوانساری در روضات الجنات در ضمن ترجمه حال مؤلف اعلام الوری از کتاب نظام الاقوال نظام الدین ساوجی نقل می‌کند که بعد از ذکر آثار طبرسی (ره) گفته: «و از شگفتی‌ها، سید بن طاووس، کتاب ربیع الشیعة را به گونه اعلام الوری نگاشته است.»

۴- مولی عبدالله اصفهانی، در کتاب ریاض العلماء گوید: «و از شگفتی‌ها اینکه سید رضی الدین بن طاووس، کتاب ربیع الشیعة را تألیف نموده و اتفاقاً، با کتاب اعلام الوری در تمام مطالب و ابواب و ترتیب، بدون فزونی و کاستی، یکسان آمده است، مگر در دیباچه.» و به نظر می‌رسد مؤلف در بیان مطلب مسامحه نموده و یا بنا بر تعریض داشته است. (ریاض ۴/۳۴۳).

در زمستان سال جاری، چند مجموعه از نسخه‌های خطی نفیس گزینش شده را، اینجانب برای کتابخانه خریداری نمودم. در میان این نسخه‌ها، به یک نسخه خطی از کتاب ربیع الشیعة منسوب به سید بن طاووس (ره) برخوردم که در خصوص انتساب یا عدم انتساب آن به سید مطالبی را قبلاً در کتاب‌ها خوانده بودم. لهذا تصمیم گرفتم برای روشن شدن موضوع به بررسی بیشتر آن به شرح زیر پردازم.

تردیدی نیست که کتاب ربیع الشیعة، همان اعلام الوری با اعلام الهدی از شیخ جلیل، فضل بن حسن طبرسی است که بنا به کار سهوی یا عمدی یک کاتب، به سید جلیل، رضی الدین علی بن موسی معروف به سید بن طاووس نسبت داده شده است.

علما و پژوهشگران کتاب‌شناس، جملگی بر ساختگی بودن نام و بخشی از خطبه نسخه‌هایی چند، به این نام، آگاه بوده و پرسش‌های برخاسته از دوگانگی نام در بعضی نسخه‌ها را بر پایه اندیشه‌های خود پاسخ گفته‌اند:

۱- علامه مجلسی (رض)، در مقدمه بحار الانوار در فصل نخستین، نام ربیع الشیعة را در کنار آثار سید بن طاووس یاد کرده ولی در فصل دوم، در مقام بررسی و توثیق منابع، می‌گوید: «از میان کتاب‌های ابناء طاووس کتاب ربیع الشیعة را به خاطر یکسان بودنش با کتاب اعلام الوری در همه ابواب و فصول، کنار گذاشتم و این از او (سید بن طاووس) مایه شگفتی است!»

۲- محدث نوری (ره) در خاتمه مستدرک الوسائل، در ضمن شرح

۵- آیت‌الله شهید، ثقة الاسلام تبریزی در کتاب *مرآة الکتب*^۱، در عنوان *اعلام الوری* بعد از نقل گفته‌های علامه مجلسی و محدث نوری، می‌گوید: «اینکه کتاب *ربیع الشیعة* در ضمن آثار ابن طاووس یاد نشده است، همان‌طور است که می‌گوید؛ من نیز با کمی تتبع، چیزی که از آن کتاب نقل شده باشد، در جایی نیافتم مگر در کتاب *شرعة التسمیه* از سید داماد که او پس از نقل حدیثی از صدوق و مفید، آن حدیث را از *ربیع الشیعة* با این عبارت نقل می‌کند: «این حدیث را به طریق دیگر، سید معظم و سند مکرم، ابن طاووس رضی‌الله تعالی عنه و ارضاه، در کتاب *ربیع الشیعة* نقل می‌کنیم». مؤلف فاضل و دانشمند *مرآت الکتب*، فواید دیگری نیز در باره کتاب *اعلام الوری* آورده است. (*مرآت الکتب* ۵۷/۲).

۶- علامه، آقابزرگ تهرانی، در عنوان *اعلام الوری* بعد از ذکر ویژگی‌های این کتاب نفیس، به همسانی آن با *ربیع الشیعة* اشاره نموده و ضمن بازگویی نوشته‌های علامه مجلسی و محدث نوری، مطلبی در توجیه رخداد اشتباه بین این دو کتاب، به نقل از بعضی مشایخ نقل می‌کند: «مطالعه‌کننده بیانات سید تردید نمی‌کند که *ربیع الشیعة* از آن نیست، و بعضی از مشایخ احتمال داده‌اند که منشأ این اشتباه، این بوده است که «سید» این کتاب را بر شاگردان خود املا نموده و در مقام تعریف و تمجید، آن را به *ربیع الشیعة* تشبیه نموده و گفته است: «هذا الكتاب ربیع الشیعة؛ سپس موضوع بر نسخه‌نویسان بعدی مشتبه شده و گمان نموده‌اند که مؤلف کتاب «سید» و نام آن *ربیع الشیعة* بوده است.» (*الذریعة* ۲۴۱/۲).

گزیده سخنان اهل فن که آورده شده، بر این نکته پافشاری دارد که کتاب *اعلام الوری* از آن ابوعلی فضل‌بن حسن طبرسی است و تغییر نام و نسبت آن به سیدبن طاووس از روی سهو و اشتباه است؛ که چنانکه گذشت، از سوی کاتب نسخه اولی انجام شده است. ولی بعضی از آنان این مسأله را از باب اتفاق تلقی نموده و بعضی دیگر اظهار شگفتی نمودند؛ ولی ما می‌گوییم: «در انتساب کتاب *اعلام الوری* به طبرسی تردیدی وجود ندارد؛ ولی افزون بر اشتها و تواتر منابع و تقدم روزگار طبرسی نسبت به سیدبن طاووس، وجود نسخه اصلی *اعلام الوری* به خط طبرسی نزد علامه مجلسی (بحار ۲۸/۱) و نقل ابن شهر آشوب (در گذشته به سال ۵۸۸) در کتاب مناقب از *اعلام الوری* با اجازه مؤلف (مناقب ۱۲/۱)، جای تردید و گفتگو باقی نمی‌گذارد.

وانگهی سید بزرگوار، عارف جلیل‌القدر، دریای علم، نمونه و ضرب‌المثل در پاکیزگی درون و تقوی و اصالت خاندان و مناعت طبع، رضی‌الدین ابوالقاسم، علی‌بن موسی بن جعفر بالاترو والاتراز آن است که در تألیفات خود حتی تلیف کند، تا چه رسد به این که کتابی را به تمامی انتحال نموده و نام آن را عوض کند و کسی که حد اقل

شناختی، از سید و مقام علمی و عرفانی و شخصیت و آثار او داشته باشد، اندک گمانی در این باره به خود راه نمی‌دهد.

بنابراین، در باره تغییر نام *اعلام الوری* و دگرگونی خطبه و دیباچه آن، باید گمان‌های موجود را بررسی نموده و به یک پاسخ خردپسند دست یازیم.

در گزارش گفته‌های بزرگان، به دو توجیه احتمالی برخورد نمودیم:

نخست اینکه: ممکن است سید نسخه *اعلام الوری* را به شاگردانش املا نموده باشد و در مقام توصیف گفته باشد: «هذا الكتاب ربیع الشیعة» و کاتب بعد از ذکر قال السید، نوشته باشد: هذا الكتاب ربیع الشیعة، سپس نسخه پردازان بعدی چنین تلقی نمودند که این کتاب از آثار سید است و نام آن *ربیع الشیعة* است. (*الذریعة* ۲۴۰/۲). دوم این که شاید نسخه‌ای از *اعلام الوری* که مقدمه آن افتاده بوده است، به دست سیدبن طاووس رسیده و تحسین او را برانگیخته است؛ او در حالی که از نام کتاب و نام مؤلف آن بی‌خبر بوده، آن نسخه را بازنویسی کرده و پس از فوت او چنین پنداشته شده که این کتاب تألیف سیدبن طاووس است. آن‌گاه خطبه‌ای بر اساس سلیقه سید بر آن نگاشته‌اند (مستدرک الوسائل ۴۶۹/۳).

این دو توجیه که گزیده آنها را از منابع دسترس گزارش نمودیم، بهترین گمان‌های موجود هستند؛ مگر این که کمی دیگر اندیشیده، آن‌گاه نسخه موجود را از نزدیک بررسی کنیم. پس برای همین خواسته، دیباچه نسخه مورد نظر (*ربیع الشیعة*) را نقل کرده، آن‌گاه مطالب افزوده و کاسته را بیان نموده و یک‌بار دیگر احتمالی را مطرح می‌کنیم که با وضع نسخه سازگارتر باشد.

آغاز کتاب

الحمد لله (اللطيف الخبير السميع البصير) الواحد الاحد الفرد الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفواً احد (تعجز الحواس ان تدرکه والاهوام ان تناله والخطرات ان تحده والابصار عن الاحاطة به جل عماً و صفه الواصفون و تعالی ممانعته الناعتون علواً كبيراً) و صلوات الله على عبده المجتبی و نبیه المصطفى خیر الانبياء والمرسلین البشیر النذیر والسراج المنیر سید سادات العرب والعجم محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب و علی اصفیائه و اوصیائه الائمة المهتدين المنتجبين من ارومة المستحفظين لشریعة المعصومين من

۱. این کتاب ارزنده بر اساس نسخه اصل به خط مرحوم ثقة الاسلام در چند جلد که در این کتابخانه موجود می‌باشد، تاکنون ۴ جلد آن به تحقیق حجة الاسلام والمسلمین محمدعلی حائری از سوی واحد انتشارات این کتابخانه چاپ و منتشر گردیده، و بقیه نیز در حال انجام است.

صلی الله علیه و آله ، همچنین برخلاف اصول کلام عرب در کلمه «آل» اعاده «جاره» شده؛ یعنی «و علی آله» نوشته شده؛ همچنین برخلاف سیره اهل بیت - علیهم السلام - که صلوات را خاص پیامبر و آل او - صلوات الله علیهم - می دانند و هیچ گروهی را به آن خاندان عطف نمی کنند، جمله «و صحبه المنتجبین» افزوده شده است. با توصیف یادشده به نظر می رسد اولین کسی که اقدام به تحریف نسخه نموده، از اهل علم نبوده، ولی آیا این دگرگون سازی صرفاً تزویر بوده است؟

در برابر این پرسش، دو گونه گمان وجود دارد:

۱- شاید کتاب آریبی به خاطر ساختن نسخه ای منحصر و عرضه آن به دوستان کتاب، دست به تغییر دیباچه و نام کتاب و مؤلف زده و آن را به شخصی نه چندان خبره فروخته، سپس همان نسخه الگوی نسخه های بعدی شده است.

۲- گمان دوم که به نظر می آید درست تر از اولی باشد، این است که شاید نسخه ای از اعلام الوری به دست کسی رسیده که چند برگ آغاز آن به دلایلی از قبیل رطوبت و پوسیدگی و یا آفت جانوری، فرسوده بوده و کلمات بسیاری از آن، قابل قرائت نبوده؛ لذا برای احیا و بازسازی نسخه، اقدام شده و هر کلمه ای که قابل قرائت بوده، نوشته شده و برای کلمه های ناخوانا، جانشینی به انتخاب کاتب تعیین شده؛ و آن بخش از دیباچه مؤلف که به رسم هدیه کتاب و اوصاف و القاب مهدی الیه و نام او، اختصاص داشته، غیر لازم تشخیص داده شده و به کلی حذف گردیده و از باب دوم کتاب که سالم بوده، تا آخر کتاب، بدون تحریف استنساخ شده است. اما منشأ اشتباه در مورد نسبت تألیف کتاب به سید بن طاووس شاید عبارت رضی الدین ابوعلی در عنوان کتاب که لقب و کنیه فضل بن حسن طبرسی است، به جای رضی الدین علی که لقب و نام سید بن طاووس است، تلقی شده و چون ناسخ (شاید در سرزمین عراق) با نام سید بن طاووس آشنا تر بوده، به آن جزم کرده است.

و بالاخره، زمان تحریف اولین نسخه اگرچه ناممکن است ولی بر اساس نسخه موجود که از روی نسخه ای به تاریخ (۸۸۱) استنساخ گردیده، می توان دست کم آن را ۵۰۰ سال پیش از حالا دانست. در پایان نسخه چنین آمده است: قد وقع الفراغ من کتابة هذه الكتاب الموسوم باعلام الوری باعلام الهدی تألیف الشیخ الجلیل رضی الدین ابوعلی الفضل الطبرسی بتوفیق... سنة احدی و ثمانین و ثمانمأة. تحریر محمد صادق تولی، ۱۱۵۱ طاهرة.

کل دنس و رجس المفضّلین علی كافة الجن والانس، اعلم و فقه الله تعالی ان سبب تألیف هذا الكتاب أنه التمس جماعة من الشيعة محبّون للعترة، فی ذکر مناقبهم و خصائصهم و اسامیهم و وقت مولدهم و اعمارهم و فی طرف من اخبارهم و آثارهم و النصوص التي تدل علی امامتهم و علامات تدل علی أنهم یتمیزون من الخلائق حتی اذا نظر فیهم المنصف و تدبره المتدبر ترک التعسف و التعصّب (ولما) کان رسول الله صلوات الله و سلامه علیه و آله، شجرة العلم و الائمة - علیهم السلام اعصانها النبی شارع الدین و الائمة حافظه و النبی صاحب الكتاب و الائمة حملته، (رأیت ان ابتداء بذکره صلوات الله علیه و علی آله و شرح بیان آیات بینات) دلالات باهرات و معجزات قاهرات له صلی الله علیه و آله و (استمدت من الله التوفیق و المعونة لاتمام هذا الكتاب و سمیته ربیع الشيعة لیرتفع فیهم الناظر و یذکر المصنف بالدعاء الصالح رضی الله عنه و ارضاه بالعفو و الرحمة و اسكنه بحبوحة جنانه فی مجاورة احبائه بکرمه و غفرانه).

در این دیباچه که بخش بزرگی از آن حذف شده است، بخش های اندکی نیز بر آن افزوده شده است. ما بخش های افزوده را در میان دو ابرو قرار دادیم، تا اینکه جمله های اصلی از جمله های افزوده، بازشناسی شود.

از وضعیت این مقدمه چنین برمی آید که نسخه مورد استنساخ دارای خطبه بوده و تحریفاتی که در آن انجام شده، به دلیل وجود جمله های غیر فصیح و احیاناً با غلط، از لحاظ مفهوم و دستوری، توسط یک دانشمند صورت نگرفته؛ پس فرضیه یادشده از الذریعة و مستدرک الوسائل با وضعیت دیباچه تطبیق نمی شود.

در ادامه بررسی نسخه، نگاهی به فهرست اجمالی کتاب نموده و قطعه تحریف شده ای از آن را به عنوان نمونه می آوریم.

نسخة ربیع الشيعة: الرّكن الاول فی ذکر رسول الله محمّد صلی الله علیه و علی آله و صحبه المنتجبین.

نسخة اعلام الوری: الرّكن الاول فی ذکر النبی المصطفى صلی الله علیه و آله.

و همچنین، حالت تحریف و کاستی و فزونی، تا پایان باب اول ادامه یافته و از باب دوم تا پایان کتاب، غالباً با متن اعلام الوری تطبیق کامل داشته مگر اختلاف بسیار جزئی، که در نسخه های خطی بسیار رایج است.

با بررسی قسمت اخیر در عنوان (الرّکن الاول)، دیده می شود که در جمله مبارکه صلوات، بر خلاف روش حقه پیروان خاندان پیامبر -

شیفتگان کتاب

علی رفیعی علامرودشتی

بخش سیزدهم

به جهان گشوده باشد. به ویژه که برخی از منابع نوشته‌اند: وی به هنگام مرگ بیش از هشتاد سال عمر داشته است.^۳

او در قیروان دیده به جهان گشود و در همان‌جا نشو و نما یافت و دانش آموخت. چون پدر و عمویش پزشک بودند، پزشکی را نزد آنان فرا گرفت.^۴ از دیگر استادان وی اطلاعی در دست نیست و در منابع فقط به یک استاد او به نام اسحاق بن سلیمان اسرائیلی اشاره‌ای

۴۱. ابن جزّار ابو جعفر احمد بن ابراهیم بن ابی خالد جزّار، (متوفی

به سال ۳۶۹ ق / ۹۷۹ م)

پزشک و کاتب مشهور قیروانی مغربی.

تاریخ تولد وی دانسته نیست و ابن جلجل که معاصر وی بوده و گویا نخستین گزارشگر زندگی اوست و نوشته‌های وی با اندکی افزودگی و کاستی، منشأ نوشته‌های بعدی بوده است نیز، از تاریخ تولد و حتی درگذشت وی یاد نکرده و شرح حال نویسان بعدی نیز، غالباً متذکر این مطلب نشده‌اند. گویا ابن عذاری که حدود سه سده پس از ابن جزّار می‌زیسته، تاریخ مرگ او را ضبط کرده است و از آنجا که وی به اخبار مغرب بیشتر دسترسی داشته، گفته‌هایش دور از اعتبار نیست؛ از این رو اقوال متناقض و متعدد دیگری که گاهی او را اندلسی و مقتول پیش از ۴۰۰ قمری و گاه در گذشته همان سال و گاه پس از آن قلمداد کرده‌اند، درست نیست.^۱

از فحوای نوشته‌های ذهبی که نوشته است: ابن عذاری، مصاحب با اسحاق بن سلیمان اسرائیلی بوده و پس از ۳۰۰ قمری از او دانش آموخته و عمری طولانی کرده است^۲، چنین استنباط می‌شود که ابن جزّار در تاریخ ۳۰۰ قمری، حداقل بیست سال عمر داشته است و بر این اساس می‌باید حدود سال ۲۸۰ قمری یا اندکی قبل و بعد از آن دیده

۱. طبقات الاطباء ابن جلجل، ص ۸۶-۹۱؛ البیان المغرب ابن عذاری، ۱/۲۳۷؛

جذوة المقتبس، ص ۱۰؛ تاریخ الحکماء قفطی، ص ۳۸۱؛ مسالک الابصار، ج

۵، قسم ۳ برگه ۵۷۸-۵۷۹؛ سلم الوصول، ص ۶۲؛ طبقات الامم ابن قاضی

صاعد، ص ۶۱؛ المسالک بکری، ص ۴۲؛ عیون الانباء، ابن ابی اصیبعه، ص

۴۸۱؛ معجم الادباء یاقوت حموی، ۱۲۶/۲؛ الوافی بالوفیات، ۲۰۸/۶-۲۰۹؛

الکامل فی التاریخ ابن اثیر، ۴۹۷/۸-۴۹۸؛ وفيات الاعیان، ۱/۲۳۵-۲۳۶؛

الجامع المفردات ابن بیطار، ۱۶۷/۲؛ الاعتماد فی الادویة المفردة، ابن جزّار،

مقدمه؛ سیر اعلام النبلاء، ۵۶۱/۱۵-۵۶۲؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث

و وفيات ۳۵۱-۳۸۰ ق) ص ۲۴۱-۲۴۲؛ ترتیب المدارک، قاضی عیاض،

۱/۳۳۹-۳۴۰ و ۴۸۷/۲؛ القضاة الحنفیاء، مقریزی، ص ۱۳۲-۱۳۳؛ کشف

الظنون، ۱/۸۹۶ و ۲/۹۶۴ و ۱/۱۱۲۶؛ مختصر تاریخ طب العربی، کمال

سامرایسی؛ ۱/۶۴۴-۶۴۷؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۳/۲۲۷-۲۲۹؛

دائرة المعارف اسلام (انگلیس)، ۳/۳۰۴-۳۰۷؛ ابحاث المؤتمر السنوی

الثالث للجمعية السوریة لتاریخ العلوم، به کوشش مصطفی خالد، مقاله «کتاب

دفع مضار الایدان بارض مصر لعلی بن رضوان» از سلیمان قطایه،

۳/۳۱۲-۳۱۹ و مقاله «فی مرض العشق از کرمی غارة»، ۳/۳۱۹-۳۲۰،

بروکلمان، ۱/۲۳۸ و ذیل ۴۲۴/۱.

۲. تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفيات ۳۵۱-۳۸۰ ق) ص ۲۴۱.

۳. طبقات الاطباء ابن جلجل، ص ۸۹-۹۰.

۴. سیر اعلام النبلاء، ۵۶۱/۱۵.

کرده روزی در دهلیز منزل ابن جزّار نشسته بودم، در حالی که پراز جمعیت بیماران بود، در آن هنگام پسر برادر قاضی نعمان وارد شد؛ او جوانی بود جلیل القدر که گاهی قاضی او را به جای خویش به قضاوت می‌نشانند و در دهلیز جایی برای نشستن نبود، جز مکانی که ابن جزّار خود در آنجا می‌نشست و آن جوان در آن مکان نشست و چون ابن جزّار وارد شد، جوان بلند شد و ابن جزّار بدون آن که به او تعارف کند، در آنجا نشست و پسر برادر قاضی، قاروره‌ای را که به همراه داشت به ابن جزّار نشان داد و او تنها با مشاهده تفسره بیمار، بدون اینکه خود وی را ببیند و یا به دیدارش برود، او را معالجه کرد و چون قاضی نعمان پس از بهبودی فرزندش، برای وی نامه تشکر آمیز همراه با چندین جامه و ۳۰۰ دینار زر فرستاد، ابن جزّار نپذیرفت و گفت: به خدا هیچ یک از دولتمردان معد (المعزّ لدین الله) را بر من نعمتی و منتهی نیست.^{۱۰}

بنابراین نظر ذهبی که ثروت و حشمت وی را نتیجه پیوستگی او به دستگاه خلافت فاطمیان دانسته^{۱۱} چندان درست به نظر نمی‌رسد، زیرا وی مالکی مذهب بوده است و چنانکه اشاره شد وی به مذهب مالکی تعصب داشته و علت این اظهار نظر، شاید به دلیل کتابی باشد که ابن جزّار در مورد ظهور عبیدالله مهدی، سلسله فاطمیان در آفریقا به نام: اخبارالدوله، نوشته است.

آثار و تألیفات ابن جزّار، گذشته از پزشکی که در آن مهارت فراوان و شهرت داشت، در تاریخ و جغرافیا، حکمت و فلسفه نیز دست داشته و ذهبی او را فیلسوف برجسته معرفی کرده است،^{۱۲} از این رو آثار فراوانی در این رشته، تحریر و تألیف کرد و کثرت آثارش حکایت از آن دارد که وی زندگی عزلت جویانه و فراغتی را که در سایه ثروت خویش داشت و از طریق ارث به او رسیده بود، به خدمت علم و تحریر آثاری ارزشمند در آورده بود.

شده است.^۱ اما از فحوای سخن ابن جزّار که مطلبی را از استاد خود اسحاق در کتاب اخبارالدوله خویش، نقل کرده چنین استنباط می‌شود که رابطه ابن جزّار با استادش اسحاق، فراتر از رابطه شاگردی و استادی بوده و نشان می‌دهد که میان آن دو دوستی و مصاحبتی وجود داشته است.^۲

همچنین از دفاعی که اسحاق از شاگرد خود در جریان مداوای ابن جزّار از المنصور بالله، خلیفه فاطمی (حکومت: ۳۳۴-۳۴۱ ق) که منجر به مرگ خلیفه شد و ابن جزّار در خطر مرگ قرار گرفت، کرده است نیز، به خوبی می‌توان میزان رابطه آنان را فهمید.^۳

به هر حال وی از شاگردان اسحاق بوده و مدت‌ها نزد او دانش آموخته و پیوند و رابطه تنگاتنگی میان آنان برقرار بوده است. در مورد مذهب وی نیز، در منابع به صراحت اشارتی نشده است، اما در این که سنی مذهب بوده شکمی نیست؛ و از این که کسانی مانند قاضی صاعد اندلسی^۴ و قاضی عیاض مالکی^۵ وی را نیکو مذهب دانسته و از او مکرر نقل قول کرده‌اند و همچنین رواج کامل مذهب مالکی در آفریقا در روزگار ابن جزّار و بی‌اعتنایی او به امیران و خلفای فاطمی شیعی مذهب، نشانگر آن است که وی مالکی مذهب بوده است.^۶

از خصوصیات اخلاقی وی آن است که به لذت جویی و عیش و نوش بیش از اندازه بها نمی‌داد و در قیروان، هیچ کس از او لغزشی ندید و بیشتر دوران زندگی خویش را دور از مردم و به تنهایی گذراند و هیچ‌گاه به دیدار بزرگان، امیران، پادشاهان و ثروتمندان، نمی‌رفت و مردم نیز به دیدار وی نمی‌رفتند و با تنها کسی که انس و الفت و دوستی دیرینه داشت و هر جمعه به دیدارش می‌شتافت، شخصی به نام ابوطالب عموی خلیفه بود.^۷

ابن جزّار هرگاه در مجالس عروسی و یا عزاداری شرکت می‌کرد، از غذای آنها نمی‌خورد؛ وقتی به دیدار بیماران می‌رفت و آنها را مداوا می‌کرد، از آنان چیزی نمی‌گرفت و حتی داروی مجانی به آنان می‌داد.^۸

نوشته‌اند که وی در بیرون درمانگاه و منزل خود، اطفاک و کپری ساخته بود و غلام خویش را در آن اطاق برای دادن دارو به بیماران می‌نشانید، تا خود فراغتی بیشتر جهت درمان بیماران و معاینه آنان داشته باشد و به غلامش دستور داده بود که از بیمارانی که دارو می‌ستانند، چیزی نگیرد و داروها را مجانی در اختیارشان قرار دهد.^۹

با این حال هیچ‌گاه به منزل دولتمردان، جهت مداوایشان، نمی‌رفت. داستانی از او نقل شده است که بی‌اعتنایی وی را نسبت به دولتمردان به خوبی نشان می‌دهد. ابن جلجل گوید: شخصی برایم نقل

۱. عیون الانباء، ص ۴۸۱.

۲. همان‌جا.

۳. الکامل ابن اثیر، ۸/۴۹۷-۴۹۸؛ وفيات الاعیان، ۱/۲۳۵-۲۳۶؛ القاط

الحنفاء، ص ۱۳۲-۱۳۳.

۴. طبقات الامم، ص ۱۵۴.

۵. ترتیب المدارک، ۱/۳۳۹-۳۴۰.

۶. معجم الادباء، ۲/۱۳۷؛ الوافی بالوفیات، ۶/۲۰۸.

۷. طبقات الاطباء، ابن جلجل، ص ۸۹.

۸. الوافی بالوفیات، ۶/۲۰۸-۲۰۹.

۹. طبقات الاطباء، همان‌جا؛ معجم الادباء، ۲/۱۳۷؛ الوافی بالوفیات، ۶/۲۰۸.

۱۰. طبقات الاطباء، همان‌جا.

۱۱. سیر اعلام النبلاء، ۱۵/۵۶۱.

۱۲. سیر اعلام النبلاء، همان‌جا.

تاسکون چهار عنوان از آثار و تألیفات وی چاپ شده که عبارتند از:

۱. الاعتماد فی الادویة المؤدة، در طب، این کتاب را استنانوس سرقسطی به لاتین ترجمه کرد و پس از آن به زبان‌های یونانی و عبری نیز برگردانده شد، ولی این کتاب با ترجمه لاتینی دیگری که کنستانتین آفریقایی همراه اختصار و تحریف و انتساب آن به خود، از آن به عمل آورد، در اروپا شهرت یافت، تا این که اشتاین اشنایدر، این سرقت علمی را کشف کرد و در آرشیو فیرکو درج نمود.^۱ البته نسخه‌های عربی این کتاب، اغلب ناقص و کامل‌ترین نسخه آن به گفته سزگین، نسخه‌ای است که در تاریخ ۵۳۹ قمری نوشته شده و در کتابخانه ایاصوفیه موجود است.^۲

۲. زاد المسافر فی علاج الامراض و یا یاقوت الحاضر وزاد المسافر، که مشهورترین اثر ابن جزار در طب است و این کتاب در زمان حیات ابن جزار به اندلس برده شد.^۳ به گفته حاجی خلیفه در هفت مقاله و ایوب بسیار تنظیم شده است.^۴ این کتاب را از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین آثار زبان عربی شمرده‌اند، که به شرح بیماری عشق پرداخته است.^۵ موسی بن تبون آن را به عربی ترجمه کرد، پس کنستانتین آفریقایی آن را به لاتین ترجمه کرد و این ترجمه در ۱۵۱۰ میلادی و بار دیگر در ۱۵۳۶ میلادی، چاپ شد. کنستانتین این کتاب ابن جزار را نیز، به خود نسبت داد،^۶ اما در نورگ این انتقال را کشف کرد.^۷ سه مقاله اول متن عربی آن به کوشش محمد السویسی و الراضی جازی، در لیبی و تونس به چاپ رسیده است.^۸

۳. سیاسة الصبیان و تدبیرهم، کتابی در پزشکی در ۲۲ باب و در مورد راه‌های نگاهداری نوزاد سالم و بیمار. این کتاب در ۱۹۷۹ م به کوشش محمد حبیب حیلله در تونس، انتشار یافته است.^۹

۴. کتاب فی المعدة و امراضها و مداواتها، در چهار فصل که به کوشش سلیمان قطایه، در سال ۱۹۸۱ م در بغداد منتشر شده است.^{۱۰} اتفاقاً این کتاب را نیز، کنستانتین آفریقایی به لاتین ترجمه کرده و به خود نسبت داده است.^{۱۱}

تعداد هفت اثر دیگر، به صورت دست‌نوشته هم اکنون باقی است که به این شرح هستند:

۱. کتاب ابدال العقاقیر، که به نام رساله فی ابدال الادویة نیز، شهرت دارد.^{۱۲}

۲. البغیة یا کتاب فی الادویة المركبة، که سزگین نسخه‌ای از آن را در فهرست سبث نشان داده است.^{۱۳} نسخه‌ای دیگر از آن در کتابخانه جراح در حلب موجود است.^{۱۴}

۳. کتاب الخواص، در طب که به لاتین و عبری نیز، ترجمه شده

است^{۱۵}، و از اصل عربی آن اطلاعی نداریم.

۴. طب الفقراء و المساکین، که به عربی نیز ترجمه شده است.^{۱۶}

۵. طب المشایخ و حفظ صحتهم، که نسخه‌هایی از آن در مصر موجود است.^{۱۷}

۶. کتاب فی فنون الطب و العطر، که نسخه‌هایی از آن در ترکیه وجود دارد.^{۱۸}

۷. مداواه النسیان و طریق تقویة الذاکرة، که ترجمه لاتین آن موجود است.^{۱۹}

ابن جزار، دارای آثار و تألیفات دیگر در تاریخ، فلسفه و علوم دیگر نیز بوده است که تعداد آنها در منابع و مآخذی که شرح حالش را نوشته‌اند، ۲۴ اثر ثبت شده است. مهم‌ترین آنها کتاب اخبارالدولة است که در ظهور عبیدالله مهدی در مغرب و تأسیس سلسله فاطمی نوشته شده است.

اما دیگر آثار مفقود شده او عبارتند از: الاحجار؛ اصول الطب؛ البلغة فی حفظ الصحة؛ التعریف بصحیح التاریخ، که به گفته یاقوت، ده جلد بوده است؛ السموم، که ذکر از آن در کتاب جامع ابن بیطار به میان آمده است؛ عجایب البلدان؛ العدة لطول المدة؛ الفرق بین العلل التي تشبه اسبابها و تختلف اعراضها؛ الفصول و البلاغات و یا الفصول فی سائر العلوم و البلاغات؛ رساله فی اسباب الوفاة؛ رساله فی التحذر من اخراج الدم من غیر حاجة، و رساله‌ها و مقالاتی در جذام، زکام، کلیه و مثانه، و با، خواب

۱. تاریخ التراث العربی، سزگین، ۳/۳۰۴.

۲. تاریخ التراث العربی، سزگین، ۳/مقدمه.

۳. طبقات الاطباء، ص ۱۰۷.

۴. کشف الظنون، ۲/۹۴۶.

۵. فی مرض العشق (ابحاث المؤتمر الستوی الثالث للجمعية السورية لتاریخ العلوم، ۳/۳۱۹).

۶. تاریخ التراث العربی، سزگین، ۳/۳۰۵.

۷. فی مرض العشق، ۳/۳۲۰.

۸. قائمة الكتب الموفرة، لیبی - تونس، ۱۹۸۸ م، ص ۶۳.

۹. مختصر تاریخ الطب العربی، سامرای، ۱/۶۴۵.

۱۰. همان‌جا.

۱۱. تاریخ التراث العربی، سزگین، ۳/۳۰۷.

۱۲. مختصر تاریخ الطب العربی، همان‌جا.

۱۳. تاریخ التراث العربی، همان‌جا.

۱۴. مختصر تاریخ الطب العربی، همان‌جا.

۱۵. تاریخ التراث العربی، همان‌جا.

۱۶. بروکلان، ۱/۲۷۴.

۱۷. تاریخ التراث العربی، همان‌جا.

۱۸. همان.

۱۹. مختصر تاریخ الطب العربی، همان‌جا.

و بیداری، مالیخولیا و چند اثر دیگر در نصیحت، و فتوحات اعراب در آفریقا و تونس.^۱

شیفتگی وی به کتاب

میزان علاقه و شیفتگی وی به کتاب و گردآوری آنها را از تعداد آثاری که تألیف و تصنیف کرده می‌توان دریافت. در برخی منابع تا ۳۵ اثر او را نام برده‌اند. وی در بسیاری از رشته‌های علوم و فنون تألیف داشته است؛ اضافه بر این نوشته‌اند که در هنگام مرگ، ثروت فراوان و هنگفتی شامل پول نقد و مقدار ۲۰ قنطار کتاب طبّی و غیر از آن، از او به جای ماند.^۲ و باقی ماندن این مقدار کتاب از او خود بزرگ‌ترین نشانه شیفتگی او به کتاب است.

۴۲. ابوعلی بن سّوار^۳ (زنده حدود ۳۷۰ ق / ۹۸۰ م)

عالم، ادیب، کاتب و یکی از درباریان و کاتبان عضدالدوله دیلمی.

از تاریخ تولد، زادگاه و زندگانی وی اطلاعی در دست نیست و حتی تاریخ درگذشت او نیز به درستی دانسته نیست و در منابع ذکر شده که وی از کاتبان عضدالدوله دیلمی (متوفی ۳۷۲ ق / ۹۸۲ م) بوده و از این مطلب، استفاده می‌شود که وی در همین دوره و حدود ۳۷۰ قمری زنده بوده است.

نام وی نیز، در هیچ یک از منابعی که شرح حال وی را آورده‌اند، ذکر نشده است؛ و فقط از او با کنیه ابوعلی و ابن سّوار نام برده‌اند.

گرچه راجع به شخصیت و موقعیت علمی وی سخنی به میان نیامده، اما از آنجا که وی در دربار عضدالدوله بوده و چنانکه از منابع استفاده می‌شود از کُتّاب خاصه او به شمار می‌رفته، خود نشانگر شخصیت والا و موقعیت ممتاز او بوده است؛ اضافه بر این ابن‌ندیم که خود از بزرگان علم و ادب و از فهرست‌نگاران و کتاب‌شناسان بنام جهان اسلام است، از او به بزرگی یاد کرده و دست کم دو بار در کتاب خود از وی نام برده است. در یک مورد هنگامی که از ابن خلداد رامهرمزی، نام می‌برد، چنین می‌گوید: «ابن سّوار کاتب گفت: ابن خلداد رامهرمزی شاعر است.»^۴ و بار دیگر در شرح حال ابوالقاسم بستی یا نبشی چنین می‌گوید: «مرا خبر داد ابوعلی بن سّوار کاتب که کتاب‌های ابوالقاسم در کتابخانه من در بصره موجود است.»^۵

از این دو مورد به خوبی استفاده می‌شود که ابن‌ندیم با ابن سّوار مراوده و دوستی داشته و یا اینکه چند بار وی را ملاقات کرده و از او راجع به برخی شخصیت‌های علمی آن روزگار، پرسیده و جواب‌های وی را در فهرست خویش آورده است.

شیفتگی ابن سّوار به کتاب:

ابن‌ندیم در مورد شیفتگی او به کتاب و محبتش نسبت به دانشمندان، چنین نوشته است:

ابن سّوار دوستدار دانش و دانشمندان بود و شیفتگی و علاقه فراوان و شدیدی به کتاب داشت و خود وی به من خبر داد که خزانه‌ای (کتابخانه‌ای) از کتاب‌های وقفی در بصره، تأسیس کرده‌ام که در آن کتاب‌های فراوانی موجود است که از آن میان برخی از آنها از ابوالقاسم بستی است.^۶

و در مورد دیگری وقتی از ابن سّوار سخن می‌گوید، اظهار می‌دارد که وی از کاتبان عضدالدوله دیلمی بود و کتابخانه‌ای در شهر رامهرمز و بصره ایجاد کرده بود و برای کسانی که به آن کتابخانه مراجعه می‌کردند، امکاناتی و مواجبی مقرر نموده بود و در کتابخانه رامهرمز او یکی از شیوخ معتزله، همواره مشغول تدریس علم کلام به روش و شیوه اعتزال بود.^۷

مقدسی درباره مشخصات این دو کتابخانه که ابن سّوار در بصره و رامهرمز پدید آورده بود، می‌گوید: در این دو کتابخانه که ابوعلی بن سّوار، تأسیس کرده بود، امکاناتی نیز، جهت استفاده اهل علم فراهم ساخته بود تا آنان بتوانند به قرائت (مطالعه) و استنساخ بپردازند. کتابخانه وی در بصره بزرگ‌تر و آبادتر و کتاب‌های موجود در آن بیشتر از کتابخانه وی در رامهرمز بود. سپس اضافه می‌کند در کتابخانه او، در بصره به صورت مداوم یکی از استادان و شیوخ مذهب معتزلی به روش مذهب معتزله، تدریس علم کلام می‌نمود.^۸

۱. عیون الانباء؛ ص ۴۸۱؛ مختصر تاریخ الطب العربی، ۶۴۵/۱-۶۴۷؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۲۲۹/۳. ناگفته نماند که از مقاله ابن جزّار، در دائرة المعارف بزرگ اسلامی، در نوشتن این مقاله، بهره فراوان برده‌ام.
۲. الوافی بالوفیات، ۲۰۹/۶؛ طبقات الاطباء و الحكماء ابن جلیجل، ص ۹۰، ۱۰۷.

۳. الفهرست ابن‌ندیم، ص ۱۳۹، ۱۷۲، ۱۹۴؛ المسالك و الممالک ابن حوقل، ص ۱۷۵، ۱۷۷؛ احسن التقاسیم مقدسی، ص ۴۱۳؛ لمحات فی المکتب و البحت و المصادر، محمد عجاج خطیب، ص ۴۲؛ الکتب العربی المخطوط و علم المخطوطات، ایمن فؤاد سید، ۲۳۶/۱؛ لمحات من تاریخ الکتب و المکتبات، حلوجی، ص ۵۳؛ دراسات فی الکتب و المکتبات، حلوجی، ص ۲۲؛ تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ۲۰۲/۱؛ تاریخچه کتابخانه‌های ایران و کتابخانه‌های عمومی، ص ۳۲؛ کتابخانه‌های ایران، ص ۲۶؛ نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۱۵۷-۱۵۸؛ تاریخچه کتابخانه‌های ایران در دوران پس از اسلام، ص ۱۵.

۴. الفهرست ابن‌ندیم، ص ۱۷۲.

۵. همان، ص ۱۵۴.

۶. الفهرست ابن‌ندیم، ص ۱۵۴.

۷. همان، ص ۱۷۲.

۸. احسن التقاسیم، ص ۴/۳.

و در ۱۳۱۱ ق/ ۱۸۹۳ م، منتشر کرده است. آمدی در این کتاب، امضامین اشعار ابوتمام و تجری را با هم سنجیده، بی‌آنکه به برتری یکی بر دیگری حکم کند، عظمت ادبی و هنری این دو شاعر را نشان داده است.

۲. المؤلف والمختلف، درباره اسامی و کنیه‌ها و القاب و انساب شاعران است و سیوطی در ضبط اسماء شاعران، در کتاب شرح شواهد المعنی به این کتاب استناد کرده است.

۳. معانی شعر التجری که در واقع شرح دیوان تجری است.

۴. النثر المنظوم.

۵. الخاص والمشترک، در معانی شعر.

۶. تفضیل شعر امری القیس علی الجاهلین.

۷. تبیین غلط قدامة بن جعفر فی کتاب نقد الشعر.

۸. کتاب فعلت و افعلت.

۹. شرح الحماسة، کتاب الحماسة، گزیده‌هایی از اشعار عرب تألیف ابوتمام طایی است.

۱۰. شدة حاجة الانسان الى ان يعرف نفسه.

۱۱. دیوان شعر، که یاقوت گوید در صد برگ بوده است.

۱۲. کتاب فی ان الشعاعین لا یتفق خواطرهما.

۱۳. کتاب ما فی عیار الشعر لابن طباطبا من الخطأ.

۱۴. کتاب الرد علی ابن عمار فیما فطأ فیہ اباتمام.

۱۵. کتاب الحروف من الاصول فی الاضداد، که یاقوت گوید آن

را دیدم به خط خود وی، در صد برگ.^۷

یاقوت و سیوطی برخی از اشعار وی را در آثار خویش آورده‌اند.^۸

تدریس یکی از شیوخ معتزله در کتابخانه وی به گفته ابن ندیم در کتابخانه رامهرمز بوده است، ولی مقدسی چنان‌که اشاره کردیم و دیگران این موضوع را در کتابخانه بصره عنوان کرده‌اند. احتمال دارد که در هر دو کتابخانه این تدریس انجام می‌گرفته است.

گرچه در منابع، شمار کتاب‌های موجود در این دو کتابخانه را بیان نکرده‌اند ولی از مرآوده و مراجعة عالمان، ادیبان و شخصیت‌های علمی به این دو کتابخانه کمیت و کیفیت موجودی آن دورا می‌توان به خوبی تشخیص داد.

۴۳. آمدی، ابوالقاسم محسن بن بشر بن یحیی بصری^۱ (متوفی ۳۷۱ ق/ ۹۸۱ م)

ادیب، نحوی، آشنا و آگاه به شعر، ناقد، کاتب و قاضی بصره.

از تاریخ تولد وی اطلاعی در دست نیست، اما اصل او از آمد، ولی تولد و وفاتش در بصره بود و گویا در همان‌جا مقدمات علوم را فرا گرفت، سپس به بغداد رفت و در آنجا نزد بزرگان و عالمانی چون: علی بن سلیمان اخفش، ابواسحاق زجاج، ابوبکر بن درید، ابوبکر بن سراج، ابراهیم بن عرفة معروف بن نسطویه نحوی و دیگران، دانش آموخت^۲ و سرآمد اقران خویش گردید.

آمدی شعر خوب می‌گفت و در نقد شعر استاد و به گفته ابن ندیم «ملیح التصنیف و جید التالیف» بود.^۳ و به گفته ذهبی روایت قدیم و اخبار در آخر عمرش، به او در بصره منتهی شد و مقام قضاوت بصره را به عهده گرفت و از پیشوایان ادب به شمار می‌رفت.^۴

یاقوت گوید: وی دارای فهمی نیکو، درایت و روایتی خوب و سریع الادراک بود.^۵ او در آغاز جوانی، در بغداد، کاتب ابوجعفر هارون بن محمد ضبی جانشین احمد بن هلال صاحب عمان در دربار مقتدر بالله بود. در بصره برای ابوالحسن احمد و ابواحمد طلحة بن حسن بن مثنی و سپس برای قاضی بصره، ابوجعفر بن عبدالواحد هاشمی و برادرش ابوالحسن محمد بن عبدالواحد، کتابت کرد و در مجلس وی در محکمه حاضر می‌شد و در دستگاه اوقاف به خدمت مشغول گردید و پس از آن ملازم خانه خویش گردید تا در هفتاد سالگی دیده از جهان فروبست.^۶

آثار و تألیفات

آمدی دارای تألیفات و آثار بسیاری است که از آن جمله می‌توان این آثار و تألیفات را نام برد:

۱. کتاب الموازنة بين الطائین ابی تمام والبحری فی الشعر، که مهم‌ترین اثر وی به شمار می‌رود و در ۱۸۷۰ میلادی، در آستانه (استانبول) به چاپ رسیده و محمدولد آن را به ترکی برگردانده

۱. الفهرست ابن ندیم، ص ۱۷۲؛ الکامل فی التاریخ، ۹/۹؛ معجم الادباء، ۷۵/۸.

معجم البلدان، ۶۷/۱ و ۳۳۶/۳ و ۳۸/۴؛ انباه الرواه، ۲۸۵/۱؛ تاریخ الاسلام

ذهبی (حوادث و وفیات ۳۵۱-۳۸۰ ق) ص ۴۳۷؛ ایضاح المکنون، ۲۲۵/۱؛

الوافی بالوفیات، ۴۰۷/۱۱-۴۰۹؛ بغیة الوعاة، ۵۰/۱؛ کشف الظنون،

۴۶۲/۱، ۴۴۷/۲، ۱۶۳۷، ۱۸۸۹، ۱۹۲۸؛ ایضاح المکنون، ۲۲۵/۱؛ الاعلام

زرکلی، ۱۹۹/۲؛ معجم المؤلفین، ۲۰۹/۳؛ روضات الجنات، ۷۵/۳؛ دائرة

المعارف الاسلامیة، ۶۱۹/۲؛ تاریخ ادبیات زبان عربی، حنّاف خوری،

ترجمه آیتی ص ۵۴۹-۵۵۰؛ الکنی واللقاب، ۸/۲؛ ریحانة الادب، ۶۱/۱؛

سرکلمان، ۱۱۲/۱ و ذیل ۱۷۱/۲؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی،

۱۹۵-۱۹۶؛ معجم المخطوطات المطبوعة، ۹/۲، ۱۰.

۲. تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفیات ۳۵۱-۳۸۰ ق) ص ۴۳۷؛ بغیة

الوعاة، ۵۰/۱.

۳. الفهرست، ص ۱۷۲.

۴. تاریخ الاسلام، همان‌جا.

۵. معجم الادباء، ۷۵/۸.

۶. همان، ۸۷/۸؛ تاریخ الاسلام، همان‌جا.

۷. معجم الادباء، ۸۵/۸-۸۶؛ تاریخ الاسلام ذهبی، همان‌جا.

۸. معجم الادباء، ۸۱/۸-۸۳ و ۸۵ و ۸۹ و ۹۰؛ بغیة الوعاة، ۵۱/۱.

رادر فارس مستحکم ساخت و خود مدت ۹ ماه در شیراز ماند، سپس به اصفهان بازگشت.^۵

در رمضان ۳۵۸ قمری، عضدالدوله، کرمان را تصرف کرد و آن را به فرزندش ابوالفوارس شرفالدوله واگذاشت و در ۳۶۰ قمری، بر عمان مسلط شد، اما طولی نکشید که زنگیان بر عمان تسلط یافتند و فرماندار عضدالدوله را شکست دادند و کشتند، چون این خبر به عضدالدوله رسید، سپاهی از فارس و کرمان به عمان اعزام کرد و زنگیان را سرکوب کرد و بار دیگر عمان را باز پس گرفت و بر آن مسلط شد و در ۳۶۳ قمری تمامی نواحی عمان را به زیر سلطه خویش درآورد.^۶

در خلال همین سالها بود که معزالدوله عمویش در بغداد دیده از جهان فروبست و پدرش رکن الدوله به او نامه‌ای نوشت که برای کمک به پسر عمویش بختیار بن معزالدوله، به همراه ابوالفتح ابن عمید وزیر پدرش به بغداد برود و ترکانی که علیه بختیار، سر به شورش برداشته‌اند را سرکوب نماید. عضدالدوله با سپاهی از فارس به سوی بغداد حرکت کرد و در اهواز با سپاه ری به فرماندهی ابوالفتح ابن عمید با هم تلاقی کردند و از آنجا به واسط رفتند و با بختیار بن معزالدوله ملاقات کردند و سپس به سوی بغداد رفتند و به کمک هم

۱. الفهرست ابن ندیم، ص ۱۷۲.

۲. بغية الوعاة، ۵۰/۸.

۳. الامتاع و المؤانسة، ۱۴۸/۳؛ احسن التقاسیم، ص ۴۳۹؛ ذیل تجارب الامم، ص ۷۸/۳۹؛ الفخری فی آداب السلطانية، ص ۴۰، ۲۹۰؛ الانباء فی تاریخ الخلفاء، ص ۱۸۱؛ نشوار المحاضرة، ۱۸/۳، ۱۷۱، ۲۲۹، ۴۳/۴، ۴۴، ۸۲، ۸۶، ۸۸-۹۵، ۱۱۸-۱۲۲، ۱۲۵، ۱۲۵۹؛ مختصر الدول، ص ۱۷۱-۱۷۳؛ الانباء فی تاریخ الخلفاء، ص ۱۸۱؛ الکامل فی التاریخ، ۱۸/۹-۲۲؛ یتیمة الدهر، ۲/۲۱۶، المنتظم ابن جوزی، ۷/۱۱۳-۱۱۸؛ مرآة الجنان، ۲/۳۹۸، ۳۹۹؛ دول الاسلام، ۱/۲۲۹؛ العبر، ۲/۳۶۳؛ معجم الابداء، ۳/۱۰؛ ذیل تاریخ دمشق، ص ۲۴؛ البدایة و النهایة، ۱۱/۲۹۹-۳۰۱؛ وفيات الاعیان، ۴/۵۵-۵۰؛ السلوک مقریزی، ۱/۲۱۱-۲۸؛ النجوم الزاهرة، ۴/۱۴۲؛ شذرات الذهب، ۳/۷۸-۷۹؛ نهایة الادب، ۲۳/۲۰۴؛ المختصر فی اخبار البشر، ۲/۱۲۲، ۱۲۳؛ تاریخ ابن الوردی، ۱/۳۰۵-۳۰۵؛ سیر اعلام النبلاء، ۱۶/۲۴۹-۲۵۲؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث ۳۵۱-۳۸ ق)، ص ۵۲۲-۵۲۵؛ تاریخ الفارقی، ص ۱۰۶؛ تاریخ العظیمی، ص ۳۱۰؛ تاریخ گزیده، ص ۴۱۶؛ فرج المهموم، ص ۱۴۴-۱۴۵؛ اعیان الشیعه، ۸/۴۱۵-۴۲۲؛ فرحة القری، ص ۱۳۲-۱۳۳؛ مجالس المؤمنین، ص ۳۷۸؛ طبقات اعلام الشیعه (قرن الرابع)، ص ۲۱۷؛ حبیب السیر، ۲/۳۰۵-۳۰۹، ۳۶۳، ۴۲۴، ۴۲۵ و موارد دیگر؛ روضة الصفا، ۴/۲۴، ۵۲، ۵۳، ۵۶ و موارد دیگر؛ شیراز در گذشته و حال، ص ۲۶-۲۹؛ تاریخ ادبیات در ایران، ۱/۷۹، ۲۶۰، ۲۷۵، ۳۴۶، ۳۵۴؛ تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۱۶.

۴. احسن التقاسیم، ص ۴۳۹.

۵. اعیان الشیعه، ۸/۴۱۶.

۶. همان، ۸/۴۱۶-۴۱۷.

شیفتگی وی به کتاب

ابن ندیم در مورد علاقه و محبت آمدی به کتاب و نحوه عملکرد وی نسبت به کتاب و اظهار اشتیاق به کتاب گوید: وی مانند جاحظ و به روش و سیره وی در مورد کتاب رفتار می‌کرد.^۱

سیوطی نیز در اشتیاق و میل شدید آمدی و شیفتگی او به کتاب عین عبارت ابن ندیم را ذکر کرده است که: «وکان تیعاطی مذهب الجاحظ فیما یعمله من الکتب»^۲. بیش از این راجع به علاقه آمدی به کتاب در منابع دیگر، مطلبی یافت نشد.

۴۴. ابوشجاع فناخسرو عضدالدوله بن رکن الدوله حسن بن بویه دیلمی^۳ (۳۲۴-۳۷۱ ق/ ۹۳۶-۹۸۱ م)

از پادشاهان آل بویه که مدت ۲۸ سال بر فارس و حدود پنج سال بر بغداد حکومت کرد.

وی در ذی قعدة ۳۲۴ در اصفهان دیده به جهان گشود و در همان جا نشو و نما یافت و نزد ابوالحسین عبدالرحمن بن عمر صوفی رازی و تنی چند از عالمان آن روزگار دانش آموخت و چون در آن زمان در اصفهان مذهب ظاهریه (داودیه) پیروان ابوسلیمان داود بن علی بن داود اصفهانی معروف به ظاهری رونق داشت، تمایل و عقیده به این مذهب پیدا کرد و به همین دلیل کار این مذهب در روزگار وی در فارس و اصفهان رونق فراوان یافت.^۴

عضدالدوله دیلمی از مشهورترین پادشاهان آل بویه است. او هنگامی دیده به جهان گشود که پدرش رکن الدوله، بر اصفهان، ری و اطراف آن، همدان، زنجان، عراق عجم، گرگان و طبرستان، حکم می‌راند و عمویش عمادالدوله بر شیراز حکومت داشت، و چون عمویش فرزندی نداشت، در اواخر حکومتش از برادر خود رکن الدوله، خواست تا پسرش عضدالدوله را، به شیراز نزد وی فرستد، تا اینکه ولیعهد خویش گرداند و این چنین شد که عضدالدوله به شیراز رفت در حالی که عمرش از سیزده سال بیشتر نبود و عمویش برای تجلیل از او با سپاهیان و اعیان دربارش به استقبال وی رفت و او را به مقر حکومتی برد و بر سریر سلطنت نشاند و خود در مقابل وی ایستاد و به امیران و سران سپاه و حکومت دستور داد تا به وی به رسم سلطنت سلام کنند و طولی نکشید که عمادالدوله در ۳۳۸ قمری درگذشت. و عضدالدوله در جمادی الآخر همان سال در سن چهارده سالگی به جای وی نشست. اما برخی از اعیان دربار عمادالدوله، به حکومت وی رضایت نمی‌دادند و سر به شورش برداشتند. رکن الدوله پدر عضدالدوله با سپاهیان خویش از اصفهان به شیراز حرکت کرد و شورش را سرکوب و پایه‌های حکومت فرزندش

بغداد را از دست ترکان شورشگر، رها کردند، ولی در نهان عضدالدوله به تضعیف پسر عمویش بختیار پرداخت و بالاخره هم او را از کار برکنار و خود حاکم بغداد و مقر خلافت شد و از آن پس حکومت و قدرت عضدالدوله، اوج گرفت و گسترش یافت، چنانکه برای هیچ یک از پادشاهان آل بویه این عظمت و شکوه پدید نیامد.^۱

او نخستین کسی است که در تاریخ اسلام، ملقب به «شاهنشاه» گردید و اولین کسی است که نامش در خطبه‌ها، همراه نام خلیفه وقت ذکر می‌شد و همچنین وی نخستین حاکم و فاتحی بود که وقتی وارد عراق شد، خلیفه وقت، الطائع‌الله عباسی، به استقبال وی رفت و او را مورد اکرام و احترام فراوان قرار داد.^۲

همچنین عضدالدوله را نخستین کسی دانسته‌اند که در بغداد به هنگام نمازهای پنجگانه به در خانه‌اش برای اعلان وقت نماز، طبل می‌زدند.^۳

عمران و آبادانی در حکومت عضدالدوله

بیشتر منابع تاریخی به اهتمام بیش از حد وی به عمران و آبادانی و اصلاح وضع اقتصادی جامعه اسلامی، اشاره کرده‌اند و نوشته‌اند که وی پس از به قدرت رسیدن در عراق و تصرف بغداد، این شهر را که در اثر جنگ و ستیزهای فراوان و حوادث طبیعی، رو به ویرانی نهاده بود، به سرعت بازسازی کرد و راه‌ها را که آن زمان بسیار ناامن شده بود و رو به ویرانی نهاده بود، اصلاح کرد و امنیت را برقرار ساخت و به سدسازی و ساختن کاروانسراها، بیمارستان‌ها و کتابخانه‌ها پرداخت و بازارها را تعمیر و برگرد بسیاری از شهرها حصار کشید تا از شر حمله راهزنان و دشمنان مصون و محفوظ بمانند.^۴

برخی از کارهای عمرانی و اصلاحی وی به این شرح است:

۱. سد عضدالدوله که به بند امیر اسحاق نیز شهرت دارد. این سد را عضدالدوله، بر دهانه رود کر که نواحی کربار یا کربال از آن سیراب می‌شد، ساخت؛ که سدی معروف و بی‌نظیر به شمار می‌رفت. وی برفراز این سد، عمارتی ساخته بود و چندین آسیاب آبی در کنار آن سد به وجود آورده بود که از آب سد استفاده می‌کردند. این سد چنان بزرگ و باشکوه بود که عامه مردم می‌گفتند: عضدالدوله، کوه بالای دریا و دریا را بالای کوه به وجود آورده است. بند امیر که امروز باقی است در هفت فرسخی شیراز است و موجب عمران و آبادانی کربال و فرامد است.^۵

۲. ایجاد سدی دیگر در نزدیک قلعه استخر مرو دشت که در مسیر سیل بست به صورتی که به شکل حوضی بزرگ و وسیع در آمد که دارای ۳۳ ستون از سنگ بود. این سد حوض مانند هم اکنون باقی است؛ گویند دارای هفت درجه آبگیر بود که اگر هزار نفر در هر روز در طول سال

از آن استفاده می‌کردند، فقط یک درجه از آب آن کم می‌شد.^۶

۳. احداث گنبد عضدی بر فراز تنگ الله اکبر در نزدیکی دروازه قرآن که بسیار بزرگ و زیبا بوده است.^۷

۴. احداث رباط‌های بین راه‌ها جهت استراحت مسافران و کاروان‌ها و احداث چاه‌های آب در مسیر سفر حاجیان از بغداد تا مکه معظمه.^۸

۵. بیمارستان عضدی در بغداد؛ وی در هنگام فتح بغداد و حکومت بر آنجا، همراه با بازسازی شهر بغداد و عمارت بازارهای آن، اقدام به ساخت بیمارستانی بزرگ در قسمت غربی بغداد در محله کرخ کرد که بسیار معروف است^۹ و گویند پس از پایان کار این بیمارستان در سال ۳۷۲ قمری، چشم از جهان فرو بست.^{۱۰}

۶. تعمیر مساجد بغداد و سایر بلاد اسلامی و بازسازی بازارها و اماکن عمومی، چنانکه نوشته‌اند حتی وی به وزیرش که نصرانی بود، دستور داد که به تعمیر و بازسازی دیرها و عبادتگاه‌های مسیحیان پردازد.^{۱۱}

۷. بازسازی حرم و بارگاه امام علی (ع) در نجف اشرف؛ نوشته‌اند که وی در سال ۳۶۸ قمری به نجف اشرف رفت و مدت یک سال در آنجا ماند و معماران، مهندسان و صنعتگران را از اقصی نقاط جهان اسلام فراخواند و عمارت سابق حرم و بارگاه را خراب کرد و از نو تجدید بنا نمود که آن عمارت باقی بود تا سال ۷۵۳ قمری که دچار آتش سوزی گردید و صحن و بارگاه را پس از آن، بار دیگر تعمیر کردند.^{۱۲} او هر سال به زیارت مشهد علوی و سایر مشاهد و عتبات عالیات می‌رفت. سید بن طاووس نوشته است که در ۳۷۱ قمری که به قصد زیارت کربلا رفته بود، پس از زیارت آن مشهد مقدس، به نجف اشرف رفت و پس از زیارت مرقد مطهر، به علویان و فقیران و عالمان و فقیهان نجف کمک فراوان کرد، چنانکه به علویان که تعدادشان هفتصد نفر بود، نفری بیست و یک درهم و به همه

۱. همان، تاریخ الاسلام، ۵۲۲-۵۲۳.

۲. تاریخ الاسلام ذهبی، ص ۵۲۳-۵۲۴.

۳. اعیان الشیعه، ۴۱۶/۸.

۴. الکامل ابن اثیر، ۱۸/۹-۲۱.

۵. تاریخ گزیده، ص ۴۱۷؛ شیراز در گذشته و حال، ص ۲۷.

۶. شیراز در گذشته و حال، ص ۲۸؛ اعیان الشیعه، ۴۱۶/۸.

۷. شیراز در گذشته و حال، همان‌جا.

۸. الکامل، ۲۱/۹.

۹. المنتظم ابن جوزی، ۱۱۴/۷-۱۱۵.

۱۰. فرحة القری، ص ۱۳۴؛ تاریخ الاسلام، ص ۴۷۳، ۵۲۳.

۱۱. الکامل، ۲۰/۹.

۱۲. تاریخ گزیده، ص ۱۹۷.

مخصوص خویش به دربار پادشاهان و امیران و حکام می‌فرستاد. همچنین ابوعلی حسن بن احمد فارس نحوی را به عنوان مصاحب خویش برگزیده بود و مدام از مصاحبت وی سود می‌جست و ابوعلی کتاب‌های الايضاح و التكملة فی النحو و کتاب کامل الصناعه در طب که به نام الملکی فی الطب، شهرت دارد و کتاب الحجة فی القراءات را برای وی نوشت.^۹

اصولاً تمامی خاندان آل بویه دوستدار علم و عالمان و کتاب بودند، اما عضدالدوله بیشتر از همه آنان به این امور شیفتگی داشت و به تشویق و ترغیب و احترام آنان کمر همت بسته بود.^{۱۰} نوشته‌اند که عضدالدوله بسیار شیفته کتاب الاغانی ابوالفرج اصفهانی بود و در سفر و حضر، هیچ‌گاه این کتاب را از خویش دور نمی‌کرد.^{۱۱}

در سده چهارم هجری در ایران و در سایر مناطق جهان اسلام، گرایش بسیاری به علوم و فنون وجود داشت و کتاب‌های فراوانی تألیف و تدوین می‌شد و این خود موجب پیدایش کتابخانه‌های مهمی در سراسر خاک پهناور جهان اسلام می‌گردید و از جمله در ایران در همین دوره کتابخانه‌های مهمی تأسیس گردید که یکی از آنها کتابخانه عضدالدوله دیلمی در شیراز بود. مقدسی بشاری که در نیمه دوم سده چهارم هجری، از این کتابخانه دیدن کرده است، در توصیف آن چنین نوشته است:

در شرق و غرب مانند آن دیده نشده است. این کتابخانه دارای کتاب‌های فراوانی بود و خازن و کتابدار و مشرفی از عدول عالمان داشت و کتابی نبود که در آن روزگار در انواع علوم نوشته شده باشد و نسخه‌ای از آن در این کتابخانه نباشد.

سپس راجع به ترتیب طبقه‌بندی آن و گذاردن کتاب‌ها در قفسه‌های مخصوصی که دارای در بوده و درهای آنان از بالا باز می‌شد

مجاورین حرم هزار و پانصد درهم و به زائران حرم در مجموع هزار و پانصد درهم و به فقیهان و قراء، سه هزار درهم بخشید.^۱ گویند نجف در آن روزگار دارای شش هزار نفر جمعیت بود که ۱۷۰۰ تن آنان علوی بودند.^۲

۸. تعمیر و بازسازی حرم مطهر و بارگاه امام حسین - علیه السلام - که تا سال ۴۰۷ قمری باقی بود و در این سال گرفتار آتش‌سوزی شد. تعداد ساکنان کربلا در آن روزگار ۲۲۰۰ نفر بوده است که شمار زیادی از آنان علوی بوده‌اند.^۳

۹. تعمیر و بازسازی حرم و بارگاه کاظمین در کاظمین و عسکرین در سامراء و کشیدن حصار به دور شهرهای کاظمین، سامراء، کربلا و نجف اشرف.^۴

شیفتگی وی به علم، عالمان و کتاب

عضدالدوله دیلمی خود عالم، ادیب، نحوی، ستاره‌شناس و آشنا به علم نجوم و هیئت و سایر علوم و فنون بود. سیدبن طاووس، او را در شمار علمای نجوم دانسته^۵ و ذهبی او را فاضل نحوی و آگاه به علوم و فنون به شمار آورده و نوشته است که وی دوستدار علم و عالمان بود و به آنان صلّه و انعام می‌داد. سپس اضافه می‌کند که در کتاب تذکره‌ای دیده شد که عضدالدوله می‌گفت: هرگاه از حلّ مسائل اقلیدس فراغت می‌یافتم، بیست هزار درهم صدقه می‌دادم و آنگاه که کتاب ابوعلی نحوی فارسی به پایان می‌بردم، پنجاه هزار درهم صدقه می‌دادم، اما وقتی خداوند نوزادی به من عنایت می‌کرد، تنها مبلغ ده هزار درهم صدقه می‌دادم.^۶

این مطلب خود نشانگر عشق و علاقه وافر وی به دانش و کتاب بوده که آن را بر فرزند خویش ترجیح می‌داده است.

او اضافه بر اینکه خود در شمار عالمان، ادیبان و شاعران بوده و برخی از اشعار وی را تذکره‌نویسان ذکر کرده‌اند^۷ و علاوه بر کیاست و سیاست و تدبیر امور مملکتداری، دوستدار و علاقه‌مند به فاضلان، ادیبان، فقیهان و محدثان بود، هیچ‌گاه مجلس وی از این افراد خالی نبود و مجالس وی مدام مملو از عالمان و فقیهان و ادیبان بود و با آنان به بحث و مذاکره می‌پرداخت و آنان را مورد تکریم فراوان قرار می‌داد؛ چنانکه نوشته‌اند شیخ مفید را بسیار تجلیل می‌کرد و احترام می‌نمود و بسیاری از اوقات با خدم و حشم و موکب شاهانه به دیدار شیخ می‌شتافت و برخی از علما و ادبا را به عنوان ندیم خویش برگزیده بود و از آنان علم و ادب می‌آموخت و از این راه بر دانش خویش می‌افزود.^۸ از آن جمله ابوعلی ابن محمد بن یعقوب مسکویه صاحب کتاب ارزنده تجارب الامم را به عنوان ندیم، مشاور و صاحب اسرار خویش انتخاب کرده بود و او را به عنوان سفیر

۱. فرحة الغری، ص ۱۳۲-۱۳۳.
۲. اعیان الشیعه، ۴۲۳/۸.
۳. فرحة الغری، همان جا.
۴. اعیان الشیعه، ۴۱۶/۸.
۵. فرج المهموم، ص ۱۴۴.
۶. تاریخ الاسلام، ص ۵۲۳، ۵۲۴.
۷. یتیمه الدهر، ۱۶/۲؛ الکامل ابن اثیر، ۱۹/۹-۲۰؛ اعیان الشیعه، ۴۱۶/۸.
۸. تاریخ ایران بعد از اسلام، زرین کوب، ص ۱۶؛ تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ۳۵۴/۱؛ اعیان الشیعه، ۴۲۲/۸.
۹. اعیان الشیعه، ۴۲۲/۸.
۱۰. تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ۲۶۰/۱.
۱۱. وفیات الاعیان، ۴۷۵/۱-۴۷۶؛ معجم‌الادباء، ۹۹/۱۳-۱۰۰ ذیل شرح حال ابوالفرج اصفهانی.

و طول و عرض این قفسه‌ها و جنس و ماده قفسه‌ها و ایجاد کتابچه‌های فهرست کتب، توضیحات کافی و مفصلی داده است که بسیار قابل تأمل و دقت است و نشانگر عظمت و شکوه این کتابخانه و حکایت از علاقه شدید و دلبستگی عضدالدوله به گردآوری کتب و آثار و تألیفات دانشمندان عصر خود و پیش از آنان می‌نماید.^۱

مذهب و درگذشت عضدالدوله

در اینکه عضدالدوله از نظر اعتقادی پیرو مذهب تشیع بوده، شک و تردیدی وجود ندارد، زیرا براساس منابع، مآخذ، چنانکه گفته شد وی نسبت به عالمان شیعی دوازده امامی مانند شیخ مفید، علاقه و اطاعت کاملی داشت و او بود که به بازسازی و تعمیر مشاهد و عتبات عالیات همت گماشت؛ و هر ساله به زیارت این مشاهد می‌پرداخت و در مراسم عزاداری آنان شرکت می‌کرد و خود به اقامه عزا می‌پرداخت.^۲

اینکه برخی مانند سید بن طاووس او را منسوب به تشیع دانسته‌اند و نوشته‌اند که وی گویا مذهب زیدی داشته است، بسیار جای شگفتی دارد، زیرا هیچ‌کس چنین ادعایی نکرده و شگفت‌تر آنکه وی او را منسوب به شیعه دانسته است! در حالی که شیعه بودن و دوازده امامی بودن عضدالدوله و آل بویه، اظهر من الشمس است؛ اضافه بر این باید گفت: بازسازی مشاهد کاظمین و عسکریین و احترام شگفت‌آور او به شیخ مفید و سید مرتضی و سایر عالمان شیعی، خود گواه روشنی بر این مطلب است.^۳

وی در دوشنبه هشتم شوال ۳۷۱، در حدود ۴۸ سالگی در بغداد دیده از جهان فروبست و ابتدا در همان بغداد به خاک سپرده شد و سپس جنازه‌ی وی به نجف اشرف حمل و در پایین پای امام علی (ع) به خاک سپرده شد.

ذهبی نوشته است وقتی وی چشم از جهان فروبست، مرگ وی را پنهان کردند، مبادا در بغداد فتنه و آشوب برپا شود، سپس فرزندش صمصام الدوله را به بغداد خواستند و آنگاه که وی بر اوضاع مسلط شد، مرگ عضدالدوله را اعلان کردند و در دوازده محرم الحرام ۳۷۳، به نجف اشرف برده شد و در آنجا دفن گردید و صمصام الدوله در مجلس عزای پدر نشست و الطائع لله خلیفه عباسی و سایر بزرگان به تعزیت وی آمدند و بازارهای بغداد و سایر بلاد چند روز تعطیل و به عزاداری پرداختند.^۴

بر لوح قبر وی این جمله نوشته شد: «هذا قبر عضدالدوله و تاج الملة ابی شجاع بن رکن الدولة. احب مجاورة هذا الامام المعصوم، لطمعه فی الخلاص، یوم یأتی کل نفس تجادل عن نفعها و صلواته علی محمد(ص) و عتره الطیبین (ع)». بر این قبر که در جهت غربی مشهد علوی بود، قبه‌ای بزرگ ساختند و این قبه باقی بود تا زمانی که سلطان

سلیمان عثمانی در سال ۹۴۰ قمری وارد عراق شد و دستور داد آن را خراب کنند و در جای آن تکیه‌ای برای فرقه بکتاشیه بسازند که تا امروز باقی است. برخی موثقین گفته‌اند که در حوالی ۱۳۱۵ یا ۱۳۱۶ قمری وقتی این قسمت را می‌کنند، قبر عضدالدوله نمودار شد و بر سنگی منقوش که نام عضدالدوله بر آن نوشته شده بود، این جمله را حک شده یافتند:

«و کَلْبُهُمْ بِاسِطٍ ذِرَاعِيَّةٍ بِالْوَصِيدِ»^۵ و این همان سنگی بود که وصیت کرده بود بر مزار وی قرار دهند.^۶

۴۵. ابن ابی بصره محمد بن حسین^۷ (متوفی پیش از ۳۷۷ ق/م) عالم و ادیب.

تاریخ تولد، زادگاه و زندگانی وی دانسته نیست و از تاریخ درگذشت وی اطلاعی دقیق در دست نیست، اما مسلم است که معاصر ابن ندیم و دوست او بوده است.

ابن ندیم نوشته است که من بارها با وی ملاقات کردم و با او مأنوس بودم، ولی او از مردم دوری می‌کرد و با کس مراوده‌ای نداشت و نسبت به حفظ کتاب‌هایش و پنهان داشتن آنها از مردم سخت می‌کوشید و بسیار از بنو حمدان، دودمان شیعی که بیش از یک قرن از سال ۲۹۲ تا ۳۹۴ قمری بر بخش‌هایی از عراق حکومت می‌کردند، می‌ترسید. شاید علت وحشت او از آنان این بود که بنو حمدان نیز شدیداً به کتاب علاقه‌مند بودند، از این رو در صدد تهیه و گردآوری کتب و آثار شیعی بودند و ابن ابی بصره که خود شیعی مذهب بود، از این جهت از آنان می‌ترسید که مبادا کتاب‌هایش را مصادره کنند و گرنه بنو حمدان نمی‌توانستند به او آسیبی برسانند.

شیفتگی وی به کتاب

ابن ندیم گوید: روزی که به نزد وی رفته بودم، صندوقچه بزرگی را به من نشان داد که در آن مقدار ۳۰۰ رطل از پوست‌های مختلف که بر آنها نوشته‌های فراوانی بود و کاغذهای مصری و چینی و تهامی

۱. احسن التقاسیم، ص ۴۴۹؛ الکتاب المخطوط و علم المخطوطات، فواد امین سید، ۲۶۵/۱-۲۶۶.

۲. اعیان الشیعه، ۴۱۶/۸.

۳. نک: اعیان الشیعه، ۴۱۶/۸.

۴. تاریخ الاسلام ذهبی، ص ۴۷۴، ۴۷۵ و نگاه کنید به: المنتظم، ۱۱۳/۷، الکامل، ۱۸/۹.

۵. سوره کهف / ۱۸.

۶. اعیان الشیعه، ۴۲۶/۸.

۷. الفهرست ابن ندیم، ص ۴۶.

و پوستهای کهنه و فرسوده و کاغذ خراسانی بود که روی آنها مطالب فراوانی از لغت عرب و اشعار و قصاید و ادبیات از نحو و صرف و حکایات، اخبار و اسامی و تراجم و انساب و علوم مختلف نوشته شده بود.

سپس می‌گوید که ابن ابی‌بصره برایم تعریف کرد که: مردی از اهل کوفه که نامش را فراموش کرده‌ام، خطوط و نوشته‌های قدیمی را طی سال‌ها گرد آورده بود و چون هنگام وفاتش فرارسید، به دلیل دوستی بین من و او، مرا از میان همهٔ دوستانش برگزید و به نزد خود طلبید و مرا مورد احترام قرار داد و چون او نیز، چون من شیعه بود، آن خطوط و نوشته‌ها را که گرد آورده بود به من نشان داد و موجب شگفتی من شد، زیرا بسیاری آن خطوط و نوشته‌ها به دلیل مرور زمان فرسوده شده بودند. وقتی آنها را مورد بررسی و مطالعه قرار دادم، دیدم که بر هر یک از آن برگها، توقیع و امضایی و نوشته‌ای از علما وجود داشت که یکی پس از دیگری، بر آن اوراق و جزوه‌ها مطالبی نوشته و امضا کرده بودند و در آنها ذکر کرده بودند که این خط و نوشته از آن کیست و زیر آن توقیع، امضا و نوشته‌ای دیگر از عالمی دیگر بود که گاه تا پنج یا شش توقیع وجود داشت و هر یک از آنها خط قبلی را شهادت داده و امضا کرده بودند. یعنی بعضی از عالمان بعدی، خطوط بعضی دیگر از علمای پیشین را تأیید کرده بودند.

در میان آن اوراق، قرآنی (مصحفی) دیدم به خط خالد بن ابی‌الهیاج از اصحاب امام علی بن ابی‌طالب - علیه‌السلام - که پس از وی به ابوعبدالله بن حانی - رحمه‌الله - رسیده بود و در آن مصحف، خطوط ائمه، از امام حسن و امام حسین - علیه‌السلام - وجود داشت و همچنین در میان آن اوراق و جزوات، برخی از عهدنامه‌ها، نامه‌ها و امانات به خط امام علی - علیه‌السلام - بود.

و برخی از عهدنامه‌ها و نامه‌های پیامبر اسلام - صلی‌الله‌علیه‌ و آله - به خطی غیر از خط علی - علیه‌السلام - و به خط کاتبان پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌ و آله - و خطوط عالمانی چون ابو عمرو بن علاء، ابو عمرو شیبانی، اصمعی، ابن اعرابی، سیبویه، فزّاء و کسایی و خطوطی از اصحاب حدیث مانند: سفیان بن عیینه، سفیان ثوری، اوزاعی و دیگران وجود داشت.

در میان آن صندوق که آن دوستم به من نشان داد برگه‌هایی دیدم که دلالت داشت بر اینکه علم نحو را ابوالاسود دثلی به وجود آورده است و آن چهار برگ بود که گمان می‌کنم از کاغذ چینی تهیه شده بود و آن مطلب این بود که: «هذه فیها کلام فی الفاعل و المفعول من ابی الاسود - رحمه‌الله‌ علیه - و این نوشته‌ها به خط یحیی بن یعمر بود و زیر آن به خطی کهنه و قدیمی نوشته شده بود: «این خط نصرین خط علان نحوی است» و زیر آن نوشته شده بود: «این خط نصرین شمیل است».

وقتی آن مرد، دیده از جهان فرو بست، آن صندوقچه‌ای را که به من نشان داد، ناپدید شد، و آنچه در میان آن بود نیز، از میان رفت و دیگر خبری از آن نشنیدم و من جز این مصحف چیز دیگری از آن همه آثار و نوشته‌ها، هر چه کوشیدم نیافتم.^۱

از شرح حال ابن ابی‌بصره، جز مطالبی که ابن ندیم نوشته، در هیچ منبع دیگری چیزی نیافتم و ابن ندیم نوشته است که من این مرد (ابن ابی‌بصره) را در «مدینه‌الحدیثه» که گویا در نزدیکی بغداد بوده است، دیدم و او «جماعة للکتب» و شیفتهٔ کتاب بود و کتابخانه‌ای داشت که از نظر کیفی هیچکس مانند آن ندیده بود و حاوی کتاب‌ها و آثار فراوانی از علوم مختلف نحو، لغت، ادب و سایر علوم و فنون و کتب قدیمی بود.^۲



۱. الفهرست، ۴۶.

۲. همان‌جا.

کراسه

ایرج افشار

و در نام کتاب هم ذکر آن دیده می‌شود؛ از جمله در عنوان کتابی از محمد بن محمود بن احمد حنفی تألیف سال ۷۷۶ به نام رساله قدر کراسه فی نصره مذهب ابی حنیفه. نسخه آن به شماره ۹۱۸۳/۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است (فهرست مرکزی ۳۱۳:۱۷) همچنین افضل‌الملک، متخلص به المعی، نام جنگ یادداشت‌های خود را که در کتابخانه مجلس نگاهداری می‌شود «کراسه المعی» گذارده است.

کراسه را در اشعار عربی و فارسی مکرراً می‌توان یافت. محمدتقی دانش‌پژوه این بیت عربی کمیت را در یادداشت‌های خود نقل کرده است (فهرست مرکزی ۳: بیست و پنج) و من از آنجا می‌آورم:

حتى كان عراض الدار ارويه
من التجاویز او کراس اسفار

از اشعار شاعران فارسی‌گوی دو بیت از خاقانی در لغت‌نامه دهخدا، به شاهد، نقل شده است.

عنوان مجوس و سبحة بروی
دست جنب و کراسه در وی

این بیت در تحفة العراقین خاقانی چاپ یحیی قریب (ص ۵۰) به جای «سبحة» «بسم» دارد.

گر آنچه درین کراسه گفتم
کس گفته خدای را نگفتم

کهن‌تر از شعر خاقانی، بی‌تی است که در صفحه آخر نسخه قرآن شماره ۱۵۰۱ آستان قدس رضوی، وقفی ابوالبرکات و به کتابت همو

کراسه اصطلاحاً نام یک جزو از اجزای یک نسخه است؛ که آن جزو از تعدادی ورق لابه‌لای یکدیگر شده مرکب شده است. هر نسخه از چند کراسه ترکیب می‌شود. جمع این کلمه به صورت‌های کراس و کراریس در متون آمده است. در زبان فارسی و برای متون آن، هر دو اصطلاح کراسه و جزو را نوشته‌اند؛ در قرون متأخر بیشتر جزو را به کار گرفته‌اند.

در ادب‌الکتاب صولی (ابی‌بکر محمدبن یحیی شطرنجی، در گذشته به سال ۳۳۶ ه. ق) تعریف گویایی از آن هست: «فاما الکراریس فواحدها کراسه. قال الاصمعی کرست الکتب و الورق جعلت شیئاً منه الی شیء...»^۱

صدرالدین قونوی، در گذشته به سال ۶۷۳ ه. ق، در فهرستی از بعضی نسخ کتابخانه خود از نسخه «مختصر الکشاف» یاد کرده و مقدار موجود در کتابخانه خود را «کراریس» شمرده است.^۲ مرحوم ناظم‌الاطباء واژه کراریس را در فرهنگ خود با این مثل آورده است: «التاجر مجده فی کیسه و العالم مجده فی کراریسه».

کراسه در معنی مطلق کتاب و بطور اخص قرآن مجید نیز مصطلح شده است؛ از جمله در این شعر سوزنی سمرقندی، اشاره به مصحف آسمانی است:

بر نام من ار فال گشایی ز کراسه
بینی به خط اول، قد مسنی انصر

۱. ص ۱۰۵-۱۰۹، طبع محمد بهجة الاثری، قاهره، ۱۳۴۱.

۲. فهرست کتابخانه صدرالدین قونوی، تألیف نگارنده، مجله تحقیقات اسلامی،

سال دهم (۱۳۷۴ ش)، ۱ و ۲، ص ۴۸۶.

مورخ رمضان ۴۲۱ دیده می‌شود:

ای هرک ببرده این کراسه
ایزدش بدهد مرگ بتاسه

در این بیت، کراسه به رای مشدد خوانده نمی‌شود، و باز موردی است که از کراسه، قرآن مجید اراده شده است. «تاسه» در این بیت معنی درد و رنج دارد. بیت را من از راهنمای گنجینه قرآن تألیف احمد گلچین معانی (مشهد ۱۳۴۷) نقل کردم (ص ۳۵)؛ ولی چون این نسخه را خود دیده‌ام، در ذهنم مانده است که مصراع اول را در نسخه چنین خوانده بودم: «ای هرک بدزدد این کراسه».

انوری هم در بیتی، کلمه کراسه را آورده و گفته است.

کتاب و کراسه است این جا تجمل
چه آید ترا از کتاب و کراسه

(دیوان انوری، چاپ نفیس، ص ۴۵۳)

تکنابنی مؤلف قصص العلماء «کراس» را به طور مفرد به قلم آورده و نوشته است:

«عهد کرده بودم که روزی یک کراس نویسم و کراس عبارت از یک جزوه است.» (ص ۱۰۴)

مرحوم دانش‌پژوه نزدیک پنجاه سال پیش در مقدمه خود بر فهرست کتابخانه مرکزی گفته است که ابن طاوس در سعد السعود واژه «کراس» را نوشته بوده است (فهرست مرکزی ۳: بیست و پنج) و اینک که تحقیقات اتان گلبرگ درباره کتابخانه ابن طاوس به زبان انگلیسی انتشار یافته و ترجمه فارسی آن به قلم فضلی معاصر آقایان علی قرائی و رسول جعفریان در دسترس است، می‌توان در حدود چهل مورد، واژه کراسه را در آن دید.

همسان با کراسه، واژه «جزو» (یا صورت فارسی جزوه) نیز در همان مصداق و مفهوم معمول بوده است. و گفته می‌شده و می‌شود که فلان کتاب بالغ بر فلان تعداد جزو (یا جزوه) است. از جمله محمد تقی دانش‌پژوه عبارتی را از سرگذشت ابن سینا می‌آورد که شیخ درباره نسخه‌ای نوشته بوده است: «خمسة اجزاء کل واحد عشرة اوراق». اصطلاح سی جزو قرآن (= سی پاره) در تداول عامه رواج تام و تمام دارد. در شاهنامه، نسخه خطی مورخ ۱۰۵۲ شماره ۲۰ معرفی شده در فهرست گوزلیان در نسخ لنین گراد آمده است که: «هو - مجموع این کتاب شصت و پنج جزو، پنج ورق کم» و در نسخه خطی نفایس الفنون که وقتی به کتابخانه مجلس سنای سابق برای فروش عرضه شد (مورخ ۱۰۱۱ یا ۱۱۰۱ که در یادداشت‌هایم معشوش شده) به خط محمدبن محمد شریف بن محمد بن شیخ زین الدین، به قطع رحلی قید شده است: «۳۰۸ ورق محتوی بر پنجاه جزء».

نقل چند شاهد هم از اشعار فارسی مکمل در مورد اصطلاح جزو تواند بود:

جزوی از اشعار من سلطان به کف می‌داشت باز
مدحت شه‌اخستان برخواند و زانش رشک خاست

خاقانی شروانی

سلیم این در جواب سحرپردازی که می‌گوید
کتاب حسن را جزو محبت از میان گم شد

سلیم طهرانی

پاشید جزو جزو دلم را غمش ز هم
چون طفل نوسَبَق که کتابی ورق کند

سنجر کاشانی

مثال نثر از ترجمه تاریخ یمنی منقول در لغت نامه دهخدا: «سزد که چون موری کمر خدمت ببندم و بدین خط چون پای ملخ جزوی نویسم...» مثال دیگر را از قابوسنامه چاپ سعید نفیسی می‌آورم درین عبارت «کتابها و اجزاء و قلم و قلمدان و محبره و کارد و قلمتراش» (ص ۱۱۳). یا این شاهد از نوشته محمود بن ابی‌الخیر فالی سیرافی به سال ۷۸۲ در بیاض تاج الدین احمد وزیر (چاپ اصفهان ۱۳۵۳):

یادی که ز دوستان نمودی
جزوی که به مخلصان سپردی
آن جزو لطیف نغز زیبا
بر لفظ رکبیک و خط رسوا
سرتاسر آن سیاه کردم
مجموعه از آن تباه کردم

(ص ۸۵)

اصطلاح جزودان (جزوه دان) هم داشته‌ایم و آن مقوایی بوده است که اجزاء کتابت و مشق را در آن می‌گذارند. ذکرش را در گلستان هنر (ص ۹۰) و در مجالس‌النفائس امیر علی شیرنویسی می‌بینیم و این است نوشته مندرج در مجالس‌النفائس:

«هم از زمان امیرمشار الیه نقل می‌کنند که در آن اوقات شبی مرا به آب احتیاج شد و آن شب را در غایت سردی بود. ضرورتاً به حمام می‌بایست رفت. چون رفتم جزودانی داشتم هرچند مبالغه کردم به گرو برنگرفت.» (چاپ علی اصغر حکمت، ص ۱۳۴).

واعظ قزوینی (عصر صفوی) کلمه جزوه‌دان را در بیتی آورده است:

قطعه‌ها راه جزوه‌دان جستند
دست چسبانده‌ها ز خط شستند

(چاپ حسن سادات ناصری، ص ۶۱۵)

نیز نگاه کنید به شوکت نامه میرزا محمد رحیما تألیف ۱۰۸۴ که محمد تقی دانش‌پژوه آن را در مجله بررسی‌های تاریخی سال ۱۳ (۱۳۵۷) ش ۲ چاپ کرده است. (ص ۸۲).

هر کراسه از چند برگ تا شده - که آنها را در هم می‌گذاشته‌اند - ترکیب می‌شد. تعداد این برگ‌ها در نسخه‌ها متفاوت است. کمی

و زیادی اوراق یک کراسه به مناسبت ضخامت و نازکی کاغذ بوده است. با کاغذهای ضخیم کراسه‌هایی که تعداد برگ‌هایشان کم بود، درست می‌کردند. اما از طرفی هر چه بر تعداد کراسه‌های یک نسخه افزوده می‌شد، دشواری صحافی بیش می‌شد؛ زیرا تعداد بیشتری کراسه می‌بایست به هم دوخته شود.

تعداد برگ‌های تا شده را در کراسه‌های نسخه‌های خطی به اختلاف دیده‌ام. در بعضی از نسخه‌ها، شماره ردیف کراسه معمولاً بر قسمت چپ بالای ورق اول آن به عدد یا حروف آمده است.

کراسه‌ها را من از هفت برگی (چهارده صفحه) تا دوازده تایی دیده‌ام، دانش پژوه از اساس البلاغه زمخشری نقل کرده است: «فی هذه الكراسه عشر ورقات عدة كرايس». (فهرست مرکزی ۳: صفحه بیست و پنج) هم ایشان گفته است که دزی در ذیل قوامیس عربی بیشتر کراسه‌ها را هشت برگی یاد کرده است.

این یادداشت‌ها را با جدولی که از تعداد کراسه‌های چند نسخه خطی دارای کراسه‌شمار (یا با ذکر جزو) گردآورده‌ام به پایان می‌آورم. از این جدول، این طور استنباط می‌شود که تعداد نسخه‌هایی که کراسه ایشان ده برگی است بیشتر است از دیگر شمارها.

گاهی نسخه‌هایی دیده می‌شود که یادداشتی درباره تعداد کراسه‌ها در بردارد. از این موارد است دو نسخه زیر:

یکی نسخه مصابیح الانوار فی حل مشکلات الاخبار از عبدالله شبرکاظمی (۱۲۴۲ م) به شماره ۹۰۹۰ مرکزی دانشگاه که در پایان آن آمده است: «بیست کراس هر یک ۱۰۶۰ بیت. دو کراس نخستین بیشتر از آن، روی هم نزدیک به بیست و دو هزار بیت (فهرست مرکزی ۱۷: ۲۹۰).

دیگری الدر المسلوک فی احوال الانبیاء و ... تألیف احمد بن حسن حر عاملی در سال ۱۰۰۴ که نسخه نیمی از آن به خط مؤلف به شماره ۶۳۲ در کتابخانه ملی ملک موجود است و در آن یادداشت شده است که در سی کراسه ولی فعلاً ۶۴ برگ موجود است (فهرست ملک ۲: ۲۸۶).

شماره نسخه	نام کتابخانه	تاریخ کتابت	نام کتاب
			هفت برگی
۷/۷۲۷۲ دیدم	مجموعه رهنا	قرن هشتم	قانون ابن سینا
			هشت برگی
۳۵۸۶	ملک	قرن هفتم	الاصول بالاسطقات
۴۲۶۳	ملک	۶۶۲ و ۶۶۵	مجموعه (از کراسه ۱۹ ده برگی)
۱۴۰۹	مرکزی دانشگاه	۷۲۷	الطب الکلّی المسیحی
۸۵۳۱	مرکزی دانشگاه	۸۰۷ و ۸۸۲	مجموعه
۳۵۷۸	مرکزی دانشگاه	قرن نهم - دهم	تنویر المطالع
۶۰۹	ملک	۹۰۱	درر التالی العمادیة
۶۹۶۴	مرکزی دانشگاه	قرن دهم	اصول الفقه
۷۲۸۰	مرکزی دانشگاه	قرن یازدهم	التفسیر العیاشی
۶۹۹۳	مرکزی دانشگاه	۱۱۰۴	شرح الکافی
			نه برگی
D788 (نشریه ۹: ۲۳۱)	فرهنگستان باکو	قرن هفتم - هشتم	ترجمه فارسی سیره النبی
۶۲۱۴	مرکزی دانشگاه	قرن دهم	مقامات حریری
۷۱۱۱	مرکزی دانشگاه	قرن دوازدهم	حاشیه المطول
			دو برگی
۱۸۶، دانشکده پزشکی	مرکزی دانشگاه	۴۸۴	الطب المنصوری
۱۳۴۸	مرکزی دانشگاه	قرن پنجم - ششم	التجاة
M389 (نشریه ۹: ۲۵۲)	فرهنگستان باکو	۵۱۱	الصباح جوهری
۱۸۸۹	مرکزی دانشگاه	۵۳۸	القانون (ابن سینا)
۱۹۰۸	مرکزی دانشگاه	۶۱۸	المحصول (امام فخر)
۱۸۲۸	مرکزی دانشگاه	۶۲۳	الامان من اخطار الاسفار
۳۳۳۷ (نشریه ۹: ۱۸۸)	کتابخانه بیرونی تاشکند	۶۴۱	المغنی فی الادویة المفردة
۲۰۰۴	مرکزی دانشگاه	۶۶۲	مجموعه
۴۲۶۳	ملک	۶۶۲ و ۶۶۵	مجموعه (هشت و ده برگی)
Warner487 (نشریه ۱۰: ۲۴)	دانشگاه لیند	۶۷۵	الکافی فی الاستقضا
۱۹۵۸	مرکزی دانشگاه	قرن هفتم	مجمع البیان (طبرسی)
۱۴۴۰	مجلس سنا (مجلس ۲)	قرن هفتم	شرح المجسطی
۸۱۶۰	مرکزی دانشگاه	قرن هفتم و هشتم	کتاب فی الطب
۱۲۵۳	مرکزی دانشگاه	قرن هفتم و هشتم	تحریر المجسطی
۴۵۴۴	ملک	قرن هشتم	القانون (ابن سینا)
۶۷۵۲	مرکزی دانشگاه	قرن هشتم	کشف الاسرار بخاری
۳۳۰۱	مرکزی دانشگاه	قرن هشتم	مراصد التصدیق
۶۷۳۶	مرکزی دانشگاه	۸۱۲	المهذب البارع
۹۷۰۵	مرکزی دانشگاه	۸۴۲	سیره النبی
۱۴۷۲	مرکزی دانشگاه	قرن نهم	شرح المختصر النافع
۲۶۳۸ (نشریه ۹: ۲۷۲)	فرهنگستان ترکمنستان	۱۰۷۰	روضة العما و نزهة الفضلا
			دوازده برگی
۱۵۲۶ (نشریه ۹: ۱۲۹)	فرهنگستان تاشکند	۵۲۷ (مقابل شده)	تاویلات اهل السنة
۱۹۰۶	مرکزی دانشگاه	۷۸۴	ذکر الشیعة
۱۸۰۷	مرکزی دانشگاه	قرن هشتم	منتهی الوصول

شناختنامه ذریعه

محمد اسفندیاری

پرداخت و در این کار، یکدل شد. گذشت زمان نشان داد که کار او، مؤثرتر و مانا تر است.

فقه، حدیث، تراجم و کتابشناسی، چهار رشته تخصصی شیخ آقابزرگ بود و در دو رشته اخیر بیشتر تحقیق و توغل کرده بود. البته وی در فقه و حدیث مانند داشت و، حتی، عده‌ای از او برتر بودند، اما در رجال و کتابشناسی مانند نداشت و، حتی، کسی قابل مقایسه با او نبود و اعلم عصر بود. او را در حدود سی عنوان کتاب است که شامل هفتاد جلد می‌شود؛ اما در میان آنها، دو کتاب، یکی در رجال و آن یکی در کتابشناسی، از همه مفضلتر و مهمتر است: ۱. طبقات اعلام الشیعة، در یازده جلد، شامل شرح حال عالمان شیعه از قرن چهارم تا چهاردهم؛ ۲. الذریعة الی تصانیف الشیعة، در

محمد محسن، یا محسن، رازی، یا منزوی، نامبردار به شیخ آقا بزرگ تهرانی^۱، در شب پنج‌شنبه یازدهم ربیع‌الاول ۱۲۹۳ در تهران به دنیا آمد. علم‌اندوزی را در شهر خویش آغازید و در سال ۱۳۱۵ قمری برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه نجف رفت. در سال ۱۳۲۹، پس از درگذشت آخوند خراسانی، به کاظمین و سپس در همان سال به سامرا کوجید و تا سال ۱۳۵۴ در آنجا بزیست. در سال ۱۳۵۴، دیگر بار، به نجف رفت و تا پایان عمر در آنجا بماند و در روز جمعه سیزدهم ذی‌حجه ۱۳۸۹ (برابر با دوازدهم اسفند ۱۳۴۸)، درگذشت و، بر پایه وصیتش، در کتابخانه‌اش، در نجف، به خاک سپرده شد. بدین‌سان، مردی که عمری در میان کتابها زیست، در میان کتابها سر به خاک نهاد.

شیخ آقابزرگ تهرانی در نزد عالمانی بزرگ، چون حاج میرزا حسین نوری، آخوند خراسانی، میرزا محمد تقی شیرازی و سید محمد کاظم یزدی، درس آموخت و دانش اندوخت. در فقه به درجه استنباط رسید، اما به تدریس نپرداخت و، در عوض، به تألیف روی کرد و در این عرصه بس جد و جهد نمود. در آن روزگار، اغلب عالمان بزرگ به تدریس می‌پرداختند و شماری از آنها، توأمان، تدریس و تألیف می‌کردند؛ اما شیخ آقابزرگ یکسره به تألیف

۱. در همین جا لازم است به توضیح چهار نکته درباره نام شیخ آقابزرگ تهرانی پرداخته شود: یکم اینکه نام شخصی وی محسن بود و او از خود گاه به این نام و گاه به نام محمد محسن یاد کرده است. اما وی محمد را جزء نام خود نمی‌دانست و آن را تبرکاً می‌نوشت. دوم اینکه منسوبان به شهر ری را رازی می‌گویند و چون شیخ آقا بزرگ در اطراف ری (تهران)، زاده شد، مدتی نام خانوادگی رازی را برای خود برگزید. همان‌گونه که وی کتابی با عنوان هدیه الی المجدد الشیرازی دارد و در الذریعه (ج ۲۵، ص ۲۰۷-۲۰۸، ش ۲۹۹)، به معرفی آن پرداخته است. نکته سوم اینکه نام خانوادگی او در شناسنامه، منزوی بود و در الذریعه (ج ۱۵، ص ۱۲۸، ش ۸۶۱)، به آن تصریح کرده است. و نکته چهارم اینکه سبب معروف شدن آقابزرگ به این نام (آقابزرگ)، این است که وی همنام جد بزرگ خود (محسن)، بود و تهرانیهای قدیم کودکی را که همنام جد بزرگش بود، «آقابزرگ» می‌گفتند.

بیست و نه جلد، شامل معرفی کتابهای شیعه از قرن اول تا چهاردهم. و از این دو کتاب، الذریعه پربرگ و بارتر از طبقات است و نام شیخ آقا بزرگ یادآور نام آن.

الذریعه مشتمل بر بیست و شش جزء (جلد)، و جزء نهم آن شامل چهار قسم (جلد)، است که، به روی هم، بیست و نه جلد می‌شود. این کتاب در بردارنده نزدیک به دوازده هزار صفحه و زبیری است و در آن بیش از پنجاه و پنج هزار اثر شیعه معرفی شده و، به پندار من، دو-سه برابر این مقدار معرفی نشده است.^۱ تاریخ آغاز تألیف الذریعه، روز دحوالارض (۲۵ ذی‌قعدة) ۱۳۲۹ است^۲ و تاریخ پایان تألیف آن، کمی پیش از پایان زندگی مؤلف آن (۱۳۸۹ق)، است تاریخ چاپ جلد اول، ۱۳۵۵ قمری و تاریخ چاپ جلد بیست و پنج، ۱۳۹۸ و تاریخ چاپ جلد بیست و شش (مستدرکات)، ۱۴۰۵ است. جلد بیستم الذریعه در دست چاپ بود که دست اجل، مؤلف آن را از این خاکدان گرفت.

زبان کتاب الذریعه، عربی و زبان کتابهای معرفی شده در آن، عربی و فارسی و ترکی و اردو و گجراتی است. مبدأ تحقیق مؤلف، قرن اول هجری و منتهای آن، ۱۳۷۰ قمری است.^۳ یعنی کتابهایی که از قرن اول تا این تاریخ تألیف شده، در محدوده معرفی الذریعه بوده است. نوع تحقیق مؤلف، بیشتر کتابخانه‌ای و کمتر میدانی بوده است. یعنی مؤلف هم به کتابها و کتابخانه‌ها رجوع کرده و اطلاعاتی درباره کتابها به دست آورده و هم با رجوع به افراد مطلع، اطلاعاتی را، به صورت شفاهی، کسب کرده است. از اینجا نیز آشکار می‌شود که روش تحقیق مؤلف، هم بی‌واسطه و هم باواسطه بوده است. یعنی پاره‌ای از کتابها را، خود، بی‌واسطه، ملاحظه و معرفی کرده و پاره‌ای دیگر را، خود، ملاحظه نکرده و اطلاعات درباره آنها را از دیگران، به صورت شفاهی، و نیز از فهرستها، کسب کرده است. آخرین نکته اینکه الذریعه تقریباً کتابشناسی توصیفی است و، به دیگر بیان، جنبه توصیفی آن بر دیگر جنبه‌هایش غالب است. چه، برخی از کتابها در الذریعه توصیف نشده و فقط مشخصات کتابشناختی آنها ارائه شده و برخی دیگر توصیف و برخی دیگر تحلیل و بصراحت درباره آن ارزشداوری شده است. و از میان همه کتابها، بیشتر آن دسته از کتابهایی است که محتوای آن توصیف شده است. نتیجه اینکه الذریعه، از میان گونه‌های کتابشناسی، به کتابشناسی توصیفی نزدیکتر و شبیه‌تر است.

من در اینجا ضرور می‌شمارم که لختی درباره موضوع کتاب الذریعه سخن بگویم که از فرط نمان بودن، پنهان مانده است. زیرا همگان در معرفی این کتاب بدین اقتصار می‌کنند که بگویند «کتابشناسی» است. البته این تعبیر درست است، اما جامع و خالی از

مسامحه نیست و موجب این سوء تفاهم شده که الذریعه فهرستی تلنبار شده از نام کتابهاست؛ حال آنکه چنین نیست. آری، الذریعه کتابشناسی است و این حقیقت است، اما همه حقیقت نیست و حقیقت مهمتر در آن نیست.

پیش از پرداختن بدین مدعا، یاد کرد این نکته بایسته می‌نماید که کتاب به نوشته چاپی بین الدفتین (میان دو جلد)، گفته می‌شود. همچنین نسخه (Manuscript)، به نوشته خطی بین الدفتین و رساله به نوشته چاپی یا خطی مختصرتر از کتاب و نسخه، که بین الدفتین نیست، اطلاق می‌شود.^۴ باری، این تفاوت و تمایز، در تعریف دقیق کتاب و نسخه و رساله ملحوظ است.

بر این اساس، الذریعه، «کتابشناسی» (اولاً)، «نسخه‌شناسی» (ثانیاً)، «رساله‌شناسی» (ثالثاً) و «رجال‌شناسی» (رابعاً و استطراداً)، است.

اولاً کتابشناسی است و این «قولی است که جملگی برآیند». زیرا کتابهای مطبوع در آن معرفی شده است.

۱. آری، چنین می‌نماید که دو-سه برابر آثار معرفی شده در الذریعه، در الذریعه معرفی نشده است؛ یعنی در حدود صد هزار تا صد و پنجاه هزار اثر. اما دکتر علی تقی منزوی، فرزند شیخ آقابزرگ، آثار معرفی نشده در الذریعه را کمتر از این مقدار می‌داند. وی در ضمن مقاله‌ای با عنوان «الذریعه و آقا بزرگ طهرانی» در مجله آینده (سال ششم، شماره ۷ و ۸، مهر و آبان ۱۳۵۹، ص ۵۹۲) گفته است: «به نظر من اگر ادبیات [آثار] شیعی را به دو بخش بزرگ فارسی و غیرفارسی تقسیم کنیم، باید قبول کنیم [کذا] که مرحوم پدرم از بخش غیرفارسی ادبیات شیعه ۹۷٪ را در این دائرة المعارف [الذریعه] گردآورده یعنی از این بخش بیش از ۳٪ از قلم او نیفتاده است. اما در بخش ادبیات فارسی شیعه باید اذعان کرد که آن مرحوم موفق به گردآوری بیش از ۵۰٪ نشده است.»

۲. ر.ک: الذریعه، ج ۱۰، ص ۲۶، ش ۱۳۱. گفتنی است شیخ آقابزرگ در جلد دهم الذریعه، ذیل عنوان «الذریعه الی تصانیف الشیعه» (ص ۲۶-۲۷)، به معرفی مختصر کتاب خویش پرداخته است. وی در ضمن معرفی الذریعه از کمک فرزندش، علی تقی منزوی، در چاپ آن و افزودن مطالبی بر آن، یاد کرده است. اما، متأسفانه، جامعه علمی ما نه تنها سپاسگزار از منزوی نشد، بلکه خطاهای در الذریعه را از آن او دانست. تو گویی شیخ آقابزرگ «جایز الخطا» نبود و علی تقی منزوی «واجب الخطا» بود! حال آنکه تردیدی نیست پاره‌ای از خطاهای الذریعه فقط از قلم شیخ آقابزرگ تراوش کرده است و، البته، این هرگز از عظمت کار بزرگ او نمی‌کاهد، که گفته‌اند: من صنف فقد استهدف.

۳. ر.ک: الذریعه، ج ۸، ص ۲۹۶.

۴. در کتاب اصطلاحنامه کتابداری، در تعریف «نسخه خطی» آمده است: «کتابی دستنوشته که مخصوصاً مربوط به قبل از اختراع چاپ یا مربوط به همان زمان اختراع چاپ باشد و متمایز از سند، نامه یا پژوهشنامه‌ای است که با دست نوشته شده باشد.» همچنین در تعریف «کتاب» آمده است: «... طبق تعریف یونسکو کتاب معمولاً از ۴۸ صفحه بیشتر و به طور مستقل صحافی شده است. به کمتر از این مقدار جزوه یا رساله می‌گویند.» پوری سلطانی و فروردین راستین. اصطلاحنامه کتابداری. (ویرایش دوم: تهران، کتابخانه ملی ایران، ۱۳۶۵). ص ۳۰۴ و ۲۲۸.

می‌خوانند، از جمله این نویسنده، چنین مقصودی از کتابشناسی دارند. اما نباید این تعبیر چندان تثبیت و کلیشه شود که موجب سوء تفاهم عمومی گردد و گمان شود الذریعه فقط فهرستی از کتابهای چاپی است و، بویژه، نسخه‌شناسی آن، که مهمتر از کتابشناسی است، نادیده بماند.

در پیش به تاریخ آغاز و پایان تألیف الذریعه اشاره کردیم: ۱۳۲۹-۱۳۸۹ ق. آنگاه که این دو تاریخ در کنار یکدیگر ملاحظه شود، تاریخ یک عمر به نظر می‌آید. و برآستی که این تاریخ یک عمر است؛ شصت سال. آری، شیخ آقابزرگ شصت سال از عمر خود را در کار کتاب الذریعه کرد^۱ و با رجوع به هزاران کتاب و زیر و رو کردن شصت کتابخانه و سفر به چند کشور، این شاهکار را آفرید و آنچه را محال می‌نمود، ممکن ساخت. تو گویی در قاموس او «محال» وجود نداشت تا توانست الذریعه را به وجود آورد.

گفتنیها بیش از این گفتار است و مرا باید گفتار را کوتاه کرد.

۱. برای نمونه بنگرید به اطلاعات رجالی درباره آله نوبخت (الذریعه، ج ۱، ص ۶۹-۷۰)؛ سید دلدار علی تقوی نصیرآبادی (ج ۱، ص ۸۴)؛ ابوالمظفر محمد ابیوردی (ج ۴، ص ۲۲۰)؛ ابوالحسن عباد بن عباس طالقانی (ج ۴، ص ۲۳۵-۲۳۶)؛ نصیری طوسی (ج ۴، ص ۲۳۶-۲۳۷)؛ ابن غضائری (ج ۴، ص ۲۸۵-۲۹۱)؛ ابراهیم بن حکم بن ظهیرفزاری (ج ۷، ص ۱۸۷-۱۸۸)؛ جعفر شوشتری (ج ۷، ص ۱۶۶-۱۶۷)؛ سید بهاء‌الدین حسینی نیلی نجفی (ج ۸، ص ۸۱-۸۲)؛ ابن عمید قمی (ج ۱۰، ص ۲۴۰-۲۴۱).

۲. در خور گفتن است که طبقات اعلام الشیعه برآمده از کتاب الذریعه و مولود سامان یافته آن است. زیرا هنگامی که شیخ آقا بزرگ تهرانی به تحقیق برای تألیف الذریعه مشغول بود و نامهای مؤلفان و شرح حالشان را جستجو می‌کرد، دستمایه زیادی برای نگارش کتابی در رجال فراهم ساخت. سپس آن اطلاعات را گسترده و سامان داد و طبقات اعلام الشیعه را پدید آورد.

۳. دکتر محمد معین در فرهنگ فارسی (ج ۱، ص ۱۴۱)، ذیل واژه «اثر»، می‌گوید: برخی اثر را به معنی کتاب و نوشته غیر فصیح دانند، ولی استعمالهای گذشتگان مجوز استعمال آن است. ادیب سلطانی نیز می‌گوید: «اثر مفهومی است کلی و... به هر نوشته‌ای اطلاق می‌شود، چه کتابی قطور و چه مقاله‌ای کوتاه.» میرشمس‌الدین ادیب سلطانی. راهنمای آماده ساختن کتاب. (چاپ اول: تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵). ص ۳.

۴. شاید در جهان، از دیرباز تاکنون، محققانی یافت نشود که شصت سال از عمر خود را صرف فراهم کردن یک کتاب کرده باشند. اغانی، حاصل پنجاه سال تحقیق ابوالفرج اصفهانی است. تاریخ تمدن، نتیجه نزدیک به پنجاه سال تلاش ویل و آریل دورانت است. الفتوحات المکیة، محصول نزدیک به چهل سال تحقیق ابن عربی است. جواهر الکلام، ثمره بیش از سی سال کار شیخ محمد حسن نجفی است. از صبا تا نیما، محصول بیست و پنج سال کوشش بحیبی آرین‌پور است. کافی، دستاورد بیست سال تلاش فقه‌الاسلام کلینی است. آری، گونه‌گوی سبقت‌را از همگان نبود و بیش از شصت سال از عمر خویش را صرف کتاب فاوست کرد و برای خلق یک کتاب بیش از همگان خود تأمل و تأنی کرد. برای تحقیق بیشتر رجوع کنید به: محمد اسفندیاری. کتاب پژوهی: پژوهشهایی در زمینه کتاب و نقد کتاب. (چاپ اول: قم، نشر خرم، ۱۳۷۵). ص ۱۳-۴۸.

ثانیاً، و از همه مهمتر، نسخه‌شناسی است. زیرا اولاً نسخه‌های (مخطوطات) هر کتاب مطبوع و ثانیاً نسخه‌ها (کتابهای مخطوط)، در آن معرفی شده است. به سخن دیگر، هم در ضمن معرفی کتابهای مطبوع، نسخه‌های آن معرفی شده و هم کتابهای مخطوط (نسخه‌ها)، معرفی گردیده است. حاصل اینکه الذریعه به دو لحاظ نسخه‌شناسی است.

ثالثاً رساله‌شناسی است. زیرا نوشته‌های مختصرتر از کتاب و نسخه، که بین‌الدفتین نیست، در آن معرفی شده است. (این را بگوییم و بگذریم که «رساله» در گذشته مانند «مقاله» در امروزه است و رساله‌های گذشتگان، به لحاظ قالب، مانند مقالات معاصران است. زیرا هم رساله و هم مقاله، مختصرتر از کتاب است و هم بین‌الدفتین نیست.) بنابراین الذریعه، هم کتابشناسی است و هم رساله‌شناسی (می‌توانید بخوانید مقاله‌شناسی).

رابعاً رجال‌شناسی است؛ البته ضمناً و استطراداً. زیرا در معرفی شماری از مؤلفان بتفصیل از نسب و استادان و شاگردان و دیگر کتابهایشان و مجیزان و مجازان آنها در حدیث سخن گفته شده است. البته جای این دسته اطلاعات در کتابشناسی نیست و خوانندگان کتابشناسی انتظار ندارند که این اطلاعات را در آن بیابند؛ اما این اطلاعات در الذریعه آمده و لذا آن را، طرداً للباب، شامل رجال‌شناسی کرده است.^۲

حاصل اینکه الذریعه، کتابشناسی و رساله‌شناسی و نسخه‌شناسی، و به طور ضمنی رجال‌شناسی، است. همان‌گونه که مؤلف، عنوان آن را الذریعه الی «تصانیف» الشیعه نهاده و نه الذریعه الی «کتب» الشیعه. پس اگر بخواهیم عنوانی معادل عنوان عربی این کتاب برگزینیم و با یک عبارت، کتاب را توصیف کنیم، باید بگوییم «فرهنگ آثار شیعه». از آن رو «فرهنگ» می‌گوییم که در الذریعه کتابها به ترتیب حروف الفبا معرفی شده است. و بدان رو «آثار» می‌گوییم که اثر، به کتاب مطبوع و کتاب مخطوط (نسخه) و رساله و دیگر گونه‌های نوشته اطلاق می‌شود.^۳ این را هم اضافه کنیم که در الذریعه، روزنامه‌ها نیز معرفی شده است و، نیز بدین رو، اطلاق کتابشناسی به آن، جامع نیست. مختصر اینکه الذریعه، به تعبیر دقیق، «اثرشناسی» شیعه است و نه «کتابشناسی».

البته می‌توان کتابشناسی را توسعاً به معنی کتاب‌چاپی‌شناسی و کتاب‌خطی‌شناسی (نسخه‌شناسی) و رساله‌شناسی به کار برد؛ همانگونه که گاهی کتاب به معنی کتاب چاپی و خطی و رساله به کار برده می‌شود. با این توسع معنی کتاب، که البته مجاز است، مجاز است گفته شود الذریعه، کتابشناسی است. عیبی ندارد و «منطقی» را بحث در الفاظ نیست. «لابد آنان هم که الذریعه را کتابشناسی

واپسین گفته اینک الذریعة الی تصانیف الشیعة، هم مفصلترین و هم مهمترین کتابشناسی در جهان تشیع، و حتی در جهان اسلام، است. و در یک کلام، اگر الذریعة نبود، بسا تصانیف شیعه از میان رفته بود. شیخ آقابزرگ تهرانی با تألیف این کتابشناسی، همه کتابشناسان پیش از خود را به فراموشی کشاند و همه کتابشناسان پس از خود را به زحمت انداخت. باری، الذریعة «کتاب عصر» نیست، «کتاب دهر» است^۱ و مؤلف آن، مرد این روزگار نیست، مرد روزگاران است. حیات پیش از مرگ او دراز بود، اما حیات پس از مرگش درازتر خواهد بود.^۲

۱. «که باد خزان را بر ورق او دست تظاول نباشد و گردش زمان، عیش ربیع آن را به طیش خریف مبدل نکند.» دیباچه گلستان سعدی، در وصف گلستان و، در واقع، در وصف همه کتابهای مانا.

۲. درباره زندگی شیخ آقا بزرگ تهرانی و آثار او، کتابها و مقالات متعددی نوشته شده که مهمترین آنها عبارت است از: شیخ آقابزرگ تهرانی. «شرح زندگی من». تاریخ و فرهنگ معاصر. (سال چهارم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۷۴). ص ۳۰۳-۳۱۶؛ سید احمد حسینی اشکوری. «زندگی‌نامه خود نوشت شیخ آقا بزرگ تهرانی». مندرج در کتاب مهدی مهریزی و علی صدراپی خویی. میراث حدیث شیعه. (قسم، دارالحدیث، ۱۳۷۷). ج ۱، ص ۴۰۱-۴۲۸؛ محمد علی حق شناس. «آقا بزرگ تهرانی، شیخ المورخین شیعه». کرانه. (سال اول، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۳). ص ۱۰۶-۱۲۱ (شامل زندگینامه خود نوشت شیخ آقابزرگ است)؛ الذریعة، ج ۱، ص ۱-ط؛ ج ۲۰، ص ج-یب؛ ج ۲۵، ص ۳۰۹-۳۱۰ و ۳۴۷-۳۵۰؛ طبقات اعلام الشیعة: القرن الرابع، نوابع الزواة في رابعة المئات. (چاپ اول: بیروت، دارالکتاب العربي، ۱۳۹۰). ص ط-لب؛ عبدالرحیم محمدعلی. شیخ الباحین آغابزرگ الطهرانی جیه و آثاره. (چاپ اول: نجف، مطبعة النعمان، ۱۳۹۰). محمدرضا حکیمی. شیخ آقابزرگ تهرانی. (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی). ص ۱-۶۵؛ علی تقی منزوی. «الذریعة و آقابزرگ طهرانی».

آینده. (سال ششم، شماره ۳-۴ و ۷-۸، خرداد- تیر و مهر- آبان ۱۳۵۹). ص ۲۴۷-۲۵۳ و ۵۸۸-۵۹۶؛ احمد منزوی. «معرفی الذریعة الی تصانیف الشیعة». کتابداری. زیر نظر ایرج افشار. (تهران، انتشارات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد، ۱۳۵۲). ص ۲۲-۲۵؛ محمد صحتی سردودی. آقا بزرگ تهرانی، اقیانوس پژوهش. (چاپ اول: قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶)؛ سید جلال قیامی میرحسینی. ده چهره، ده نگاه. (چاپ اول: مشهد، انتشارات خانه آبی، ۱۳۷۷). ج ۱، ص ۳۲۰-۳۵۵ (شامل گفتگو با احمد منزوی)؛ سعید نفیسی. «کتاب ذریعه و مؤلف آن». سخن. (سال دوم، شماره ۱۱ و ۱۲، دی و بهمن ۱۳۲۴). ص ۸۸۷-۸۸۹؛ محمد علی حق شناس. «الذریعه و طبقات دایرة المعارف‌های بزرگ شیعه». فصلنامه کتاب. (دوره نهم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۷). ص ۷-۳۳. ناصرالدین انصاری قمی. «گذری بر زندگانی علامه تهرانی قدس سره». مشکوة (شماره ۳۲، پاییز ۱۳۷۰). ص ۷۵-۹۷؛ همو. «زندگی و آثار علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی» و «برترین کتابشناسی شیعه (نگاهی به کتاب الذریعة)». آینه پژوهش. (سال پنجم، شماره ۵-۶، بهمن- اسفند ۱۳۷۳). ص ۴۱-۴۵ و ۵۳-۶۱؛ رضا مختاری. طرح تدوین کتابشناسی بزرگ شیعه. (چاپ اول: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیة، ۱۳۷۶). ص ۴۰-۹۰؛ ناصر باقری بیدهندی. «نجوم امت: آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی (علیه رضوان الباری)». نور علم. (دوره چهارم، شماره دوم، اسفند ۱۳۶۹). ص ۳۴-۵۹ و ۱۵۳؛ المحقق الطباطبائی فی ذکره السنویة الأولى. (چاپ اول: قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۷). ج ۳، ص ۱۰۵۱-۱۰۵۵ و ۱۱۹۹-۱۲۰۵ و ۱۲۲۸-۱۲۳۰. سید محمود مرعشی نجفی. المسلمات فی الاجازات. (قم، مکتبه آیت‌الله العظمی المرعشی، ۱۴۱۶). ج ۲، ص ۷۶-۸۰؛ نورالله مرادی. «شیخ آقابزرگ تهرانی مرزبان حماسه خورشید». کیهان فرهنگی. (سال سوم، شماره ۱۱، بهمن ۱۳۶۵). ص ۲۵-۲۸؛ عبدالکریم آل نجف. «البحاثة العالم آغابزرگ الطهرانی» التوحيد. (سال ۱۱، شماره ۶۲). جمادی الاولى - جمادی الثانية ۱۴۱۳. ص ۶۵-۷۲؛ محمد آصف فکرت. مصنفات شیعه: ترجمه و تلخیص الذریعة الی تصانیف الشیعة. (چاپ اول: مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲). ج ۱، ص یک-نه.



نسخه‌های خطی کتابخانه عارف حکمت

سید محمود مرعشی نجفی

پیدایش و تاریخچه کتابخانه

هسته اولیه این مجموعه بزرگ، کتاب‌های کتابخانه ممتاز پدر عارف حکمت بود، که به میراث مانده بود. وی از پس پدر شروع به خریداری و جمع‌آوری نفایس میراث مکتوب اسلام نمود؛ به اضافه، به دلیل منصب خود (مفتی دولت عثمانی) کتاب‌های بسیاری نیز به وی اهدا می‌شد که بدین گونه کتابخانه‌ای فراهم آورد که موجب افتخار جهان اسلام گردید.

وی پس از بازنشستگی در مدینه منوره ماندگار شد و به بنای ساختمان کتابخانه پرداخت و املاک زیادی را بر آن وقف نمود که شامل خانه‌ها و مغازه‌ها و کاروانسراها و باغها و ... می‌شد. متأسفانه عایدی بسیاری از این وقفها، به ویژه آنهایی که در استانبول قرار داشت، به کلی قطع شد؛ و آنهایی که در مدینه منوره واقع بود، هم اکنون به دلایل مختلف از قبیل تخریب و توسعه اطراف حرم نبوی از بین رفته‌اند.

به هنگام جنگ جهانی اول، به فرمان پادشاه عثمانی، حاکم مدینه موجودی کتابخانه را به استانبول فرستاد؛ ولی هنگامی که کشتی حامل کتاب‌ها به دمشق رسید، جنگ مغلوبه شد و موقعیت ترکیه به مخاطره افتاد، لذا این مجموعه مجدداً به مدینه بازگردانده شد.

بیشتر کتابخانه‌های نفیس جهان اسلام مورد نهب و غارت دست چپاولگران استعمار قرار گرفته که این کتابخانه نیز از آن تاراج مستثنا نبوده است. گفته می‌شود این کتابخانه در عهد ترکان و اوایل

مقدمه

کتابخانه عارف حکمت در جوار حرم نبوی، نزدیک به دری که به در جبرئیل معروف است (جنوب شرقی حرم شریف) قرار دارد و تاریخ افتتاح آن، سال ۱۲۷۰ ق/ ۱۸۵۳ م می‌باشد.

نام این کتابخانه برگرفته از نام بنیانگذار و واقفش مفتی و شیخ الاسلام احمد عارف حکمت حسینی است، که فرزند ابراهیم فرزند عصمت فرزند رائف اسماعیل پاشا از وزرای سلطان سلیم عثمانی بوده و نسبش به خاندان پیامبر - صلی الله علیه و آله - می‌رسیده است. وی در شب یکشنبه هفدهم محرم الحرام ۱۲۰۱ دیده به جهان گشود و به سال ۱۲۷۵ قمری دیده از جهان فرو بست. او از اعلام قرن سیزدهم قمری است که مناصب زیادی را در دولت عثمانی به عهده داشته است، که از جمله آنها منصب‌های قضای مصر و مدینه منوره، نقابت الاشراف و سپس شیخ الاسلامی از سال ۱۲۶۲ قمری می‌باشد. وی مورد احترام عامه مردم بود و به تواضع، ورع، زهد و تقوا و انجام امور خدایسندانه شهره بود. او علاقه‌ای وافر نسبت به مطالعه داشت و یکی از عشاق کتاب بود و در زمان حیات خود، بسیاری از نفایس نسخ خطی را گردآورده بود. او با مستمری خویش، در خلال قرن سیزدهم قمری (نوزدهم میلادی)، کتابخانه‌ای را در جوار آرامگاه جدش بنیان گذارد و مجموعه نفیسیش را در آن نگهداری و وقف طلاب علوم دینی و اندیشمندان و عالمان جهان اسلام نمود.

عهد اشراف، حدود ۱۶۵۰۰ نسخه داشته که در حال حاضر موجودی این مجموعه کمتر یک سوم این تعداد، (حدود پنج هزار نسخه) است. بیشتر این اتلاف، به دلیل مدیریت افراد نالایق و بی‌سپاس و ضعیف‌النفسی بود که این امانت گرانقدر را پاس نداشته و آن را به راحتی در اختیار بیگانگان قرار دادند و یا اینکه خود به سرقت برده و به قیمتهای ناچیز فروختند. این کتابها پس از فروش، به وسیله تجار نسخه‌های خطی که آنها را از مدینه به کشورهای آسیایی، اروپایی و آمریکایی انتقال می‌دادند، خارج می‌شد و گاه در حراج‌هایی که در آن کشورها ترتیب می‌یافت، به قیمت‌های جزئی و اندک، به مجموعه‌داران حرفه‌ای و کتابخانه‌های معتبر آن کشورها واگذار می‌گردید؛ از آن جمله، هزاران نسخه خطی است که امین بن حسن حلوانی در سال ۱۸۸۳ م از مدینه به اروپا برد و در همان سال در نمایشگاه آمستردام عرضه نمود. بار دیگر در سال ۱۹۰۴ م آنجا حاضر شد و نسخه‌های نفیسی را ارائه نمود که مؤسسه هلندی بریل آن را خریداری نمود. و یا نمونه دیگر که در زمان مدیریت ابراهیم خربوطی اتفاق افتاد و همو بود که تعداد زیادی از نفایس این مجموعه را در اروپا و به قولی به فیلیپ - صاحب کتاب قلب جزیره العرب و جهانگرد مشهور که از جدّه و عسیر و نجران و شوبه و تریم و حضرموت و الشحر دیدن کرد و از آنجا نسخه‌هایی را تهیه نمود که برای آنها قیمتی نمی‌توان تعیین نمود - فروخت. این نسخه‌ها هم اکنون در چندین کتابخانه ترکیه و در کتابخانه‌های لیدن در هلند، سلطنتی برلین در آلمان، چستریتی در دوبلین ایرلند و دانشگاه پرینستون در آمریکا، که امروزه از مهم‌ترین کتابخانه‌های دربردارنده میراث مکتوب اسلام هستند، نگهداری می‌شود.

در کتابخانه، فهرست‌های دستنویسی از این نسخه‌ها وجود دارند که جلونام بیشتر کتاب‌های ثبت شده در آن، علامت «م» به معنای مفقود شده آمده است که تأییدکننده همین ادعاست.

ساختمان کتابخانه

ساختمان قدیمی کتابخانه، در دو بنا تمرکز یافته بود، ساختمان اول شامل سالن مطالعه که بر پیرامون آن گنجه‌هایی چوبی و قفل‌دار - که به سبک معماری سنتی اسلامی، بر چوب‌های آن نقوشی حک و نقر شده بود - قرار داشت و به اصطلاح امروزی مخازن باز کتابخانه بود و ساختمان دوم، در دو طبقه، که طبقه اول مخازن کتابخانه و اتاقهای اداری را شمول می‌یافت و طبقه دوم محل زندگی مدیر کتابخانه بود.

تاریخ بنای این ساختمانها همان گونه که پیشتر اشاره شد، به اواسط قرن سیزدهم قمری (نوزدهم میلادی) برمی‌گردد.

طبقه‌بندی کتابخانه

این کتابخانه تا مدت‌ها یکی از بهترین کتابخانه‌های جهان اسلام، از لحاظ ترتیب و نظم و توجه اولیای امور آن به مجموعه‌های نفیس کتابخانه، به شمار می‌آمد. چنان که درباره آن در کتابهای مختلف آمده است:

در سرزمین حجاز، نظیری بر این کتابخانه نمی‌توان یافت؛ چه از لحاظ کثرت کتاب‌های نفیس که بیشتر به خط مؤلفان آنها می‌باشد و چه از نظر خدمات و نگهداری از نسخه‌های خطی، که کارکنان دائم بدان اشتغال دارند. این کتابخانه از نظر تمیزی مکان و تنسيق و ترتیب کتابهایش نمونه و سرمشقی بارز است.

کتابخانه عارف حکمت، از لحاظ طبقه‌بندی موضوعی نسخه‌هایش، یکی از بهترین کتابخانه‌های جهان اسلام آن روزگار به شمار می‌آمد. این طبقه‌بندی تابع روش کلاسیک عربی در تقسیم علوم بود که همه گنجه‌ها و قفسه‌های کتابخانه را شامل می‌شد. این موضوع‌ها عبارت بودند از: قرآن کریم، علوم قرآن، تفسیر، حدیث، مصطلحات حدیث، فقه، فقه حنفی، فقه مالکی، فقه حنبلی، فقه شافعی، موارث، لغت، نحو، صرف، بدیع، ادبیات، عروض و قافیه، مناظره، دیوان‌های شعر، فلسفه، تصوف، منطق، حکمت، اخلاق، خوابنامه، تاریخ، جغرافیا، حساب، جبر، هندسه، شیمی، نجوم، طب، کشاورزی، علوم نظامی و چاپ سنگی.

بیشتر این نسخه‌ها مذهبی و شامل حدیث، تفسیر و فقه است و پس از آن دربردارنده لغت و ادبیات است.

در زمینه فلسفه، نسخه‌هایی ارزشمند از بیشتر فلاسفه اسلامی، از جمله ابن سینا، فارابی، غزالی و ابن رشد، در این مجموعه یافت می‌شود.

در زمینه علوم پزشکی، نجوم، جبر، هندسه، ریاضیات، کشاورزی، شیمی و علوم نظامی، نسخه‌های بسیاری وجود دارد که مورد توجه دانشمندان عالم اسلام و تمدن غرب است و تعداد آنها بالغ بر ۴۹۱ نسخه است؛ که از این تعداد، ۲۳۹ نسخه به زبان عربی، ۴۹ نسخه فارسی و ۲۰۳ نسخه ترکی است.

در همین راستا، مهم‌ترین نسخه‌هایی که می‌توان یادآور شد، این نسخه‌هاست:

الف. در علم شیمی، کتاب ابن جماعه که در مورد ترکیبات شیمیایی معادن است و نیز قاموس سیر علماء الاغریق و همچنین کار یحیی برمکی که در مورد ترکیب‌های شیمیایی تعدادی از مواد است و آن را به یاد دوست خود (جابر بن حیان) به رشته تحریر درآورده است. همچنین دو نسخه از رازی؛

برخی از نسخه‌های خطی کهن و نفیس

۱. ارجوزة فی خواص الثمار: شعبان سلیم طبیب، کتابت در ۸۸۶ ه. ق، ۲۹۵ برگ، «شماره ۳».
۲. إتحاف الاخصاء بفضائل المسجد الاقصی: شیخ ابراهیم بن محمد، تاریخ تألیف سال ۸۷۵ ه. ق، کتابت در ۹۸۹ ه. ق، «شماره ۱۶».
۳. الآثار: محمد بن حسن بن فرقدشیبانی، متوفی به سال ۱۸۹، کتابت در ۷۵۵ ه. ق به خط سیف‌الدین، با نسخه کتابت در ۴۹۴ ه. ق. مقابله و تصحیح شده است، «شماره ۳۵۱».
۴. الإیتقان: سیوطی، متوفی ۹۱۱ ه. ق، کتابت در ۹۸۳ ه. ق، «شماره ۱۶۸».
۵. ازالة العیوس عن قصیده ابن عروس: شیخ محمد البهسی، کتابت در ۹۹۲ ه. ق، ۴۳ برگ، «شماره ۱۷».
۶. اطباق الاطباق شرح اطباق الذهب للزمخشری: شیخ الاسلام محمد اسعد، کتابت در ۸۹۸ ه. ق، ۱۲۰ برگ، «شماره ۹».
۷. اشرف التواریخ: یعقوب قرمانی، کتابت در ۹۸۶ ه. ق در ۶۲ برگ، «شماره ۱۵».
۸. اخبار الحمق والمغظین: ابن الجوزی، کتابت در ۹۰۰ ه. ق، در ۹۰ برگ، «شماره ۲۲».
۹. الأحجار التي توجده فی خزائن الملوك و ذخائر الرؤساء: احمد بن یوسف بن احمد التیفاشی، متوفی به سال ۶۵۱، نسخه کامل، کتابت در سده ۹ ه. ق به خط نسخ ناصر الدین الموقع، «شماره ۲۹۱۱».
۱۰. احکام تحویل سنی العالم: یحیی بن محمد بن ابی الشکر الحکیم المغربي، متوفی در حدود سال ۶۸۰، نسخه کامل به خط نسخ، کتابت در ۹۱۷ ه. ق، «شماره ۲۹۳۴».
۱۱. احکام الدین: یوسف بن ابراهیم الاردیبلی، متوفی به سال ۷۷۹ یا ۷۹۹، کتابت در ۷۸۰ ه. ق، «شماره ۱۴۲۱».
۱۲. احکام القرآن والامالة بین اللفظین: ابو عمر الدانی، کتابت در ۸۶۲ ه. ق در ۱۵۷ برگ «شماره ۱۳».
۱۳. الاحکام فی اصول الاحکام: از سیف‌الدین علی بن محمد بن سالم الأمدی، متوفی به سال ۶۳۱ کتابت در ۶۲۱ ه. ق (عصر مؤلف)، نسخه کهن و نفیس به خط محمود الواسطی، «شماره ۱۲۸ اصول فقه».
۱۴. اخبار الدول و آثار الاول: احمد دمشقی، نسخه اصل به خط مؤلف، در ۳۲۸ برگ کتابت در ۱۰۱۸ ق «شماره ۱۲».
۱۵. اخلاق ناصری: خواجه نصیر الدین طوسی، نسخه هنری مذهب و مرصع ممتاز، «شماره ۳۰۶ ق».

ب. در علم جبر، دو نسخه از خوارزمی و یاسینی؛
ج. در علم حساب، سه نسخه از خارجی و ابن بناء و نیشابوری؛
د. در علم نجوم، نسخه مجهول المؤلفی که در مورد شناخت انحرافات سطوح قائمه است، این نسخه یکی از اولین کتابهای اسلامی در این علم به شمار می‌آید و زمانی نگاشته شده است که هنوز استفاده از رقم و فواصل در لغت‌های عربی معمول نگشته بود، و نیز ترجمه‌هایی در علم ریاضیات نجوم از ثابت بن قره؛
ه. در علم هندسه، رسول هندسی از طوسی؛
و. در علم پزشکی، نسخه‌های ارزشمندی در این کتابخانه موجود است که از جمله، قدیمی‌ترین نسخه علم پزشکی که الارشاد فی الطب نام داشته و مجهول المؤلف است و نیز کارهای نصرانی و مختصر القانون و خلاف ابن سینا.

فهرست‌های کتابخانه

کتابخانه عارف حکمت دارای فهرستی است با عنوان فهرس مکتبه شیخ الاسلام عارف حکمت بالمدينة المنورة، که در سال ۱۳۶۹ ه. ق، به خط نسخ زیبایی کتابت شده و به صورت دستنویس باقی مانده است. این فهرست در سه بخش آورده شده است؛ بخش اول به چهارده طبقه تقسیم شده و هر شاخه با یک شماره مسلسل و به ترتیب حروف الفبا بر اساس نام مؤلف آمده است. فهرست مزبور شامل این اطلاعات است: نام کتاب، نام مؤلف، نوع خط، اندازه کتاب، تعداد برگ، تعداد جلد و ملاحظات؛ این بخش ۱۸۸ صفحه است.

بخش دوم، فهرست مجموعه‌ها و رساله‌های گوناگون است که این بخش نیز شامل شماره‌های مجموعه‌ها، شماره و ویژه هر رساله، نام رساله‌ها و نام مؤلف آنها است در ۲۷۸ صفحه. بخش سوم شامل فهرست پیوست است که آنچه در سال‌های اواخر تهیه آن فهرست، بدان کتابخانه افزوده می‌شده، در آن آورده شده، که بیشتر آنها کتاب‌های چاپی و در ۱۰۸ صفحه است.

این کتابخانه، متأسفانه فاقد فهرست چاپی مدون است؛ ولی در بسیاری از نشریات، کتاب‌ها و سفرنامه‌ها، علاوه بر معرفی کتابخانه، تعدادی از نسخه‌های نفیس آن را نیز معرفی نموده‌اند که اشاره به فهرست آن نشریات و کتاب‌ها، از حوصله این مقال خارج است.

اینک فهرستی از نفایس این کتابخانه گرانقدر تهیه شده که در پی می‌آید. ناگفته نماند، همان‌گونه که در مقدمه یادآور شد، این کتابخانه از محل اسبق خود به کتابخانه عمومی ملک عبدالعزیز منتقل شده است؛ در هر کدام از این کتابخانه‌ها برای ثبت کتابها، از روش شماره گذاری مخصوص به خود استفاده کرده‌اند، به همین جهت بعضاً در این فهرست نیز، از دو شماره گذاری مجزا استفاده شده است:

۳۲. الاشارات والتشبهات: ابن سینا، شامل طبیعیات، کتابت در ۹۷۷ ه. ق. در ۲۳۵ برگ «شماره ۴۱».

۳۳. الاشباه والنظائر التحویة: جلال‌الدین عبدالرحمن السیوطی، متوفی به سال ۹۱۱ ق کتابت در ۹۶۶ ه. ق. خط نسخ، «شماره ۳۴۰-۱ نحو».

۳۴. اقنوم المعجم: مؤلف مجهول، کتابت در ۷۱۶ ق. در ۱۱۰ برگ به فارسی، «شماره ۹۱».

۳۵. اصول ترکیب الادویة: ابی حامد نجیب‌الدین محمد بن علی بن عمر المتطبب السمرقندی، متوفی به سال ۶۱۹، نسخه کامل (۳۰ برگ ۳۳ سطری)، کتابت در ۸۸۹ ه. ق. به خط نسخ زین‌العابدین بن محمد بابا قبکرا، «شماره ۲۸۸۹».

۳۶. الاصول فی اصول الاحکام: آمدی، کتابت در ۶۲۱ ق. «شماره ۲۸».

۳۷. الاعجاز والایجاز (در ادب): ابی منصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل ثعالبی، متوفی به سال ۴۲۹، کتابت در ۷۳۷ ه. ق. به خط نسخ احمد بن محمد بن عبدالغنی ابن الریب، «شماره ۳۰۳۷».

۳۸. الاعلام بأعلام بلد الله الحرام: محمد بن احمد بن محمد النهر والی یا نهر وانی، متوفی به سال ۹۸۸، کتابت در ۹۸۵ ه. ق.

۳۹. الاعلام بالأعلام بین الحکام: محمد بن موسی بن النعمان، کتابت در سده ۸ ه. ق. ضمن مجموعه «شماره ۱۸۸ مجامیع».

۴۰. اغلاط الفقهاء ومناجات الامام زین‌العابدین: و جزء فیهِ فوائد حدیث ابی عمیر وستون وجهاء، کتابت در ۷۴۶ ه. ق. «شماره ۳۴».

۴۱. الاغذیة والاشربة وما یصل بهما: محمد بن علی بن عمر المتطبب السمرقندی، متوفی به سال ۶۱۹، نسخه کامل از مجموعه شماره ۲۸۸۹ (۵۷ برگ ۳۳ سطری)، کتابت در ۸۸۹ ه. ق. در شهر تبریز به خط نسخ زین‌العابدین بن محمد بابا قبکرا.

۴۲. اغذیة المرضی: محمد بن علی بن عمر المتطبب السمرقندی، متوفی به سال ۶۱۹، کتابت در ۸۸۹ ه. ق. به خط نسخ، بخشی از یک مجموعه (۱۶ برگ ۳۳ سطری)، «شماره ۲۸۸۹».

۴۳. الافصاح عن معانی الصحاح: یحیی بن محمد بن هبیره وزیر، کتابت در ۷۴۰ ه. ق. به خط نسخ خوش، «شماره ۲۲۵-۷۲ فقه حنفی».

۴۴. إفهام الإنفهام فی معانی عقیده شیخ الاسلام «العزیزین عبدالسلام»: از ولی‌الدین محمد بن احمد الدیباچی، کتابت در ۷۷۲ ه. ق. نسخه نفیس که بالنسخه به خط مؤلف مقابله و تصحیح شده، «شماره ۴۹-۲۱ توحید».

۴۵. الأقرابادین علی ترتیب العلل: نجیب‌الدین السمرقندی، کتابت در ۸۸۹ ه. ق. به خط نسخ، نسخه در سال ۹۰۷ ق مقابله و تصحیح شده، «شماره ۶۷-۲ طب».

۱۶. اختصار علوم الحدیث: ابن کثیر، خط نسخ کتابت در ۷۶۴ ه. ق. نسخه با نسخه مؤلف مقابله شده، «شماره ۶۴ اصول الحدیث».

۱۷. أدب الکاتب (در ادب عرب): عبدالله بن مسلم بن قتیبه، متوفی به سال ۲۷۶، کتابت در سده ۷ ه. ق. «شماره ۳۰۳۱».

۱۸. ادوار الانوار ومدی الدهور والاکوار: محیی‌الدین یحیی بن محمد بن ابی‌الشکر المغربي الاندلسی، کتابت در ۶۹۱ ه. ق. به خط نسخ، «شماره ۱۹۶-۱ میقات».

۱۹. الادویة المفردة: ابی حامد محمد بن علی بن عمر نجیب‌الدین السمرقندی، کتابت در سده ۹ ه. ق. خط نسخ، نسخه مقابله شده در سال ۹۰۷ ه. ق. «شماره ۱۸-۲ طب».

۲۰. ارتیاح الکیباد بأریاح فقد الاولاد: محمد بن عبدالرحمن بن محمد السخاوی، متوفی به سال ۹۰۲، کتابت در ۸۶۵ ه. ق. (عصر مؤلف) نسخه بر مؤلف خوانده شده با دستخط وی در پایان نسخه، «شماره ۱۳۲-۱۴۶ مواعظ».

۲۱. ارشاد العقل السلیم الی مزیای القرآن الکریم: ابوالسعود، کتابت در ۹۷۳ ه. ق. در ۹۹۸ برگ «شماره ۱۳-۱۴».

۲۲. ارشاد المرید الی معرفة الاسانید: ابن تائله ابن‌الکبرلی، «شماره ۱۲».

۲۳. اسانید و مسلسلات: سید حامد، نسخه نفیس، «شماره ۲۱۳ مج».

۲۴. اسماء الجبال والبقاع المذكور فی اشعار العرب: مؤلف ناشناخته، کتابت در ۱۲۴۳ ه. ق. در ۵۰ برگ.

۲۵. اساس الاقتباس^۱ (در ادب): اختیار‌الدین بن فضائل غیاث‌الدین الحسینی، متوفی به سال ۹۲۸، کتابت در سده ۱۰ ه. ق. «شماره ۳۰۳۵».

۲۶. أسئلة الفناری واجوبه ولده عنها: شمس‌الدین محمد بن حمزه بن محمد الفناری، متوفی به سال ۸۳۴، کتابت در ۸۲۴ ه. ق. (عصر مؤلف)، به خط نستعلیق «شماره ۶۷-۲۲ توحید».

۲۷. الاسباب والعلامات (در طب): ابی حامد نجیب‌الدین محمد بن علی بن عمر المتطبب السمرقندی، متوفی به سال ۶۱۹، نسخه کامل، کتابت در ۸۸۶ ه. ق. به خط نسخ، «شماره ۱۱۸-۲ طب».

۲۸. اسرار المسائل فی الفقه: از عبدالله بن عمر بن عیسی ابوزید الدبوسی، متوفی به سال ۴۳۰، کتابت در ۹۹۴ ه. ق. «شماره ۱۱۲۷».

۲۹. اسماء الصحابة: ابن‌منده، کتابت در ۱۰۵۴ ه. ق. از صرف تا آخر کتاب، «شماره ۵».

۳۰. اسماء رجال عمدة الاحکام: عبدالقادر بن محمد بن الحسن الصعبی، کتابت در ۷۶۷ ه. ق. «شماره ۲۷۶».

۳۱. الأسنی فی شرح اسماء الله الحسنی وصفاته: محمد بن احمد بن ابی‌بکر بن فرح‌القرطبی الانصاری، کتابت در ۷۳۱ ه. ق. جلد ۲ خط نسخ، «شماره ۱۸۴-۱۸۸ ادعیه».

۱. خواجه نصیر‌الدین طوسی نیز کتابی بدین نام به فارسی نوشته است.

- ۱۶۶-۱ ادعیہ».
۶۲. الانوار القوامیة فی الاسرار الکلامیة: محمد بن عمر بن الحسن (فخر رازی)، متوفی بہ سال ۶۰۶، کتابت در ۶۱۸ هـ. ق بہ خط محمد بن ابی بکر بن محمد الوراق، «شماره ۵۷۱».
۶۳. الانوار الواضحة فی معانی الفاتحة: عبدالعزیز بن احمد بن سعید الديرینی، متوفی بہ سال ۶۹۴، کتابت در ۷۴۰ هـ. ق، «شماره ۱۰۵».
۶۴. الفیة ابن مالک: کتابت در ۷۴۴ هـ. ق، در ۵۵ برگ نسخه مصحح و مقابلہ شدہ، «شماره ۱۵۹».
۶۵. الاوائل: حسن بن عبد اللہ بن سعید بن حسین العسکری، متوفی بہ سال ۳۸۲، نسخه بسیار کهن و نفیس، کتابت در ۳۹۵ هـ. ق بہ خط نسخ، «شماره ۳۷۷».
۶۶. اوضح المسالك شرح الفیة ابن مالک: ابن ہشام، کتابت در ۸۸۴ هـ. ق، خط نسخ، «شماره ۹۶-۶ نحو».
۶۷. الايضاح فی شرح مقامات الحریری: ناصر بن عبد السید المطرزی، نسخه کهن و نفیس، کتابت در ۶۰۷ هـ. ق، خط نسخ، «شماره ۱۵۰-۱۵ ادب».
۶۸. ايضاح المعانی والبیان: قزوینی، کتابت در ۷۹۶ هـ. ق، در ۱۵۰ برگ «شماره ۲».
۶۹. الايضاح (درادب): حسن بن احمد بن عبدالغفار بن محمد فارسی، متوفی بہ سال ۳۷۷، کتابت در ۶۱۰ هـ. ق، «شماره ۲۵۰۱».
۷۰. البحر الزائق فی شرح کنز الدقائق: زین الدین بن ابراہیم بن محمد بن نجیم، متوفی بہ سال ۹۷۰، کتابت در ۹۹۹ هـ. ق، «شماره ۱۱۴۲».
۷۱. بحر المعانی وکنز المثنی فی القراءات الائمة العشرة ائمة البلدان: محمد بن العوفی، نسخه کهن و بسیار قدیمی در ۱۹۰ برگ «شماره ۲۲».
۷۲. البرکة فی فضل السعی والحركة: محمہ بن عبدالرحمن بن عمر الجیشی، متوفی بہ سال ۷۸۶، کتابت در ۹۷۹ هـ. ق بہ خط ابراہیم النحیف امام مسجد اقصی، «شماره ۱۹۳۲».
۷۳. البرود الضافیة والعقود الصافیة (در ادب): عبد اللہ بن یوسف بن احمد (ابن ہشام) الانصاری، متوفی بہ سال ۷۶۱، کتابت در ۷۷۳ هـ. ق، «شماره ۲۵۰۳».
۷۴. البرهان فی توجیہ متشابه القرآن لما فیہ من الحجۃ والبیان: محمود بن حمزہ بن نصر الکرمانی، متوفی بہ سال ۵۰۵، کتابت در ۸۵۴ هـ. ق، در ۱۴۹ برگ «شماره ۱۱۳».
۷۵. البرهان الکاشف عن اعجاز القرآن: ابی المکارم عبدالواحد بن عبدالکریم بن خلف الزملکانی، متوفی بہ سال ۶۵۱، کتابت در ۶۷۵ هـ. ق، خط نسخ، «شماره ۱۱۲».

۴۶. الفیة اصول الحدیث: عراقی، کتابت در ۸۰۸ هـ. ق، با تقریظ ابن حجر و خط وی، «شماره ۳».
۴۷. أکام المرجان فی احکام الجنان: محمد بن عبد اللہ الشبلی، متوفی بہ سال ۷۶۹، کتابت در ۹۷۴ هـ. ق بہ خط محمد بن یحیی اللقانی، «شماره ۱۱۳۶».
۴۸. أکام المرجان فی احکام الجنان: محمد بن عبد اللہ الشبلی، متوفی بہ سال ۷۶۹، کتابت در ۸۵۸ هـ. ق، «شماره ۱۱۳۷».
۴۹. الألفاظ (درادب): ابونصر سهل بن مرزبان، متوفی بہ سال ۴۲۰، کتابت در ۷۶۶ هـ. ق، «شماره ۲۳۰۶».
۵۰. الألفاظ الکتابیة (درادب): عبدالرحمن بن عیسی بن حماد ہمدانی، متوفی بہ سال ۳۲۰، کتابت در سده ۷ هـ. ق، «شماره ۳۰۳۹».
۵۱. الہی نامہ منطق الطیر: وصلت نامہ عطار، خسرو و شیرین، کتابت در ۸۵۹ هـ. ق، «شماره ۳۰».
۵۲. الامالی النحویة (درادب): عبدالرحمن بن اسحاق نهاوندی زجاجی، متوفی بہ سال ۳۳۷، کتابت در ۷۷۸ هـ. ق، «شماره ۲۴۶۹».
۵۳. امالی الزجاجی: نسخه بسیار کهن و نفیس، کتابت در سده ۶ هـ. ق، بہ خط نسخ و یک تملک در برگ پایانی بہ سال ۷۷۸ هـ. ق، «شماره ۹۶-۱۹ نحو».
۵۴. إمعان الأنظار فی شرح المقصود: محمد بن پیر علی رومی برکلی، متوفی بہ سال ۹۸۱، کتابت در ۸۵۲ هـ. ق (در عصر مؤلف)، «شماره ۲۴۲۶».
۵۵. انفاذ الاوامر الالہیة بنصرہ العساکر العثمانیة: حسن وفانی، نسخه اصل بہ خط مؤلف، در ۱۰۴۸ هـ. ق، «شماره ۲۴».
۵۶. الإنتصاف من الکشاف: احمد بن محمد بن منصور بن المنیر الاسکندری، متوفی بہ سال ۶۸۳، کتابت در ۹۸۵ هـ. ق، «شماره ۱۰۴».
۵۷. الإنسان الکامل فی معرفۃ الاواخر والاول: عبدالکریم بن ابراہیم الجیلی، کتابت در ۹۹۶ هـ. ق، خط نسخ، نسخه مذهب و جدول، «شماره ۱۳۰-۳ تصوف».
۵۸. الانسیہ فی طریق النقشبندیہ: یعقوب چرخ، کتابت در ۹۹۳ هـ. ق، خط نستعلیق، «شماره ۳ ف».
۵۹. أنفع الوسائل الی تحریر المسائل (الفتاوی الطرسوسیة): ابراہیم بن علی بن احمد الطرسوسی، متوفی بہ سال ۷۵۸، کتابت در ۹۷۵ هـ. ق بہ خط علی بن محمد بن احمد العلائی، «شماره ۱۱۳۸».
۶۰. انوار الانوار مدی الدهور والاکون: یحیی بن محمد بن ابی الشکر المغربی الاندلسی، متوفی در حدود سال ۶۸۰، نسخه نفیس و کهن، کتابت در ۶۷۹ هـ. ق (عصر مؤلف) در شهر مراغہ بہ خط نسخ ابو الفضل بن علی بن الاخف البغدادی.
۶۱. الانوار المنلیجہ فی بسط اسرار المنفرحة: ابی العباس احمد بن ابی زید عبدالرحمن النقاوسی البجائی، کتابت در ۹۷۳ هـ. ق، «شماره

۷۶. بوستان سعدی شیرازی: کتابت ۸۷۴ ه. ق، «شماره ۴۵».
۷۷. بهار دانش در حکایات جالب به فارسی، میرزماحسن البخاری، در ۲۲۰ برگ، «شماره ۵۰۴».
۷۸. بلوغ‌الادب برفعی‌الطلب فی بیان ماوقع من الروم فی الدیار المصریة: سنة ۹۹۷ ق از محمد برلسی، نسخه اصل به خط مؤلف کتابت در ۱۰۱۷ ق در ۹۰ برگ، «شماره ۲۸۸».
۷۹. البرهان‌الکاشف عن إعجاز القرآن الکریم: نسخه دیگر، کتابت در ۷۴۸ ه. ق، خط نسخ، «شماره ۱۷۰-۲۳ تفسیر».
۸۰. بغیة‌العلماء والرواة فی الذیل علی رفع الإصر عن قضاة مصر: محمد بن عبدالرحمن بن محمد السخاوی، متوفی به سال ۹۰۲، کتابت در ۹۲۹ ه. ق، در ۲۱۰ برگ «شماره ۳۷۸۰».
۸۱. بقیة‌المستفید فی اخبار مدینة زبید و المزید علی بغیة‌المستفید: کلاهما لعبد الرحمن الشیبانی، نسخه اصل به خط مؤلف، کتابت در ۹۴۳ ق در ۱۵۵ برگ، «شماره ۳۳».
۸۲. بقیة‌الطالبین فی بیان المشایخ‌المحققین «اجازات»: احمد نحلی مکی، کتابت در ۱۱۲۳ ه. ق، نسخه نفیس، «شماره ۷-۱۰».
۸۳. بلوغ‌المرام فی فضل سید‌العباد فی تخمیس بابت سعادة (در ادب): خلیل اشرفی، کتابت در ۶۰۳ ه. ق به خط نسخ عبدالقادر الحبال، «شماره ۱۰۰۷».
۸۴. تاریخ ابن بریال‌الحجازی: عبدالباقی بن بریال‌حجازی، کتابت در ۷۷۶ ه. ق، خط نسخ «شماره ۳۷۸۷».
۸۵. تاریخ‌البقاعی: ابراهیم بن عمر بن حسن‌البقاعی، متوفی به سال ۸۸۵، کتابت در ۸۷۰ ه. ق، نسخه اصل به خط مؤلف شامل حوادث سالهای ۸۵۵ تا ۸۷۰ ق در ۲۸۸ برگ، «شماره ۳۷۸۹».
۸۶. تاریخ مدینة اصبهان: احمد بن عبدالله بن احمد (ابونعیم اصفهانی)، متوفی به سال ۴۳۰، نسخه کهن و نفیس، کتابت در ۵۹۱ ه. ق، در پایان نسخه سماعی به تاریخ ۵۹۱ و سماع دیگر به تاریخ ۶۳۸ ق آمده است. «شماره ۳۷۹۵».
۸۷. تاریخ‌الخمیس: کتابت در ۹۴۴ ه. ق، «شماره ۹۶».
۸۸. تاریخ‌القاضی ابن شهبه فی الوقیات والحوادث: من ۷۴۱ إلى ۷۸۵ ه. ق، کتابت در ۸۴۰ ق ج ۱ و ۲ در یک مجلد در ۳۵۰ برگ «شماره ۴۱».
۸۹. تاریخ‌الجزری: شمس‌الدین، کتابت در ۹۰۰ ق در ۲۸۸ برگ، «شماره ۷۱».
۹۰. تاریخ‌مراقده بخارا: به فارسی از مولانا زاده در ۲۲ برگ، «شماره ۵۳۱».
۹۱. تاریخ‌وصاف: کتابت در ۹۹۸ ق در ۳۲۹ برگ، «شماره ۵۲۰».
۹۲. تذکره خرابات: به فارسی، شاهزاده هلاکوعجمی در ۸۵ برگ، «شماره ۵۰۸».
۹۳. التبیان‌والبیان: حسن طیبی، کتابت در ۷۸۱ ق، «شماره ۱۰».
۹۴. تذکره شعرای فارسی: محمدصادق تبریزی، در ۲۹۰ برگ، «شماره ۵۲۴».
۹۵. تذکره دولتشاه: از علاء‌الدین‌غازی، کتابت در ۹۹۱ ه. ق، «شماره ۵۱۷».
۹۶. تراجم‌علمای ماوراء‌النهر: به فارسی، مؤلف مجهول در ۲۲۵ برگ، «شماره ۵۴۱».
۹۷. ترجمه تاریخ عتبی: ناصر گلپایگانی، فارسی کتابت در ۱۰۱۹ ق در ۲۵۰ برگ، «شماره ۵۱۶».
۹۸. ترجمه تاریخ ابونصر نرشی در فضائل بخارا: به فارسی در ۵۸ برگ، «شماره ۵۳۰».
۹۹. تیمورنامه: هاتفی به فارسی کتابت در ۹۹۰ ق در ۱۲۵ برگ، «شماره ۵۲۵».
۱۰۰. ترجمه تحریر اقلیدس للطوسی: از قطب‌الدین شیرازی، در ۹۵ برگ «شماره ۱۳».
۱۰۱. ترجمه موجز القانون لابن‌النفیس: به ترکی، از احمد کمال پاشا، «شماره ۲۱».
۱۰۲. تاریخ‌أبی‌الحارث‌ایبک من ملوک‌الهند: شیخ حسن نظامی نیشابوری، به فارسی در ۳۵۰ برگ، «شماره ۵۱۱».
۱۰۳. تاریخ‌العلم‌والعلماء: «شماره ۵۲۸».
۱۰۴. تراجم‌المشایخ‌الاحرار المجدیة: میرزا مقصود دهیبی، «شماره ۵۲۹».
۱۰۵. تراجم‌المشایخ‌المذکورین فی السلسلة‌المجددیة: خلیل صاحب‌افندی، کتابت در ۱۲۹۴ ه. ق، «شماره ۵۱۸».
۱۰۶. تاج‌المدایح: طغرا، کتابت در ۱۰۸۷ ه. ق، «شماره ۶۳ ف».
۱۰۷. تجنیسات: کاتبی، کتابت در ۹۵۷ ه. ق، «شماره ۶۲ ف».
۱۰۸. ترجمه مرزبان‌نامه: احمد نزهت و راغب پاشا، کتابت در ۱۱۸۱ ق به خط حافظ عثمان، شماره «۴۷».
۱۰۹. التبر‌المسبوک فی نصیحة‌الملوک: امام محمد غزالی، متوفی به سال ۵۰۵، کتابت در ۸۷۶ ه. ق، «شماره ۱۹۳۷».
۱۱۰. التبر‌المسکوک لمافیة من نقد‌الحقائق بنقش‌النصوص خالصاً زیف‌الشبه: شریف‌الحسنی‌الشهیر‌بالحکیم، کتابت در ۹۴۹ ه. ق، «شماره ۵۷۶».
۱۱۱. تبصرة‌الادلة: میمون بن محمد بن محمد‌النسفی، متوفی به سال ۵۰۸، نسخه کهن، «شماره ۵۷۷».

۱. نسخه‌ای از این کتاب که در سال ۵۹۵ ق کتابت شده در کتابخانه بزرگ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره) موجود می‌باشد. و نیز برای نخستین بار در دو جلد به تازگی در بیروت چاپ شده است.

علی، «شماره ۲۹۲۰».

۱۲۸. التحفة الشاهية: محمود بن مسعود بن مصلح (قطب الدین شیرازی)، متوفی به سال ۷۱۰، کتابت در سال ۹۱۴ هـ. ق در شهر قسطنطنیه (استانبول)، «شماره ۲۹۳۲».

۱۲۹. تسهیل الفوائد و تکمیل المقاصد (در ادب): محمد بن عبدالله بن مالک طائی جیانی، متوفی به سال ۶۷۲، کتابت در ۷۵۷ هـ. ق، خط نسخ «شماره ۲۵۱۶».

۱۳۰. تسدید القواعد فی شرح تجرید العقاید خواجه نصیر الدین طوسی: از شمس الدین محمود بن ابی القاسم بن احمد الاصفهانی، کتابت در ۷۵۱ هـ. ق، نسخه مقابله و تصحیح شده، «شماره ۲۰۵-۳۵ توحید».

۱۳۱. ترجمه کَشکول شیخ بهاء الدین عاملی به عربی: سید عبدالباقی لعلی زاده، «شماره ۳۰۸».

۱۳۲. ترجمه ترکی منهاج العابدین غزالی: مترجم مجهول، «شماره ۳۹ ف ع م».

۱۳۳. ترجمه الحکم العطائیه للمناوی: از محمد امین الحامدی به ترکی، «شماره ۳۹ ف ع م».

۱۳۴. ترجمه عوارف المعارف سهروردی به فارسی: از کمال زاده، کتابت در «۹۰۵» هـ. ق، «شماره ۳۹ ف ع م».

۱۳۵. ترجمه اساس الاقتباس: علامه خسرو، کتابت در ۱۲۶۶ ق در ۲۵۰ برگ، «شماره ۸۹».

۱۳۶. ترجمه اخلاق محسنی به ترکی: پیر محمد عربی زاده، «شماره ۲۸۱».

۱۳۷. ترجمه اخلاق محسنی به ترکی: نایب افندی، «شماره ۲۸۷».

۱۳۸. ترجمه النعم السوابغ فی شرح الکلم النوابع بمصطفی عصام الدین، به ترکی، کتابت در ۹۹۵ هـ. ق، «شماره ۷».

۱۳۹. التشیبهات (در ادب): ابواسحاق بغدادی معروف بن ابن ابی عون، نسخه بسیار کهن و نفیس، (۹۳ برگ ۲۳ سطری)، کتابت در ۴۶۶ هـ. ق، خط اندلسی، مقابله و تصحیح شده «شماره ۳۲۱۴».

۱۴۰. التعجیز فی مختصر الوجیز للغزالی از: تاج الدین عبدالرحیم بن محمد بن محمد بن یونس الموصلی، متوفی به سال ۶۷۱، نسخه کهن و نفیس، کتابت در سال ۶۶۰ هـ. ق (عصر مؤلف) به خط عمر بن صالح بن حبیب الجیلی، «شماره ۱۴۳۰».

۱۴۱. التعریف بما أنست الهجرة من معالم دار الهجرة بمحمد بن احمد بن محمد بن خلف الخزر جی المطری، متوفی به سال ۷۴۱، کتابت در ۷۴۳ هـ. ق، خط نسخ، مقابله شده «شماره ۳۸۱۵».

۱۴۲. التعقید والایضاح لما اطلق واغلق من کتاب ابن الصلاح: عبدالرحمن عراقی، کتابت در ۸۰۴ هـ. ق، «شماره ۱۷».

۱۴۳. تفسیر اشتقاق اسماء الله عزوجل: عبدالرحمن بن إسحاق الزجاجی، روایة ابی بکر احمد بن محمد بن سلمة الغسانی، نسخه بسیار

۱۱۲. التبصرة فی الوسوسة: ابی محمد عبدالله بن یوسف بن محمد الجزینی الشافعی، متوفی به سال ۴۳۸، نسخه کهن، کتابت در ۶۸۶ هـ. ق به خط کتکلیدی بن عبدالله السانی، نسخه مقابله شده «شماره ۱۴۲۹».

۱۱۳. التبیان فی آداب حملة القرآن: یحیی بن شرف بن مرى النوی، متوفی به سال ۶۷۶، کتابت در سده ۹ هـ. ق، «شماره ۴۰».

۱۱۴. التذکره فی احوال الآخرة: خواجه نصیر الدین طوسی، در ۲۸ برگ، «شماره ۱۹۳ مج».

۱۱۵. التبیان فی البیان = التبیان فی علمی المعانی والبیان: شرف الدین طیبی، کتابت در ۷۸۱ هـ. ق، خط نسخ، «شماره ۲۲۷-۱۰ بلاغت».

۱۱۶. تجرید القواعد: خواجه نصیر الدین طوسی، متوفی ۶۷۲ هـ. ق، کتابت در سده ۹ هـ. ق، به خط نسخ یوسف، «شماره ۵۴-۴۸ توحید».

۱۱۷. تحصیل المرام فی تاریخ البلد الحرام: تقی الدین الفاسی، تألیف کتاب سال ۸۱۹ هـ. ق، کتابت نسخه سال ۸۸۱ هـ. ق، نسخه مذهب و جدول، «شماره ۱۴۰-۷۵ تاریخ».

۱۱۸. تخمیس قصیده البردة: بوصیری، تخمیس کننده مجهول، کتابت در سال ۸۰۶ هـ. ق، به خط ثلث، حواشی فارسی، «شماره ۳۲-۳۷ قصائد نبویه».

۱۱۹. التذکره باصول الحساب والفرائض «الموارث»: علی بن الخضربن الحسن القرشی العثماني، نسخه کهن و نفیس، کتابت در ۶۶۸ هـ. ق، «شماره ۱۴۹-۱۰ فرائض».

۱۲۰. التحفة البهية فی طبقات الشافعية: شیخ عبدالله شرقاوی، کتابت در ۱۳۲۱ هـ. ق، «شماره ۶۳».

۱۲۱. تحریر المناظر: خواجه نصیر الدین طوسی، متوفی به سال ۶۷۲، نسخه کهن و نفیس، جزو مجموعه «شماره ۲۹۲۲».

۱۲۲. تحریر الكرة المتحركة: خواجه نصیر الدین طوسی، متوفی به سال ۶۷۲، نسخه کهن و نفیس، «شماره ۲۹۲۲».

۱۲۳. تحریر کتاب اصول الهندسة والحساب لاقليدس: خواجه نصیر الدین طوسی، متوفی به سال ۶۷۲، نسخه کهن و نفیس، کتابت در ۶۸۹ هـ. ق، «شماره ۳۴۵۳».

۱۲۴. تحفة الاحباب وبغية الطلاب: محمد بن عبدالرحمن بن محمد السخاوی، متوفی به سال ۹۰۲، کتابت در ۸۸۹ هـ. ق، «شماره ۳۷۹۸».

۱۲۵. تحفة الترك فیما يجب أن يعمل فی الملك: ابراهيم بن علی بن احمد الطرطوسی، متوفی به سال ۷۵۸، کتابت در ۷۸۰ هـ. ق، «شماره ۱۱۵۹».

۱۲۶. التحفة الشاهية: محمود بن مسعود مصلح (قطب الدین شیرازی)، متوفی به سال ۷۱۰، نسخه کهن به خط نستعلیق، «شماره ۲۹۱۹».

۱۲۷. التحفة الشاهية: محمود بن مسعود مصلح (قطب الدین شیرازی)، متوفی به سال ۷۱۰، نسخه کهن به خط نستعلیق عبدالله بن

حسن بن علی‌السنوی، متوفی به سال ۷۷۲، کتابت در ۷۷۴ ه. ق. از روی نسخه اصل به خط مؤلف، «شماره ۱۰۶۹».

۱۶۰. التنبیه علی‌الاسباب التي اوجبت الاختلاف بين المسلمين فی آرائهم: از ابن السیدالبطلمیوسی، نسخه بسیار کهن و بسیار نفیس، کتابت در سده ۶ ق. این نسخه با نسخه اصل به خط مؤلف در سال ۵۵۴ ق. مقابل و تصحیح شده است، «شماره ۶۲-۴۶ توحید».

۱۶۱. التوضیح فی شرح مقدمة ابی‌اللیث السمرقندی: مصطفی بن زکریابن ایدغمش القرمانی، متوفی به سال ۸۰۹، کتابت در ۸۶۱ ه. ق. «شماره ۱۱۸۵».

۱۶۲. تهذیب‌النکت^۱: اثیرالدین ابهری، کتابت در ۸۰۰ ه. ق. در ۸۴ برگ، «شماره ۸».

۱۶۳. التهذیب فی شرح التهذیب: عبیدالله خبیصی، ۳۲ برگ، «شماره ۷۷».

۱۶۴. تهذیب‌اللغة (جلد نخست): ابونصر محمدبن احمدبن ازهر بن طلحة بن نوح هروی، متوفی به سال ۳۷۰، خط نسخ، کتابت در سده ۷ ه. ق. «شماره ۲۳۳۰».

۱۶۵. تهذیب‌اللغة (نسخه ای دیگر): ابونصر محمدبن احمدبن ازهر بن طلحة بن نوح هروی، متوفی به سال ۳۷۰، صفحات مجداول، کتابت در ۶۱۰ ه. ق. «شماره ۲۳۳۱».

۱۶۶. ثلاثیات البخاری و احمد والطبرانی: کتابت در ۸۶۶ ه. ق. «شماره ۱- علم الحديث».

۱۶۷. جامع روایات الفهارس و لامع اصل الفوارس: سیدحامد امام اسکدار، نسخه نفیس در ۲۳۷ برگ، «شماره ۲۶».

۱۶۸. الجمع بین الصحیحین: حمیدی، نسخه نفیس، کتابت در ۱۱۲۴ ه. ق. در ۴۰۱ برگ، «شماره ۲۲».

۱۶۹. جمیلة = خمیلة ارباب المرادف فی شرح عقیلة أتراب القصائد: برهان‌الدین الجعبری، کتابت در ۷۳۹ ه. ق. در ۲۲۲ برگ، «شماره ۲۱۲-۲۸ قرائات».

۱۷۰. الجامع‌الصغیر فی الفروع بمحمدبن حسن بن واقدشیبانی، متوفی به سال ۱۸۹، کتابت در ۷۷۰ ه. ق. «شماره ۱۰۸».

۱۷۱. الجبر والمقابلة: خوارزمی، کتابت در ۶۱۹ ه. ق. «شماره ۶ جبر».

۱۷۲. الجبر والمقابلة: محمدبن اسعدالصدیقی‌الدوانی، متوفی به سال ۹۱۸، کتابت در ۹۴۰ ه. ق. به خط نسخ ناصر بن محسن بن علی‌الخنفی، «شماره ۶۶۷».

کهن و بسیار نفیس، کتابت در اوائل سده ۵ ق. در برگ پایانی آمده که نسخه را حسن بن علی راوی در سال ۴۳۴ ق. مقابل و تصحیح نموده است، شماره «۱۳۸-۱۴۶ ادعیه».

۱۴۴. تقریر القوانین المتداولة فی علم المناظرة: محمدبن ابی‌بکر المرعشی (ساجقلی‌زاده)، متوفی به سال ۱۱۵۰، کتابت در ۱۱۷۴ ه. ق.

۱۴۵. التقیید والایضاح لما اطلق وأغلق من کتاب ابن‌الصلاح فی علوم الحدیث: از حافظ ابی‌الفضل‌العراقی، کتابت در ۸۰۶ ه. ق. «شماره ۱۲۰-۱۷- اصول الحديث».

۱۴۶. تقریب‌الاسانید وترتیب‌المسانید: ابوزرعة عبدالرحیم‌العراقی، نسخه نفیس، «شماره ۷۵ و ۷۶».

۱۴۷. تلخیص‌البیان فی علامات‌المهدی آخرالزمان: «شماره ۴۶۶».

۱۴۸. تکفیر‌الشیعة‌الاردبیلیة و غیرهم من الفرق الضالة الروافض: محمدبن لطف‌الله برسوی، کتابت در ۹۹۸ ه. ق. «شماره ۱۱۸».

۱۴۹. التکملة‌والذیل‌والصلة: حسن صاغانی، کتابت در ۷۳۵ ه. ق. در حاشیه آن کتاب منهاج‌الفلاح فی‌التعریف‌والاصلاح آمده است، ۷۰۰ برگ، «شماره ۶».

۱۵۰. تلخیص‌الجامع‌الکبیر: محمدبن عبادخلاطی، کتابت در ۶۵۳ ه. ق. «شماره ۸۷».

۱۵۱. تلخیص‌خلاصة‌الاصول: حبیب‌بن بیری، نسخه اصلی (هنری و مذهب) به خط نسخ مؤلف در سال ۹۸۱ ه. ق. «شماره ۶۰۰».

۱۵۲. التئور فی إسقاط‌التدبیر: احمدبن محمدبن عبدالکریم بن عطاء‌الله‌الاسکندری، متوفی به سال ۷۰۹، «شماره ۱۹۵۴».

۱۵۳. التواعب فی‌الصرف: جمال‌الدین اسحاق‌القرمانی، متوفی به سال ۹۳۰، کتابت در ۹۵۷ ه. ق. «شماره ۲۴۳۳».

۱۵۴. تقویم‌البلدان: ابوالفداء اسماعیل بن علی بن محمود، متوفی به سال ۷۳۲، کتابت در ۷۲۱ ه. ق. «عصر مؤلف»، «شماره ۴۳۵۰».

۱۵۵. التکمیل‌والانتماء فی ذیل‌التعریف‌والإعلام‌للسهلی: از ابن‌عسکر محمدبن علی بن‌الخضر، متوفی به سال ۶۳۶، کتابت در سده ۸ ه. ق. «شماره ۱۵۶».

۱۵۶. تلخیص‌شرح‌فصول‌القراط از علی بن یوسف بن حیدرة‌الرجبی، کتابت در ۷۵۲ ه. ق. «شماره ۱۸ طب».

۱۵۷. تلخیص‌المحصل: خواجه‌نصیرالدین طوسی، متوفی به سال ۶۷۲، نسخه مذهب و ملوکی و هنری، کتابت در ۸۶۹ ه. ق. به خط احمدبن اخی طوی المرزیفونی، «شماره ۵۹۶».

۱۵۸. التلویح‌الی‌کشف‌حقائق‌التنقیح: مسعودبن عمر بن عبدالله‌التفتازانی، متوفی به سال ۷۹۳، کتابت در ۷۸۰ ه. ق. «عصر مؤلف»، «شماره ۱۰۶۷».

۱۵۹. التمهید فی‌تنزیل‌الفروع علی‌القواعد‌الاصولیه: عبدالرحیم بن

۱. نسخه‌ای از تهذیب‌النکت ابهری به شماره «۵۰» در کتابخانه بزرگ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره) موجود است که در ۶۸۷ ق. کتابت شده، و بسیار نفیس و کهن می‌باشد.

داماد الجردیلی، کتابت در ۱۱۹۵ھ. ق. در ۶۰ برگ، «شماره ۱۴».

۱۸۹. حسن التوسل إلى صناعة الترسل بمحمود الحلبي الكاتب، کتابت در ۷۱۶ھ. ق. به خط فرزند مؤلف، «شماره ۳۳».

۱۹۰. حلیة اهل الفضل والكمال باتصال الاسانيد بکمل الرجال: اسماعیل العجلونی، نسخه نفیس، «شماره ۹».

۱۹۱. الحمقى والمغفلين: ابن جوزی، کتابت در ۹۰۰ھ. ق. «شماره ۱۴۰-۲۲ تاریخ».

۱۹۲. حلال مطرز: شرف الدین علی یزدی، کتابت در ۸۱۰ھ. ق. ۹۱۵ برگ، «شماره ۷».

۱۹۳. حل الخلاصة لاهل الرياسة شرح خلاصة الحساب: رمضان بن ابی هريره جزری، «شماره ۳۵».

۱۹۴. حلیمة الکمیت: محمد بن حسین بن علی النواجی، متوفی به سال ۸۵۹، کتابت در ۹۸۶ھ. ق. به خط محمد بن ابی بکر الفراء، «شماره ۳۰۶۰».

۱۹۵. الحماسة: أبی تمام حبیب بن أوس الطائي، کتابت در ۷۳۳ھ. ق. «شماره ۹۵-۳۴ ادب».

۱۹۶. کتاب الحیل: لابی عبیده معمر بن المثنی بروایة ابن یوسف الاصبهانی عن ابی حاتم عن المؤلف، نسخه بسیار کهن و نفیس، «شماره ۳۹».

۱۹۷. حواش علی الهدایة فی فروع الفقه الحنفی: عمر بن محمد بن عمر الخبازي الخجندی، متوفی به سال ۶۹۱، کتابت در ۹۷۱ھ. ق. «شماره ۱۳۰۸».

۱۹۸. خزنة الفقه: نصر بن محمد بن احمد السمرقندی، متوفی به سال ۳۷۳، کتابت در ۹۶۷ھ. ق. «شماره ۱۲۱۹».

۱۹۹. الخطب النباتية (در ادب): ابی یحیی عبدالرحیم بن محمد بن اسماعیل بن نباتة، کتابت در ۷۳۶ھ. ق. «شماره ۱۹۶۴».

۲۰۰. خلاصة البدر المنير فی تحریج الاحادیث والآثار الواقعة فی الشرح الكبير: عمر بن علی بن احمد الانصاری (ابن الملقن)، متوفی به سال ۸۰۴، کتابت در ۸۱۲ھ. ق. «شماره ۳۱۰».

۲۰۱. الخلاصة النحوية (در ادب): محمد بن عبدالله بن مالک طائي جیانی، متوفی به سال ۶۷۲، کتابت در ۷۴۴ھ. ق. «شماره ۲۵۶۳».

۲۰۲. خمسة نظامی: مخزن الاسرار، شرف نامه اسکندری، خسرو شیرین، کتابت در ۸۵۳ھ. ق. «شماره ۱۲۹».

۲۰۳. خبايا الروايات فيما في الرجال من البقايا للخفاجي وفيه جملة من رسائل الخوارزمي: کتابت در ۱۰۶۶ھ. ق. «شماره ۳۸».

۲۰۴. خلاصة الوفاء باخبار دارالمصطفى: سمهودی، کتابت در ۹۹۶ھ. ق. خط نستعلیق، مذهب، «شماره ۳۱۲-۹۹ تاریخ».

۱۷۳. حادی الأرواح إلى بلاد الأفراح: ابن قیّم الجوزیة، کتابت در ۷۹۳ھ. ق. «شماره ۱۹۴-۱۷۸ مواظ».

۱۷۴. الحج الباهرة فی إفحام الطائفة الكافرة الفاجرة: محمد بن اسعد الصديقي الدواني، متوفی به سال ۹۱۸، کتابت در ۹۴۰ھ. ق. به خط نسخ ناصر بن محسن بن علی الحنفی، «شماره ۶۶۷».

۱۷۵. الجملة الكافية والنبتة الشافية: محمد عبد المعطى الثغرى، کتابت در ۸۴۳ھ. ق. «شماره ۲۳۳۵».

۱۷۶. حاشیة شرح التجريد: علی بن محمد بن علی شریف جرجانی، متوفی به سال ۸۱۶، نسخه مصحح، کتابت در ۸۷۴ھ. ق. به خط نسخ معرب شمس الدین مقدسی، «شماره ۶۱۶».

۱۷۷. حاشیة علی بحث الوجود: خواجه نصیر الدین طوسی، متوفی به سال ۶۷۲، کتابت در ۷۰۵ھ. ق. به خط نسخ، «شماره ۶۱۵».

۱۷۸. حاشیة علی حاشیة مختصر المتهی: محمد المرعشی ساچقلى زاده، متوفی به سال ۱۱۵۰، (۱۵ برگ ۲۵ سطری)، کتابت در ۱۱۷۷ھ. ق. «شماره ۱۰۷۹».

۱۷۹. حاشیة علی شرح وقایة الروایة فی مسائل الهدایة: محمد بن ابراهیم بن حسن النکساری، متوفی به سال ۹۰۱، کتابت در ۹۹۱ھ. ق. «شماره ۱۲۰۶».

۱۸۰. حاشیة علی شرح وقایة الروایة فی مسائل الهدایة: حسن جلیبی بن محمد شاه الفناری، متوفی به سال ۸۸۶، کتابت در ۹۰۱ھ. ق. «شماره ۱۲۰۷».

۱۸۱. حاشیة علی الهدایة: احمد بن سلیمان بن کمال پاشا، متوفی به سال ۹۴۰، کتابت در ۹۷۷ھ. ق. «شماره ۱۲۰۹».

۱۸۲. حاشیة علی الهیات شرح المواقف: مسعود شیرازی، متوفی به سال ۹۰۵، نسخه مذهب، کتابت در ۹۵۰ھ. ق. به خط نستعلیق عبدالجبار بن عبدالاول، «شماره ۶۶۴».

۱۸۳. حافظ الاعتدال فی الطب: محمد بن ابراهیم بکرزاده، متوفی به سال ۱۰۲۹، کتابت در ۹۹۳ھ. ق. به خط نسخ مؤلف در شهر قسطنونی، «شماره ۲۸۹۳».

۱۸۴. حدائق الاسلام فی مدح النبی (ص): یوسف الجمالی، کتابت در ۹۲۱ھ. ق. به خط حسن بن حسین القالشی، «شماره ۱۰۱۱».

۱۸۵. حدائق السحر: وطواط، کتابت در ۹۹۵ھ. ق. ۸۰ برگ، «شماره ۶».

۱۸۶. حصر المسائل وقصر الدلائل: محمد بن عبدالحمید بن الجسین الأسمندی، متوفی به سال ۵۵۲، کتابت در ۶۰۹ھ. ق. به خط ابوبکر بن یر نقش بن عبدالله، «شماره ۱۲۱۶».

۱۸۷. حقائق المنظومة: محمود بن محمد بن داود الإسفنجی، متوفی به سال ۶۷۱، کتابت در ۸۷۲ھ. ق. «شماره ۱۲۱۵».

۱۸۸. الحكم الرايع فی شرح الکلم التوايع للزمخشري: از سید ابی بکر

۲۰۵. در التاج فی اعراب مشکل المنهاج (در ادب): عبدالرحمن بن ابی بکر بن محمد سیوطی، متوفی به سال ۹۱۱، کتابت در ۸۶۷ هـ. ق. (عصر مؤلف)، «شماره ۲۵۶۴».
۲۰۶. در البحار علی اختلاف الائمة الاربعة: شمس‌الدین قونوی، کتابت در ۸۷۴ هـ. ق. «شماره ۱۳۴».
۲۰۷. الدرر السنية فی نظم السيرة النبوية (الالفية فی سيرة النبي ص): عبدالرحیم بن حسین بن عبدالرحمن العراقي، متوفی به سال ۸۰۶، کتابت در ۸۳۳ هـ. ق. به خط احمد بن ابی بکر بن اسماعیل، «شماره ۸۴۶».
۲۰۸. الدرر واللمع فی الصدق والورع: عبدالوهاب بن احمد بن علی الشعرانی، متوفی به سال ۹۷۳، کتابت در ۹۷۱ هـ. ق. (عصر مؤلف)، «شماره ۱۹۶۷».
۲۰۹. الدرر المستظم فی أسرار الکلم «نظم فقه اللغة»: شمس‌الدین ابو عبدالله الموصلی، کتابت در ۸۱۱ هـ. ق. «شماره ۲۳۴۴».
۲۱۰. دیوان ابن مکناس (در ادب): عبدالرحمن بن عبدالرزاق بن ابراهیم بن مکناس، متوفی به سال ۷۹۴ کتابت در ۸۷۷ هـ. ق. «شماره ۳۰۷۹».
۲۱۱. دیوان الحماسة (در ادب): حبیب بن اوس بن حارث طائی، متوفی به سال ۲۳۱، نسخه نفیس، کتابت در ۷۳۳ هـ. ق. «شماره ۳۱۰۳».
۲۱۲. دیوان ابن حجر العسقلانی: کتابت در ۹۴۵ هـ. ق. ۲۵۲ برگ، «شماره ۱۶۷».
۲۱۳. دیوان سلطان ولد محمد بلخی: کتابت در ۷۵۰ هـ. ق. «شماره ۲۲۳ م».
۲۱۴. دیوان شانی: کتابت در ۹۷۳ هـ. ق. ۱۵۶ برگ، «شماره ۲۰۳».
۲۱۵. دیوان اطعمه با کلیات او: کتابت در ۸۵۶ هـ. ق. «شماره ۱۳۲».
۲۱۶. دیوان انوری: کتابت در ۹۹۳ هـ. ق. ۲۷۰ برگ، «شماره ۳۸».
۲۱۷. دیوان امیر خسرو دهلوی: کتابت در ۸۹۵ هـ. ق. ۲۲۰ برگ، «شماره ۷۴ و ۷۵».
۲۱۸. دیوان درویش صفائی: کتابت در ۲۰ شوال ۸۹۶ هـ. ق. ۱۴۵ برگ، «شماره ۷۷».
۲۱۹. دیوان سعدی: کتابت در ۹۲۶ هـ. ق. «شماره ۹۵».
۲۲۰. دیوان شمس تبریزی: کتابت در ۹۷۷ هـ. ق. ۲۰ برگ، «شماره ۶۵».
۲۲۱. دیوان سلیم تهرانی به ترکی: کتابت در ۹۹۱ هـ. ق. «شماره ۱۰۰».
۲۲۲. دیوان شاه نعمت‌الله ولی: کتابت در ۸۷۸ هـ. ق. ۱۱۱ برگ، «شماره ۱۸۶».
۲۲۳. الديوان الثامن لغلام علی آزاد البگرامی: کتابت در ۹۹۰ هـ. ق. در ۵۵ برگ، «شماره ۱۸۹».
۲۲۴. ذیل نفعه الريحانة: ذیل علی ریحانة الالباء للطفاحی، از سید امین محمودی، کتابت در ۱۱۲۱ هـ. ق. ۱۰۷ برگ، «شماره ۱۹۴».
۲۲۵. ذات الحلل و مهارة الكلل: علم‌الدین السخاوی، نسخه کهن و نفیس، کتابت در ۶۳۹ هـ. ق. «شماره ۳۸-۸۱ نحو».
۲۲۶. ذیل تاریخ هشت بهشت: به فارسی ابو الفضل محمد دفتری کتابت در ۹۷۴ ق در ۲۳۲ برگ، «شماره ۳۹۹».
۲۲۷. ذکر معانی الآيات المتشابهات إلى معانی الآيات المحکمات: ابی عبدالله محمد بن احمد الدمشقی، «ابن اللبان» کتابت در سده ۹ هـ. ق. خط نسخ، «شماره ۵۷-۱۶۳ تفسیر».
۲۲۸. دیوان الحیوان در تلخیص حیوة الحیوان دمیری: از سیوطی، کتابت در ۹۷۸ هـ. ق. در ۲۹۰ برگ، «شماره ۱۷».
۲۲۹. ذیل العقد المذهب فی طبقات المذهب «الشافعی»: سراج‌الدین بن الملحق، کتابت در ۸۶۹ هـ. ق. «شماره ۳۴-۱۵۰ تاریخ».
۲۳۰. الرذعی اهل البدع والضلال من اهل القدر والاعتزال: شیث بن ابراهیم بن محمد ابن الحاج، متوفی به سال ۵۹۹، نسخه مذهب، کتابت در سده ۱۰ هـ. ق. «شماره ۶۷۸».
۲۳۱. راموز اللغة: الشریف محمد حسن، کتابت در ۹۶۱ ق در ۴۰۰ برگ «شماره ۱۹ و ۲۰».
۲۳۲. الرسالة الرکنیة: مؤلف مجهول - عربی، کتابت در ۷۴۲ هـ. ق. این کتاب را مؤلف برای رکن الدولة ارغون تکین بن برامین نگاشته است، «شماره ۱۲-۲۰۶ مجامیع».
۲۳۳. رباعیات فارسی: کتابت در ۹۹۸ هـ. ق. در ۱۰ برگ، «شماره ۱۵۷».
۲۳۴. الرسالة الروحية (در بیان ماهیت روح و حیات و نفس): محمد البروسوی، نسخه مذهب، کتابت در ۹۹۸ هـ. ق. به خط عبدالله الراجی، «شماره ۶۹۶».
۲۳۵. الرسالة فی علوم الحساب والجبر والمساحة: مؤلف مجهول، کتابت در ۷۴۳ هـ. ق. «شماره ۶-۲۰۶ مجامیع».
۲۳۶. روضة المحبین لابن عماد به ضمیمه کتاب روضة الانوار عباسی به فارسی، کتابت در ۹۵۲ هـ. ق. «شماره ۸۵».
۲۳۷. رسالة الوقف: علی بن محمد بن علی بن المقدسی، متوفی به سال ۱۰۰۴، کتابت در ۹۹۲ هـ. ق. (عصر مؤلف)، «شماره ۱۲۳۷».
۲۳۸. رمز الحقائق فی شرح کنز الدقائق: محمود بن احمد بن موسی العینی، متوفی به سال ۸۵۵، کتابت در ۹۲۵ هـ. ق. «شماره ۱۲۴۵».
۲۳۹. روض الاخیار المنتخب من ربيع الابرار: محمد بن قاسم بن یعقوب الاماسی، متوفی به سال ۹۴۰، کتابت در ۹۹۷ هـ. ق. «شماره ۳۱۳۸».
۲۴۰. الروض المغرس فی فضائل بیت المقدس: عبدالوهاب بن عمر بن الحسین الحسینی، متوفی به سال ۸۷۵، کتابت در ۸۷۳ هـ. ق. (عصر مؤلف)، «شماره ۳۸۶۰».
۲۴۱. روض المناظر فی علم الاوائل والاواخر: از محمد بن محمد بن

- محمود (ابن الشحنة)، متوفی به سال ۸۱۵، کتابت در ۹۸۲ ه. ق، «شماره ۳۸۶۱».
۲۴۲. روضة المسالك والعبير في منهاج علم التعبير «تعبير الرؤيا»: علی بن محمد بن قوام الحنفی، نسخه اصل به خط مؤلف، «شماره ۱۶۴ - ۳۲۱ مجامیع».
۲۴۳. رونق المجالس: ابی حفص عمر بن الحسن السمرقندی، کتابت در ۷۶۹ ه. ق، «شماره ۱۰۴ - ۲۷ تصوف».
۲۴۴. روشن رأی نامه: عبدالواحد، کتابت در ۹۷۵ ه. ق، ۲۲ برگ، «شماره ۹۰».
۲۴۵. الرياض المستطابة فی جملة من روى فی الصحیحین من الصحابة: یحیی بن ابی عامر، کتابت در ۱۰۱۹ ه. ق، نسخه نفیس در ۹۳ برگ، «شماره ۳۸».
۲۴۶. الزبدة فی شرح قصيدة البردة: خالد بن محمد بن ابی بکر بن محمد الازهری، متوفی به سال ۹۰۵، کتابت در ۹۹۸ ه. ق به خط احمد بن داود، «شماره ۱۰۵۹».
۲۴۷. زبدة النصره ونخبة العصرة^۱: فتح بن علی بن محمد البنداری الاصفهانی، متوفی به سال ۶۴۳، کتابت در ۶۶۲ ه. ق، «شماره ۳۸۶۳».
۲۴۸. الزهد الكبير: ابوبکر احمد بن حسین بن علی البهقی، متوفی به سال ۴۵۸، کتابت در ۶۲۶ ه. ق، «شماره ۴۱۳».
۲۴۹. زیادات الجامع الصغیر من حدیث البشیر النذیر: عبدالرحمن بن ابی بکر بن محمد السیوطی، متوفی به سال ۹۱۱، کتابت در ۹۹۷ ه. ق، «شماره ۴۱۴».
۲۵۰. زبدة المعانی: شرح بخش سوم کتابت مفتاح العلوم سکاکی، کتابت در ۹۹۴ ه. ق، «شماره ۶۳».
۲۵۱. زبدة النصره ونخبة العصرة: ابراهیم اصفهانی در اخبار وزراء سلجوقی، نسخه کهن و بسیار نفیس، کتابت در ۶۶۳ ه. ق، در ۱۱۴ برگ، «شماره ۱۸۹».
۲۵۲. الزیارات: علی بن ابی بکر الهروی، کتابت در ۷۰۵ ه. ق، «شماره ۶۴ - ۱۷۸ مجامیع».
۲۵۳. السامی فی الاسامی: احمد بن محمد بن احمد المیدانی، متوفی به سال ۵۱۸، کتابت در ۹۹۰ ه. ق، «شماره ۲۳۵۵».
۲۵۴. سوانع النعم شرح نوابغ الكلم للزمخشري: محمد بن ابراهیم الربعی، ۱۴۶ برگ، «شماره ۵۰».
۲۵۵. سبحة الابرار: جامی، کتابت در ۹۵۸ ه. ق، «شماره ۲۳».
۲۵۶. سلافة العصر: سید علی خان مدنی، نسخه نفیس، ۲۹۴ برگ، «شماره ۴۸».
۲۵۷. السیف المسلول علی مبغضی اصحاب الرسول ﷺ: شیخ یاسین الفرزی، نسخه اصل به خط مؤلف کتابت در ۱۰۸۰ ه. ق،
- «شماره ۱۲۰».
۲۵۸. سفر السعادة وسفیر الافادة: (در ادب): علی بن محمد بن عبدالصمد سخاوی، متوفی به سال ۶۴۳، کتابت در ۶۴۸ ه. ق، «شماره ۲۵۷۴».
۲۵۹. سفر السعادة، نسخه دیگر کتابت در ۶۳۸ ه. ق، در عصر مؤلف، دستخط مؤلف در آغاز نسخه آمده است «شماره ۸۱ نحو».
۲۶۰. سلوک المالك فی تدبر الممالك: شهاب الدین احمد بن محمد بن ابی الربیع، وی این کتاب را برای معتصم عباسی نوشته است، کتابت در ۹۱۴ ه. ق، «شماره ۶۶ - ۱۹۷ مواظ».
۲۶۱. سيرة الشفاء: قاضی عیاض، کتابت در ۷۶۹ ه. ق، «شماره ۵۰».
۲۶۲. سوق الفاضل فی تراجم الافاضل: ابن العدم عمر بن احمد بن هبة الله، متوفی به سال ۶۶۰، نسخه بسیار نفیس، کتابت در سده ۷ ه. ق به خط مؤلف، «شماره ۳۸۷۰».
۲۶۳. شرح ابیات دیوان امیر المؤمنین علی بن ابیطالب (در ادب): حسین بن معین الدین میبیدی، کتابت در ۸۹۰ ه. ق، «شماره ۳۱۵۶».
۲۶۴. شرح ادب القاضی: عمر بن عبدالعزیز بن عمر الصدر الشهید، متوفی به سال ۵۳۶، کتابت در ۹۴۰ ه. ق، «شماره ۱۲۵۲».
۲۶۵. شرح ابیات فی الالغاز «فی ابیات النحو» حسن بن اسد الفارقی، نسخه کهن و نفیس، کتابت در ۶۰۲ ه. ق، «شماره ۱۲۰ - ۱۲۰ نحو».
۲۶۶. شرح الاجرومية: عبدالرحمن مکودی، کتابت در ۸۶۳ ه. ق، در ۳۰ برگ، «شماره ۱۲۹».
۲۶۷. شرح اسماء الله الحسنی: عبدالسلام بن عبدالرحمن بن محمد الاشبیلی المعروف بابن برجان، کتابت در ۷۱۶ ه. ق، خط نسخ، «شماره ۲۷۰ - ۱۳۵ احزاب».
۲۶۸. شرح ابیات ابوالعباس احمد بن عمار المقری المهدوی فی ظآت القرآن: از ابی الطاهر اسماعیل بن احمد بن زبدة التجیبی البرقی، کتابت در ۶۶۶ ه. ق به خط مالک نسخه ابو عبدالله محمد بن یوسف الانصاری الشاطبی، در پایان این کتاب رساله ای به نام: هجاء مصاحف الامصار علی غایة التقریب و الاختصار از ابوالعباس احمد بن عمار بن ابی العباس نحوی آمده که بسیار کهن و بسیار نفیس است. در پشت برگ آغاز آن چنین آمده: من کتب احمد بن محمد بن محمد الانصاری المقری الاندلسی و هو الکاتب له فیغ منه فی العشر الآخر فی صفر ۴۹۸ ه. ق، شامل ۵۲ برگ، «شماره ۳۹».
۲۶۹. شرح ابیات المفصل للزمخشري: کتابت در ۷۴۸ ه. ق، در ۷۳ برگ، «شماره ۱۴۱».
۲۷۰. شرح ارجوزة ابن سینا: محمد بن احمد بن رشد، متوفی به سال

۱. این کتاب، مختصر کتاب نصره الفترة و عصرة الفطرة تألیف عماد کاتب اصفهانی است، که در تاریخ سلجوقیان نوشته است.



- ۵۹۵، نسخه کامل کتابت در ۷۵۴ ه. ق به خط نسخِ عمرین عبدالملک بن یوسف المغاری، «شماره ۲۹۰۲».
۲۷۱. شرح بانت سعادت: عبدالله بن یوسف بن احمد بن هشام، متوفی به سال ۷۶۱، کتابت در ۹۸۱ ه. ق، «شماره ۱۰۳۲».
۲۷۲. شرح ثمره بظلمیوس: خواجه نصیرالدین طوسی، متوفی به سال ۶۷۲، نسخه کامل و کهن، خط نسخِ اسماعیل بن محمد النغراوی المالکی، «شماره ۲۹۵۵».
۲۷۳. شرح التلویحات: شهاب‌الدین سهروردی، شارح مجهول، کتابت در ۶۷۵ ه. ق، از روی نسخه اصل، «شماره ۲۶۳-۳۷ حکمت».
۲۷۴. شرح الجامع الصغیر: احمد بن اسماعیل بن محمد الثمُر تاشی، متوفی و در حدود سال ۶۱۰، کتابت در ۸۶۷ ه. ق، «شماره ۱۲۵۴».
۲۷۵. شرح حکمة العین: محمد بن موسی طالش، کتابت در ۸۹۷ ه. ق، در ۳۵۰ برگ، «شماره ۲۷».
۲۷۶. شرح شواهد الموشح و شرح الکافیة الخصیبی: لبعض علماء کرمان، کتابت در ۸۷۶ ه. ق، ۲۶۱ برگ، «شماره ۱۱۹».
۲۷۷. شرح الکافیة: نجم‌الدین القمولى، کتابت در ۹۵۳ ه. ق، «شماره ۱۰۵».
۲۷۸. شرح دیوان الحماسة: محمد بن یحیی بن عبدالله الصولی متوفی به سال ۳۳۵ یا ۳۳۶، کتابت در ۹۹۲ ه. ق، «شماره ۳۱۶۱».
۲۷۹. شرح الرسالة الفتحیة: محمود بن محمد بن قاضی زاده مبرم چلبی، متوفی به سال ۹۳۱، نسخه کامل، کتابت در ۹۲۵ ه. ق خط نستعلیق «شماره ۲۹۲۶».
۲۸۰. شرح سیر العباد إلى المعاد مع ذیله: اوحدالدین، کتابت در سده ۸ ق، «شماره ۳۱۴ ق».
۲۸۱. شرح الکافیة الشافیة: جمال‌الدین ابن مالک، نسخه کهن، کتابت در ۶۹۰ ه. ق، ۲۲۱ برگ، «شماره ۸۵».
۲۸۲. شرح السیر الکبیر^۱: محمد بن احمد بن سهل السرخسی، متوفی ۴۸۲ ه. ق، نسخه بسیار کهن و نفیس، (۳۰۱ برگ ۲۹ سطری)، کتابت در ۴۸۰ ه. ق (عصر مؤلف)، «شماره ۱۲۵۸».
۲۸۳. شرح فصیح ثعلب: ابن درستویه، نسخه بسیار کهن و بسیار نفیس، کتابت در ۵۶۱ ه. ق، خط نسخ خوش، روی برگ آغاز دستخط اسماعیل بن مرهوب الجوالیقی آمده، «شماره ۲۵۹-۲۶ لغت».
۲۸۴. شرح القانون ابن سینا: از قطب‌الدین محمود بن مسعود شیرازی، متوفی ۷۱۰ ه. ق، کتابت در ۷۳۳ ه. ق، خط نسخ، «شماره ۲۷ غ».
۲۸۵. شرح قصیده البرودة (در ادب): جلال بن قوام بن الحکم، کتابت در ۷۹۲ ه. ق، «شماره ۱۰۲۰».
۲۸۶. شرح القصیده اللامیة فی تاریخ خلفاء الدولة الاسلامیة: شرح و قصیده از صدرالدین ابوالحسن علی بن علاء‌الدین بن العزالحنفی، نسخه اصل به خط نسخ خوش مؤلف در سال ۷۷۱ ق، «شماره ۱۴۵-۱۴۵ تاریخ».
۲۸۷. شرح فصوص الحکم للفارابی: از امیر اسماعیل تبریزی، کتابت در ۱۰۱۴ ه. ق، «شماره ۵۵».
۲۸۸. شرح القصیده الهمزیة: ابی‌الفضل المالکی، کتابت در ۹۶۴ ه. ق، «شماره ۱۰۳۳».
۲۸۹. شرح کتاب صاری (در علم صرف): علی بن بالی بن محمد اوزن (ابن بالی)، متوفی به سال ۹۹۲، کتابت در ۹۸۲ ه. ق (عصر مؤلف)، «شماره ۲۴۶۷».
۲۹۰. شرح کافیة ابن الحاجب: عبدالعزیز بن جمعة بن زید النحوی المعروف بابن القواس، کتابت در ۷۵۵ ه. ق، خط نستعلیق، «شماره ۱۶-۱۱۳ نحو».
۲۹۱. شرح الکافیة الکبیر: سید حسن استرآبادی، کتابت در ۸۱۹ ق در ۱۴۵ برگ، «شماره ۱۲۷».
۲۹۲. شرح کتاب سیبویه: سیرافی، دو جلد در یک مجلد، کتابت در سده ۷ ق که از روی نسخه اصل به خط مؤلف کتابت شده، خط نسخ خوش، «شماره ۲۴۵-۸۸ نحو».
۲۹۳. شرح گلشن راز: میرزا نورالله بخاری، فارسی، کتابت در ۱۲۵۳ ه. ق، «شماره ۲۶».
۲۹۴. شرح طوابع الانوار للبیضاوی: میبدی کتابت در ۸۹۳ ه. ق، «شماره ۱۶۲».
۲۹۵. شرح طوابع الانوار للبیضاوی: عبدالله فرغانی عبری، کتابت در ۷۹۹ ه. ق، «شماره ۱۵۹».
۲۹۶. شرح المواقف: شمس‌الدین کرمانی، کتابت در ۷۷۴ ه. ق، «شماره ۱۵۴».
۲۹۷. شرح المواقف: جرجانی، کتابت در ۸۱۷ ه. ق، «شماره ۱۵۱».
۲۹۸. شرح لامیة المعجم (در ادب): محمد بن موسی بن عیسی‌الدمیری، متوفی به سال ۸۰۸، کتابت در ۸۵۳ ه. ق، «شماره ۳۱۷۹».
۲۹۹. شرح مجمع البحرین: عبداللطیف بن عبدالعزیز بن امین الدین (ابن ملک)، متوفی به سال ۸۵۰، کتابت در ۸۴۷ ه. ق (عصر مؤلف)، «شماره ۱۲۶۲».
۳۰۰. شرح مختصر ابن الحاجب: عضدالدین عبدالرحمن بن احمد بن عبدالغفار الإیجی، متوفی به سال ۷۵۶، کتابت در سده ۹ ه. ق، «شماره ۱۰۹۰».
۳۰۱. شرح مختصر عبدالرحمن بن علی بن ابی‌صادق (در طب): عبداللطیف بن یوسف بن اللباد، وابن نقطة البغدادی، متوفی به سال ۶۲۹، نسخه کامل (۴۸ برگ ۲۵ سطری)، کتابت در ۷۵۲ ه. ق به

۱. این نسخه، و نسخه «شماره ۴۰۳» در همین صفحه، از کهن‌ترین نسخه‌های این کتابخانه عظیم به شمار می‌آید.

- خط نسخ حسن بن عیسیٰ الآقزی، «شماره ۲۹۱۴».
۳۰۲. شرح مختصر علم التنجیم و معرفة التقویم: نظام الدین، نسخه کامل، کتابت در ۹۹۱ ه. ق. به خط نستعلیق فضل الله بن آیدین، «شماره ۲۹۵۷».
۳۰۳. الشرح المختصر علی دیوان الحماسة (در ادب): یحیی بن علی بن محمد شیبانی، (خطیب تبریزی)، متوفی به سال ۵۰۲، نسخه بسیار کهن و نفیس (۳۱۲ برگ ۱۹ سطری)، کتابت در ۴۸۴ ه. ق. (عصر مؤلف)، نسخه در ۵۴۸ ه. ق. مقابله و تصحیح شده «شماره ۳۱۶۵».
۳۰۴. شرح مجمع البحرین: عبداللطیف بن مالک، کتابت در ۷۴۷ ه. ق. «شماره ۱۷۵».
۳۰۵. شرح الشافية: حسن نیشابوری، کتابت در ۷۵۸ ه. ق. «شماره ۳۲».
۳۰۶. شرح الشافية: رضی الدین استرآبادی، کتابت در ۹۲۶ ه. ق. «شماره ۱۸».
۳۰۷. شرح معادن الفقهاء و جرح معادن السفهاء: کلاهما لنعمان الدین الصلاحی الخوارزمی، کتابت در ۸۳۴ ه. ق.
۳۰۸. شرح التصريف من مفتاح العلوم: محمد بن دهقان نسفی، کتابت در ۸۶۹ ه. ق. «شماره ۱۹».
۳۰۹. شرح الاخلاق المضدیه: اسماعیل مفید، نسخه اصل به خط مؤلف، «شماره ۲۱۷».
۳۱۰. روضة الاحباب فی شرح خلاصة الحساب للشیخ بهاء الدین العاملی: از شیخ مصطفی تکفوری، ۷۳ برگ، «۲۷ مج».
۳۱۱. شرح معما شیخ بهاء الدین عاملی: ابراهیم المحلی، ۲۲ برگ، «شماره ۶۲».
۳۱۲. شرح قصیده الوزیر احمد بن نصر الانصاری: از ابن صفی الدین السیرافی، کتابت در ۷۴۵ ه. ق. ۴۰ برگ، «شماره ۶۷».
۳۱۳. شرح المعلقات السبع: زوزنی، کتابت در ۹۷۵ ه. ق. ۱۴۰ برگ، «شماره ۸۹».
۳۱۴. شرح المفتاح تفتازانی: کتابت در ۸۰۳ و ۸۲۱ و ۸۲۳ و ۸۳۶ و ۹۲۷ ه. ق.
۳۱۵. شرح اللباب: مجدالدین الفالی، کتابت در ۸۲۵ ه. ق. در ۲۱۰ برگ، «شماره ۱۴۲».
۳۱۶. شرح مختصر الطحاوی: احمد بن منصور الاسبیجانی الحنفی، متوفی به سال ۴۸۰. کتابت در ۹۱۴ ه. ق. «شماره ۱۳۱۸».
۳۱۷. شرح المعلقات السبعی: حسین بن احمد بن حسین زوزنی، متوفی به سال ۴۸۶. کتابت در ۹۷۵ ه. ق. «شماره ۳۱۸۲».
۳۱۸. شرح المقامات الحریریة: ابوالعباس احمد بن عبدالمؤمن موسی الشریسی، متوفی به سال ۶۱۹، کتابت در ۹۷۳ ه. ق.
- «شماره ۳۱۸۴».
۳۱۹. شرح ملخص الجفمینی: عبدالواحد بن محمد الواحد، کتابت در ۸۷۳ ه. ق. به خط نستعلیق طور علی بن دخمان، «شماره ۲۸۵۰».
۳۲۰. شرح الملخص فی الهیئة: محمد بن احمد الترمذی، متوفی به سال ۷۵۰ ه. ق. نسخه کامل، کتابت در ۸۱۸ ه. ق. به خط نستعلیق امیر بن امیر بن اسماعیل القرمانی، «شماره ۲۹۲۵».
۳۲۱. شرح منار الانوار: شرف الدین بن کمال بن حسن بن علی القریمی، کتابت در ۸۱۰ ه. ق. از روی نسخه ای به خط مؤلف، «شماره ۱۰۹۳».
۳۲۲. شرح المنار فی اصول الفقه: عبدالرحمن بن ابی بکر بن محمد العینی، متوفی به سال ۸۹۳، کتابت در ۸۶۸ ه. ق. (عصر مؤلف)، «شماره ۱۰۹۴».
۳۲۳. شرح النقایة مختصر الوقایة: ابوالمکارم عبدالله بن محمد بن حسین (از علمای سده ۱۰)، کتابت در ۹۵۹ ه. ق. به خط نسخ محمود بن عمر، «شماره ۱۲۶۸».
۳۲۴. شرح الوافیة فی نظم الکافیة: ابن الحاجب، کتابت در ۷۱۸ ه. ق. خط نسخ خوش، «شماره ۱۰۲-۱۱۶ نحو».
۳۲۵. شرح هارونیة الصرف: شمس الدین نیکساری، کتابت در ۸۴۸ ه. ق. «شماره ۳۹».
۳۲۶. شفاء العلیل فی ایضاح التسهیل لابن مالک: از محمد سلیمی، کتابت در ۷۶۲ ه. ق. نسخه اصل به خط مؤلف در ۲۰۰ برگ، «شماره ۹۱».
۳۲۷. شرح نجدیات الابیوردی: از احمد النجدی، کتابت در ۷۳۸ ه. ق. ۵۸ برگ، «شماره ۱۰۳».
۳۲۸. شرح خلاصة الحساب لابن الهائم: از شیخ احمد المانی الحلبي، کتابت در ۱۰۹۷ ه. ق. «شماره ۴۸».
۳۲۹. شرح الورقات: محمد بن محمد بن عبدالرحمن بن امام الکاملیة، متوفی به سال ۸۷۴، کتابت در ۸۶۸ ه. ق. «شماره ۱۰۹۷».
۳۳۰. شرح الهدایة: ابراهیم بن محمد بن عربشاه الاسفراینی، متوفی به سال ۹۵۱ یا ۹۴۴، کتابت در ۹۹۳ ه. ق. «شماره ۱۲۰۸».
۳۳۱. شرعة الاسلام: محمد بن ابی بکر امام زاده، متوفی به سال ۵۷۳، کتابت در ۸۰۴ ه. ق. «شماره ۲۰۲۰».
۳۳۲. شرف اصحاب الحدیث: احمد بن علی بن ثابت الخطیب البغدادی، متوفی به سال ۴۶۳، نسخه بسیار نفیس هنری و کهن، (سه جزء در یک مجلد) کتابت در ۵۴۵ ه. ق. آثار مقابله و تصحیح در سده های ۷ و ۸ در آن مشهود است، «شماره ۴۴۰».
۳۳۳. الشهاب فی المواعظ و الآداب للقضاعی: کتابت در ۸۶۴ ه. ق. در ۷۶ برگ، «شماره ۳۰۰».
۳۳۴. شواهد التوضیح و التصحیح لمشکلات الجامع الصحیح: کتابت در ۷۳۲ ه. ق. «شماره ۳۴».

۳۳۵. الصحائف الالهية (در کلام)^۱: اسحاق بن محمد بن اسماعیل حکیم سمرقندی، متوفی به سال ۳۴۵، کتابت در ۷۲۴ ه. ق (۱۴۶ برگ ۱۵ سطر) به خط نسخ عبدالغنی بن عبدالمؤمن العجمی در شهر حماة، «شماره ۷۵۴».
۳۳۶. صحاح اللغة: جوهری، کتابت در ۶۸۱ ه. ق، «شماره ۲۸».
۳۳۷. الصفوة الصفية فی شرح الدررة الالفية لابن معطی (در ادب): ابراهیم بن عبیدالله بن ابراهیم بن ثابت طائی، کتابت در ۶۰۷ ه. ق، در ۲۵۰ برگ «شماره ۲۶۲۵».
۳۳۸. صورالاقالیم الاسلامیة^۲: ابوزید احمد بن سهل البلخی، متوفی به سال ۳۲۲، نفیس‌ترین و کهن‌ترین نسخه موجود از این کتاب، کتابت در نیمه نخست سده ۴ ه. ق (عصر مؤلف).
۳۳۹. الضاد والظاء (در ادب): ابوالفرج محمد بن عبیدالله بن سهل نحوی، نسخه بسیار نفیس و کهن (۳۳ برگ ۱۲ سطر)، کتابت در ۵۹۵ ه. ق، نسخه با نسخه اصل مقابله و تصحیح شده «شماره ۲۳۸۲».
۳۴۰. طبقات الشافعية: تقی‌الدین ابوبکر بن احمد الاسدی الشافعی (ابن قاضی شهبه) متوفی به سال ۸۵۱، کتابت در ۸۶۸ ه. ق، «شماره ۳۸۹۰».
۳۴۱. طرب المجالس: امیر حسینی، کتابت در ۹۲۱ ه. ق، «شماره ۲۱۶».
۳۴۲. الشروط والوقائق والسجلات: جلال‌الدین عمادی، کتابت در ۸۹۷ ه. ق، «شماره ۱۷۴».
۳۴۳. طبقات الشعراء: محمد بن سلام الجمحی، نسخه بسیار کهن و نفیس، در ۶۰ برگ، «شماره ۱۴۲».
۳۴۴. طبقات الشافعية الكبرى: سبکی، کتابت در ۸۶۵ ه. ق، «شماره ۱۳۳ و ۱۳۴».
۳۴۵. طبقات الشافعية الصغرى: سبکی، کتابت در ۸۹۳ ه. ق، «شماره ۱۳۶».
۳۴۶. المقدم البديع فی مدح الشفيع: شعبان قرشی، کتابت در ۸۰۹ ه. ق، در ۱۵ برگ، «شماره ۱۳۶».
۳۴۷. طريق السالك إلى الفية ابن مالك: محمدالمقري، کتابت در ۸۳۵ ه. ق، در ۴۱ برگ، «شماره ۴۵».
۳۴۸. طريق السعادة لفريق السيادة: علی‌الغزالی، کتابت در ۸۷۴ ه. ق، «شماره ۲۰۳».
۳۴۹. طبقات الفقهاء الشافعية: ابو محمد جمال‌الدین عبدالرحیم بن حسن بن علی بن عمر بن علی بن ابراهیم اموی آسنوی قاهری، کتابت در ۷۶۹ ه. ق، در برگ پایانی آمده است که کاتب نسخه را به سال ۷۷۰ ق بر مؤلف خوانده است و خط مؤلف در پایان آمده است. «شماره ۱۴۴-۱۳۵ تاریخ».
۳۵۰. طنين المجملات و تبیین المسلسلات: سید حامد، نسخه

- نفیس به خط مؤلف در سال ۱۱۶۵ ه. ق، «شماره ۴۲».
۳۵۱. عجالة القرى للراغب فی تاریخ ام‌القری: محمد بن احمد بن علی الفاسی، متوفی به سال ۸۳۲، نسخه اصل به خط مؤلف، کتابت در ۸۱۷ ه. ق، «شماره ۳۸۹۴».
۳۵۲. عجالة النقد والترقيم ومقالة الرد والتنقيح: محمد بن بدرالدین، کتابت در ۹۳۴ ه. ق، «شماره ۴۵۰».
۳۵۳. العقد المذهب فی طبقات المذهب: سراج‌الدین ابن‌الملقن الشافعی، کتابت در ۸۶۹ ه. ق، «شماره ۱۳۷-۱۵۰ تاریخ».
۳۵۴. عقود اللالی فی اسانید العوالی المتصلة بالسید محمد شاکر: از سید محمد امین بن عابدین، نسخه اصل به خط مؤلف در سال ۱۲۳۱ ه. ق، «شماره ۴۵».
۳۵۵. علم الآفاق والأئیس: مؤلف مجهول، کتابت در ۷۴۳ ه. ق، دارای اشکال دقیق، در حواشی نسخه شروع و آثار مقابله دیده می‌شود، «شماره ۴۴-۲۰۶ مجامیع».
۳۵۶. عقود الجواهر المنيفة فی ادلة مذهب ابی حنیفة مما افقت فيه الائمة الستة وبعضهم: سیدمرتضی الزبیدی، نسخه اصل به خط وی در سال ۱۱۹۷ ه. ق، «شماره ۵۰».
۳۵۷. العرائس المجلوة فی ذکرو لیاة فوة: سیدمرتضی زبیدی، نسخه اصل به خط مؤلف کتابت در ۱۱۸۷ ه. ق، ۱۷ برگ، «شماره ۱۵۵».
۳۵۸. المقدم المنظوم فی ذکرافاضل الروم لعلی بن‌بالی: ذیل علی الشقائق النعمانية، کتابت در ۱۰۹۵ ه. ق، «شماره ۱۵۴».
۳۵۹. عمدة الحفاظ فی تفسیر اشرف الألفاظ: احمد بن یوسف بن عبدالدايم السمين، متوفی به سال ۷۵۶، کتابت در ۹۹۴ ه. ق به خط ابراهیم بن احمد بن محمد (ابن‌الملأ)، در ۶۹ برگ «شماره ۲۲۹».
۳۶۰. عمدة العقائد: عبدالله بن احمد بن محمود النسفی، متوفی به سال ۷۱۰، کتابت در ۸۷۵ ه. ق به خط یعقوب بن احمد، «شماره ۷۶۵».
۳۶۱. عنایة ولی التدبیر تکملة فتح القدير علی الهداية: محمد بن عبدالرحمن‌الديري، جلد نخست، کتابت در ۹۷۲ ه. ق، «شماره ۱۱۷۴».
۳۶۲. عنوان الافادة لإخوان الاستفادة وهو شرح الاجرومية فی الادب: محمد بن محمد بن محمد بن اسماعیل اندلسی راعی، متوفی به سال ۸۵۳، کتابت در ۸۳۴ ه. ق در ۹۱ برگ (عصر مؤلف)، «شماره ۲۶۲۹».
۳۶۳. الغرائب والمعجائب فی تفسیر القرآن: ابوالقاسم محمود بن

۱. دو نسخه بسیار نفیس و کهن که در اوایل سده ۸ ق کتابت شده از کتاب الصحائف الالهية در کتابخانه بزرگ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره) موجود می‌باشد.

۲. این کتاب در سال ۳۰۹ ه. ق تألیف شده است. نسخه مزبور، که از کهن‌ترین نسخه‌های خطی موجود در جهان می‌باشد، با نقشه‌های رنگین جغرافیایی، جلوه چشم‌نوازی یافته است.

- ہ. ق، «شماره ۱۳۰۷».
۳۸۰. فوائد من الفقه: تقي الدين علي بن عبد الكافي بن علي السبكي، متوفى به سال ۷۵۶. كتابت در ۷۶۷ ه. ق، «شماره ۱۳۰۳».
۳۸۱. الفواكه البدرية في الاقضية الحكيمه: محمد بن محمد بن محمد بن خليل (ابن الغرس)، متوفى به سال ۸۹۴، كتابت در ۹۶۴ ه. ق، «شماره ۱۳۰۹».
۳۸۲. في صفات الله تعالى: محمد بن احمد بن ابى بكر بن فرح القرطبي، كتابت در ۷۳۱ ه. ق، خط نسخ، «شماره ۷۲-۸۸ ادعيه».
۳۸۳. قاموس البحر ونبراس الفجر في اختصار نهاية ابن الاثير: ابراهيم بن علي النور، كتابت در ۷۹۷ ه. ق، نسخه اصل به خط مؤلف در ۲۷۲ برگ «شماره ۲۳۷۷».
۳۸۴. القربا الذين على ترتيب العلل: محمد بن علي بن عمر السمرقندي، متوفى به سال ۶۱۹، نسخه كامل (۶۹ برگ ۳۳ سطري)، كتابت در ۸۸۹ ه. ق به خط نسخ زين العابدين بن محمد بابا بركراه در شهر تبريز، «شماره ۲۸۸۹».
۳۸۵. القصيدة اللامية في تاريخ الدولة الاسلامية: ابو الحسن علي بن علاء الدين بن العزالحنفي، كتابت در ۷۶۰ ه. ق، نسخه اصل به خط مؤلف، ۱۵۶ برگ «شماره ۳۹۲۳».
۳۸۶. القلائد والفوائد والنصايح: ابو الحسن اهوازي، كتابت در ۹۰۷ ه. ق، ۵۰ برگ، «شماره ۲۳۵».
۳۸۷. قطبة الخشاف في خطبة الكشاف للفيروزآبادي: كتابت در ۹۸۳ ه. ق،
۳۸۸. القطع والانتاف: ابى جعفر النحاس، كتابت ۸۲۴ ه. ق، نسخه مجدول و مذهب در ۲۳۶ برگ، «شماره ۲۳۰-۱۵ قرائات».
۳۸۹. قيد الاوابدمما يتعلق بالقرآن: عبد الملك عصامي، كتابت در ۸۲۴ ه. ق، در ۲۵۰ برگ، «شماره ۱۴۲».
۳۹۰. القول السديد في اتصال الاسانيد: شيخ احمد اليميني، «شماره ۵۰».
۳۹۱. القول البديع: سخاوى، كتابت در ۸۹۵ ه. ق، «شماره ۱۸۰».
۳۹۲. قلاند العقيان بمدح الملك المظفر سليمان: محى الدين بن عبد القادر العراقي، نسخه اصل به خط مؤلف كتابت در ۹۲۸ ه. ق، ۸۰ برگ «شماره ۳۹۲۵».
۳۹۳. قلاند العقيان في محاسن الاعيان (در ادب): از فتح بن محمد بن عبيد الله بن خاقان، متوفى به سال ۵۲۸، كتابت در ۷۳۹ ه. ق، «شماره ۳۲۰۹».
۳۹۴. قنية المنية لتتميم الغنية: مختارين محمود بن محمد الزاهد الغرميني، متوفى به سال ۶۵۸، كتابت در ۹۹۷ ه. ق، «شماره ۱۳۱۲».
۳۹۵. القول المأنوس بتحرير مافى القاموس: محمد بن يحيى بن

- حمزة الكرماني، كتابت در ۱۰۹۰ ه. ق، در ۱۳۰ برگ نسخه نفيس، «شماره ۷».
۳۶۴. غربال الزمان المفتوح بسيد ولد عدنان: لعبد الله العامري، اختصار تاريخ الاسلام للذهبي، كتابت در ۹۹۸ ه. ق، «شماره ۱۵۸».
۳۶۵. فتح البهنا على ايدى الصحابة وسادة فضائلها: محمد الامري، ۸۹ برگ، «شماره ۱۷۰».
۳۶۶. الفصول المهمة لابن الصباغ: كتابت در ۹۷۳ ه. ق، «شماره ۱۶۸».
۳۶۷. فراند القلائد مختصر شرح الشواهد الصغرى للعيني: كتابت در ۸۶۰ ه. ق، «شماره ۱۵۵».
۳۶۸. غايه السرور المنتخب من قلاند النحور: روح الله بن عبدالله القزويني، متوفى به سال ۵۴۱ نسخه كامل، كتابت در ۹۴۰ ه. ق به خط نستعليق عزيز الله بن عبدالله حافظ قزويني، «شماره ۲۸۸۱».
۳۶۹. غرر الشروط ودرر السموط: جلال الدين محمد العمادى، كتابت در ۸۹۷ ه. ق به خط محمود بن احمد المدرنوى در شهر قسطنطينيه (استانبول)، «شماره ۱۲۷۱».
۳۷۰. الغرة المنيفة في ترجيح مذهب أبى حنيفة: عمر بن اسحاق بن احمد الهندي الغزنوى، متوفى به سال ۷۷۳، كتابت در سده ۹ ه. ق (از روى نسخه كتابت در ۷۵۹)، «شماره ۱۲۷۹».
۳۷۱. غريب الحديث: ابو عبيد قاسم بن سلام هروى از دى، متوفى به سال ۲۲۴، نسخه بسيار كهن و نفيس، كتابت در ۵۴۶ ه. ق، «شماره ۴۶۴».
۳۷۲. الغيث الهامع في شرح جمعى الجوامع: لتاج الدين السبكي، از ولى الدين احمد بن عبد الرحيم بن حسين ابن العراقي، متوفى به سال ۸۲۶، كتابت در ۸۸۴ ه. ق، «شماره ۲۶۳۰».
۳۷۳. فتاوى قاضى خان: حسن بن منصور قاضى خان، متوفى به سال ۵۹۲، كتابت در ۹۴۶ ه. ق، «شماره ۱۵۰۱».
۳۷۴. فتح الوصيد في شرح القصيد «الشاطبية»: علم الدين سخاوى، كتابت در سده ۸ ه. ق، در ۲۰۵ برگ «شماره ۲۱۰-۴۶ قرائات».
۳۷۵. فصل الخيل: شرف الدين الديماطى، نسخه كهن و بسيار نفيس كه در عصر مؤلف كتابت شده و اجازه وى به سال ۶۸۸ ق بر روى نسخه مشهود مى باشد كه نسخه بر وى خوانده و تصحيح شده است، «شماره ۱۹۵-۵۲ حديث».
۳۷۶. الفقه النافع: ناصر الدين ابى القاسم بن يوسف الحسنى المدنى، كتابت در ۷۶۷ ه. ق، «شماره ۱۳۶-۲۱۳ فقه حنفى».
۳۷۷. فرهاد و شيرين: خسرو شيرين، كتابت در ۹۵۹ ه. ق، ۱۵۰ برگ، «شماره ۱۰۵».
۳۷۸. فصيح ثعلب: كتابت در ۵۴۴ ه. ق، ۳۰ برگ، «شماره ۳۲».
۳۷۹. الفوائد الظهيرية شرح فوائد الجامع الصغير: ابو بكر ظهير الدين محمد بن احمد بن عمر البخارى، متوفى به سال ۵۵۳، كتابت در ۹۷۱

۴۱۰. کیمیای سعادت: امام غزالی، متوفی به سال ۵۰۵، کتابت در ۸۱۸ ه. ق، در ۳۱۱ برگ «شماره ۲۰۴۵».

۴۱۱. گلشن انوار: یحیی بیک شاعر، کتابت در ۹۹۸ ه. ق، «شماره ۴۵۸».

۴۱۲. لباب الالباب فی بیان ماتضمنته ابواب الكتاب من الارکان والشروط والدوافع: محمد بن عبدالله بن راشد البکری (ابن راشد)، متوفی به سال ۷۳۶، کتابت در ۹۸۱ ه. ق، به خط احمد بن اسماعیل بن قاسم، شماره ۱۴۱۸.

۴۱۳. اللباب فی شرح تلخیص أعمال الحساب: عبدالعزیز بن علی بن داود الهواری المصراتی، متوفی در حدود سال ۷۴۵، نسخه کامل، کتابت در ۷۴۶ ه. ق به خط نسخ عبدالرحمن بن ابی بکر بن احمد بن علی النفری، «شماره ۲۸۵۶».

۴۱۴. اللباب (تفسیر حنفی): نظام الدین حنفی، کتابت در ۸۷۶ ه. ق، «شماره ۲۴۶».

۴۱۵. لطائف الامثال و ظرائف الاقوال: محمد بن راشد الکاتب، کتابت در ۵۸۳ ه. ق، ۱۵۰ برگ، «شماره ۲۱».

۴۱۶. اللمع فی علم الحساب: احمد بن محمد بن علی (ابن الهائم) المقدسی، متوفی به سال ۸۱۵، کتابت در ۹۸۹ ه. ق به خط نسخ احمد بن بركات بن عمر الخلیلی (ابن عمادة) در مصر، «شماره ۲۸۵۷».

۴۱۷. لاله ستان: بهاری، در شرح حال مشایخ، کتابت در ۱۲۷۱ ه. ق، ۴۴ برگ، «شماره ۵۸۱».

۴۱۸. لطائف المنن فی مناقب الشیخ المرسی و شیخه ابی الحسن الشاذلی: ابی الفضل عطاء الله شاذلی، کتابت در ۸۶۳ ه. ق، «شماره ۲۰۳».

۴۱۹. لطف السمر و قطف الثمر من تراجم أعیان المائة الحادية عشر ذیل علی الکواکب السائرة لمؤلفه، ۱۲۰ برگ، «شماره ۲۰۳».

۴۲۰. لوامع الحساب فی شرح خلاصة الحساب: للشیخ بهاء الدین العاملی، کتابت در ۱۲۳۶ ه. ق، احمد هندی، «شماره ۴۲۲».

۴۲۱. لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار: قطب الدین رازی، کتابت در ۸۳۰ ه. ق در ۳۰۵ برگ «شماره ۹۴».

۴۲۲. لطائف الاعلام فی اشارات اهل الافهام: از عبدالرزاق کاشانی، کتابت در ۹۵۵ ه. ق، در ۲۵ برگ «شماره ۴۷۹».

۴۲۳. لوامع الفرغ علی فوائد الدرر: شهاب الدین الکووانی، و کتاب: کشف الاسرار عن قراءة الاثمة الاخیار، از همان مؤلف کتابت در ۸۹۲ ه. ق، هر دو رساله به خط یکی از شاگردان مؤلف، ۹۱ برگ، «شماره ۵۲».

۴۲۴. الملتقط من شعرالمتنبی للواحدی: از زمخشری، نسخه کهن و نفیس کتابت در ۶۳۳ ه. ق، «شماره ۱۷۴».

۴۲۵. ماورد فی حیاة الانبیاء و بعد وفاتهم: بیهقی، نسخه نفیس،

عمر القرافی، متوفی به سال ۱۰۰۸، کتابت در ۹۷۰ ه. ق (عصر مؤلف)، «شماره ۲۳۸۰».

۳۹۶. الکاشف فیمن له رواية فی الكتب الستة: حافظ ذهبی، کتابت در سده ۹ ه. ق، دارای حواشی بسیار، خط نسخ، «شماره ۲۱۰-۸۳ اصول الحدیث».

۳۹۷. الکافی فی الحساب: ابی بکر محمد بن حسن الکرخی، متوفی به سال ۴۱۰، نسخه کهن (۸۶ برگ ۱۵ سطری)، کتابت در ۶۰۲ ه. ق به خط نسخ، «شماره ۲۹۲۲».

۳۹۸. الکافی فی شرح الهادی: در نحو، عبدالوهاب بن ابراهیم بن علی الخزر جی الزنجانی، کتابت در ۷۶۸ ه. ق، «شماره ۳۹-۱۰۳ نحو».

۳۹۹. الکشاف فی التفسیر: زمخشری، کتابت در ۷۸۲ ه. ق، «شماره ۱۴۷».

۴۰۰. کشف الیقین فی اصول الدین: سید احمد حسینی، کتابت در ۸۸۹ ه. ق، «شماره ۲۲۲».

۴۰۱. کفایة المتحفظ: ابراهیم اجدانی، کتابت در ۷۶۶ ه. ق، در ۳۵ برگ، «شماره ۴۳۷».

۴۰۲. کفایة المتحفظ: نسخه دیگر، کتابت در ۶۱۶ ه. ق، نسخه کهن و نفیس، «شماره ۴۳۸».

۴۰۳. کلام ابن الخشاب استدرکات علی مقامات الحریری: للشیخ عبدالله الخشاب، و یلیه اعراب قصیده الشنفری لابی البقاء العکبری، نسخه کهن و نفیس کتابت در ۶۹۴ ه. ق، ۵۲ برگ، «شماره ۳۲».

۴۰۴. کمال الصناعة الطیبة المعروف بالملکی: علی بن عباس المجوسی المتطبب، متوفی در حدود سال ۴۰۰، کتابت در ۹۴۵ ه. ق به خط نسخ، «شماره ۲۹۰۹».

۴۰۵. کفایة المتحفظ (در ادب): ابی اسحاق ابراهیم بن اسماعیل بن احمد بن اجدابی، متوفی در حدود سال ۴۷۰، کتابت در ۶۱۴ ه. ق، «شماره ۲۳۸۳».

۴۰۶. کمال الفرحة فی دفع السموم و حفظ الصحة: محمد بن محمد بن محمد القوصونی، متوفی به سال ۹۳۱، کتابت در ۹۵۵ ه. ق به خط نسخ احمد بن احمد المهدار الحنفی، «شماره ۲۹۱۲».

۴۰۷. کنز الراغبین العفاة فی الرمز إلى المولد المحمدی و الوفاة: ابراهیم بن محمد الناجی الدمشقی، متوفی به سال ۹۰۰، کتابت در ۹۱۱ ه. ق، «شماره ۹۵۰».

۴۰۸. کنز الوصول إلى معرفة الاصول: علی بن محمد بن حسین البزدوی، متوفی به سال ۴۸۲، کتابت در ۸۲۰ ه. ق به خط عثمان اللارندی، «شماره ۱۱۰۵».

۴۰۹. الکواشف فی شرح المواقف: محمد بن یوسف بن علی الکرمانی، متوفی به سال ۷۸۶، کتابت در ۷۷۳ ه. ق (عصر مؤلف) در بغداد، «شماره ۷۸۸».

- «شماره ۸۷».
۴۲۶. ماتکلمت به العرب من الکلام الاعجمی ونطق به القرآن: جوالیقی، کتابت در ۵۲۹ ه. ق، ۷۰ برگ، «شماره ۵۳».
۴۲۷. مقامات الحریری: نسخه دیگر، کتابت در ۸۳۳ ه. ق، ۱۲۴ برگ، «شماره ۱۴۹».
۴۲۸. المبتغی فی فروع الحنفیة: عیسی بن محمد بن اینانج قره شهری، متوفی در حدود سال ۷۳۴، کتابت در ۹۹۲ ه. ق به خط علی بن مسیح، «شماره ۱۳۳۳».
۴۲۹. مثیر العزم الساکن الی اشرف الاماکن (عربی، در آداب و فضایل): عبدالرحمن بن الجوزی، متوفی به سال ۵۹۷، خط نسخ، مقابله شده با نسخه اصل، «شماره ۲۰۵۸».
۴۳۰. مجرد مقالات الشیخ ابی الحسن الأشعری: من اصلاء ابن المبارک، نسخه بسیار کهن و بسیار نفیس کتابت در ۴۴۶ ه. ق، یکی از کهن ترین نسخه های تاریخ دار این کتابخانه به شمار می آید، «شماره ۲۵۳».
۴۳۱. مراصد الاطلاع عن اسماء الامکنه والبقاع: ابن اثیر، کتابت در ۷۴۳ ق، «شماره ۴۸۶».
۴۳۲. المستطرف: کتابت در ۹۸۵ ه. ق، ۲۳۱ برگ، «شماره ۱۳۴».
۴۳۳. مطالع البدور فی منازل السرور: کتابت در ۹۰۱ ه. ق، ۱۸۸ برگ، «شماره ۱۲۴».
۴۳۴. مثیر الغرام الی زیارة الخلیل علیه السلام: اسحاق بن ابراهیم بن احمد التدمری، متوفی به سال ۸۳۳، کتابت در ۹۹۶ ه. ق، «شماره ۳۹۳۷».
۴۳۵. مجمع البحرين و ملتقى النیرین: احمد بن علی بن تغلب (تغلب) ابن الساعاتی، متوفی به سال ۶۹۴، کتابت در ۸۰۸ ه. ق، «شماره ۱۳۳۶».
۴۳۶. مجمع الخیال: سعدی بن ناجی افندی، کتابت در ۸۹۰ ه. ق، ۶۳ برگ، «شماره ۳۲۲۶».
۴۳۷. مجمع الفرائد فیما تضمنه حدیث ذی السیدین من الفوائد: خلیل بن کیکلدی بن عبدالله العلاتی، متوفی به سال ۷۶۱، کتابت در ۷۳۶ ه. ق (عصر مؤلف)، «شماره ۴۹۳».
۴۳۸. مجمل اللغة: احمد بن فارس بن زکریا، متوفی ۳۹۵ ه. ق، ج ۱، کتابت در ۶۱۷ ه. ق، «شماره ۴۱ لغت».
۴۳۹. مجمل اللغة: احمد بن فارس بن زکریا، متوفی ۳۹۵ ه. ق، ج ۱، کتابت در ۶۰۰ ه. ق، «شماره ۴۱-۴۲».
۴۴۰. مجمل اللغة (جلد دوم): احمد بن فارس بن زکریا، متوفی به ۳۹۵ ه. ق، کتابت در ۷۷۰ ه. ق، «شماره ۲۴۰».
۴۴۱. مجموع النوازل والحوادث والواقعات فی فروع الحنفیة: احمد بن موسی بن عیسی الکئی، متوفی در حدود سال ۵۵۰، کتابت در ۹۴۹ ه. ق، «شماره ۱۵۲۹».
۴۴۲. المحاکمات: قطب الدین الرازی، کتابت در ۷۵۵ ه. ق، «شماره ۴۶».
۴۴۳. المحاکمات بین الرازی والاقسرائی فی اعتراض الثانی علی الاول فی شرحه علی الکشاف: شیخ عبدالکریم بن عبدالجبار، کتابت در ۸۳۴ ه. ق، «شماره ۱۶۱».
۴۴۴. المحاضرات والمعاورات: مؤلف ناشناخته، کتابت سده ۸ ه. ق، خط نسخ، «شماره ۱۰۵-۱۵۴ ادب».
۴۴۵. المحصل: فخرالدین رازی، نسخه کهن و نفیس، کتابت در ۶۱۸ ه. ق، خط نسخ، «شماره ۱۰۰-۱۳ توحید».
۴۴۶. مجموعه ترجیعات عطّار: کتابت در ۸۷۲ ه. ق، ۱۵۱ برگ، «شماره ۸۴».
۴۴۷. المحصول فی شرح الفصول لابن معنی: حسین بن بدر بن ایاز بن عبدالله البغدادی، متوفی به سال ۶۸۱، کتابت در ۶۹۹ ه. ق، در تاریخ ۸۳۱ ق مقابله و تصحیح شده «شماره ۲۶۵۸».
۴۴۸. مختارات النوازل: علی بن ابی بکر بن عبدالجلیل الفرغانی المرغینانی، متوفی به سال ۵۹۳، کتابت در ۷۰۳ ه. ق، «شماره ۱۵۳۳».
۴۴۹. المختار من شعر الشریف الرضی: نسخه مجدول و مذهب، خط نسخ، کتابت در سده ۱۰ ه. ق، «شماره ۱۵۰-۹۰ ادب».
۴۵۰. مختارات النوازل فی الحوادث: برهان الدین المرغینانی، کتابت در ۷۳۰ ه. ق، خط نسخ، «شماره ۳۴۰-۹۰ فقه حنفی».
۴۵۱. مختلف الاسماء والانساب والکنی واللقاب: ذهبی، «شماره ۱۲۰ مج».
۴۵۲. مختصر الجواهر والدرر فی ترجمة ابن حجر: محمد بن عمر بن احمد السفیری، متوفی به سال ۹۵۶، کتابت در ۹۱۹ ه. ق (عصر مؤلف)، «شماره ۳۹۴۱».
۴۵۳. مختصر منتهی السؤل والأمل فی علمی الاصول والجدل: عثمان بن عمر بن ابی بکر بن الحاجب، متوفی به سال ۶۴۶، کتابت در ۷۸۴ ه. ق به خط محمد بن احمد بن عیسی بن ابی الحسن، «شماره ۱۱۰۶».
۴۵۴. مخدرات القصور فی تاریخ اهل العصور: عبدالفتاح بن علی (ابن قطری)، متوفی به سال ۸۹۸، کتابت در سده ۹ ه. ق، ۱۴۴ برگ، «شماره ۳۹۴۵».
۴۵۵. مرشد الأنام الی دار السلام فی شرعة الاسلام (جلد دوم): محمد بن عمر، قوردانندی، متوفی به سال ۹۹۶، کتابت در ۹۹۶ ه. ق، «شماره ۲۰۶۷».
۴۵۶. مصباح الانس بین المعقول والمشهود فی شرح مفتاح غیب الجمع والوجود: محمد بن حمزه فناری، کتابت در ۸۲۲ ه. ق، در ۵۰ برگ «شماره ۸۱».

- ربیع‌الثانی ۵۸۹ هـ. ق به خط عمر بن ابی‌الحسین بن ابی‌الفتح
الاشتری، در ۱۹۸ برگ «شماره ۲۵۲».
۴۷۴. المصباح المنیر: قیومی، نسخه‌ی اصل به خط مؤلف، کتابت در
سال ۷۴۳ هـ. ق، حواشی و زیادات از خود مؤلف، «شماره
۳۰۵-۸۴ لغت»
۴۷۵. المصفی (در شرح منظومه‌ی ابی حفص نسفی): عبدالله بن
احمد بن محمود النسفی، متوفی به سال ۷۱۰، نسخه‌ی کهن، کتابت در
۶۸۲ هـ. ق (عصر مؤلف) به خط ابراهیم الواقی، «شماره ۱۳۶۶».
۴۷۶. المطالع المصطفوی فی شرح مشارق الانوار: عقیف‌الدین
سعید بن محمد بن مسعود الکاظمی، متوفی به سال ۷۸۵، نسخه‌ی هنری
و مذهب، کتابت در ۸۸۳ هـ. ق به خط نستعلیق عبدالملک بن
محمد المازندرانی، «شماره ۸۵۵».
۴۷۷. المعارف شرح الصحائف: شمس‌الدین محمد بن اشرف
الحسینی السمرقندی، متوفی در حدود سال ۶۹۰، نسخه‌ی مصحح،
کتابت در ۷۴۱ هـ. ق به خط نسخ عبدالقادر بن ابراهیم بن یوسف
البسنوی، «شماره ۸۰۸».
۴۷۸. المعارف شرح الصحائف: محمد بن اشرف الحسینی
السمرقندی، متوفی در حدود سال ۶۹۰، کتابت در ۷۷۶ هـ. ق به
خط یحیی بن محمد بن عبدالرحیم، «شماره ۸۰۹».
۴۷۹. المعارف شرح الصحائف: محمد بن اشرف الحسینی
السمرقندی، متوفی در حدود سال ۶۹۰، کتابت در ۷۸۵ هـ. ق،
«شماره ۸۱۰».
۴۸۰. معارج الفقهاء و جرح معازل السفهاء: نعمان بن عبدالله
الصلاحی، کتابت در ۸۴۳ هـ. ق به خط لطف‌الله الهندی، «شماره
۱۲۶۳».
۴۸۱. المغرب من کلام الاعجمی: جوالیقی، کتابت در ۹۵۸ هـ. ق،
در ۷۵ برگ، «شماره ۴۵۸».
۴۸۲. المنصف علی المعنی الشمنی: کتابت در ۸۸۸ هـ. ق، در
۳۰۰ برگ، «شماره ۱۷۹».
۴۸۳. معانی القرآن للفرّاء: کتابت در سده ۱۰ هـ. ق، «شماره
۱۹۰-۱۵۸ تفسیر» نسخه‌ی بسیار کهن و نفیس از این کتاب در کتابخانه
بزرگ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره) موجود است. و یکی از
کهن‌ترین نسخه‌های تاریخ دار جهان به شمار می‌آید. این نسخه نفیس قبلاً
در کتابخانه مرحوم محدث قمی مؤلف مفاتیح الجنان قرار داشته است.
-
۱. این کتاب تلخیص کتاب فردوس الاخبار (پدر مؤلف) می‌باشد؛ هر دو کتاب
چاپ شده است.
۲. نسخه‌ی نفیس و کهنی از این کتاب در کتابخانه بزرگ آیت‌الله‌العظمی مرعشی
نجفی در قم موجود می‌باشد که به خط نسخ کتابت شده است، این نسخه را
حدود ۳ سال قبل اینجانب برای کتابخانه خریداری نمودم.
۴۵۷. مطالع الانظار شرح الطوالع: محمود اصفهانی، کتابت در
۸۵۸ هـ. ق، «شماره ۲۳۳».
۴۵۸. مظهر الاشکال در بیان لغات مثنوی به ترکی: شعبان‌زاده، نسخه‌ی
اصل به خط مؤلف در سال ۱۱۱۱ هـ. ق، «شماره ۱۱۲».
۴۵۹. مختار اللغة، مختصر صحاح اللغة: محمود بن اویس، نسخه‌ی اصل
به خط مؤلف در سال ۸۸۷ هـ. ق، در ۳۳۰ برگ «شماره ۵۵».
۴۶۰. مطالع البدور فی منازل السورود: علی بن عبدالله البهائی الغزولی،
متوفی به سال ۸۱۵، کتابت در ۹۰۱ هـ. ق، «شماره ۳۲۳۵».
۴۶۱. معرفة علوم الحديث: محمد بن عبدالله بن حمدویه حاکم
نیشابوری، متوفی به سال ۴۰۵، نسخه‌ی کهن، کتابت در ۵۵۵ هـ. ق، به
خط عبدالرحیم بن حمد بن عبدالرحیم، «شماره ۳۴۰».
۴۶۲. المسالك فی علم المناسک: محمد بن مکرم بن شعبان
الکرمانی، متوفی در حدود سال ۸۸۳، کتابت در ۸۸۳ هـ. ق،
«شماره ۱۳۶۱».
۴۶۳. مسند الفردوس^۱: ابی منصور شهردار بن شیرویه بن شهردار
دیلمی، متوفی به سال ۵۵۸، کتابت در ۸۶۵ هـ. ق، در ۲۳۷ برگ
«شماره ۵۰۷».
۴۶۴. المشفق المعلم فی ترتیب الاصلاح علی حروف المعجم:
ابوالبقاء العکبری، کتابت در ۶۰۶ هـ. ق، در ۲۳۸ برگ، «شماره ۱۲۷».
۴۶۵. مشکلات القرآن: عبدالله بن مسلم بن قتیبة الدینوری، متوفی به
سال ۲۷۶، کتابت در سه شنبه ۲۳ شعبان ۶۶۶ هـ. ق به خط
محمد بن حیدر، «شماره ۲۵۴».
۴۶۶. منظومه فارسی: از خواجه نصیرالدین طوسی، کتابت در ۱۰۵۳
ق در ۲۵۱ برگ، «شماره ۱۶۸».
۴۶۷. منشآت السلاطین: فریدون بیگ، «شماره ۱۰ و ۱۱».
۴۶۸. منقح الطیر: شیخ عطار، و مطلع الانوار حسینی، کتابت در
۸۵۳ هـ. ق، «شماره ۱۹۲».
۴۶۹. مشارق الانوار النبویة فی صحاح الاخبار المصطفویة^۲:
رضی‌الدین الصغانی، کتابت در ۷۸۳ هـ. ق، «شماره ۲۵۰-۶۶ حدیث».
۴۷۰. مشارق الانوار النبویة فی صحاح الاخبار المصطفویة: نسخه‌ی
دیگر، کتابت در ۶۷۷ هـ. ق، «شماره ۱۲۰-۶۸ حدیث».
۴۷۱. مشبه النسبة: حافظ ذهبی، کتابت در ۷۹۶ هـ. ق، نسخه‌ی در
سال ۸۹۵ مقابله و تصحیح شده، «شماره ۱۰۳-۱۸۸ مجامیع».
۴۷۲. مشکاة الانوار فی انواع علوم السنن والآثار: عبدالرحمن بن
عمر بن محمد البهیری، این کتاب گزیده‌ای است از کتاب: معرفة
انواع علم الحدیث ابن صلاح، کتابت در سده ۸ هـ. ق، «شماره
۴۸-۶۴ اصول حدیث».
۴۷۳. مشکل اعراب القرآن: مکی بن ابی‌طالب حموش بن محمد
مکی بن حموش، متوفی به سال ۴۳۷، نسخه‌ی کهن، کتابت در ۲

- نسخة نفیس، «شماره ۵۸».
۵۰۲. منع الموانع علی جمع الجوامع: تاج الدین عبدالوہاب بن علی بن عبدالکافی السبکی، متوفی به سال ۷۷۱، نسخه مصحح، کتابت در ۷۶۶ ه. ق. (عصر مؤلف) به خط احمد بن ابی بکر بن مکی حنبلی، «شماره ۱۱۱۶».
۵۰۳. منهاج العابدین: محمد بن محمد بن محمد غزالی، متوفی به سال ۵۰۵ ه. ق. کتابت در ۸۴۹ ه. ق. «شماره ۲۰۷۷».
۵۰۴. المنهل الأصفی فی شرح ماتمس الحاجة إليه من الفضا الشفاء: محمد بن علی بن أبی الشرف الحسینی التلمسانی، متوفی در حدود سال ۹۱۷، کتابت در سده ۱۰ ه. ق. «شماره ۹۹۱».
۵۰۵. الموضح لمذاهب القراء واختلافهم فی الفتح والامالة: عثمان بن سعید بن عثمان الدانی، متوفی به سال ۴۴۴، کتابت در ۸۶۲ ه. ق. به خط نسخ جعفر بن ابراهیم بن جعفر، «شماره ۳۴».
۵۰۶. منهاج الوصول إلى علم الاصول: بیضاوی، کتابت در ۷۴۱ ه. ق. «شماره ۲۰۶-۲۰۶ مجامیع».
۵۰۷. المنحة فی تضمین الملحة عند المحنة بذوی الاحنة: کتابت در ۸۳۵ ه. ق. در ۱۲ برگ، «شماره ۱۹۱».
۵۰۸. منهاج العابدین غزالی: کتابت در ۸۲۹ ه. ق. ۱۲۹ برگ، «شماره ۹۴».
۵۰۹. مواطن القواصل: شیخ یزدی، کتابت در ۸۶۸ ه. ق. «شماره ۵۹».
۵۱۰. مشارق الاشواق الی مصارع العشاق ومثیر الغرام الی دار السلام: محی الدین نحاس دمشقی، کتابت در ۸۵۴ ه. ق. «شماره ۱۰۱ غ م».
۵۱۱. مطالع النور السننی المنبئ عن طهارة نسب النبی العربی: شیخ عبدی افندی، کتابت در ۷۴۱ ه. ق. «شماره ۱۱۳».
۵۱۲. مفتاح السعادة فی قواعد السیادة: علامه شهاب الدین تبریزی، کتابت در ۱۰۳۸ ه. ق. ۱۷۰ برگ، «شماره ۴۶۹».
۵۱۳. مطلع السعدین ومجمع البحرین: شامل حوادث سال ۷۰۰ تا ۷۷۵ ه. ق. از کمال الدین سمرقندی، کتابت در ۹۱۱ ه. ق. «شماره ۵۸۵».
۵۱۴. مرشد الزوار الی قبور الاربار وسمی الدر المنظم فی زیادة الجبل المعظم: ابی محمد عبدالرحمن ملکی، «شماره ۲۴۰».
۵۱۵. المرقاة الوفیة فی طبقات الحنفیة: فیروز آبادی، کتابت در ۱۲۶۹ ه. ق. ۹۸ برگ، «شماره ۲۳۷».
۵۱۶. مشاهد الصفا فی المدفونین من آل المصطفی (ص): شیخ مصطفی صفوی، «شماره ۲۳۵».
۵۱۷. معجم مشایخ السید مرزقی الزبیدی: نسخه اصل به خط زبیدی، در ۱۵۰ برگ، «شماره ۲۲۴».
۵۱۸. المنتخب من المؤلف والمختلف فی اسماء الشعراء والقابهم
۴۸۴. معرفة اصول الحدیث: عبدالوہاب بن احمد بن علی الشعرانی، متوفی به سال ۹۷۳، کتابت در ۹۳۳ ه. ق. (عصر مؤلف)، «شماره ۳۴۱».
۴۸۵. المعلقات السبع (در ادب): کتابت در ۸۸۸ ه. ق. «شماره ۳۲۳۷».
۴۸۶. المعتقدات: شمس الدین سمرقندی، کتابت در ۷۴۳ ه. ق. «شماره ۳۵-۲۰۶ مجامیع».
۴۸۷. معرفة علوم الحدیث: للحاکم النیشابوری، نسخه بسیار کهن و بسیار نفیس، کتابت در ۵۵۰ ه. ق. و در سال ۵۵۱ و ۵۸۵ مقابله و تصحیح شده است، خط نسخ، «شماره ۱۱۸-۱۶۱ اصول الحدیث».
۴۸۸. معرفة اصول الحدیث: لابن الصلاح، کتابت در ۷۹۷ ه. ق. این نسخه بر عبدالرحیم الحافظ العراقی و بقاعی خوانده شده و خطوط آن در پایان آمده است. «شماره ۹۰-۵۲ اصول الحدیث».
۴۸۹. مفتاح البراعة فی بیان اشراط الساعة: شیخ عبدالله سويدان، نسخه نفیس، «شماره ۵۳ مج».
۴۹۰. المغنی عن حمل الأسفار فی الأسفار: عبدالرحیم بن حسین بن عبدالرحمن الحافظ العراقی، متوفی به سال ۸۰۶، کتابت در ۸۱۲ ه. ق. «شماره ۳۴۲».
۴۹۱. المغنی فی الانباء عن غریب المذهب والاسماء: ابن باطیش، کتابت در ۶۱۸ ه. ق. ۱۵۰ برگ، «شماره ۴۳».
۴۹۲. مفتاح السعادة فی الفقه: کمال الدین بن آسایش بن یوسف شیروانی، کتابت در ۹۵۱ ه. ق. «شماره ۱۳۷۵».
۴۹۳. مفرح النفس: عبدالوہاب بن سحنون التنوفی، نسخه سلطنتی هنری و زیبا، کتابت در ۸۸۳ ه. ق. خط نسخ خوش، «شماره ۳۶-۲۰ طب».
۴۹۴. المفصل فی صناعة الإعراب: زمخشری، نسخه کهن و نفیس، کتابت در ۶۹۷ ه. ق. دارای حواشی بسیار، «شماره ۱۹۰-۱۷۷ نحو».
۴۹۵. المکمل فی شرح المفصل للزمخشری: از مطهر الدین، کتابت در ۸۹۵ ه. ق. «شماره ۹۴».
۴۹۶. المقامات الحریریة: قاسم بن علی بن محمد الحریری، متوفی به سال ۵۱۶ ه. ق. کتابت در ۷۳۲ ه. ق. «شماره ۳۲۴۹».
۴۹۷. الملتقط من شرح الواحدی علی المتنبی: از زمخشری، نسخه کهن و نفیس، کتابت در ۶۳۳ ه. ق. خط نسخ، «شماره ۱۳۶-۱۴۷ ادب».
۴۹۸. ملخص تاریخ الاسلام: محمد بن محمد (ابن الجزری)، متوفی به سال ۸۳۳، کتابت در ۹۰۰ ه. ق. «شماره ۳۷۹۰».
۴۹۹. المنتخب من احیاء علوم الدین للغزالی: احمد بن عمر الحموی، کتابت در ۷۶۶ ه. ق. «شماره ۲۰۷۳».
۵۰۰. المنتقى من شرح شعر المتنبي للواحدی (در ادب): محمود بن عمر بن محمد الزمخشری، متوفی به سال ۵۳۸، کتابت در ۶۳۳ ه. ق. به خط نسخ محمد الخضر الانصاری، «شماره ۳۲۵۱».
۵۰۱. المنح البادية فی الاسانید العالیة: محمد بن عبدالرحمن فاسی-

۵۳۵. نورالطرف و نورالظرف مختصر زهرالآداب لابراهیم علی‌الحصری: کتابت در ۸۹۷ هـ. ق. در ۱۰۰۰ برگ، «شماره ۲۶۹».
۵۳۶. النیرات السبع السائرة المنتخبة من الديوان الكبير المحافظ ابن حجر العسقلانی بخطه: کتابت در ۸۵۰ هـ. ق. در ۶۰ برگ، «شماره ۲۷۱».
۵۳۷. نظم اسماء اهل البيت (ع) به ترکی: ۲۴ برگ، «شماره ۹۰».
۵۳۸. نزهة الريحانة و رشفة طلاء الحافة فی الذیل علی الريحانة: محمد بن فضل‌الله‌المحبی، کتابت در ۱۱۷۰ هـ. ق. در ۱۲۱ برگ، «شماره ۱۶۰».
۵۳۹. نزهة الابصار فی النکت والاختیار: ابراهیم‌البابی‌الحلبی، نسخه اصل به خط مؤلف در سال ۱۱۹۷ هـ. ق. در ۹۵ برگ، «شماره ۱۶۵».
۵۴۰. نزهة النظار فی عجائب تواریخ المغرب والاختیار: محمود مقدسی سفاقی، «شماره ۲۶۶-۲۶۷».
۵۴۱. نورالساغر من اخبار القرن العاشر: عبدالقادر عبدالوسی، کتابت در ۱۰۷۵ ق در ۳۱۰ برگ، «شماره ۲۶۹».
۵۴۲. نزول الغیث (در ادب): محمد بن ابی‌بکر بن عمر الدمامینی، متوفی به سال ۸۲۷، کتابت در ۸۷۹ هـ. ق. «شماره ۳۲۶۷».
۵۴۳. نزهة البرية فی علم العربية: عبدالله احمد الحسینی، کتابت در ۹۶۵ هـ. ق. «شماره ۲۶۸۲».
۵۴۴. نزهة المشتاق فی علماء العراق: محمد بن علی بن محمد الرحبی (ابن المتفقه)، متوفی به سال ۵۷۷، «شماره ۳۹۹۷».
۵۴۵. النسمات الفاتحة فی آیات الفاتحة: علی بن محمد بن عبدالعزیز بن الدریهم، متوفی به سال ۷۶۲، کتابت در ۷۵۲ هـ. ق. (عصر مؤلف)، «شماره ۲۶۴».
۵۴۶. نشأة المحبة و نزهة الاحبة (در ادب): عبدالله آدم الحنفی، نسخه اصل، کتابت در ۸۵۶ هـ. ق. به خط مؤلف، ۲۰۰ برگ «شماره ۳۲۷۱».
۵۴۷. نظم درة الغواص للحریری: ابو حفص عمر بن محمد بن حسن السراج‌الزرقاق، متوفی به سال ۶۹۵، کتابت در ۹۸۰ هـ. ق. (عصر مؤلف)، «شماره ۳۲۷۵».
۵۴۸. نفائس العرائس: احمد بن محمد بن ابراهیم‌الثعلبی، متوفی به سال ۴۲۷، کتابت در ۹۲۵ هـ. ق. «شماره ۴۰۰۵».
۵۴۹. نورالطرف و نورالظرف (مختصر کتاب زهرالآداب و ثمرالالباب): ابواسحاق ابراهیم بن علی بن تمیم‌الانصاری‌الخصری، کتابت در ۸۹۷ هـ. ق. «شماره ۳۲۸۴».
۵۵۰. نورالعیون فی سیرة الامین‌المأمون: احمد بن محمد بن شعبان الحنفی، نسخه اصل، کتابت در ۹۱۱ هـ. ق. به خط نسخ مؤلف، «شماره ۹۹۹».
۵۵۱. نورالنیراس فی شرح سیرة ابن سیدالناس: ابراهیم بن محمد بن خلیل، سبط ابن‌العجمی، متوفی به سال ۸۴۱، نسخه اصل بخط مؤلف مصحح و مقابله‌شده (۳۰۲ برگ سطر)، کتابت در ۸۲۶ هـ. ق.
- للامدی: از ابراهیم وجدی، کتابت در ۱۱۰۸ هـ. ق. در ۳۲ برگ، «شماره ۲۴۲».
۵۱۹. منتخب طبقات الشافعية لابن‌الصلاح: از نووی کتابت در ۷۶۳ هـ. ق. در ۱۷۰ برگ، «شماره ۲۲۱».
۵۲۰. مطلع الانوار: خسرو دهلوی، کتابت در ۹۰۳ هـ. ق. «شماره ۱۵۲».
۵۲۱. مراتع الغزلان فی وصف الحسان من النعمان: شمس‌الدین نواجی، کتابت در ۹۹۲ هـ. ق. «شماره ۲۴۸».
۵۲۲. موارد الکلم: رساله بی‌نقطه در اخلاق، ابی‌الفضل کازرونی، ۱۷ برگ، «شماره ۲۴۳».
۵۲۳. مختصر شرح ابن‌ابی‌صادق علی فصول ابقراط: نسخه نفیس کتابت در ۷۵۳ هـ. ق. در ۱۰ برگ، «شماره ۱۸».
۵۲۴. مفرح النفس: عبدالوهاب دمشقی، کتابت در ۸۸۳ هـ. ق. در ۳۴ برگ، «شماره ۲۰».
۵۲۵. الموطأ: مالک بن انس بن مالک، متوفی به سال ۱۷۹، کتابت در ۹۱۲ هـ. ق. «شماره ۵۲۷».
۵۲۶. الموصل فی شرح المفصل: حسین بدرالبغدادی، کتابت در ۹۹۰ هـ. ق. «شماره ۱۷۴».
۵۲۷. الموصل فی شرح المفصل: نسخه کهن دیگر، کتابت در ۶۹۹ هـ. ق. «شماره ۱۷۶».
۵۲۸. ناصرالعین فی شرح ناظرالعین: احمد بن عمر بن علی بن هلال المالکی، شرح از شمس‌الدین اصفهانی، کتابت در ۷۸۱ هـ. ق. «شماره ۱۷۸-۹۵ منطق».
۵۲۹. نبذة الغواص فی محاضرة الخواص: ابراهیم بن علی بن محمد بن فرحون، متوفی به سال ۷۹۹، کتابت در سده ۱۰ هـ. ق. به خط نسخ، «شماره ۱۴۱۹».
۵۳۰. النجیبات (در طب): محمد بن علی بن عمر السمرقندی، متوفی به سال ۶۱۹، کتابت در ۸۸۶ هـ. ق. (۳۰۲ برگ سطر)، جزو مجموعه «شماره ۲۸۸۹».
۵۳۱. النجوم الزواهر فی معرفة الاواخر: احمد بن خلیل بن احمد اللبودی، کتابت در ۸۶۴ هـ. ق. نسخه مجدول و مذهب، «شماره ۷۷-۲۷۰ تاریخ».
۵۳۲. نخبة الدهر فی عجائب البر والبحر: محمد بن ابی‌طالب‌الانصاری‌المعروف بشیخ‌الربوة، کتابت در ۷۳۹ هـ. ق. نسخه در سال ۷۴۹ ق مقابله و تصحیح شده، «شماره ۱۶۰-۴ جغرافیا».
۵۳۳. نزهة الطرف فی علم الصرف: میدانی، نسخه اصل به خط مؤلف در ۱۰۱۸ هـ. ق. «شماره ۵۳».
۵۳۴. نگارستان بی‌مانند: ابن‌کمال‌پاشا، کتابت در ۹۷۳ هـ. ق. در ۲۳۰ برگ، «شماره ۲۸۷».

- م، ص ۲۵۵.
۸. خدمات المخطوطات العربية: راشدبن سعد بن راشد قحطاني، رياض، ۱۹۹۶ م، ص ۲۱-۲۲.
۹. خزائن الكتب العربية في الخاقين: فيليب دي طرازي، بيروت، ۱۹۴۷ م، ۱۴۹/۱-۱۵۱.
۱۰. دراسات في الكتب والمكتبات: عبدالستار حلوجي، رياض، ۱۴۰۸ ق/ ۱۹۸۸ م، ص ۱۷۲.
۱۱. زندگانی، کتابه و کتب و کتبخانه: سيدسبط الحسن، به زبان اردو، عکسی، ص ۴۳۸.
۱۲. عالم الكتب (نشریه): رياض، ۱۴۰۰-۱۴۰۸ ق/ ۱۹۸۰-۱۹۸۷ م، ۱۵۸-۱۵۴/۲/۱ و ۲۶۴/۲/۲ و ۶۹۵/۴/۳ و ۶۸۸/۴/۸.
۱۳. عالم المخطوطات والنوادير (نشریه): رياض، ۱۴۱۹ ق/ ۱۹۹۸ م، ۱۴-۴/۱/۳.
۱۴. فهرست موضوعی نسخه‌های خطی عربی کتابخانه‌های جمهوری اسلامی ایران: سيد محمد باقر حجتی، تهران، ۱۳۷۰ ش، ص ۹۶.
۱۵. کتابخانه‌ها و مجموعه‌های نسخه‌های خطی عربی در جهان: فؤاد سزگين، ترجمه چنگيز پهلوان، تهران، ۱۳۴۶ ش، ص ۲۴۱-۲۴۲.
۱۶. لمحات من تاريخ الكتاب والمكتبات: عبداللطيف صوفي، دمشق، ۱۹۸۷ م، ص ۳۵۲.
۱۷. مجلة معهد المخطوطات العربية: قاهره، ۱۳۷۴-۱۴۱۷ ق/ ۱۹۵۵-۱۹۹۶ م، ۱۵۱/۱/۱ و ۱۵۶-۱۵۱/۱/۱ و ۵۷/۱/۵ و ۲۳-۴/۲/۲۳ و ۲۳-۴/۲/۲۳ و ۲۱۱/۲، ۱/۳۵ و ۵۹/۱/۴۰ و ۵۹/۱/۴۰.
۱۸. مجلة مكتبة ملك فهد الوطنية: رياض، ۱۴۱۷ ق/ ۱۹۹۶ م، ۶۷/۱/۲.
۱۹. معجم المؤلفين: عمر رضا كحالة، بيروت، ۱۳۷۶ ق/ ۱۹۵۷ م، ۲۵۷/۱.
۲۰. مقالات في علوم المكتبات: محمود أخرس، اردن (عمان)، ۱۴۰۵ ق/ ۱۹۸۵ م، ص ۱۹۲-۱۹۸.
۲۱. المورد (نشریه): بغداد، ۱۳۹۶ ق/ ۱۹۷۶ م، ۴۹-۴۶/۱/۵.
۲۲. نسخه‌های خطی: محمدتقی دانش پزوه و ایرج افشار، تهران، ۱۳۴۶ ش، ۵۰۴-۴۴۰/۵.
۲۳. وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی: يحيى محمود ساعتی، ترجمه احمدامیری شادمهری، مشهد، ۱۳۷۴ ش، ص ۵۶-۵۹.
24. International Directory of Islamic Cultural Institutions, Acar Tanlakf Ahmed Iajimi, Istanbul, 1984, p.124.
25. The World of Learning, Thirty-Eighth Edition, london, 1988, p. 1103.
26. World Survey of Islamic Manuscripts, London, 1994, vol. 3, pp. 23, 25-29.
- (عصر مؤلف)، «شماره ۱۰۰۰».
۵۵۲. نهاية الإدراك في دراية الأفلاك: قطب‌الدین محمود بن مسعود شیرازی، متوفی به سال ۷۱۰، کتابت در ۹۱۵ هـ ق به خط نستعلیق مشرتی تبریزی در شهر قسطنطنیه، «شماره ۲۹۳۲».
۵۵۳. نهاية التنجيد والتطبيق على أول التجريد يا حاشيه برحاشية تجريد: کتابت در ۹۷۶ هـ ق به خط احمد بن محمد، «شماره ۸۲۹».
۵۵۴. الثيرات السبع (در ادب): احمد بن علی بن محمد (ابن حجر عسقلانی)، متوفی به سال ۸۵۲، کتابت در ۸۵۰ هـ ق (عصر مؤلف)، «شماره ۳۲۸۵».
۵۵۵. الوثائق وصورالحج الشرعية: کتابت در ۹۲۰ هـ ق، «شماره ۱۵۴۷».
۵۵۶. وسيلة الطالب إلى نيل المطالب: يحيى بن بكر الحنفي، کتابت در ۷۲۸ هـ ق، «شماره ۵۴۵».
۵۵۷. الوجيز في التفسير: واحدي نيشابوري، نسخه کهن و نفيس، «شماره ۱۴۵-۳۲ تفسير».
۵۵۸. وفاق المفهوم في اختلاق المقول والمرسوم (در ادب): محمد بن عبدالله بن مالک الطائي، متوفی به سال ۶۷۲، کتابت در ۸۶۲ هـ ق، در ۳۷ برگ «شماره ۲۴۲۵».
۵۵۹. هفت اورنگ: جامی، کتابت در ۹۵۹، «شماره ۱۹۶».
۵۶۰. هشت بهشت در تاريخ شعرا: سهمی افندی ادرنوی، کتابت در ۹۴۵ ق، «شماره ۴۸۷».

منابع:

۱. اسلامی کتب خانی: حاج محمد زهیر، دهلی، ۱۹۶۱ م، ص ۶۹.
۲. اطلالة تاريخية على المكتبات العامة مع دليل شامل لها: سعد عبدالله ضبيعمان، رياض، ۱۴۱۵ هـ ق، ص ۱۶۸.
۳. اقدم المخطوطات العربية في مكتبات العالم: كوركيس عواد، بغداد، ۱۹۸۲ م، ص ۴۸.
۴. اوراق الربيع: شعبان عبدالعزيز خليفة، قاهره، ۱۹۹۱ م، ۸۰/۲-۸۲ و ۵۰/۴.
۵. پرونده علمی کتابخانه عمومی ملک عبدالعزيز در مدينه منوره، گزارش رايژنی فرهنگي ايران در سوریه.
۶. تاريخ آداب اللغة: جرجي زيدان، قاهره، ۱۹۵۷ م، ۱۳۲/۴-۱۳۳.
۷. تاريخ الكتاب الاسلامي المخطوط: محمود عباس حموده، قاهره، ۱۹۹۴.



یاور انقلاب

نقش آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی در تکوین انقلاب اسلامی

محمد باقر بدوی

بخش سوم

مالکان و سرمایه‌داران را به روحانیون معترض می‌زدند؛ اما قضیه کاپیتولاسیون فرق داشت؛ اعتراض به آن، همهٔ جهانیان را متوجه می‌کرد که هدف مبارزان ایرانی، کسب آزادی و فرار از یوغ استعمار آمریکا می‌باشد.

امام که علی‌رغم تلاش رژیم برای مخفی نگه داشتن این مصوبه، از قضیه مطلع شده بودند، بلافاصله پیشنهاد کردند تا جلسهٔ علمای قم تشکیل شود. این جلسه، علی‌رغم غیبت بزرگانی

از مراجع قم، در دوم آبان ۱۳۴۳ منعقد شد و آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، به رغم برخی تحلیل‌ها و اختلافات بین مراجع و حتی طرفداران امام، در آن حضوری فعال یافتند و هم‌زمان با امام و درست در همان روز و ساعتی که امام، آن سخنرانی تاریخی خود را ایراد می‌فرمودند، معظم‌له نیز با حالت کسالت و ناراحتی قلبی، در بیرونی بیت خود علیه کاپیتولاسیون به سخنرانی پرداختند.^۱ ایشان ابتدا سعی نمودند که مردم را با مسئلهٔ کاپیتولاسیون آشنا نمایند:

پاره چیزهایی است که شاید به سمعتان نرسیده باشد. از جمله، همین حادثه‌ای است که اخیراً پیش آمده؛ تصویبی که مصونیت داشته باشند اتباع خارجه؛ هر

اگر حمایت‌های قاطع و تأییدهای بی‌شائبهٔ مراجعی چون آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی -رحمته‌الله علیه- از امام خمینی -ره- نبود، فروغ انقلاب اسلامی، بسی مشکل‌تر و شاید با هزینه‌ای بسیار سنگین‌تر به منصهٔ ظهور می‌رسید.

بخش سوم این مجموعه -که تلاشی است به قدر وسع در معرفی فهرست‌گونهٔ اقدامات سیاسی این یاور بزرگ انقلاب اسلامی- نگاهی گذرا دارد به نقش معظم‌له در جریان وقایع کاپیتولاسیون و تبعید امام.

مسئلهٔ کاپیتولاسیون

از دید نیروهای فتنی و نظامی آمریکا در ایران، سبب شد که مقامات آمریکایی خواستار مصونیت اداری برای پرسنل غیرنظامی، و مصونیت سیاسی جهت برخی از نظامیان بلندپایهٔ خود در ایران شوند.

این درخواست که تا بر سر کار آمدن دولت علم، مسکوت مانده بود، در تاریخ ۱۳۴۱/۱۲/۲۰ به گونه‌ای دیگر مورد موافقت اولیهٔ رژیم قرار گرفت؛ به این گونه که مقرر شد تا به جای اعطای مصونیت سیاسی به برخی از مقامات بلندپایه، به همهٔ آمریکایی‌های مقیم ایران، اعم از نظامی و غیرنظامی، مصونیت قضایی داده شود.

این لایحه، در ۱۳۴۲/۷/۱۳ در دولت علم و در مرداد ۱۳۴۳ در مجلس سنا، و در کمتر از دو ماه، به تصویب مجلس شورای ملی رسید و آمادهٔ اجرا شد.

برخلاف موارد گذشته، این موقعیت، یک فرصت کاملاً طلایی برای مبارزان ایرانی بود تا روحیهٔ آزادی‌خواهی خود را به جهانیان اثبات کنند. چرا که قبلاً، به علت اعتراض به لایحهٔ انجمن‌های ایالتی و ولایتی، تهمت‌هایی چون ارتجاعی و مخالف با پیشرفت و آزادی زنان، و در جریان اعتراض به لوایح شش‌گانهٔ شاه، تهمت طرفداری از

۱. چهارم آبان ۱۳۴۳، ساعت ۹ صبح.

مذهبی کشور با انتخابات دوره بیست و یکم مجلس شورای ملی^۵ اشاره نموده و فرمودند:

ماکراراً به وسیلهٔ اعلامیه‌ها، چه در تهران و چه در قم، به همهٔ مردم گفتیم که این مجلس به ملت مربوط نیست و هرچه تصویب کنند [غیر الزام‌آور] است، زیرا همان وقت ما متوجه این قبیل عواقب وخیم بودیم و لذا این مجلس را تحریم و غیرقانونی اعلام نمودیم.^۶ و پس از آن با شجاعت تمام، خطاب به نمایندگان مجلس اظهار داشتند:

آقایان وکلای بی‌موکل که در خانهٔ ملت گرد آمده‌اید! آیا شما برای دفاع از حقوق مسلمین و حفظ استقلال ملت و مملکت جمع شده‌اید یا برای اینکه با دست خود سند اسارت و بردگی یک مشت ملت شریف ایران را امضا کنید؟... بیایید چند روزی هم به فکر مملکت خود باشید... کاری کردید که آبروی مملکت و ملت را در دنیا بردید.^۷

ایشان در ادامهٔ مبارزهٔ ظلم‌ستیزانه خود، با صدایی رسا، عموم طبقات را در پیوستن به جرگهٔ قیام دعوت نموده و در کمال شجاعت، از همهٔ علما و طلاب و ملت ایران درخواست نمودند که مراتب انزجارشان را نسبت به این مصوبهٔ ننگین ابراز نمایند.

از عموم طبقات ملت ایران استمداد می‌کنم که بیش از این صبر و تحمل نکنند و برای حفظ دین و استقلال مملکت خود، اعتراض و انزجار خود را ابراز نمایند. من از علمای اعلام و طلاب علوم دینی تقاضا می‌کنم بیش از پیش در این جنایت بزرگ، مردم را آگاه فرمایند.^۸

اما ایشان به خوبی متوجه بودند که در این مرحله از قیام، تفریق دیدگاه‌ها، ضربه‌ای برای کشور و جامعهٔ روحانیت است و می‌تواند

جنایتی را مرتکب شوند یا هر جرمی را مرتکب بشوند، مصونیت داشته باشند... مثلاً یکی از اتباع آنها، شخصیت بزرگ مملکت را، از جهت روحانیت و از هر جهت [دیگر]، بخواهد صدمه‌ای بزند، به هیچ قسم، مسؤولیت نداشته باشد [و قوانین ایران نتواند وی را محاکمه کند].^۱ معظم‌له که از حوادث چند سال گذشته، سینه‌ای پردرد داشت، در حین تشریح این مصوبهٔ ذلت‌بار، طاقت از کف دادند و جسم نحیفشان ناتوان گشت. لذا همان‌گونه که پیش‌بینی نموده بودند، ادامهٔ بیانات ایشان که مکتوب شده بود، توسط نماینده‌شان قرائت گردید.^۲ حضار جلسه نیز که از مشاهدهٔ وضعیت جسمانی آقا متأثر شده بودند، بیش از پیش مشتاق شنیدن ادامهٔ نظریات ایشان شدند.

آقا نیز که بروز چنین اشتیاقی را حدس می‌زد، با شدت تمام به بی‌خردی حکام رژیم اشاره کرده و فرمودند:

آخر در کجای دنیا سابقه داد که برای رقیب و بردگی یک مشت ملت محروم، همچون قانون وحشیانه را وضع کنند؛ در صورتی که فعلاً تمام دول عقب افتاده هم برای احراز استقلال و کسب آزادی خود از قید استعمار قیام نموده و از نعمت حریت برخوردار می‌باشند.^۳

سپس مستقیماً خطابشان را متوجه دولت نموده و با کمال قدرت انتقاد کردند که چرا در مقام حرف، ایران را یک کشور آزاد و مستقل معرفی می‌نمایید، اما در مرحلهٔ عمل، بردگی ایران را به تصویب رسانده و قوانینی چون کاپیتولاسیون را بر ملت ایران تحمیل می‌کنید. آیا معنی ارتقا و پیشرفت این است که یک شخصیت بلند پایهٔ ایرانی، اعم از روحانی و غیرروحانی، در مقابل یک آمریکایی، آن هم در ایران، سر تعظیم فرود آورد و هر تحقیری را بپذیرد.

آیا مفهوم ارتقا این است که اگر یکی از مستشاران آمریکایی روی همین قانون، به یک فرد محترم ایرانی، حتی شخصیت بزرگی از هر طبقه، جنایت و خیانت کند و به عرض و ناموس و مال مسلمین دست تعدی و تجاوز دراز کند، مصونیت داشته باشد و محاکم قضایی ایران، حق مداخله و بازداشت آن را نداشته باشند. من یقین دارم که عقلای ایران، به وضع رجال ایران خندیده و این نوع تصویبات را رجوع به قهقرا و ارتجاع سیاه تفسیر خواهند کرد؛ زیرا مصونیتی که برای آنها تصویب شده، برخلاف قوانین بین‌الملل و دور از شرافت و انسانیت و غیرت است.^۴

معظم‌له سپس روی سخن خود را متوجه نمایندگان مجلس نمود و با بیان این که تصویب چنین مصوباتی، تأیید «قحط‌الرجال» بودن کشور از نیروهای دلسوز است، به دلیل مخالفت خود و جامعهٔ

۱. علی دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۴، ص ۲۲۸.

۲. آیت‌الله مرعشی نجفی: «خداگواه است و اجداد طاهرینم شاهد است... قلب من در کمال تزلزل است. لذا برای احتیاط نوشتن بعضی از عرایضم را، که اگر نتوانستم به صحبت ادامه دهم به وسیلهٔ خطیب محترم، آقای نبوی، به سمع شما برسد.»

۳. حمید روحانی، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۲۵۷.

۴. همان.

۵. دورهٔ ۲۱ انتخابات مجلس شورای ملی در مورخ ۱۳۴۲/۶/۲۶ انجام و در مورخ ۱۳۴۲/۷/۱۴ رسماً افتتاح شد. مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی در اطلاعیه‌های جداگانه، انتخابات مذکور را تحریم و روز قبل از افتتاح، عزای عمومی اعلام نمودند.

۶. همان.

۷. اطلاعیهٔ منتشرهٔ آیت‌الله مرعشی نجفی.

۸. همان.

پس از این فاجعه، دست به کار شدند و از طرق مختلف، تلاش نمودند که این مسؤولیت را به نحو احسن به انجام برسانند. ایشان در اولین اقدام، اطلاعیه مهمی خطاب به ملت ایران صادر فرمودند تا از راهی موثق، آنان را در جریان اوضاع قرار دهند. این اطلاعیه که به همان شیوه عاطفی و همیشگی معظم‌له نوشته شده بود، دل هر دردمندی را به درد می‌آورد:

ملت مسلمان ایران و جهان می‌داند که در این روزها به عالم روحانیت چه‌ها گذشت.
می‌داند که عالم روحانیت چه لطمه بزرگی را مشاهده نمود.

می‌داند که حوزه علمیه قم با چه مصائبی مواجه شده. می‌داند که مطبوعات علیه روحانیت، چه‌ها نوشته. می‌داند که بار دیگر مجاهد عظیم‌الشأن، برادر عزیزمان حضرت آیت‌الله خمینی - دامت برکاته - را با کمال وقاحت در تاریکی دستگیر و ... به خارج از ایران برده شده و پشت سرش، دستگاه دروغ‌پرداز و جراید، چه‌ها کی‌ها نموده و چه تهمت‌های ناروا زده‌اند.^۱
و بلافاصله پس از آن، به جریان دستگیری فرزند امام در بیت خود اشاره فرموده و نوشتند:

پس از گرفتاری معظم‌له [امام]، آقازاده محترمشان را که با قلبی غمناک و دلی شکسته به منزل حقیر آمده بود، مأمورین در روز روشن از بام خانه ریخته و بی‌شرمانه ایشان را نیز بردند و مقاومت و اصرار من با خشونت مأمورین مواجه گردید.^۲

معظم‌له در ادامه، با اعلام این که رژیم با شکستن حریم مراجع، مرتکب جرمی شده که لکه ننگ آن را تاریخ بشری هیچ‌گاه فراموش نخواهد کرد، اذعان داشتند که:

آیا شرم‌آور نیست که یکی از مراجع شیعه را به جرم اعتراض به تصویب بعضی از لوایح غیرشرعی و غیرقانونی از مملکت خود خارج کنند؟

آیا ننگ نیست که اجانب مصون باشند و آیت‌الله خمینی را به بیگانگان بسپارند؟^۳

این حادثه پردرد، چنان عمیق بود که این مرد خدایی را واداشت که در بیان عمق تأثیر آن بر روح و روان خود، چنین ابراز احساس کنند:
من از تبعید معظم‌له بسیار ناراحت‌م. من دقیقه‌شماری

در روند نهضت مشکل آفرین شود. متأسفانه این چنین شد و رژیم به یمن آن، توانست ضمن اهانت آشکار به امام و ساحت مرجعیت، سال‌های سال، پیروزی انقلاب را به تأخیر بیندازد و در این مدت نیز، با هر اعتراضی با کمال شدت مقابله نماید.

تبعید حضرت امام به ترکیه

شاه که در این مرحله از اعتراض‌ها، حملات را مستقیماً به سوی آمریکا نشانه دید برای حفظ تاج و تخت خود و جلوگیری از قطع شدن کمک‌های مالی و نظامی آمریکا و از دست دادن ژاندارمی منطقه، مصمم شد که با امام، مقابله شدید کند.

لذا به دستور آمریکا در نیمه شب ۱۳ آبان ۱۳۴۳، مأموران اطلاعاتی - امنیتی رژیم با یورش به منزل امام در قم، ایشان را بازداشت کرده به طرف فرودگاه تهران حرکت داده و بدون معطلی به ترکیه تبعید نمودند.

فردای آن شب، رسانه‌های گروهی به نقل از ساواک، خبر تبعید امام را به جرم اقدامات و تحریکات ضد امنیتی، اعلام کردند.

فرزند ارشد امام، حاج آقا مصطفی، به قصد مطلع کردن مراجع عظام از دستگیری امام، در اولین ساعات بامداد همان روز، از راه‌های غیراصولی، خودشان را به منزل آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی می‌رساند؛ تا با بیان گزارشی از حادثه شب گذشته، در خصوص ادامه مبارزه و چگونگی اعتراض به رژیم، تبادل نظر نماید.

مأموران رژیم هم که نمی‌خواستند هیچ اثری از راه امام باقی بماند، بدون ملاحظه به مصونیت مراجع، برای دومین بار هم حرمت بیوت مراجع را شکستند و علی‌رغم مقاومت و ممانعت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، با هجوم به بیت معظم‌له، آقازاده امام را دستگیر کردند.^۴

پس از آنکه خبر تبعید امام به مردم رسید، بار دیگر اعتراض‌ها قوت گرفت و بازار، مغازه‌ها و دروس تعطیل شد؛ و کشور مجدداً به حالت اعتصاب درآمد.

روحانیون نیز، به عنوان صاحبان اصلی عزرا، درس‌ها را تعطیل کرده و در رأس مردم، اعتراض‌ها را هدایت نمودند.

شاید در آن اوضاع وحشت و اضطراب، هیچ چیز نمی‌توانست به اندازه حضور مراجع عظام، قلوب مردم مؤمن و مبارز را آرام نماید.

آیت‌الله مرعشی نجفی، در این برهه حساس نیز، علی‌گونه پا در میدان نهاد و لحظه لحظه، ضمن حفظ آرامش جامعه، با اطلاعیه‌ها، سخنرانی‌ها و موضع‌گیری‌های برحق، مردم را به ادامه مبارزه ترغیب نمودند.

این فقیه آگاه به زمان، به خوبی می‌دانستند که از لحظه دستگیری امام، وظیفه رهبری قیام بر عهده آنان نهاده شده است. بر همین اساس،

۱. سید جلال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۱۲۰ (پاورقی).

۲. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۲۶۱.

۳. همان.

۴. همان.

ایشان که به ارتباطات پنهانی مقامات امنیتی ایران و ترکیه واقف بودند و می‌دانستند که بدون تفحص، اجازه نمی‌دهند که نامه‌ای به دست امام برسد، سعی نمودند ابتدا، در نامه‌ای به ظاهر خطاب به امام، دولت ترکیه را متوجه جایگاه امام در نزد مردم ایران کرده و به آنها تفهیم کنند که تحت تأثیر القانات رژیم حاکم بر ایران، مرتکب اعمال غیر قابل قبول نشوند.

انتظار می‌رود که دولت همجوار ترکیه، مقدم میهمان عالی‌قدر خود را - که یکی از مراجع و شخصیت‌های بزرگ اسلامی می‌باشند - محترم شمرده و با تجلیل و تکریم از آن جناب، نام خود را در میان علاقه‌مندان به علم و تقوا سربلند نماید.^۵

و سپس، در همان روز و طی تلگرافی دیگر خطاب به حضرت امام، ضمن اعلام تأثر از تبعید ایشان، سعی کردند که با چند سطر، امام را در جریان بازتاب تبعیدشان در کشور قرار دهند.

توجه به متن تلگراف، معظّم‌له، شاهد گویایی است بر این که این مهم را، به زیبایی و بسیار ظریفانه و سیاستمدارانه انجام دادند.

تبعید آن جناب و مخاطره و محاصره منازل آقایان و توهین بعضی از مقامات و مطبوعات و وسایل تبلیغیه نسبت به مقام شامخ علمای اعلام و تهمت و افترای ستون پنجم بودن آنها، موجب تأثر عمیق حقیر و جامعه روحانیت و حوزه علمیه و ملت مسلمانان گردیده؛ به طوری که قلم عاجز از شرح آن است.^۶

به هر حال، رژیم شاه به لطف برخی مسایل پیش آمده، به پیروزی ظاهری دست یافت و توانست همچنان امام را در تبعید نگه دارد. امام علی‌رغم آن، نطفه انقلاب بسته شد و مردم مؤمن تحت رهبری مراجعی زنده و پویا، ادامه‌دهنده راهی شدند که به بزرگ‌ترین حکومت اسلامی، پس از حکومت چند ساله ائمه معصومین - علیهم‌السلام - منجر گشت.

آیت‌الله مرعشی از جمله این مراجع بزرگوار بودند که پس از تبعید امام، همچنان به مبارزه خود ادامه داده و در مقاطع مختلف و به انحاء ممکن، رهگشای مردم و روحانیون شدند. که برای نمونه، می‌توان به جوابیه معظّم‌له به استفساریه حضرت آیات عظام و حجج اسلام آقایان مهدی روحانی، ربّانی شیرازی، مکارم شیرازی،

می‌کنم تا کی از این زندگی ننگین توأم با اسارت، مستخلص شوم.^۱

به هر حال موضوع تبعید امام نیز، از مسایلی بود که در روند تأسیس حکومت اسلامی به‌وقوع پیوست و رهبران قیام فقط می‌باستی از آن بهره‌برداری بهینه نمایند.

خوشبختانه فرزانه‌گانی چون مرحوم آقا، از این فرصت‌ها به خوبی و زیبایی استفاده کردند و حرف‌های ناگفته را با صاحبان اصلی انقلاب در میان نهادند و کویر تشنه دل‌های مشتاق را آبیاری کردند: مراجع وقت در مواقع احساس خطر، ملت مسلمان ایران را متوجه ساخته و هرگز از امر به معروف و نهی از منکر، سکوت نخواهند کرد.^۲

معظّم‌له در دومین اقدام خود، نامه‌هایی برای علما و مراجع صاحب نفوذ نوشته و از آنان، استمداد کردند که برای آزادی امام، هر آنچه در توان دارند به کار گیرند.

از نمونه این مکاتبات، نامه‌ای است که خطاب به آیت‌الله حاج شیخ محمد تقی آملی مرقوم داشتند.

ظاهراً مفاد این نامه به قدری شدیدالحن بود که آیت‌الله آملی، در جوابیه خود متذکر شدند که به علت مضامین تندنامه مرحوم آقا، صلاح دیدند که عین دست‌خطشان را برای دربار شاه نفرستند.

می‌خواستم دست‌خط محترم را ارائه بدهم؛ بعضی از آقایان، به جهت فی‌الجمله تندی [ای] که داشت، صلاح ندیدند. [لذا] صورت تقاضای دیروز [حضرت عالی] را، بعضی از آقایان قم، استنساخ کردند.^۳

و یا می‌توان به جوابیه مرحوم آقا به نامه آیت‌الله العظمی میلانی اشاره کرد که در آن به وضوح نمایندگان مجلس شورای ملی را به تمسخر گرفتند.

واقعاً خنده‌دار است که در مجلسین، عوض این که به فکر بیچارگی مردم باشند، زبان به هتاک‌های یکی از شخصیت‌های بزرگ اسلامی [امام خمینی] و مراجع دینی و عالم روحانیت می‌گشایند، و بعضی مطالب اظهار می‌کنند که به مضار آن توجه ندارند.^۴

مفاد این گونه نظرات صریح در آن ایام خاص، که شاید در توان کثیری از خواص نیز نبود، نشان‌دهنده آن است که معظّم‌له، در انتخاب راهی که برگزیده بودند، هیچ‌گونه تردیدی نداشتند؛ و حتی بیش از بسیاری از بزرگان، مصمم بودند که با حضور در صحنه و جواب دادن به این اهانت‌ها، زمینه تشکیل حکومتی بر مبنای تعالیم اسلام واقعی را فراهم نمایند و نهضت کنونی مردم را به سرانجام برسانند.

سومین فراز از اقدامات آیت‌الله مرعشی نجفی در این مقطع از مبارزات، ارتباط مستقیم با امام و دست‌اندرکاران خارجی رژیم بود.

۱. اطلاعیه منتشره آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.

۲. همان.

۳. علی رفیعی، شهاب شریعت، ص ۵۹۹.

۴. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۲۶۷.

۵. فصلنامه میراث شهاب، ش ۱۵.

۶. متن تلگراف شماره ۴۴۳۹۷، سری ۵، مورخ ۱۳۴۳/۸۲۳.

مشکینی، مفتّح، جوادی آملی، جنتی، نوری همدانی، مصباح، جلال‌الدین طاهری، خزعلی، سبحانی و ... اشاره کرد.^۱

مراجع و علما که پس از تبعید امام، نمازهای جماعت و دروس حوزوی را تعطیل کرده بودند، تصمیم گرفتند که مجدداً به این سنگرها بازگردند. زیرا کارهای سیاسی، نه تنها هیچ منافاتی با نمازهای جماعت و اجتماعات هزاران نفری جلسات درس نداشت، بلکه می‌توانست خود، اهرمی برای فشار به رژیم و پیشبرد اهداف والا باشد. آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی نیز که در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه - سلام‌الله - تدریس داشتند، به احترام تصمیم شورا، همگام با خواسته عموم، در تاریخ هفتم آذر ۱۳۴۳ اقدام به بازگشایی جلسات درسشان گرفتند و بدین‌گونه وارد چهارمین فراز از اقدامات خود در این مقطع حساس شدند. اما قبل از شروع درس، بیانات مهمی ایراد فرمودند که در آن زمان، در روشن نمودن اذهان عمومی، نقش بسیار مؤثری داشت.

ایشان در این بیانات، ابتدا ناخشنودی خود را از شروع مجدد دروس اعلام کردند و علت قبول کردن این کار را، اصرار دوستان و مأخوذ به حیا شدن دانستند.

معظم‌له که هدفشان از ایراد این سخنرانی مفصل، پاسخگویی به ادعای بی‌اساس رژیم مبنی بر وابستگی روحانیون متعزّض به اجانب و نقض امنیت و تمامیت ارضی کشور بود، به زیبایی سابقه درخشان روحانیون را برشمردند و با بیست دلیل تاریخی و انکارناپذیر، تلاش روحانیون را در طول تاریخ برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور اثبات نمودند.

روحانیت اسلام، بالاخص روحانیت شیعه و مذهب حق جعفری، اهداف مقدّسه‌ای داشته؛ از جمله اهداف مهم این سلسله، دو چیز است: یکی، حمایت از احکام الهیه و حمایت از قرآن شریف و حفظ نوامیس اسلامی؛ و دیگری، حفظ استقلال و تمامیت این مملکت. از کثرت علاقه‌مندی به این آب و خاک، حاضر نبودند یک وجب از این آب و خاک از دست برود. شاهد زنده این مطلب، کتب تاریخ است....

قبل از صفویه، مراجعه بفرمایید به تواریخ مغول، به تواریخ سلاجقه، به تواریخ زمان عباسی‌ها.

بعد از صفویه هم که تواریخ فارسی موجود است.^۲

و آنگاه با شجاعت تمام، ضمن آن که حکام پرمدعای رژیم را مخاطب قرار داده و از آنان درخواست نشان دادن حداقل یک نمونه از این جان‌فشانی‌ها را در بین رجال خود می‌کردند، با جمله پرمعنا «چرا این قدر بی‌انصافید؟»، اقدامات امام را در راستای همین خدمات ارزشمند دانستند و با سوگند جلاله، شهادت دادند که هدف مشترک

همه علمای معتزّض، حفظ احکام شرعی و استقلال کشور می‌باشد. سید بزرگوار، المجاهد فی سبیل‌الله حضرت مستطاب آیت‌الله آقای خمینی - دامت برکاته - آیا ایشان و سایر علمای اعلام... هدفشان حفظ دین نبود؟... حفظ استقلال مملکت نبود؟ نمی‌گفتند کاری نکنید که ما سرشکسته شویم و مملکت به دست اجانب بیفتد؟... والله غیر از این نبود؛ بالله غیر از این نبود؛ تالله غیر از این نبود؛ با قسم جلاله عرض می‌کنم: هرکسی قلمی برداشت، هرکسی حرفی زد، تمام هدف همین است.^۳

متأسفانه در جریان تبعید امام نیز، مثل همه موارد مشابه، برخی از مطبوعات، به جای التزام به تعهدات حرفه‌ای خود، آلت دست رژیم قرار گرفتند و بستره توزیع و پخش اراجیف نسبت به مقام شامخ روحانیت شدند.

این اتهامات منتشره در مطبوعات، هرچند غیرواقعی بود، اما می‌توانست در صف منسجم مردم و مخالفان رژیم ایجاد رخنه کرده و افکار کسانی را که از رهبری مبارزات، شناخت کافی نداشته، آشفته نماید. پس لازم بود فردی سریعاً پا در میدان نهد و عامه مردم را از این تشکیک‌ها نجات دهد. فردی که مورد توجه و وثوق مردم باشد، از لحاظ علمی وزنه‌ای بزرگ محسوب شود، از تهمت‌های ارباب جراید نهراسد و مهم‌تر از همه آن‌که سر تعظیم هم در مقابل رژیم فرود نیاورد.

آیت‌الله مرعشی با همان جامع‌نگری وسیع خود، در این موضوع نیز با عزم راسخ، پا در میدان نهادند و با جمله کوتاهی، خط بطلان بر همه تحلیل‌ها و دموکراسی مورد ادعای شاه زده و اعلام کردند که اگر این اتهامات از طرف رژیم نیست و مطبوعات در ارائه نکته‌نظرات آزاد هستند، چرا اجازه ارائه نظر به جامعه مذهبی کشور داده نمی‌شود.

اگر نظر شخصی آزاد است، پس چرا نظر من سید آزاد نیست؟ من هم نظر شخصی خودم را می‌خواهم بنویسم، چرا آزاد نیست؟... تا حرف هم می‌زنی، مجرمی؛ تبعید است، حبس و شکنجه است.^۴

معظم‌له پس از آن، به همان شیوه عاطفی خود، خطابشان را متوجه ارباب جراید نمودند و پدرا نه به نصیحت آنان پرداختند.

عزیز من، در دنیا انصاف، خوب چیزی است، بالاترین

۱. متن منتشره استفساریه، به تاریخ ۲۷ شعبان ۱۳۸۴ (دی ماه ۱۳۴۳)

۲. متن سخنرانی نگارش شده معظم‌له در روز شنبه ۱۳۴۳/۹/۷ش، در مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه (س).

۳. همان.

۴. همان.

باشد، زیرا به ظاهر انتقال امام از مکانی مجهول در کشوری لائیک، به سرزمینی مقدس، خصوصاً در نزد ایرانیان شیعه که اماکنی چون عتبات عالیات را به خانه و اوطان خود ترجیح می‌دادند، می‌توانست شکستی برای رژیم وانمود شود و همین ظاهر قضیه، مردم را مدت‌ها از حال و هوای قیام دور نگه دارد و حتی می‌توانست به مرور زمان، آنها را از رهبری نهضت نیز غافل کند.

مأموران رژیم در تاریخ سوم مهرماه ۱۳۴۴ ش (برابر با نهم جمادی الثانی ۱۳۸۵ ه.ق) امام و فرزندانش را به عراق منتقل نمودند و با پخش شایعه در بین مردم و اعزام نماینده نزد مراجع، موضوع انتقال اختیاری! امام به عراق را به اطلاع آنان رساندند.

با خبر اسکان امام در جوار نجف اشرف، موجی از خوشنودی و آرامش در میان مردم پیدا شد و به خیال رسیدن به نتیجه نهایی، در کوی و برزن به یکدیگر تبریک می‌گفتند.

ترفند رژیم کارساز شد و می‌رفت که اعتراض‌ها را پایان دهد و زحمات چندین ساله مبارزان، برای استقرار اسلام واقعی را، عقیم نماید.

این بار نیز، مثل همیشه، این روحانیون، و در راس آنان، مراجع بودند که می‌بایست مردم را به کیفیت این ترفند آشنا کنند.

آیت‌الله مرعشی این بار هم چون گذشته ابتکار عمل را به دست گرفتند و از موضع یک مرجع مردمی، در جلسات متعدد خود با مردم، اعمال خلاف شرع و قانون رژیم را زیر سؤال برده و برده از این ترفند برداشتند. حتی از موضع یک شخصیت مورد توجه خواص نیز، وارد عمل شدند و محترمانه برای سایر رهبران مذهبی هم ارائه طریق نمودند. به عنوان نمونه می‌توان به تلگرافاتی اشاره کرد که برای مراجع طراز اول عراق ارسال نمودند.

همانا حضرت آیت‌الله خمینی - دامت برکاته - در مجمع شما رحل اقامت افکنده است. امید است آن چنان که از علمای بزرگ انتظار می‌رود در حق ایشان اقدام شود.^۴ این پیام‌ها، هر چند ظاهری معمولی داشت، اما در ورای خود، جواب شبهاتی بود که معظّم‌له از این طریق در پی رفع آنها بود:

رفع شبهه از ذهن مراجع عراق، که در مرجعیت امام هیچ شکی نیست. رفع شبهه از ذهن رژیم عراق، که امام در شرایط فعلی نیز تنها نیست. رفع شبهه از ذهن رژیم ایران، که راه مراجع از راه امام جدا نیست. رفع شبهه از اذهان مردم، که امام هنوز از تبعید رژیم شاه آزاد نیست. رفع شبهه از اذهان همه، که روحانیت اسلام، اهل مسامحه در

قاضی و بالاترین محکمه در دنیا، محکمه انصاف است. آخر چرا دل نمی‌دهید؟ چرا این قدر جریحه‌دار می‌کنید؟ ما حرفی نداریم، آخر دل به دل بدهید، ببینید حرف‌های ما چیست؟ ما مبارزه با چه می‌کنیم؟ مبارزه با این کانون‌های فساد است؛ مبارزه با این تبلیغات سوء است؛ مبارزه با مصوّبات ناروا است.^۱

به هر تقدیر، این عالم عامل وقتی متوجه شدند که شاه تحت پشتیبانی اربابان خود، بر موضع ناحقش پافشاری می‌کند و حاضر نیست امام را آزاد نماید، تصمیم گرفتند که لاقبل، به گونه‌ای از سلامتی امام مطلع شوند، دوستان نگران آن جناب را تا حدودی آرامش دهند.

در همین راستا، از علمای صاحب نفوذ خواستند که این موضوع را به گوش کاخ‌نشینان برسانند. جوابیه ذیل که از سوی یکی از علمای مقیم تهران برای معظّم‌له ارسال شد، مؤید همین مطلب است.

این موضوع را مذاکره، و گمان برده موافقت شود آوازده [حاج آقا مصطفی خمینی] را آزاد نمایند و برای ملاقات آقای آیت‌الله خمینی هم موافقت شد یک نفر برود.^۲

مرحوم آقا به محض وصول این نامه، فرزند ارشدشان را موظف نمودند که سریعاً مقدمات سفر خود را به محضر امام آماده کند. اما حضور درخشان این فقیه جامع‌الشرایط را در صحنه‌های مختلف مبارزه، مانع از موافقت رژیم برای اعزام آوازده‌شان شد و در نتیجه، نامه این یاور بزرگ انقلاب، توسط نماینده علما و مراجع، به دست رهبر معظّم نهضت رسید.

امام نیز در جوابیه‌ای، این چنین قدردان محبت شدند:

مرقوم محترم که حاکی از سلامت وجود شریف و حاوی مراتب محبت و مودت بود، موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت جناب‌عالی را از خداوند متعال خواستار است... از خداوند تعالی توفیق رضا به قضای الهی را خواستار است.^۳

تبعید حضرت امام به عراق

رژیم شاه که علی‌رغم بازداشت‌ها و شکنجه‌ها و ایجاد رعب و وحشت، دامنه اعتراضات را همچنان در حال افزایش و موقعیت رژیمش را نزد ملل مسلمان و آزادی‌خواه جهان متزلزل می‌دید، تصمیم گرفت که بدون دادن امتیازی خود را از این فشار سهمگین برهاند، لذا با توجه به تمایل دولت ترکیه، که از اعتراضات مردم آزادی‌خواه ایران و جهان به ستوه آمده بود، با رژیم حاکم بر عراق وارد مذاکره شد تا امام را به عتبات عالیات انتقال دهند.

این ترفند رژیم می‌توانست از جهاتی برای عموم مردم فریبنده

۱. همان.

۲. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۱۲۹.

۳. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۱۷.

۴. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۲۹۷-۲۹۵.

دین نیست.

و ...

به واقع شاید شهید حاج آقا مصطفی خمینی به همین نکات مثبت معظم‌له پی برده بودند که چند روز پس از ورود به عراق، طی نامه‌ای خطاب به ایشان، از اظهارات و موضع‌گیری‌های برخی مراجع، ابراز تأسف کردند و از معظم‌له تلویحاً خواستند که هدایت افکار روحانیون - و به تبع آن، همه اقشار مردم - را برعهده بگیرند.

سرکار عالی دستور فرمایید که وعظ محترم و خطبای معظم‌به این نکته [شایعه آزادی امام و پایان یافتن مبارزات که از سوی برخی مطرح می‌شود،] معترض شوند.^۱

اگر به این نکته توجه شود که فرزند امام، ابداً هیچ اقدامی را بدون موافقت امام، انجام نمی‌داد، باید اعتراف نمود که درخواست مذکور، نشان از جایگاه رفیع آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی و نقش برجسته ایشان در تداوم صحیح این شجره طیبه داشت. بالاخص اگر به بخش پایانی نامه فرزند امام هم توجه شود.

امیدوارم که خداوند مقداری از حسن نیت سرکار را به دیگران هم عنایت فرماید.^۲

در همین راستا، حضرت امام نیز، آیت‌الله مرعشی را مناسب‌ترین شخص تشخیص دادند تا مسأله تبعید بودنشان را تأیید و به اطلاع مردم علاقه‌مند برسانند.

امام در نامه خود به آیت‌الله مرعشی، انتقالشان به عراق را، اجباری و در ادامه سیاست تبعید خود ذکر کردند و از حوزه‌های علمیه - و به تبع آن، همه اقشار مردم - خواستند که همچنان به را خود ادامه دهند.

تشرّف حقیر به اعتاب مقدّسه، گرچه فوزی است عظیم، چه از لحاظ زیارت اعتاب مقدّسه ائمه اسلام - علیهم الصلوة والسلام - و چه از لحاظ تشرّف به حضور حضرات مراجع عظام و علمای اعلام و افاضل گرام حوزه علمیه نجف اشرف و کربلای معلی و دیگر اعتاب مقدّسه؛ لکن اهمّیت موقف در ایران ایجاب می‌کند که در صورت رفع منع از خدمتگزاری به ملت محترم و استقلال مملکت، به اسرع وقت مراجعت نموده، در غم و شادی ملت محترم ایران عموماً و حضرات اعلام خصوصاً شریک باشم.

امید است که حضرات فضلی عظام و مشتغلین حوزه‌های مقدّسه علمیه، خصوصاً حوزه قم، کمافی السابق به تحصیل علوم دینیّه و ترویج دیانت مقدّسه ادامه دهند و هیچ‌گونه تزلزلی به خود راه ندهند.^۳

تبعید حضرت امام به فرانسه

شاید بتوان انتقال امام به نجف اشرف را، از بزرگ‌ترین اشتباهات شاه در خصوص تبعید ایشان دانست. زیرا که روحیات خاصّ امام و مرجعیّت، حمایت کثیری از مراجع شیعی از ایشان، جوّ مذهبی مردم نجف، سکونت تعداد قابل توجهی از ایرانیان طلبه و غیر طلبه در آنجا و ... سبب شد که امام نه تنها به فعالیت‌های خود ادامه داد، بلکه دامنه‌اش را زیادتیر نموده و شعاع افشاگری‌ها را در سطح ایرانیان مقیم خارج از کشور و بلکه همه مسلمانان شیعی و غیر شیعی جهان نیز وسعت دهند.

شاه که بر اساس گزارش‌های مأموران ساواک و جاسوسان خارجی از فعالیت‌های امام در عراق آگاه شده بود، تصمیم گرفت که حکومت عراق را متقاعد نماید که وجود امام، برای حفظ امنیّت ملی آنان مضرّ است و مصلحتشان در اخراج سریع امام می‌باشد.

صدّام، معاون مقتدر رئیس جمهور عراق نیز در پی این ترفند و سوسه‌کننده، به بهانه ملاحظات امنیّتی و اظهار این مطلب که اقدامات امام، بر خلاف روابط حسنه دو دولت ایران و عراق می‌باشد، دستور محاصره منزل امام را صادر و کلیه رفت‌وآمدها را به بیت معظم‌له و خروج ایشان را از منزل ممنوع کرد.

امام، در پی این فشارها، تصمیم گرفتند که به کویت نقل مکان نمایند، اما به دلیل وابستگی حاکمان دست‌نشانده حاکم بر کشورهای اسلامی، نه تنها رژیم کویت، بلکه سایرین هم حاضر بر پذیرش امام نشدند.

آیت‌الله مرعشی در واکنش به این جسارت، اقدام به ارسال نامه خطاب به دو شخصیت رده اول مذهبی و ملی عراق نمودند و از آنان خواستند که با استفاده از قدرت خود، سریعاً نسبت به برگشت امام اقدام نمایند.

متن تلگراف ایشان خطاب به آیت‌الله العظمی خوبی چنین است:
با نگرانی خبر تبعید حضرت آیت‌الله العظمی خمینی را دریافت کردیم. خواهشمند است فوراً برای بازگشت ایشان اقدام فرمایید.^۴

و در همان روز خطاب به احمد حسن البکر، رئیس جمهور عراق هم نوشتند:

تلگرام وحشتناکی به ما رسیده است که حاکی از تبعید حضرت آیت‌الله العظمی خمینی است. خواهشمند است خیلی فوری ترتیب بازگشت ایشان را به محلّ اقامت

۱. شهاب شریعت، ص ۶۰۳.

۲. فصلنامه میراث شهاب، ش ۱۵.

۳. صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۲۷.

۴. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۵۲۸.

قبلی‌شان فراهم سازید.^۱

و فردای آن روز در اطلاعیه‌ای مشترک با دو تن از مراجع قم، رسماً مردم ایران را در جریان وقایع اخیر قرار داده و به صراحت و شجاعت اعلام کردند که عواقب این توهین آشکار دولت عراق، وخیم و نابخشودنی است.

ملت مسلمان [ایران] و مردم جهان، این اقدامات را مانند دیگر اعمال دولت کنونی عراق علیه حوزه علمیه بزرگ نجف اشرف و مقامات برجسته روحانی، جز به دستور استعمار و مخالفین اسلام ندانسته و عواقب آن را وخیم و نابخشودنی می‌شمارد.^۲

ایشان که به خوبی می‌دانستند بازی‌گردان اصلی این سناریو، شخص شاه می‌باشد، در کمال قاطعیت اعلام نمودند که اگر حکومت ایران، راست می‌گوید و دامن خود را از این ننگ مبرا می‌داند، رسماً عدم رضایش را اعلام کند و گرنه، اطمینان می‌دهیم که آنی از وظیفه دینی خود کوتاهی نخواهیم کرد.

... جامعه روحانیت، مجاهدات خود را در راه پیشرفت مقاصد دینی تعقیب [کرده]... و به یاری خداوند متعال به وظایف دینی خود عمل خواهند نمود.^۳

اما مشیت الهی به این تعلق گرفت که ندای حق طلبانه ملت غیور ایران، در آستانه پیروزی خود، به جهان غیر مسلمان هم برسد. لذا دست تقدیر، در چهاردهم مهرماه ۱۳۵۷ امام را به فرانسه رساند. آیت‌الله مرعشی بلافاصله پس از اطلاع از محل استقرار امام، تلگرامی خطاب به معظم‌له، ارسال نمودند و تأثر شدیدشان را از این موضوع اعلام کردند.

از پیشامد ناگوار نسبت به آن جناب که در اثر فشار حکومت عراق مجبور به ترک آن کشور شده‌اید، فوق‌العاده متأثر هستم. از خداوند کفایت مهمات مسئلت می‌شود.^۴

و در همان روز در تلگرامی دیگر خطاب به رئیس جمهور فرانسه، با یادآوری مقام شامخ امام و جایگاهشان در نزد ملت مسلمان جهان، درخواست کردند که نسبت به ایشان حد اعلای میهمان‌نوازی را انجام دهند.

میهمان محترمی به آن جناب و ملت فرانسه وارد شده و آن، حضرت آیت‌الله خمینی دامت برکاته [است] که از نظر جامعه روحانیت شیعه و ملت مسلمان جهان، خاصه عالم تشیع، از احترام خاصی برخوردارند. لذا روحانیت رجای واثق دارد که حضرت عالی و ملت نجیب فرانسه، میهمان‌نوازی را به حد اعلای، به مرتبه کمال برسانید.^۵

این نامه به ظاهر معمولی، حاوی پیام‌های بسیار مهمی بود، معظم‌له با ارسال پیام به بالاترین شخصیت سیاسی فرانسه، اولاً به جهانیان اعلام کردند که این سفر یک سفر مذهبی یا توریستی و ... نیست، بلکه یک مسافرت اجباری و کاملاً سیاسی می‌باشد. ثانیاً به همه، اطلاع مجدد دادند که امام، نه تنها مورد تأیید ملت و روحانیت ایران، بلکه مورد احترام همه مردم مسلمان جهان و روحانیون اسلام می‌باشد. ثالثاً به دولت فرانسه هشدار دادند که امام، میهمان شماس و نباید‌گزندی از طرف عوامل رژیم ایران و استعمار جهانی به ایشان وارد شود.

معظم‌له، صرفاً به این پیام‌ها اکتفا ننمودند و جهت ارج نهادن به افکار بلند امام و مخالفت عملی با اقدامات خلاف شرع و قانون دول دست‌نشانده حاکم بر ممالک اسلامی، فرزند ارشدشان را به همراه نامه‌ای به حضور امام اعزام نمودند.

حجت‌الاسلام و المسلمین سید محمود مرعشی در شانزدهم مهرماه ۱۳۵۷ وارد فرانسه شدند^۶، و سلام و نامه پدر بزرگوار خود را تقدیم امام کردند.

امام نیز در راستای ارتباطات خاص و صمیمی خود با آیت‌الله مرعشی، از طریق معظم‌له، وظیفه همه مردم ایران را ابلاغ فرمودند. این جانب به واسطه فشار عراق [و] به تصویب شاه معلوم الحال که مملکت اسلامی را تا سر حد سقوط رسانده است، از نجف به خارج آمده بلکه بتوانم برای این ملت محروم کاری بکنم. ما همه موظف هستیم که از پانزدهمین تا سقوط سلسله بی‌حیثیت پهلوی.^۷

و همین عزم راسخ و حمایت‌های بی‌بدیل بود که در کمتر از چند ماه بعد، به یاری خداوند متعال، بزرگ‌ترین معجزه قرن به منصه ظهور رسید.

۱. همان، ص ۵۲۹.
 ۲. نهضت روحانیون ایران، ج ۹، ص ۱۲۳.
 ۳. همان.
 ۴. فصلنامه میراث شهاب، ش ۱۵.
 ۵. همان، ص ۵۳۸.
 ۶. روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۷/۷/۲۳.
 ۷. صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۲۴.

بازتاب دیدار

بازتاب دیدار

بازتاب دیدار

بازتاب دیدار

بازتاب دیدار

حوزه‌های علمیه، دبیران، دانشجویان و دانش‌پژوهان، کتابداران، افسران و نیروهای نظامی و انتظامی، خانواده‌های شهدا و شخصیت‌های حقیقی و حقوقی بودند. آنچه در پی می‌آید اظهارات برخی از بازدیدکنندگان است که بر دفتر یادبود کتابخانه نقش بسته؛ دفتری که آئینه‌سان عشق و شیفتگی به این گنجینه ماندگار را می‌نمایاند.

فکری طونا، محقق مسلمان اهل ترکیه

فرستی بود که بتوانم از کتابخانه مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی واقع در شهر قم بازدید به عمل آورم. بی‌شک عظیم‌ترین فرصتی بود که در طول زندگی برای من فراهم شد. متکامل بودن این کتابخانه از تمامی جهات آن را به صورت معجزه‌ای در آورده؛ مخصوصاً این که بدانیم بنیانگذارش یک نفر، آن هم بزرگ‌مردی به نام مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی بوده است.

* * *

در زمستان سال جاری (۱۳۷۹ ش) ۲۰۶۱ نفر در قالب ۸۲ گروه، از کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی - قدس سره الشریف - بازدید کردند؛ که از این میان ۷۲ گروه (۱۹۹۰ نفر) داخلی، و ۱۰ گروه (۷۱ نفر) خارجی بودند.

بازدیدکنندگان خارجی از کشورهای مصر، ژاپن، ایتالیا، قزاقستان، آلمان، نیوزلند، پاکستان، امارات متحده عربی، بوسنی و هرزگوین بودند؛ که اهم میهمانان خارجی، سفرا و شخصیت‌های برجسته علمی فرهنگی، محققان و اندیشمندان، رؤسا و مدیران مؤسسات، طلاب و روحانیون غیرایرانی و ... بودند.

میهمانان داخلی نیز از شهرهای قم، تهران، کرج، یزد، رباط کریم، بندرعباس، کاشان، شهریار، ورامین، خوی، مشهد، آران بیدگل، سمنان و نجف‌آباد بودند، که اهم میهمانان داخلی را محققان، استادان و اندیشمندان، مدیران و رؤسای وزارتخانه‌ها و نهادها، طلاب

طبیعی و احتمالی محفوظ بماند. حقیقتاً نظم و عظمت کتابخانه ما را غافلگیر کرد. خداوند جزای خیر به مؤسس راحل این مجموعه عظیم عطا فرماید. وجود این کتابخانه، بهترین ثواب و بهترین کار نیکی است که می‌توانست دربارهٔ خدمت به علم و طلاب علوم دینی و اسلام و مسلمین انجام گیرد. والله ولی التوفیق.

پروفسور دکتر رشید حافظویچ

استاد دانشگاه علوم اسلامی ساریو (بوسنی)

در حالی که کتابخانهٔ عظیم حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی را در شهر قم بازدید می‌کردم، بار دیگر معنی دین - این حقیقت زنده - را در آنجا دیدم. با این‌که علم الهی تنها علم همیشگی و مطلق است، باید بگویم که علم بشری که در کتاب‌ها و دستخط‌ها آرمیده است، هرچند نسبی است، اما وسیع است.

پروفسور عندنان سیلاچیچ استاد دانشگاه علوم اسلامی ساریو (بوسنی)

در شهر مقدس قم، مرکز معنویت حقیقی اسلامی برای اولین بار توانستم عظمت اسلام را در کتابخانهٔ حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی مشاهده کنم؛ و با کتاب‌های کلامی، فلسفی و عرفانی مسلمانان آشنا شوم. وجود این ذخایر، عظمت مسلمانان را در ردیف مشهورترین نظام‌های فرهنگی در نسل امروز بشری قرار داده است. چیزی که من

را شگفت زده کرد، نه تنها تعداد کتاب‌هاست بلکه کمال حفاظت و نگهداری این ذخایر، از طرف مسؤولان است.

محمد فتحی رفاعه طهطاوی،

سفیر مصر

به دنبال دعوت کریمانهٔ جناب دکتر سید محمود مرعشی نجفی، شرفیاب بازدید از کتابخانهٔ مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی - ره - شدم. و از نزدیک تلاش‌های بزرگی که جهت حفظ ذخایر مکتوب امت اسلامی در کلیهٔ علوم و فنون از سراسر جهان جمع شده بود، دیدن کردم. همچنین جدیدترین دستگاه‌های پیشرفته را، که جهت مرمت و

سید محمد حسین و محمد حسن درهمی و آقای حمید رضا طوسی از نیوزلند

خدای سبحان را شاکریم که توفیق رفیق شد بعد از سال‌ها از این کتابخانهٔ ارزشمند دیدن کنیم. سرافرازی زائدالوصفی بما دست داد تا دست‌آورد سال‌ها رنج و پشتکار عالم گرانقدر، فقیه بزرگ تشیع، را که نه با چشم سر بلکه با چشم دل ببینیم؛ و آن آثار ارزشمند و گران‌بهای گذشتگان بوده؛ باز مفتخریم که در خدمت مکتبی بزرگ شدیم که این چنین بزرگانی را در دامان خود پرورش داده است.

دکتر عبدالغنی عاشور، جانشین شیخ ازهر دکتر نصر فرید واصل، مفتی اعظم مصر

بعون‌الله و توفیقه، خدا را سپاس از توفیق بازدید کتابخانهٔ بزرگی که به دست حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) بنیان نهاده شده است. از نزدیک تمامی بخش‌های آن را بازدید کردیم؛ دریافتیم که این کتابخانهٔ بزرگ و منحصر به فرد با وجود ذخایر و کتب خطی اسلامی و غیر، در انواع علوم و فنون، در خدمت پژوهشگران و محققان و طلاب علوم دینی قرار می‌گیرد. این کتابخانه کاملاً مجهز به امکانات پیشرفتهٔ کتابخانه‌ای است؛ اعم از ترمیم و تجلید، آفت‌زدایی (بیمارستان کتاب) و هر آنچه که در حفظ کتب خطی تأثیر دارد، همچنین گنجینهٔ خطی ساختمان جدید که در آن تمامی امکانات حفاظتی روز به روز علمی طراحی شده، تا از بلاهای



موتوی کتابخانه و آقای رفاعه طهطاوی (رئیس دفتر حفاظت از منابع مصر، در تهران)

میکروگرافی - روشی برای آسان نمودن استفاده محققان - در نظر گرفته شده بود، مشاهده نمودم. زبان و قلم از تشکر و قدردانی عاجز و قاصر است، تا بتواند شگفتی اینجانب را از تلاش‌های بزرگی که تصور آن به آسانی میسر نیست بیان کند. برای بیان تلاش و خلوص بنیانگذار کتابخانه و عشق فراوان وی به علم و دانش همین اندازه کافی است که بدانیم امام مرعشی، ضمن روزه‌داری، بیست ساعت از روز را بدون غذا مانده و با این حال مال خود را صرف خرید و جمع‌آوری کتاب‌های نایاب می‌نموده است. درباره اهمیت علم چه خوش گفت پیامبر اکرم - صلی‌الله‌علیه‌وآله: «اطلبوا العلم ولو فی الصین؛ دنبال کسب دانش بروید هرچند که در چین باشد.» همچنین فرمودند: «اگر انسان بمیرد نام و عمل او منقطع می‌شود مگر به وسیله سه چیز: ۱. صدقه جاریه، ۲. علم مورد انتفاع، ۳. فرزند صالح؛» که ایشان از هر سه بهره‌مند بودند؛ از خداوند مسئلت دارم که آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی را غریق رحمت خویش قرار داده و او را در بهشت برین جای دهد و تلاش‌های فرزند ارشد و جانشین و حامل پرچم او جناب دکتر سید محمود مرعشی - را مبارک بدارد. و هو من وراء القصد و هو ولی التوفیق.

آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی - ره - در تاریخ ۲۹ بهمن ماه ۱۳۷۹ توفیقی حاصل شد تا از آثار و میراث ارزشمند و ماندگار آن عزیز بازدید داشته باشیم. خداوند را بسیار شاکریم که این میراث ارزشمند توسط فرزند بزرگوارشان، جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای سید محمود مرعشی، به نحو شایسته‌ای حفظ شده و توسعه یافته است. امیدوارم این مرکز مبارک همانند حوزه مقدسه علمیه قم، مرکز نشر معارف اسلامی باشد و برای همه مشتاقان و ارادتمندان امام و انقلاب اسلامی، محل مراجعه و استفاده مستمر باشد. لازم است گرامی بداریم یاد رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی - ره - را که این کتابخانه عظیم با دستور و فرمان مبارکشان بدین صورت توسعه یافته است. ان شاء الله همه استفاده کنندگان این مرکز عظیم فرهنگی در هر زمان یاد این امام همیشه جاوید، و نیز مرجع فقید شیعیان (حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی - ره -) را گرامی بدارند.

کامل سلمان الجوری، سردبیر مجله «الذخائر» لبنان

و بنیانگذار «موزه اسناد» در نجف اشرف و مدیر سابق آن

خداوند بر من منت نهاد و توفیق شرفیابی بازدید از کتابخانه

عظیم حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی - ره - را به من عطا فرمود. برای اینجانب مشخص گردید که این بنای عظیم فقط یک کتابخانه عمومی نیست، بلکه می‌توان آن را «دولت کتاب» نامید. که بر پایه‌های تقوی و خدمت به علم و دانش استوار گردیده است. از خرید ذخایر گرفته تا سرویس‌دهی و مرمت و طریقه محافظت آن، امری است عظیم که ممکن است برای برخی دولت‌ها میسر نباشد. خداوند منان اراده نمود که این مهم بر دوش آیت‌الله‌العظمی مرعشی - ره - قرار بگیرد. آنچه مایه افتخار و مباهات است، این است که فرزند بزرگوار ایشان جناب دکتر سید محمود مرعشی با



شیخ عبدالغنی عاشور، دکتر نصر فرید و اصل، آیت‌الله‌واعظ‌زاده خراسانی (دبیر کل مجمع تقریب) و ... در معیت متولی کتابخانه

دکتر سید احمد حسینی

با گرامی داشت یاد و نام ارزشمند مرجع بزرگ، فقید مرحوم

گام‌های استوار راه آن عزیز را ادامه می‌دهند؛ از خداوند منان مسئلت دارم که مسلمانان بتوانند از این ذخایر، استفاده بهینه بنمایند.

فرانچسکو.م، باستانی، هماهنگ‌کننده فعالیت‌های سازمان ملل متحد در جمهوری اسلامی ایران
 کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی - ره - یک شاهد و دلیل فوق‌العاده روشنی است بر بینش یک فرد و تعهد و علاقه او به مردم؛ زیرا این ارادت از دیدگان مردم و نوشته‌های آنان نیز دیده می‌شود. بازدید از این کتابخانه یک تجربه بود که حرکت پرشوری را در من به وجود آورد و باعث شوق و شغف من شد. تبریکات قلبی من به تمام کسانی که باعث به وجود آمدن این مجموعه عظیم فرهنگی شدند و آن را فراهم کردند.

همچنین روح بنیانگذار این مجموعه عظیم را غریق رحمت واسعة خویش قرار دهد و فرزند بزرگوارش را مؤید بدارد.
 و نحمده علی هذا التوفیق

پروفسور امان ژول قازابیک، رئیس دیپارتمان اقتصاد سیاسی و تاریخ اکادمی حقوق قزاقستان در آلماتی، با همراهان (میهمانان و دعوت‌شدگان کنفرانس «فلسفه در حیات انسان»)
 نیاکان بزرگوار ما فرموده‌اند: «همه چیز در جهان محدود است و به پایان می‌رسد و می‌میرد؛ آنچه جاودانی است و آثار ارزشمند



دکتر سید محمود مرعشی و سفیر جدید آلمان با همراهان

علماست.» کشور ایران، کشور بزرگی است که در فرهنگ جهانی سهم ارزنده‌ای داشته است. فقط چنین ملتی می‌تواند ارزش‌های واقعی دست نوشته‌ها و ذخایر اسلامی را دریابد و محترم بدارد. به نظر ما بنیانگذار این کتابخانه (حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی - ره -) برای همه جهانیان نمونه بارزی است که تأثیر بسیاری در زمینه علم داشته و ما نیز آن آثار ارزشمند را مشاهده کردیم و آن را برگرفتیم.

حضور انور جناب آقای دکتر مرعشی نجفی

با عرض سلام و ارادت و سپاس از ارسال مجلد ۲۸ فهرست کتب خطی، من می‌پندارم کس دیگری، تا این حد در اعتلا و برپاداشتن مقام علم و خدمت به مطبوعات که آن جناب بر آنند، نباشد. عشق، پشتیبان شخص شما است؛ وگرنه این همه آثار و جمع کتب و فهرست‌ها از شخص عادی ساخته نیست؛ من خود شیفته کتابم، اما نه در حد جناب‌عالی. گاهی با خود افسوس شاعر عرب را زمزمه می‌کنم، که بخود می‌گوید:

عزیزُ علینا کُتُبنا وهی بَعَدنا تُبَاعُ بفلسی أوترامُ بزایویه

و برای اینکه این ندامت نباشد، کار جناب‌عالی بهترین درس است. مجموعه کتب، وقف عام و نفع عام؛ و صدقه جاریه، آن‌هم اشاعه علم. امید که علم‌پروری شما صدقه جاریه و علم منتفع به عامه خلایق را بوده باشد و ما را از دعای خیر فراموش نفرمایید.

ارادتمند- سید محمدتقی کتابی

جناب آقای سید محمود مرعشی نجفی

تولیت محترم کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی
با عرض سلام

عطف به نامه ۴۲۳۷ مورخ ۱۳ فوریه ۲۰۰۱، جلد بیست و هشتم فهرست دریافت گردید. بابت لطفی که در حق بنده دارید، بسیار ممنونم. کیفیت فهرست نویسی در این جلد به مراتب بهتر است. مخصوصاً ویژگی‌های نسخه را متذکر شدن بسیار مفید است.

از نواقص دوره فهرست سؤال شده است. متأسفانه جلد‌های ۲۶ و ۲۷ به کتابخانه بنده نرسیده است. اگر این دو جلد را نیز ارسال دارند، دوره من تا اینجا کامل می‌شود.

تذکره نسخه زیبای جهانگیر از انتشارات شما را هرچه به دوستان در تهران سفارش داده‌ام، آنان موفق نشدند که تهیه کنند. تقاضای مکرر موجب شرمندگی و مایه خجلت است، اما چاره‌ای ندارم که متوسل به دامان حضرت عالی شوم و نسخه‌ای درخواست کنم.

این دفعه از سوی کتابخانه، نامه انگلیسی برای من فرستاده شد. لطفاً مرا «خارجی» حساب نکنند. انس من با فارسی بیشتر است تا با انگلیسی.
عارف نوشاهی

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای سید محمود مرعشی نجفی

رئیس محترم کتابخانه معظم حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی (ره)

سلام علیکم

احتراماً به استحضار می‌رساند جناب آقای شونبرن، اسقف اعظم اتریش، از تاریخ ۷۹/۱۱/۲۹ لغایت ۷۹/۱۲/۴ میهمان این سازمان خواهند بود. بر اساس برنامه‌ریزی معموله و در راستای تحقق اهداف بین‌المللی گفتگوی بین ادیان و آشنایی ایشان با ذخایر و گنجینه‌های گرانسنگ تشیع و حوزه‌های علمیه، مناسب خواهد بود در روز چهارشنبه مورخ ۷۹/۱۲/۳ نامبرده از کتابخانه معظم دیدار نموده و با منابع عظیم لمی آن آشنا شوند.

ابلاغ موافقت حضرت‌عالی موجب مزید امتنان خواهد بود.

سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

محمد علی تسخیری

مدیر مسؤول محترم نشریه میراث شهاب

با عرض تبریک سال امام علی - علیه‌السلام - به همه عاشقان امامت و ولایت و همچنین آرزوی سلامتی و موفقیت برای جنابعالی و همکاران محترمان بدین‌وسیله از حضرت‌عالی و کلیه عزیزانی که ما را در برگزاری نمایشگاه مطبوعات یاری نمودند و با ارسال نسخه‌ای از نشریات خود بر شکوه این نمایشگاه افزودند و زائرین آستان مقدس و منور حضرت ثامن‌الحجج علی‌بن موسی‌الرضا - علیه‌السلام - را در جوار بارگاه مطهرش به بهره‌جویی از مطالب متنوع و مفید این نشریات ارزشمند فراخواندند، صمیمانه تشکر و سپاسگزاری نموده، در جوار مضجع شریف حضرت رضا - علیه‌السلام - دعاگوی همه مساعدت‌کنندگان در این اقدام مفید فرهنگی می‌باشیم. اضافه می‌نماید که نشریه شما به‌همراه بیش از پانصد عنوان از مجلات و نشریات اهدایی دیگر در شهریورماه و ایام ولادت حضرت امام رضا - علیه‌السلام - و دهه مبارکه فجر جمعاً به مدت دوماه کامل در صحن قدس و رواق زیبای دارالرحمه مورد استفاده عموم زائرین عزیز قرار گرفت و در سایر ایام در معرض دید زائرین غیر ایرانی و توریست‌ها قرار داده شد؛ که ضمن نمایش تنوع مطبوعات داخلی، بسیار مورد استقبال غیر ایرانیان نیز واقع شد؛ آنچنان‌که بسیاری از مقالات، نسخه‌برداری و یا خلاصه‌ای از آن ترجمه و در اختیار غیر ایرانیان قرار می‌گرفت. به‌هر صورت ضمن بیان تأثیر مثبت و مفیدی که این اقدام فرهنگی در ابتدای کار داشته است امیدواریم که در تداوم کار و کسب نتایج بهتر، همچنان ما را در ارسال یک‌نسخه از نشریات ارزشمند خود یاری‌نمایید. این مساعدت در معرفی نشریات نیز بالاخص در ایام زواری عید و تابستان مؤثر خواهد بود.

با تشکر مجدد

محمد باقر دهقان‌زاده

رئیس اداره روابط بین‌الملل

دانشمند محترم، حضرت حجت‌الاسلام، جناب آقای محمود مرعشی نجفی، ریاست محترم کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی - ره -

با سلام و احترام

ضمن ابراز تشکر به‌خاطر ارسال نامه جوابیه جناب‌عالی به درخواست دبیرخانه کنگره بزرگداشت هشتصدمین سالگرد تولد خواجه نصیرالدین طوسی، به آگاهی می‌رساند از این‌که سعادت پذیرایی از جناب‌عالی در روزهای برگزاری همایش رانیافته‌ایم بسیار مغمو می‌باشیم. نظر به احاطه و سیطره جنابعالی در باره متون کتابشناختی، بسیار سپاسگزار خواهیم شد چنانچه ترتیبی اتخاذ فرمایید تا مقاله حضرت‌عالی - که بدون شک مایه غنای همایش خواهد شد - توسط نماینده شما در همایش قرائت گردد؛ لذا خواهشمندیم از هم‌اکنون نسبت به تهیه مقاله عنایت فرموده و چکیده‌ای از آن را به دو زبان فارسی و انگلیسی برای انتشار در کتب خلاصه مقالات به دبیرخانه همایش ارسال فرمایید. پیشاپیش از بذل توجه آن بزرگوار قدردانی و سپاسگزاری می‌نمایم.

با احترام
دبیر برگزاری همایش

دکتر علی عجب‌شیری‌زاده

حضرت آیت‌الله سید مرتضیٰ نجومی، از دانشوران و فرهیختگان حوزه، نامه پربریگی و باری خطاب به ریاست و تسولیت محترم کتابخانه مرقوم داشته‌اند که در بیخ آمد عین دستخط ایشان آورده نشود. معظم له - که به چندین دانش و هنر آراسته است - در خوشنویسی نیز از خبرگان فن است و به رسم یادبود مناسب نمود که این هنر ایشان در کانون توجه خوانندگان قرار گیرد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جناب مُسْتَطاب سید العلماء المحققین حجة الإسلام والمسلمین علامه عالم‌القدر آقای دکتر حاج سید محمود مرعشی دامت برکاته ،
 انشاء الله تالی حال جناب عالی و سایر عزیزان در کمال صحت و سلامت بوده ،
 ملائی در خاطر شریف نباشد . نخل و شرمسارم که مرحمتی‌های آن جناب
 « اعداد فضلنامه شهاب » مرتب به بنده رسیده و توقفا اعلام وصول و
 عرض ارادت و اخلاص حاصل نشد تا مرحمتی بسیار گرانقدر و ارزنده و شگفت‌انگیز
 مجموعه « المسلسلات فی الإجازات » عز وصول ارزانی داشت . براسنی چه
 باید گفت و این همت‌های بی‌نظیر و بی‌پایند روزگار را چگونه باید توصیف و ارج
 نهاد . چه کسی تاکنون چون حضرت عالی این همه خدمت بی‌پایند و بی‌نظیر را
 بمالم اسلام و تشیع نموده است و سبحان الله از مصیبت عجب معاصرت که
 همیشه دامنگیر بزرگان و فرهیختگان بوده است و خواهد بود . ابانوق
 امتناع نفوس مریضه و خود پسند از خضوع و خشوع در برابر بزرگی‌های شگفت‌انگیز
 و عظمت خیره‌کننده شایسته‌بگم‌های نوابغ روزگار چند روزی و صباحی پیش
 نهست . اما عظمت و نبوغ آن بزرگان چون فله سربفک کشیده همیشه استوار
 و پابرجا در سرفغانی و تعالی و اجتهاد و کوشش بآیندگان میده‌د و خوشایرانانکه

چنین بزرگانی را اسوه پذیرند و راه و روش یاد گیرند . طلاب جوان حوزه های علمیه اکنون با همه گرفتاریها آگاه به سخنهای علماء سابقین نیستند که با چه مشقات و خرد دلهای دیرین و بخت مشغول بوده و با چه کوششها کتابهای خطی را بدست میآوردند و چه مدتها که جستجو میکردند تا حدیثی و مطلبی را در مجامیع خطی بدون فهرست و ارقام صفحه بیابند و ثبت و ضبط نمایند .

و اسفا اکنون همه گونه اسباب کار موجود است و همتی برای رسیدن به مقامات عالیه نیست . چه بجاست بنوجوانی بنگرند که شب و روزها ^{بل} به مطالعه و بحث و تحقیق و تتبع است و لحظات و آنات عمر خود را سپرده و بی مطالعه نگذرانند به بان روز محتاج است اما برای دست یابی به نسخه ای نفیس و خطی نماز استیجاری قبول کند و چه مدت زمان باید محروم از پژوهش و تتبع گردد تا این عمل استیجاری تمام شود . بلی اینانند که خداوند متعال به آنان لیاقت مرحمت تقلید و زعامت پژوهش و تحقیق و سیادت مشایخ اجازه عنایت فرماید . و در سایه جهاد و اجتهاد و زهد و تقوا و عشق به حرم امامت و ولایت بدست مبارک او این چنین گنجینه پر بار و سرمایه عظیم دینی در اختیار علماء و دانشمندان و محققان و دوستداران علوم دینی و عاشقان فرهنگ و هنر عالم اسلام قرار میگیرد . عمر پر برکت و مبارک آن مرد بزرگ

شفا هین حیاة طاهری نورد . بلکه بمقتضای فلنجینده حوہ طیبہ و حدیث شریف
 نبوی منقول از کثر الفوائد کراچی : اِذَا مَاثَ الْإِنْسَانِ انْفَطَعَ عَمَلُهُ الْإِمِينُ
 ثَلَاثٌ : إِلَّا مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ . أَوْ عِلْمٍ يَنْتَفِعُ بِهِ أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُوهُ .
 کتابخانه و نالیفات و مدارس و حسینیه ها و بیت شریف بابی است نام
 نامی و مبارک آن جناب زنده و پاینده است .

حضرت علامه عالیقدر جناب آقای مرعشی ، خوشحال شما که با این همه
 صدقات و کتب و احفاد و اولاد مصداق اتم و مجلای اهل این فوضائید ،
 چه صدقه جاریه ای بهتر از شما و چه کتابی نافعتر از وجود شما و چه فرزندی
 اصلح از شما . والد معظم بزرگوار بی نیاز از هرگونه تشریف و غنی از هر نوع
 تجیدی است . کلمات اعلام محققین و اعاظم علماء و مجتهدین در کتابهای
 الإجازة الکبریة و المسلسلات و شهاب شریعت در حق آن جناب شاهی
 بزرگ بر عظمت مقام وی است و همگان واقف و عارفند و نیازی به بازگویی
 نیست . اما برای چه زبانهای می‌توانند ثناگوی خدمت عظیم و
 شگفت انگیز و بهت آور ایشان در ناسپس و ایجاد کتابخانه عظیم الشان
 باشند . کتابخانه ای که حاصل عمر گرانهای مرجعی عالیقدر و مایه آبرو و عزت
 اسلام و انقلاب و حوزه و کشور اسلامی ایران است . در روزگاری که

میراث فرهنگی و هنری جاویدان اسلامی و شبی به ناراچ خارچیان می‌رود
 یک نه فایم می‌کند و با عدم بضاعت مالی چنین گنجینه‌ای که ثروت‌های
 عالم به ارزش آن نرسد فراهم می‌آورد و بازحات شبانه روزی و گردآوری
 این همه نسخه‌های بسیار کهن و نفیس و ارزشمند از سده‌های نخستین اسلام
 تا عصر حاضر از ناراچ آنها در برابر هجوم بیگانگان جلوگیری می‌نماید. جهان
 تشیع باید بخود افتخار کند که چنین خزینه گرانبهائی را دارد.

سبقت دنیای اسلام با کتاب و کتابخانه راهه محققان و پژوهشگران
 میدانند. کتابخانه حاکم فاطمی عزیز ابن المیزان فایم یک میلیون و سیصد
 هزار جلد کتاب داشته است. بافت حموی از کتابخانه مرو سخن گفته و
 اشاره کرده که از این کتابخانه‌ها یکبار در نزد وی بیش از دو سبقت جلد
 کتاب به امانت بوده است. چه بسیار کتابخانه‌های شخصی که در بردارنده
 فرهنگ و معارف مکتوب اسلام بوده است. چون کتابخانه ابو محمد
 حسن بن موسی نوبخنی، محمد بن مسعود عیاشی، کندی، جاحظ، شریف
 رضی، شریف مرثی ابوالمثنی، فتح بن خافان، ابو محمد حسن مهلبی وزیر،
 علی بن احمد عمرانی، ابو عبدالله محمد بن عمرو اودی اسلمی، ابو الفضل محمد بن
 عمید وزیر کاتب، صاحب بن عباد، جمال الدین ابو الفرج، ابن الجوزی،

کتابخانه‌های آل بویه ، عمادالدوله ، بهاءالدوله - عضدالدوله ، ابونصر شاپور
 بن اردشیر ، کتابخانه دارالعلم طرابلس شام ، و بسیاری از کتابخانه‌ها که
 قبل از مغول بوده اند ، اهمیت کتاب و کتابخانه سبب بود که در شهرهای
 بزرگ اسلامی بازارهای کتاب و کاغذ فروشها و « اسواق الوراقین »
 بوده است ، به گونه که در بازار وراقان بغداد در قرن سوم هجری
 بیش از صد کاغذ فروشی بود . شهرهای بزرگ اسلامی چون بغداد ،
 قاهره ، قرطبه ، ~~مصر~~ ، و سمرقند بازارهای کتاب و سوق الوراقین ^{شنبه} داشته
 است ، مفریزی در خط مینویسد در قاهره بازار وراقان معروف بود
 و اکنون نظری به کتابخانه‌های معروف و بزرگ دنیا که نسخه‌های خطی
 اسلامی در آنجا گرد آمده است بپردازیم تا در بابیم که شاید سه چهارم نسخه‌ها
 خطی کشورهای اسلامی در کتابخانه‌های کشورهای غیر اسلامی گرد آمده است
 آنچه که دل هر مسلمان غیرتند را خون و جانش را آتش میزند اینست که در
 کتاب « جوله فی دور الکتب الامریکیه » تألیف استاد پژوهشگر گورگپس
 عواد ص ۴۶ چنین میخوانیم : دکتر حقی بن خیرداد که دانشگاه پرینستون
 آمریکا در سال ۱۹۴۲ میلادی مجموعه بسیار نفیس خطی که ضرب شش هزار
 جلد بود از یک نفر یهودی بغدادی الاصل بنام بهود ایکیا مبلغ ۷۲۰۰۰

دلار خریده است . و آن بهودی هم این کتابها را از کشورهای اسلامی خاور
 میانه جمع آوری و سپس از راه بصره بوسیله کشتی به آمریکا و دانشگاه پرینستون
 انتقال داده است . و در هفتاد سال پیش منو سید : فریب بیست
 هزار جلد کتب خطی اسلامی در کتابخانه های آمریکا موجود است و این هفتاد
 سال پیش بوده است و اکنون ببینید چه خبر است و چه نقاشی از
 کتابهای هنری بر اثره نسخ قرآن مجید در آنجا گرد آمده است . و خود شما
 بهتر میدانید که در کتابخانه های انگلستان و روسیه و وائسکان و سایر
 کشورهای غیر اسلامی از نسخ خطی گرانها و نفیس اسلامی چه غوغائی است .
 و اکنون کجاست که معترف نباشد که نجات این همه مخطوطات نفیس و گرانقدر
 چه خدمتی بزرگ و شایان به اسلام و ایران و چه سربلندی و آبرویی برای
 حوزه مقدسه و جمهوری اسلامی است . خداوند متعال درجات عالیه
 والد المعظم شمارا عالیتر و متعالیتر فرماید و خوشحال باشم که از اول ریاست
 این کتابخانه بار و باور آن جناب برودید . البته الطاف و عنایات معظم له
 طاب ثراه نسبت به کتابخانه برهمگان معلوم و مشهود است ، اما همت بلند
 و نبوغ خاص و مدبریت خلاق جناب عالی بکمک ایشان آمد تا چنین معجزه ای
 برای عالم تشیع بوجود آید و به فرموده والد بزرگوارشان شما در ریاست و اداره

وابضای کتابخانه از همان آغان نقش اساسی وارزنده ای داشته و در حقیقت شریک
 بانی و مؤسس اولی آن بوده اید و اگر شما نبودید هرگز چنین کتابخانه ای با این
 وسعت و اهمیت بوجود نمی آمد . و شاهد بر تمام این کلمات فصلنامه شهاب
 کتابخانه است که با اهتمام علی و ژرف اندیشی سرکار و همکاری پژوهشگرانی
 پرتوان و خوش ذوق براسی آن راجحان خواندنی و درخور تحسین نموده که اهل
 تحسین و تلبیع را سیرانی از آن نیست . مزید توفیقات و کامیابی شما مبراثان
 گرانمایه دانش بیت معظم در منویات بلند و والا پیمان آرزوی همگان است .
 امید که پیش از پیش در تکمیل و توسعه کتابخانه و چاپ و نشر نقاش گرانقدر
 برپا آید . آثار آیه الله العظمی مرعشی نجفی و ادامه چاپ و گسترش نشریه ارزنده
 شهاب موفق و مؤید باشد . و کوششهای بی دریغتان هوار مستدام
 باد . والسلام علیکم وعلی من حضر لدیکم ورحمة الله وبرکاته .

کرمانشاه ۲/۱۱/۷۹ کمترین بندگان مرضی حسینی نجفی

مرضی حسینی نجفی

اخبار کتابخانه

اهدای دیپلم افتخار به متولی کتابخانه

از سوی برگزارکنندگان چهاردهمین کنگره بین‌المللی آرشیو که با شرکت بیش از ۲۵۰۰ تن از کارشناسان برجسته آرشیوهای مختلف جهان در شهر سویل اسپانیا - از ۳۱ شهریور تا ۶ مهرماه سال ۷۹ - برگزار گردید، دیپلم افتخار که به امضای وزیر فرهنگ و آموزش کشور اسپانیا رسیده است، به متولی و رئیس کتابخانه (حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر مرعشی) به عنوان یکی از کارشناسان برجسته جهانی در زمینه حفظ و نگهداری و شناخت ذخایر فرهنگی اهدا گردید. متن دیپلم به زبان اسپانیایی است و نام متولی کتابخانه در زیر عبارت دیپلم با خط درشت لاتین ثبت شده است. این موفقیت بزرگ را از سوی هیأت تحریریه میراث شهاب و تمامی مسؤولان و کارکنان کتابخانه به ایشان و جامعه فرهنگی کشور تبریک می‌گوییم.

ره‌آورد سفر متولی کتابخانه به کشور مراکش

به دعوت رسمی آقای دکتر احمد شوقی بنین، رئیس کتابخانه «القصرالملکی» در شهر رباط در کشور مغرب (مراکش)، متولی و رئیس کتابخانه بزرگ آیت‌الله‌العظمی مرعشی‌نجفی - ره - حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سیدمحمود مرعشی نجفی به منظور بازدید از آن کتابخانه و دیگر کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی و دیدار با شخصیت‌های برجسته آن کشور - در پی بازدید سال گذشته آقای دکتر بنین از این کتابخانه - عازم آن کشور شدند. در این سفر آقای محمّدعلی تبریزیان از پژوهشگران کتابخانه در بخش فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی، ایشان را همراهی نمودند. دکتر مرعشی در این سفر موفقیت‌آمیز و پربار، ضمن بازدید از مراکز فرهنگی و تاریخی شهرهای رباط، دارالبیضاء، کازابلانکا، مکناس، فاس و دیدار با تعدادی از محققان و اندیشمندان آن کشور، مجموعه‌ای از کتاب‌های چاپ مغرب، به‌ویژه فهرس نسخه‌های خطی برخی از کتابخانه‌های آن دیار را جهت این کتابخانه خریداری نموده و یا به ایشان اهدا شد. همچنین میکروفیلم چند عنوان از کتب خطی در موضوع انساب و تبارشناسی موجود در کتابخانه سلطنتی رباط را تهیه و همراه خود آورده‌اند. درج گزارش تفصیلی این سفر که به معرفی برخی از نسخه‌های خطی نفیس موجود در کتابخانه‌های سلطنتی رباط، الخزانة العامة رباط، الصبّیحیة درسلا (واقع در رباط)، جامع‌العتیق مکناس، و خزانه‌القرویین فاس نیز پرداخته است، در این شماره از فصلنامه میسر نمی‌باشد؛ به یاری خداوند در شماره آینده گزارش مشروح آن از نظر علاقه‌مندان خواهد گذشت.

کنگره بین‌المللی نسخه‌های خطی

در شهر سن پترزبورگ روسیه

طی دعوتی رسمی از متولی و رئیس کتابخانه بزرگ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی - ره - به منظور شرکت ایشان در کنگره یادشده که در روزهای ۸ تا ۱۰ خرداد سال ۸۰ (29-31-may 2001) در شهر سن پترزبورگ روسیه برگزار می‌گردد، ایشان در رأس هیأتی، ضمن شرکت، مقاله‌ای نیز در مورد نسخه‌های خطی اسلامی ارائه خواهد داد، به یاری خداوند در صورت انجام این سفر علمی و فرهنگی، گزارش مشروح آن در شماره تابستان سال ۸۰ این فصلنامه از نظر خوانندگان محترم خواهد گذشت. این دومین سفر رسمی متولی کتابخانه طی دو سال قبل تاکنون به آن دیار می‌باشد، نخستین سفر ایشان، دو سال قبل با ارائه مقاله‌ای به عنوان «فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی در روسیه و کشورهای تازه استقلال یافته، نقدها و کاستی‌ها» بوده است و گزارش آن در شماره‌های پیشین این فصلنامه آمده است.

افتتاح ساختمان جدید کتابخانه در پاییز سال ۱۳۸۰

از دو سال قبل تاکنون ساختمان جدید این کتابخانه بزرگ در هفت طبقه و با زیربنایی بالغ بر شانزده هزار متر مربع با آخرین استانداردهای جهانی آماده بهره‌برداری گردیده است، اما متأسفانه به علت کسری برخی از تجهیزات ضروری، تاکنون این مهم به عهده تأخیر سپرده شده است. با توجه به عنایات مسؤولین اجرایی، تاحدودی تجهیزات مورد نیاز فراهم و نصب گردیده است؛ لیکن در راستای کمبود اعتبارات جاری کتابخانه، کماکان مشکل باقی است. لهذا طبق برنامه‌ای از پیش تعیین شده در نظر بود تا در خردادماه سال ۸۰ این ساختمان عظیم آماده بهره‌برداری گردد، متأسفانه نظر به مشکلات موجود مجدداً با تأخیر مواجه گردید و در صورت رفع برخی مشکلات، به یاری خداوند در پاییز سال ۸۰ افتتاح خواهد شد. امید است با وعده‌های مساعد مسؤولان در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور بتوانیم در سال ۸۰ این ساختمان را آماده بهره‌برداری نماییم.

لازم به یادآوری است مجموع زیربنای ساختمان جدید و قدیم بالغ بر بیست‌ویک هزار متر مربع است که این مترآژ به جز ساختمان شماره ۲ این کتابخانه واقع در خیابان امام خمینی قم - که در آن واحد انتشارات فعالیت دارد - می‌باشد. این واحد خود در پنج طبقه و در دوهزار و سیصد متر مربع ساخته شده است.

آمار کتابخانه در سال ۱۳۷۹

گنجینه کتب خطی

۱. مجموع کتب خطی خریداری شده: ۸۷۳ مجلد
۲. مجموع کتب خطی اهدا شده به کتابخانه: ۲۶۸ مجلد
۳. مجموع اسناد وارده: — سند

میکروگرافی

۱. مجموع کتب خطی میکروفیلم شده: ۷۸۳ نسخه
۲. مجموع عکس‌های گرفته شده جهت بایگانی: ۹۴۰ قطعه
۳. مجموع میکروفیلم دوبلیکیت شده: ۲۴۵ حلقه
۴. مجموع میکروفیلم پردازش شده: ۸۶۲ حلقه

مرمت و آفت زدایی

۱. مجموع ترمیم اسناد: ۲ نسخه
۲. مجموع کتب ضد عفونی شده: ۱۱۳۴ جلد
۳. مجموع رنگ نمودن کاغذ جهت ترمیم: ۸ مرحله
۴. مجموع کتب مرمت، دوخت، جلدسازی و صحافی شده: ۲۷۱ مجلد

ویژه محققان

۱. مجموع کارت‌های صادره: ۹۲ مورد
۲. مجموع سرویس دهی اطلاعات رایانه‌ای: ۵۹۰۰۰ مورد
۳. مجموع نسخ خطی تصویربرداری شده: ۱۱۴۹۴ برگ
۴. مجموع کتب سرویس داده شده: ۴۲۹۳ نسخه

اطلاع‌رسانی و خدمات فنی

۱. مجموع کتب و نشریات ثبت شده: ۴۲۷۱۸ شماره
۲. مجموع کتب (غیر لاتین) آماده‌سازی شده: ۲۰۰۰۰ مجلد
۳. مجموع فهرست‌نویسی کتب چاپی: ۹۷۲۰ مجلد
۴. مجموع فهرست‌نویسی نشریات: ۲۰۴ شماره
۵. مجموع بررسی نشریات وارده: ۲۷۰۱۷ شماره
۶. مجموع داده‌های رایانه‌ای در پایگاه‌ها: ۱۰۸۷۴۹ رکورد
۷. مجموع تصحیح داده‌های رایانه‌ای در پایگاه‌ها: ۱۳۴۴۹۱ رکورد
۸. مجموع دقایق برنامه‌نویسی و سرویس رایانه‌ها: ۲۷۷۲ دقیقه

دایرة المعارف

۱. مجموع شناسه‌نویسی از اسامی کتابخانه‌ها: ۲۹۹۶ برگ
۲. مجموع عنوان‌نویسی شناسه‌ها: ۲۹۹۶ عنوان
۳. مجموع تألیف، ویرایش و ترجمه مقالات: ۱۵ مقاله
۴. مجموع کتابخانه‌های شناسایی شده: ۸ مورد

گنجینه کتب چاپی

۱. مجموع کتب چاپی سرویس داده شده به اعضای کتابخانه: ۱۰۲۶۷۱ مجلد
۲. مجموع کتب چاپی تصویربرداری شده برای مراجعان:

۱۰۱۵ جلد، شامل ۲۴۶۳۰ برگ تصویر

گنجینه کتب لاتین

مجموع کتب لاتین وارده: ۲۴۹ جلد

رایانه

۱. مجموع اطلاعات داده شده رایانه‌ای: ۲۹۳۰۸۲ مورد
۲. مجموع سفارش رایانه‌ای کتاب: ۹۷۶۹۴ مورد
۳. مجموع صدور کارت عضویت رایانه‌ای: ۶۱۴۳ مورد

پذیرش میهمانان (تشریفات)

۱. مجموع میهمانان داخلی: ۲۶۱ گروه (۶۴۶۷ نفر)
۲. مجموع میهمانان خارجی: ۶۹ گروه (۵۰۵ نفر)

دبیرخانه

۱. مجموع مکاتبات داخلی و خارجی: ۵۰۳۲ مورد
۲. مجموع ارسال فصلنامه: ۲۵۰۴ مورد

توزیع کتاب

۱. مجموع کتب سرویس داده شده به اعضای کتابخانه (واحد برادران): ۷۶۲۷۰ مجلد

صحافی کتب چاپی و روزنامه‌ها و مجلات

۱. مجموع کتب صحافی شده: ۵۳۵ مجلد
۲. مجموع نشریات صحافی شده: ۱۰۰۴ مجلد

انتشارات کتابخانه در سال ۱۳۷۹

۱. فصلنامه «میراث شهاب»، چهار شماره.
۲. گیهان شناخت، از قطان مروزی با مقدمه مفصل تولید کتابخانه.
۳. تذکره الانساب (عربی)، از الشریف أحمد بن محمد بن مهنا العبدلی.
۴. فهرست کتاب‌های چاپ سنگی کتابخانه ملی تبریز، از منصوره وثیق.
۵. فهرست میکروفیلم‌های دارالمخطوطات صنعا در یمن (عربی).
۶. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه (جلد ۲۸).
۷. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دولتی عشق‌آباد (ترکمنستان).
۸. فهرست نسخه‌های خطی انستیتو شرق‌شناسی و آثار خطی تاجیکستان (شهر دوشنبه)، جلد سوم، زیر نظر علی بهرامیان و سید علی موجانی.
۹. فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه ملی جمهوری چک (پراگ)، به کوشش رضا میرجی، زیر نظر علی بهرامیان.
۱۰. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دولتی روسیه (لنین)، علی بهرامیان.
۱۱. فهرست ملحقات الاحقاق الحق، جلد‌های ۳۴ و ۳۵ و ۳۶، از سید عبداللطیف الکوهمری.
۱۲. وصیتنامه الهی اخلاقی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی - ره -، از روابط عمومی کتابخانه



MIRAS-E

SHAHAB

Journal of

The Grand Library of Ayat Allah Marashi Najafi

Address: Ayat Allah Marashi Najafi st.

Qom - 37157. I.R. IRAN

Tel: + 0251 - 7741970-8

Fax: + 0251 - 7743637

ایترنت:

WWW.MarashiLibrary.com or net or org

پست الکترونیک:

SM-Marashi@MarashiLibrary.org

Managing Director: Dr. Seyed Mahmoud Marashi Najafi

under the supervision of the Editorial Board Reza

Chief editor: Mohammad Esfandiary

Editor : Mohsen Ali Beigi

Typesetting and Layout: Mohammad Mohammadi

- **Miras-e Shahab**, covers the news of the Grand Library of Ayat Allah Marashi Najafi, as well as the following issues:
- To introduce Manuscripts of the Library.
- To introduce the incunabuals kept in the Library.
- To introduce the Publications of the Library.
- Reports from tours by Library's researchers.
- Articles on Criticism and Authorship.
- Articles on Librarianship and Bibliography.
- Articles on introducing various Libraries.

- The use of the articles from this journal is permitted only if reference is made.
- The views presented in this journal are those of the authors.
- No article received will be sent back to the sender.
- The received articles will be edited technically by the editorial board.
- **Miras-e Shahab** is published quarterly at the end of each season.



The First Page of *Kimya-ye-Sa`adat* by Gazzali, the Excellent Illuminator Manuscript, Dated of 1501/907AH, one of the Excellent Manuscripts of this Library

MIRAS

SHAHAB



Journal of The Grand Library of Ayat Allah Marashi Najafi

Vol. 6, no. 4, Serl. No. 22, Winter 1379/2001



Many Sample of the Illuminator Qurāns of this Library,
in the ((`Ammāmeēi)), ((Ja-Namāzi)) & ((Nim-Ruq`ai)) (Sizes)